

آن‌شی‌گائو، بودای پارسی

این کتاب بازتاب رویدادی تاریخی در زمینه بودیسم و بیداری بودا است و انتقال این روشنگری توسط یک شاهزاده پارسی در آن‌سوی مرزها و مقصود و منظور آن این است که ناگفته‌های مهم تاریخی در برابر دید عموم قرار داده شود و اگر در آن اشاراتی به آموزه‌های آن‌شی‌گائو (الهام گرفته از بودا ساکیامونی) است، دال بر تبلیغ مذهبی و تحمیل باید و نبایدهای مذهبی نیست و فقط اشاره‌ای است که دانش والای این فرزانه پارسی که تا کجا رفته و چه تحولی در 'بودیسم'، در 'چان چینی' و در 'ژاپنی' ایجاد کرده است.

پژوهش * - ۵ -



خسرو دهدشت‌حیدری
|دوتت‌سوژن جی|



آن‌شی‌گائو، بودای پارسی

سفری به هفت شهر عشق

خسرو دهدشت‌حیدری | دوتتسو ذنجی، راهب بودایی ذن



نشر مهری برای گذر از سانسور و خوانش آسان و بی‌دردسر، با اجازه نویسنده، پی‌دی‌اف کتاب‌ها را برای دائلود رایگان در دسترس خوانندگان داخل ایران قرار می‌دهد.



نمایه

۷	مقدمه مؤلف
۱۱	درآمد نخست
۲۳	درآمد دوم
۲۷	شهر نخست
۴۳	شهر دوم
۶۳	شهر سوم
۸۵	شهر چهارم
۱۱۵	شهر پنجم
۱۵۱	شهر ششم
۱۶۱	شهر هفتم
۲۰۱	پیوست
۲۵۱	بدرود
۲۵۵	کتابشناسی



نشر مهری

پژوهش * ۵

آن‌شی‌گائو، بودای پارسی

نویسنده: خسرو دهدشت‌حیدری
(دوتتسودنجی)

چاپ اول: ۱۳۹۶ | شمارگان: ۱۵۰ نسخه |
شابک: ۹۷۸-۱-۶۴۲۵۵-۸۳۵-۷ |
قیمت: اروپا ۱۸ یورو | آمریکا ۲۰ دلار | انگلستان ۱۶ پوند |

صفحه آرا: کریستین رضایی |

طراح جلد: رضا زواری |

مشخصات نشر: نشر مهری: لندن/ ۲۰۱۸
میلادی/ ۱۳۹۶ شمسی.
مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.: غیر مصور.
موضوع: پژوهش. بودیسم.

کلیه حقوق محفوظ است.
© ۲۰۱۸ نشر مهری.



www.mehripublishation.com
mehripublishation@gmail.com

پیشکش به مادر و پدر عزیزم
به پاس سال‌ها تلاش، عشق و از خودگذشتگی



جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زدند
آسمان بار امانت نتوانست کشید
قرعه فال به نام من دیوانه زدند
حافظ



اساس گسترش تمدن بشر از ایران آغاز می‌شود و این نقطه، سرآغاز
تاریخ جهان است.
نیچه



وی از اَرشک آمد
زنگوله‌های شترش جرنگ جرنگ می‌کردند
گنجشک‌ها چهچه می‌زدند
وقتی که با ردای آجری رنگش
آب‌ها و کوهستان‌ها را می‌پیمود
او
از شن‌های طلایی بیابان بیرون آمد

❁ مقدمه مؤلف

این اثر در پی آگاهی‌رسانی تاریخی-فرهنگی با رویکردی تاریخی به دستاوردهای شاهزاده‌ای اشکانی «آن‌شی‌گائو» از سرزمین پارس است. آن‌شی‌گائو تحولاتی سترگ در بودیسم چینی ایجاد کرد که به سایر نقاط خاور دور گسترش یافتند. در این نوشتار سعی کرده‌ام تا معلومات موجود درباره آن‌شی‌گائو در متون کهن و معاصر را یک‌جا جمع‌آوری کنم. بنابراین، کتاب حاضر مجموعه‌ای از منابع، اشارات، شواهد ادبی، سنگ‌نبشته‌ها، نام‌ها و شخصیت‌ها و ارتباط بین آن‌ها در رابطه با این شاهزاده‌ی پارسی است. در تدوین این مجموعه تلاش کرده‌ام تا با تکیه بر ارجاعات و اسناد معتبر، حقایق پنهان شده در زیر غبار تاریخ را در مقابل دیدگان جهان قرار دهم.

هدف اصلی من در نگارش این کتاب، به چالش کشیدن تاریخ‌نویسانی است که در مورد بودای پارسی دچار اشتباه شده‌اند. این مجموعه، در



Joshu's Dog

کوآن (Mu) توسط استاد جوشو [پاسخ به پرسش یک راهب]

حقیقت مانند جرقه‌ای است در تاریکی محض که امیدوارم بسیاری از حقایق ناگفته را در معرض نور قرار دهد. هیچ یک از نویسندگان و محققانی که آن‌شی گائو را به جهانیان معرفی کردند نه ایرانی بودند و حتی شاید سرزمین ایران را هم به چشم ندیده باشند. از این رو می‌توان ادعا کرد که آن‌ها آنچه را که حقیقت دانسته‌اند، به دور از هر نوع تعصب و جانب‌داری، بازتاب داده‌اند. آن‌ها حقایقی را که در مطالعاتشان یافته‌اند را با شواهد و اسنادی معتبر به جهانیان معرفی کرده‌اند. امیدوارم محققان بیشتری به جست‌وجو درباره این شاهزاده پارسی بپردازند، چرا که گفتنی‌های بسیاری است که باید بیان گردند و حقایق پنهانی که به کاویدن در آیند.

آن کسانی که با بودیسم کم‌وبیش آشنایی دارند جنبش آن‌شی گائو را بدون شک دستاوردی بزرگ برای بشریت تلقی می‌کنند. دیگران نیز سهم او را در تحول فرهنگی چین پُر بها می‌دانند و ستایش می‌کنند. در صحت این گفتار، شواهد بسیاری هست که باید به آن‌ها اشاره کرد. برای نمونه در بخش کتابشناسی منابع بسیار ارزشمند و معتبری در اختیار خواننده قرار می‌گیرد. بخش کتابشناسی ارجاعات بسیاری دارد که می‌توان آن منابع را در سایت‌های فرهنگی و کتابخانه‌ها یافت و این برای کسانی است که شوق تحقیق بیشتر در این زمینه را دارند، می‌تواند راه‌گشا باشد. به علاوه، اشاره به واژه‌های چینی که در مقابل نام‌ها و مکان‌ها و غیره آمده است، صرفاً به منظور اعتبار دادن به ادعاهایی است که پژوهشگران و نویسندگان بزرگ از آن سخن رانده‌اند.

افتخار من است که تألیف این کتاب را، هر چند که کامل نباشد، باشوق بسیار به عهده گرفتم؛ چون بیم از آن می‌رفت که حقیقت «آن‌شی گائو» به زیر توده‌ای از غبار فراموشی تاریخ مدفون شود و شخصیت والای این

فرزانه‌ی ایرانی که تحول عظیمی در بودیسم «چآن» چینی و «ذن» ژاپنی ایجاد کرد، از یادها برود. به علاوه، به این نکته نیز باید اشاره کنم که عهد اینجانب به نوشتن این اثر ارایه شناخت بهتری از این موضوع با توجه به ریشه‌های تاریخی به جای مانده در اسناد تاریخی است.

بی‌شک این کتاب نواقص و نارسایی‌هایی دارد و از این رو، یاری شما هم‌میهنان و هم‌زبانان در کامل کردن و تصحیح نمودن این اثر، سبب خوشحالی و سپاسگزاری اینجانب خواهد بود. پیام این کتاب متعلق به همه‌ی انسان‌هاست، پس بی‌تردید با هم‌فکری و همدلی شما همراهان فرهنگ‌دوست، می‌توانیم فرهنگ و تمدن سرزمین عزیزمان ایران را به جهانیان بازشناسانیم.

در این جا لازم می‌دانم تا از دوست بسیار عزیزم جناب دکتر بهمن ذکی‌پور، استاد فلسفه‌ی دانشگاه توکیو ژاپن، که با معرفی برخی منابع راه مرا به دنیایی دیگر باز کرد صمیمانه سپاسگزاری کنم. در ضمن، از تمام کسانی که مستقیم و غیرمستقیم مرا به نوشتن این کتاب تشویق کرده‌اند و در مدت نگارش این کتاب با بنده نهایت همکاری را نموده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم. در پایان لازم می‌بینم از استاد ارجمند دکتر محمود کویر عزیز، پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ایران، به خاطر ویرایش این کتاب سپاسگزاری کنم. بادا همه شاد باشند.

خسرو دهدشت‌حیدری (دوتسو ذنجی)

پاییز ۲۰۱۶

درآمد نخست ❀

طبق قانون کارما (Karma) هر چیزی که در زندگی انسان به وقوع می‌پیوندد دلیل خاصی در پس آن است. این گفته را می‌توان در شرایط ویژه پذیرفت، اما گاهی شخص، اشخاص یا حتی رویدادی می‌تواند در زندگی شما تاثیر بگذارد و دیدگاه شما را تا حد زیادی تغییر دهد. چنانچه مثبت باشد تغییر چشمگیری ایجاد می‌کند و شما به زودی تاثیر این رویداد را در می‌یابید. با توجه به اینکه این اهرم قدرتمند تا چه حد در زندگی شما عمل کرده و چه شتابی به هدف‌تان داده است بستگی به تعبیر و تفسیر شما دارد. بدون شک، هر چیزی به دلیل خاصی اتفاق می‌افتد که چندان هم اتفاقی نیست و رازهایی در پس آن هست. می‌توان هر اسمی روی آن گذاشت اما علمی‌ترین عنوان «قانون جذب» است که این اصطلاح برای بسیاری آشنا است. قانون جذب، واقعیتی از تجربه‌ای است که به‌طور دقیق بازتاب ذهن خودمان است؛ یا به تعبیری دیگر ارتباط بین افکارمان با واقعیت خلق شده توسط خودمان است. همین رویداد برای من انگیزه‌ای قدرتمند ایجاد کرد تا بتوانم این کتاب را تنها برای آگاهی‌رسانی به کسانی که به موضوع مورد بررسی اشتیاق نشان می‌دهند پیشکش کنم و باور دارم که هستند مشتاقانی که پشتیبان این آگاهی‌رسانی باشند.

عنوانی که برای این کتاب انتخاب کرده‌ام ممکن است برای برخی

پرسش برانگیز و شاید مبهم به نظر برسد به ویژه که نام انتخاب شده با توجه به نام‌هایی که با آن‌ها آشنایی داریم کمی بیگانه به نظر بیاید. اما این عنوان از این جهت برگزیده شده که مدرسه‌ای که در آن تحصیل می‌کنم (مدرسه ذن) شکل پُررنگ‌تری به آن داده است و شاید به راهی که برگزیده‌ام معنا و مفهوم متفاوتی داده باشد. شاید موضوع مطرح شده در این کتاب را کامل‌کننده راهم بدانم، یعنی در واقع نیمه‌ی پنهان آن «راه» را یافته باشم. موضوع مورد بحث ما ممکن است برای گروهی با توجه به دیدگاه مذهبی‌شان چندان مثبت به نظر نیاید و یا بعضی دیگر با دیده شک به آن بنگرند یا آن را مغایر با راه و روش خود بدانند. اما به دور از جنبه مذهبی که ممکن است بعضی‌ها به آن حساسیت داشته باشند، با اطمینان می‌توانم بگویم که ریشه‌های تاریخی این موضوع قابلیت برانگیزی کنجکاو هرکس که به فرهنگ ایرانی خود باور دارد و یا حتی تا اندازه‌ای به گذشته کهن خود افتخار می‌کند را داراست. من به عنوان یک آموزگار، ممکن است مبلغ یک «طریقت راستین» باشم و دیگران را دعوت کنم که آن را تجربه کرده و دنبال کنند.

برخی ممکن است آن را آموزنده بیابند و بعضی دیگر با بی تفاوتی آن را رد کنند. این مربوط به علاقه شخصی و انتخاب بین پذیرش و عدم پذیرش یک ایده است. اما زمانی که موضوع مربوط به فرهنگ این مرز و بوم و تاریخ غنی آن می‌شود تعبیر دیگری پیدا می‌کند و ما نه تنها به آن بی‌اعتنا نخواهیم بود بلکه ما را ملزم می‌کند که نسبت به آن کنجکاو تر باشیم و کوشش می‌کنیم آن را مسئولانه تر و ارس‌ی کنیم. شایسته و بایسته

است که به آن اهمیت داد که این نسل از دیرباز یعنی از قرن‌ها پیش چگونه می‌اندیشیده و چگونه به مردم خدمت می‌کرده است. در این جا واژه نژاد به معنی نژادپرستی و یا حمایت از یک نژاد خاص و منحصر به فرد نیست بلکه خدماتی است که ایرانیان از زمان کوروش کبیر^۱ به یاد دارند و آنانی که بعد از وی خدمات همانندی داشتند و به جهانیان پیام دوستی و برادری می‌فرستادند. باید به داشتن چنین اصل و فرهنگی افتخار کرد و از آن پشتیبانی نمود و تلاش کنیم هویت خودمان را با آن مشخص کنیم.

باید اعتراف کنم که من نویسنده، تاریخ‌دان، محقق مذاهب تطبیقی یا غیره نیستم. به منظور شهرت و مقام نمی‌نویسم. راهب ساده زیستی هستم که چشمم به حقیقتی که منطبق بر مسیر و «راهم» بود باز شد و در این راستا به موضوعی برخورددم (یعنی حقیقت دوم)^۲ که به موازات دریافت‌هایم بود، و با الهام از آن تصمیم گرفتم آن را به صورت نوشتار بیان کنم تا شاید دیگران نیز به آن آگاهی یابند و در آشکارسازی آن بکوشند. به عنوان یک معلم، وقت خود را صرف آموزش «بیداری» به راه و روش «بودیسم‌دن» کرده‌ام گرچه هنوز خود را شاگرد این طریقت می‌دانم و در اتوبان حقیقت گاهی به پیش و گاهی به پس همراه با رهروان راه بیداری تا رسیدن به حقیقت مطلق در حرکتیم. اما در عین حال

۱. منشور کوروش نمونه آشکاری از اندیشه‌ای والا، روح انسانی و عظمت فکری است که به صورت فرمان سیاسی به نام آزادی بشر، احترام به باورها و رسوم ملت‌ها از هر قوم و دسته، از هر رنگ، نژاد و دین در آن دوران صادر شده است. دورانی که هنوز نیمی از بشریت در تاریکی مطلق به سر می‌بردند. نجات یهودیان بابل که اسیر «بخت‌النصر» بودند یکی دیگر از کارهای انسانی کوروش کبیر است در قبال قومی رنج‌دیده بود (به نقل از انجمن کلیمیان ایران).

۲. حقیقت اول این که چشمم به دنیای بودیسم‌دن باز شد و حقیقت دوم جنبش فرهنگی-مذهبی آن‌شی‌گائو است که توسط متفکران و پژوهشگران غربی و شرقی به دنیا معرفی شد و راهم را پربارتر کرد.

۱. بودیسم به‌طور عام و «ذن» به‌طور خاص یک درمان و یک طریقت رهایی قلمداد شده است و با مذاهب وابسته به شکل‌هایی متفاوت است. در نوشتارهای دیگرم از بودیسم و بودیسم‌دن بیشتر سخن رفته است.

از هر فرصتی برای کسب بیشتر ویژگی‌های انسانی تلاش می‌کنم، به قول مولانا «انسانم آرزوست». این کتاب یا هر آنچه می‌خواهید آن را بنامید یک اثر ادبی یا یک شاهکار هنری نیست بلکه بازتابی از واقعیت دوم (برای شخص من) که من راهب را ترغیب کرد که بتوانم نام گمشده یک فرزانه ایرانی که تحول فرهنگی عظیمی در چین به وجود آورد را به استناد به شواهد، و مشاهدات محققان کنجکاوی که در این زمینه نوشته و تحقیق کرده‌اند آشکار سازم.

در سال ۱۳۷۹ کتابچه‌ها و ترجمه‌هایی در زمینه بودیسم و ذن، آماده چاپ داشتم و توسط دوست بسیار عزیزم شادروان دکتر پرویز فروردین^۱ که به تشویق و راهنمایی او راه ذن را یافتم مصمم به چاپ آن‌ها در ایران شدم که نه تنها توسط وزارت ارشاد اسلامی مورد تأیید قرار نگرفت بلکه بدون هیچ دلیلی به دردسر افتادم. البته آن را به فال نیک گرفتم چون در آن زمان با کتاب پروفیسور آنتونینو فورته^۲، کتاب استاد مصطفی وزیری^۳ و غیره آشنا نبودم و چه بسا کتاب‌های یاد شده، ناقص در اختیار خوانندگان عزیز قرار می‌گرفت.

کتاب منتشر نشده من تحت عنوان «ذن-موندو»^۴ را در سال ۱۳۸۵

۱. زنده یاد مرحوم دکتر پرویز فروردین (۱۳۱۲-۱۳۷۹)، شاعر، روانپزشک، مترجم و نظریه‌پرداز جامعه‌شناسی که در شهر شیراز به دنیا آمد. تز و تحقیقات وی در خصوص جامعه‌شناسی آمار مورد تأیید سی دانشگاه بزرگ جهان قرار گرفته. او کتاب «مکتب درمانی شرق (ذن)» را در سال ۱۳۵۱ نوشت و برای اولین بار «ذن» را به صورت نظری در ایران معرفی نمود. کتاب‌های دیگر ایشان عبارتند از: القای علمی مدینه فاضله، جامعه‌شناسی آمار، انسان در حد واسط خود و دیگران، روانکاوی و روانشناسی هنرمند (ترجمه)، و کتاب‌های شعر: رباعیات باباطاهر عریان، جمود نعشی، معجزه جام، هیئات و شهر است.

۲. خانواده ایرانی در چین

۳. آئین بودا در ایران

۴. پرسش و پاسخ ذن

در لندن نوشتم. کتاب دیگری تحت عنوان «زندگی من در ذن» را در سال ۱۳۹۰ نوشتم و کوشش کردم که توسط دوستانم در ایران چاپ شود که بعد از دو سال انتظار برای بار دوم برای چاپش جواب منفی گرفتم. در سال ۱۳۹۲ یکی از دوستان بسیار خوبم آقای دکتر بهمن ذکی‌پور کتابی را به من معرفی کرد. این کتاب نایاب بود و او توانست تنها کتاب باقیمانده را بیابد و از ژاپن برایم پست کند. نام این کتاب «خانواده ایرانی در چین» نوشته پروفیسور آنتونینو فورته ایتالیایی^۱ بود. در همین راستا و به طور اتفاقی به کتاب دیگری برخوردیم با عنوان «بودیسم در ایران»^۲ که این دومین مقاله کنونی ام شد و همچنین گزیده‌هایی از کتاب‌های دیگر در همین زمینه که اطلاعات این مقاله را رساتر کند. کتاب‌ها را خواندم و بسیار شگفت‌زده شدم و به خود بالیدم که یک بودهیساتوای^۳ پارسی در نیمه‌های قرن دوم بعد از میلاد از سلسله اشکانیان تحولی در بودیسم نه تنها در خاک خود بلکه در آن سوی مرزها به وجود آورده است. این درست مانند این است که عده‌ای دانشمند خدمات ارزنده‌ای به بشریت داشته‌اند و مورد احترام عموم قرار گرفته‌اند و بعد معلوم شود که یکی از این دانشمندان از هم‌وطنان شما بوده است، تصور کنید چه افتخار و شادمانی به شما دست می‌دهد. آنتونینو فورته از شخص «بیدار شده»ای صحبت می‌کند که به عنوان یک راهب نه تنها برای من بلکه برای کسانی که اهل معرفت هستند بسیار پر معنا و قابل ستایش است

۱. پروفیسور آنتونینو فورته (۱۹۴۰-۲۰۰۶) Antonino Forte نویسنده، پژوهشگر، چینی‌شناس ایتالیایی و مؤلف کتاب‌ها و مقالات گوناگون به ویژه کتاب «آن‌شی‌گاوی مهاجر و نوادگانش» (خانواده ایرانی در چین) که در سال ۱۹۹۵ آن را نگاشت و به قول خودش بهترین اثرش است.

۲. کتاب Buddhism in Iran به زبان انگلیسی است و تصور نمی‌کنم به فارسی برگردانده شده باشد.

۳. فرشته نجات در ماهایانا بودیسم. بوداهای بالقوه که تعهد دارند همه موجودات زنده را نجات دهند.

به خصوص اینکه دانش و خدمات وی از مرزها بگذرد. استاد مصطفی وزیری حقایق را در رابطه با پیوند و تاثیر متقابل دو فرهنگ بودایی و ایرانی با جزئیات بیان می‌کند و دارای اطلاعات جامع و سودمندی است که بنده توانستم فقط بخش‌های بسیار ناچیزی را از آن منابع غنی استفاده کنم و از شرح تمام جزئیات پرهیز کنم چون باور دارم که عاقل را اشارتی کافیست.

اول ببینیم که پروفسور آنتونینو فورته که در برخورد با جنبش فرهنگی آن‌شی‌گائو که تمام تمرکز خود را بر شناسایی این بودای پارسی نهاده است کیست. آنتونینو فورته در ماه اوت ۱۹۴۰ در شهر چفالو در استان پالرمو ایتالیا متولد شد. تحصیلاتش به چینی و ژاپنی بود و تحقیقات و مطالعاتش در «فرهنگستان مطالعات شرق» در دانشگاه ناپل بود. او در سی نوامبر ۱۹۶۴ موفق به دریافت مدرک دانشگاهی در زمینه زبان‌ها و تمدن‌های آسیای شرقی شد. تخصص او در مطالعات بودیسم چینی در در دانشگاه کیوتو «موسسه مطالعات اومانستی»^۱ بود که از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۹ ادامه داشت. از نوامبر ۱۹۸۱ تا آخرین روزهای حیاتش به عنوان پروفسور مذاهب و فلاسفه آسیای شرقی (IUO)^۲ در دانشگاه ناپل که هم‌اکنون موسسه مطالعات دگلی^۳ است به عنوان پروفسور مذاهب و فلسفه آسیای شرقی تدریس می‌کرد. از ماه سپتامبر تا نوامبر ۱۹۷۲ در ماموریت باستان‌شناسی (isMEO)^۴ در غزنی افغانستان شرکت کرد. از نوامبر ۱۹۷۶ تا اکتبر ۱۹۸۵ در توکیو به عنوان

1. Jinbun Kagaku Kenkyusho

2. Institute Universitario Oriental

3. Universita Degli Studi di Napoli "L" Orientale

4. Istituto italiano per il Medio ed Estremo Oriente

عضو (EFEEO)^۱ مدرسه فرانسوی مطالعات شرقی فعالیت داشت. از ماه مه ۱۹۸۷ تا اوت ۱۹۹۷ و بار دیگر از سپتامبر ۱۹۹۸ تا اوت دوهزار او رئیس مدرسه ایتالیایی مطالعات آسیای شرقی در کیوتو بود. از ۱۹۸۵ تا سال ۲۰۰۶ او عضو سردبیری (موسسه مطالعات آسیایی خاور دور «کاهیرز»)^۲ را به عهده داشت اما رشته اصلی تحصیلی اش، تاریخ چین از قرن اول تا قرن دهم بود که از طریق مطالعه مذاهب خارجی (آئین بودا، آئین مانوی، مسیحیت و غیره) بود.

پروفسور فورته در چهارده فوریه ۱۹۹۰ در برخورد با پروفسور ماکیتا تایریو که با ترجمه‌های آن‌شی‌گائو آشنایی داشت در ملاقاتی با او در «مدرسه ایتالیایی مطالعات آسیای شرقی» در کیوتو کلید پژوهش‌های عمیق خود را درباره فرزانه پارسی زد و زمان بیشتری بر این تحقیق نهاده شد و به گفته خودش این «پژوهش» تمام نوشته‌های دیگرش را تحت الشعاع قرار داد و حرکت او باعث شد که پژوهشگران دیگر در این زمینه از او الهام بگیرند. از پروفسور آنتونینو فورته چندین کتاب و مقاله به جامانده است که به باور خودش کتاب «خانواده ایرانی در چین» از پژوهش‌های مهم او بوده است.

دوم، کتاب این فاضل ایتالیایی را سرشار از تاریخ‌های دقیق و منابع معتبر و نام‌های گوناگون شناخته شده یافتیم که نشان از زحمات چندین ساله او و سایر همفکرانش در این زمینه دارد و قابل قدردانی است. با اینکه خود را مترجم کامل نمی‌دانم اما نمی‌دانم چه نیرویی مرا

1. Ecole française d'Extrême-Orient

2. Cahiers d'Extrême-Asie

برانگیخت که بدون درنگ دست به ترجمه آن بزنم^۱ و حقیقتاً نمی‌دانم چه مدت آن را تمام کردم با این نیت که شاهزاده پارسی را آن‌گونه که نویسنده و سایر پژوهشگران به تصویر کشیده بودند بازتاب و منتقل کنم اما دریافتیم که فزونی تاریخ‌ها، ارجاعات و نام و نشان‌های گوناگون در کتاب «فورته» ممکن است بسیاری از خوانندگان را از رسیدن به یک حقیقت ملموس و لب مطلب دور دارد. تصمیم گرفتم همین کتاب را مبنای کارم قرار بدهم و با تجربیاتی که از دو مدرسه بودایی «تراودا» و «ماهایانا» و دانشی که خود در این زمینه داشتم^۲ و ترجمه بخش‌هایی از کتاب‌های دیگر، به صورت ساده در اختیار هم‌زبانانم قرار دهم و کنجکاوی آن‌ها را برای بررسی‌های بیشتر برانگیزم. در حقیقت آنچه در این کتاب آمده تنها اشاره‌ای است به حضور فیزیکی شاهزاده اشکانی در سرزمین چین و آموزه‌های وی که نیاز به کنکاش بیشتر دارد. این کتاب تلنگری است به حقیقت بزرگی که هم اکنون آشکار شده است.

این کتاب بازتاب رویدادی تاریخی در زمینه بودیسم و بیداری بودا است و انتقال این روشنگری توسط یک شاهزاده پارسی در آن‌سوی مرزها و مقصود و منظور آن این است که ناگفته‌های مهم تاریخی در برابر دید عموم قرار داده شود و اگر در آن اشاراتی به آموزه‌های آن‌شی‌گائو (الهام گرفته از بودا ساکیامونی) است، دال بر تبلیغ مذهبی و تحمیل باید و نبایدهای مذهبی نیست و فقط اشاره‌ای است که دانش والای این فرزانه پارسی که تا کجا رفته و چه تحولی در «بودیسم» در

۱. کتاب آنتونیو فورته تحت عنوان «خانواده ایرانی در چین» توسط انتشارات ساترابی در فوریه‌ی ۲۰۱۸ در لندن چاپ شده است. اطلاعات این کتاب و ارجاعات داده شده بسیار غنی است.

۲. در سال ۱۳۵۷ در هند و در زمان تحصیلم با بودیسم آشنا شدم و در سال ۱۳۶۴ در ژاپن به‌طور رسمی به جمع سالکان «رین زای - ذن» پیوستم.

«چآن چینی» و در «ذن ژاپنی» ایجاد کرده است.

هفتم این است که مذهب یا طریقتی که بیش از چند میلیارد نفر در جهان پیرو دارد، چرا و چگونه توسط بعضی از فرزندگان این «طریقت» شکل گرفت و به جهانیان ارائه شد. و آیا تاریخ عمومی و مورخان بودایی حقایق را در مورد آن فرزندگان یکسان نوشته‌اند یا اینکه یک بام و دو هوا عمل کرده‌اند. بعد از دریافت دعوتنامه‌ای از دانشگاه هانازونو^۱ در سال ۱۳۶۳ و تمرینات مقدماتی ذن در آن‌جا، برای انجام تمرینات نظام‌مند طولانی، به معبد سوگن‌جی^۲ در اکایاما معرفی شدم، خوشحال بودم که شکل دیگری از آموزه‌های بودا را تحت عنوان «ذن» دریافت می‌کنم که تا اندازه‌ای با سایر مدارس فکری هم به لحاظ ساختار و هم به لحاظ محتوا متفاوت بود. مورد استقبال راهبان و راهبه‌ها قرار گرفتم و خوشحال بودم که در ایران هم با این مکتب آشنا هستند و از آن می‌دانند. پرسش‌شان از من این بود که چگونه با بودیسم و ذن آشنا شدم و آگاهی ایرانیان از این طریقت تا چه اندازه‌ای است.

احساس می‌کردم که دانش آن‌ها، به‌خصوص متفکرین ژاپنی که تحول عظیمی به شکل «ذن» در بودیسم به وجود آوردند، نسبت به متفکران ایرانی بسیار پیش‌روتر است. چیزی برای گفتن نداشتم و فقط به نام چند متفکر ایرانی غیر بودایی اشاره کردم که برای‌شان چندان آشنا نبود. غافل از اینکه مدرسه‌ای که هم اکنون آن‌ها در آن آموزش می‌بینند الهام گرفته از اندیشه‌های یک فرزانه‌ی ایرانی است که زمینه‌ساز

۱. دانشگاه هانازونو Hanazono University یک دانشگاه خصوصی است که در شهر کیوتو ژاپن قرار دارد و به شاخه رینزائی ذن تعلق دارد و وابسته به معبد میوشین جی (معبد مادر) است. تعلیمات اولیه ذن برای خارجی‌ها از این دانشگاه آغاز می‌شود و در معابد و صومعه‌ها کامل می‌گردد.

۲. سوگن‌جی Sogenji monastery خانقاه بودایی ذن (رینزائی-ذن) در شهر اکایاما-ژاپن

تحولات مدارس بودایی چین و ژاپن بوده است؛ و آنچه که امروزه مایه‌ی مباحث ژاپن است، همان «چان^۱ چینی» الهام گرفته از آموزه‌های شاهزاده اشکانی است که رنگ و لعاب ژاپنی گرفته است. اما تفاوت در این است که ژاپنی‌ها به محض دریافت بودیسم آن را با آغوشی باز پذیرفتند و با ویژگی‌های روانشناختی و ساختار ذهنی خود در آمیختند و گل‌بیداری و شکوفایی را در باغ حاصل‌خیز خود کاشتند. درحالی‌که ما نتوانستیم این الماس نتراشیده را در سرزمین خودمان صیقل دهیم؛ و مجبور شدیم در قرن چهاردهم شمشیرهای تراشیده را به زور بپذیریم که نتیجه آن به آتش کشیده شدن کتاب‌ها و مکان‌های فرهنگی و مذهبی بود که در آتش جهل و نفرت سوختند.

این کتاب شرح کوتاه از زندگی یک ولیعهد اشکانی به نام آن‌شی‌گائو است که تخت پادشاهی را برای راهب شدن و گسترش بودیسم رها کرد و در سال ۱۴۸ بعد از میلاد به‌عنوان مهاجر و اولین مترجم متون بودایی به چینی و نیز اولین مبلغ بودایی در چین وارد لئویانگ^۲ پایتخت چین شد. کسی که به مهم‌ترین مترجم متون بودایی در زمان گسترش اولیه این سنت در آسیای شرقی تبدیل گردید. شوربختانه آن‌شی‌گائو برای بعضی مورخان بودایی و مورخان عمومی^۳ به هیچ وجه مهاجر و مترجم نبود و برداشت متفاوتی از او داشتند: (۱) او را راهب نمی‌دانستند. (۲) او را مهاجر قلمداد نمی‌کردند. (۳) کوماراجیوای هندی را به‌عنوان اولین

۱. چان Chan»an یا Ch»an بودیسم چینی است که در سال (۱۱۴۱-۱۲۱۵) توسط راهب ژاپنی «میوان ایسای» به ژاپن آمد و تحت عنوان ذن متحول شد.

۲. لئو یانگ Luoyang: یکی از شهرهای چین در استان هنان در جنوب شرقی چین است. در آن زمان پایتخت چین و مرکز مقدسی به‌حساب می‌آمد.

۳. اشاره پروفیسور آنتونینو فورته از بعضی مورخان عمومی و بودایی همان مورخان هستند که حضور و فعالیت آن‌شی‌گائو را در چین نادیده گرفتند و بر این حقیقت سکوت اختیار کردند.

مترجم به نوعی جایگزین او کرده بودند.

از آن‌جایی که آن‌شی‌گائو اولین مترجم و در عین حال یک راهب بوده است و باتوجه به سنت بودایی آن زمان در مورد مجرد بودن یک راهب، چگونه می‌توان از فرزندان، نوادگان و گسترش دانش او صحبت به میان آورد؟ در این صورت مورخان از خود خواهند پرسید که آیا آن‌شی‌گائویی که آن‌ها می‌شناسند همان کسی است که در این کتاب یا کتاب‌هایی از این نمونه به آن پرداخته شده یا شخص ناشناس دیگری است که به‌طور اتفاقی همین نام را داشته است؟ پاسخ من این است که در این‌جا باتوجه به داده‌های پژوهشگران و محققان به بحث در مورد شخصی خواهم پرداخت که در منابع معتبر به‌عنوان آن‌شی‌گائوی مهاجر سلسله‌ی هان^۱ به وضوح نام برده شده است، و اینکه نسل او تا قرن هشتم در چین بودند. همچنین به بررسی این پرسش خواهم پرداخت و از داده‌های منابع مختلف کمک خواهم گرفت که آیا چنین مترجمی می‌تواند در عین حال با آن‌شی‌گائوی پیرو سنت بودایی یکسان باشد یا خیر. گرچه باید روی این نکته دقت زیادی داشته باشیم و توجه داشته باشیم که مدارک زیادی وجود دارند که اثبات می‌کنند که شاهزاده پارسی به‌عنوان مترجم، مهاجر و راهب همگی یکسان هستند و غیرممکن است جایگزینی برای او پیدا نمود و این حقیقت آشکار را نمی‌توان و نباید انکار کرد.

۱. سلسله‌ی Han Dynasty که در ۲۰۶ قبل از میلاد و ۲۲۰ بعد از میلاد و تقریباً حدود چهارصد سال بر چین فرمانروایی می‌کرد. آن‌شی‌گائو در دودمان هان و در سال ۱۴۸ بعد از میلاد به چین وارد شد.

درآمد دوم ❀

به نام نور. به نام بوسه. به نام تبسم...
سلامی چو بوی خوش آشنایی
آشنای من!

کلمه‌ها را پِنگر! کلمه‌ها را پِوی! کلمه‌ها را پِش! پِشنو! پِخوان!
من! راهب بودایی معبد زرد، شاهزاده‌ای پارسی، روییدم از میان
نیلوفر و مهتاب، ردایی از نور در خود پیچیدم و گوش فرا دادم. تا کلمه
بیارد. و کلمه از نور بارید. ابری از نور. ابری پر آسمانی که نامش پیر
فرزانه بود و ابر، ردایش بود. و کلمه از ردایش می‌بارید.

کلمه مرا گفت: برخیز!

گفتم: به کجا؟

گفت: ما را هفت وادی در ره است
چون گذشتی هفت وادی، درگه است
پرسیدم: تا به کی و تا به کجاست سفر؟
گفت: وایامد در جهان زین راه کس
نیست از فرسنگ آن آگاه کس
چون نیامد باز کس زین راه دور
چون دهند آگهی ای نا صبور
پرسیدم: کجاست آن جای؟

لیک عشق بی زبان روشن ترست
چون قلم اندر نوشتن می شتافت
چون به عشق آمد قلم بر خود شکافت

کو؟ عشقت کو؟ عشق کو؟ عاشق کو؟ معشوق کو؟ عشق و عاشق و
معشوق کو؟

عاشق چو شدی دانی که عشق چه باشد. عشق رها شدن است و
دل بستن. دانا شدن است و دیوانه شدن است. خود شدن است و همه
شدن است. اما تو...

عاشق نشدی زاهد، دیوانه چه می دانی؟
در شعله نرقصیدی، پروانه چه می دانی؟
لبریز می غم ها، شد ساغر جان من
خندیدی و بگذشتی، پیمانه چه می دانی؟
یک سلسله دیوانه، افسون نگاه او
ای غافل از آن جادو، افسانه چه می دانی؟
من مست می عشقم، بس توبه که بشکستم
راهم مزین ای عابد، میخانه چه می دانی؟
عاشق شو و مستی کن، ترک همه هستی کن
ای بت نپرستیده، بُتخانه چه می دانی؟
تو سنگ سیه بوسی، من چشم سیاهی را
مقصود یکی باشد، بیگانه چه می دانی

گفتم: کو؟ عشق کو؟
و مرغانی سپید بال بر بام های همه خانه های جهان خواندند: کوکو!
کوکو!

گفت: چون شدند آن جایگه گم سر به سر
کی خبر بازت دهد از بی خبر
گفتم: اینک من! راهبی بودایی. از سرزمین درخشان پارس، هفت
چراغ و هفت چوبدست و هفت پاپوش برگرفتم تا برویم. اما نشان این
هفت وادی چیست تا به گمراهی در نشوم؟
گفت:

هست وادی طلب آغاز کار
وادی عشق است از آن پس، بی کنار
پس سیم وادیست دانشور شدن
پس چهارم وادی در خود شدن
هست پنجم وادی یکتای تا
پس ششم، وادی حیرت حیرتا
هفتمین وادی ترا سازد رها
بعد ازین روی روش نبود ترا
درکشش افی، روش گم گرددت
گر بود یک قطره قلمز گرددت

برخیز! بردار! چراغت کو؟ چلچراغت کو؟ شمع شب افروزت کو.
شعله ی جانت کو! آن طلب و شوق که در تو بود، آیا به عشق فرا رویید!
گفتم: عشق؟ از عشق بگوی مرا. که این جهان عشق است و عشق
است و دگر هیچ!
گفت:

هرچه گویم عشق را شرح و بیان
چون به عشق آیم خجل باشم از آن
گرچه تفسیر زبان روشن گرسست

شهر نخست

نور. نور. نور. زمین و آسمان در نوری شاد و زرین شناور بود. نور بود و نور بود و دیگر هیچ. شش سال تمام تنها پروانه‌های رنگین بال بودند که در نور می‌رقصیدند. در میان آن همه نور، اما درختی بود. انجیری. نامش بو. ریشه در ژرفای خاک سیاه و شاخه در بلندای نور. درختی که شاخ و برگش سر سوی شرق و غرب نور داشت. نور بیکران. سپس یکصد و هشت فرشته از نور فرود آمدند و بانویی نقره‌پوش از میان‌شان چون نیلوفری روید و کودک خویش را زیر درخت گذاشت. کودکی با سی‌ودو نشان.

من بودم و نبودم. تماشا می‌کردم و تماشا نمی‌کردم. من نور بودم و درخت بودم و یکصد و هشت فرشته بودم و مادر بودم و کودک بودم. بانگی برخاست از میان درخت یا از دهان کودک یا نور بود که سخن می‌گفت: برخیز!

برخاستم. خیره در نور و موسیقی کلمه. دیگر هیچ نگفت. اینک خاموشی بود که سخن می‌گفت با من: برو! و من دهان گشودم تا سخنی بگویم. تنها پروانه‌هایی از دهانم پریدند. باید می‌رفتم. باید به کجا می‌رفتم؟ به کدام سوی؟ نمی‌دانم. اما باید می‌رفتم. به کجای یک ناکجا. شادی می‌دانستم به کجا. نامش را می‌دانستم و نمی‌توانستم که بگویم.

تا دهان می‌گشودم این خیل سنجاقک‌ها و پروانه‌ها بودند که بال می‌زدند و می‌رفتند و من نیز.

باید می‌رفتم. کودک برخاسته بود و با درخت می‌رفت. کودک بیدار شده و برخاسته و می‌رفت. در میان نور می‌رفت. من نیز می‌رفتم تا سی‌ودو نشان او را نشان دیگران دهم.

من، راهب بودایی معبد زرد. از دهدشت پارس آمده بودم تا به آن سوی زمان سفر کنم. به ژرفای خاک. به پوست. به ابریشم. به کاغذ. به تومای گم شده در ژرفای تاریخ. در غارهای هزار و یک بودا. در دربار ویران شده‌ی خاقان ابریشم. باید می‌یافتم آن سی‌ودو نشان را. نشان خورشید و شیر و مرغ و او را.

چرا؟ چرا بر تن من نیز سی‌ودو نشان بود. این همزاد باستانی من کو؟ من راهب بودایی معبد زرد از کجا آمده‌ام. که هستم. مرا کدام بودا زاییده است؟ من از تبار کدام بودایم. من اولاد نورانی کدام شاهزاده‌ی پارسی‌ام.

می‌رفتم در ساعت بیست و پنج و هفتاد و پنج دقیقه. و پرنده‌ای با بال‌هایی از نور، پاهایی از نور، منقاری از نور با من سخن می‌گفت با زبان خاموشی:

و در این راه هفت شهر است و بر هر شهر چهل دروازه و بر هر دروازه قفلی به هفتاد من. و بر هر شهر سلطانی است و سلطان هر شهر پیری است فرزانه.

شهر نخست. شهر طلب است. شهر شوق است. شهر اشتیاق است. دف دف دل است. تپش جان است.

و من از دروازه‌ی شهر نخست درگذشتم. گویی بر باران و ابریشم می‌روم. و پیر فرزانه با ردایی از نور بر تخت نشسته بود و از ردایش

کیوتران دانه بر می‌چیدند. پیر فرزانه چنین گفت با من. با راهبی بودایی از سرزمین پارس از معبد زرد:

اینک دمی خاموش بر رواق این نیایشگاه آبی بنشین! به پرواز پروانه‌ها بنگر تا سخنان من همراه رنگ بال‌شان در گوش جانت بیارد. و من زیر بارش باران کلمه بودم. گویی از ژرفای غاری آبی، آوازی برمی‌آمد از جنس آب و نسیم و بوسه: عاشقان! برایتان کلمه آورده‌ام. قصه برایتان خواهم خواند. قصه‌هایی از جنس راز.

اما راویان اخبار و ناقلان آثار و طوطیان شکرشکن شیرین گفتار و خوشه‌چینان خرمن سخن‌دانی و صرافان سربازار معانی و چابک‌سواران میدان دانش توسن خوش خرام سخن را در جاتاکا^۱، بدین گونه به جولان در آورده‌اند که: قرن‌ها پیش مرد فقیری با مادرش از دریا عبور می‌کردند. دریا طوفانی شد و قایق آن‌ها واژگون گشت. آن‌ها هفت شبانه‌روز خود را بر روی آب نگه داشتند اما سرانجام توان زنده ماندن و مقاومت را از دست دادند. در حال غرق شدن و در لحظه‌ی مرگ، مرد آرزو کرد که روزی بتواند تعداد بی‌شماری از موجودات زنده را در سفر پرمخاطره‌ی زندگی، از یک زندگی به زندگی دیگر انتقال دهد و این چنین بود که چنین فکری در او زاده شد. این فکر نجات برای موجودات در زایش‌های پیاپی، تکامل بیشتری یافت تا این که به زمان دیپانکارا بودا^۲ رسید. او برای اولین بار اعلام کرد که در آینده فردی به نام مرتاض سومه دا با

۱. جاتاکا: داستان‌ها و روایت‌هایی از زندگی‌های گذشته بودا است که به صورت نمادین بیان شده است. بوداییان به زندگی‌های گذشته باور دارند. جاتاکا مجموعه ارزشمندی است که شاید ارزش تاریخی نداشته باشد اما بدون شک ارزش ادبی، اسطوره‌ای، و تا حدی ارزش اعتقادی و مذهبی دارد.

۲. دیپانکارا بودا Dipankara Buddha بودای منور: کسی که در زندگی گذشته به سیدارتا گوآتما بودا آموزش داد و وی را برای نایل شدن به هدفش در آینده کمک کرد. دیپانکارا بودا پیش‌بینی کرده بود که سیدارتا از قبیله شاکیا به عالی‌ترین مرحله بیداری یعنی سامپاک سام‌بودهی (Samyak Sambuddhi) دست خواهد یافت.

قدرت روحی مافوق تصوّر، به صورت بودایی دیگر با نام سیدارتا گواتما بر روی همین کره خاکی ظاهر خواهد گشت که بیست و چهارمین بودا در سلسله‌ی قدیمی بوداها است. زایش‌های پی‌پی همچنان ادامه یافت تا این که در سال ۵۶۴ قبل از میلاد ملکه مایا همسر پادشاه سودودانا در جنگل سال^۱ در کاپیلا واتسو (نیپال کنونی) بود که بودهیساتوا^۲ را به دنیا آورد. نام این کودک را سیدارتا نهادند.

پادشاه سودودانا در جشن نامگذاری، یکصد و هشت برهمن را به قصر دعوت کرد تا آینده‌ی کودک را پیش‌بینی کنند. از میان آنان، دو پیشگو به پادشاه گفتند که در قصر او پسری نیرومند زاده شده که سی‌ودو نشان مردان بزرگ را دارا است و کسی که این سی‌ودو نشان را داشته باشد، دو سرنوشت را رقم خواهد زد: «یا این که فرمانروای درستکار چهار جهات، پادشاهی محترم و دوست و دلسوز مردم خواهد شد یا خانه و کاشانه را رها کرده «بودا» خواهد شد تا پرده‌ی جهل را از جهان برکند و انسان‌ها را از رنج رها سازد»^۳.

پادشاه سودودانا برای جلوگیری از پیش‌بینی برهمنان حقیقت‌گو، از همان زمان کودکی بودهیساتوا کلیه اقدامات احتیاطی و لازم را انجام داد تا مبادا تاج و تختش بدون وارث بماند. او برای کودک چند پرستار گماشت که هر یک وظایف مختلفی را انجام می‌دادند، آن‌گونه که از گرما، سرما و آسیب‌های درونی و برونی دوربماند و به وی هیچ‌گونه گزند و آزاری نرسد. سیدارتا در دل همه جا گرفت و محبوب شد. در

1. sal

۲. بودهیساتوا: موجودی که تلاش می‌کند به روشنگری برسد. ویژگی‌هایش: بخشندگی، خردبرتر، انرژی، بردباری، اراده، هم‌نوع دوستی. بودهیساتواها را بوداهای بالقوه آینده می‌دانند.

3. Jataka Nidanakatha

سن شانزده سالگی با شاهدخت یاسودهارا ازدواج کرد که نتیجه‌ی آن فرزندی به نام راهول بود. وی هندو زاده شد و در همان ایام جوانی نیز سرشار از دانش و آگاهی‌های فلسفی مکاتب مختلف زمان خود چون ودانتا (ها)^۱ اپا نیشاد (ها)^۲ بود.

ای مردمان که عاشق روایت‌ها و حکایت‌های انسان هستید! روایت بر این است که روزی سیدارتا با «چانداکا»، ارباب‌ران خود از قصر خارج می‌شود و چشمش به پیرمردی می‌افتد، با موهای سپید و پستی خمیده.

می‌پرسد: چرا این مرد با دیگران متفاوت است؟

– او یک پیر مرد است، سرورم.

– پیر؟ یعنی چه؟

– یعنی روزهایش به پایان آمده. او پیشتر مانند دیگران جوان قدرتمند

و سالمی بود. به تدریج قدرتش کاهش یافت و در نتیجه خمیده شد.

– آیا من و دیگران هم چنین خواهیم شد؟

– بله شاهزاده. شما و دیگران نیز چنین سرنوشتی دارید. همه‌کس

در معرض پیری قرار دارد.

روز دیگر با چاندا از قصر خارج شد و این بار چشمش به مردی

رنجور افتاد که از پا افتاده بود. از ارباب‌ران خود وضع را جویا شد.

– سرورم، این مرد بیمار است. بدن او ضعیف شده. او دیگر قادر

نیست در برابر بیماری مقاومت کند و این شامل همه خواهد شد.

در گشت‌وگذاری دیگر او مرد مرده‌ای بردوش مردم دید. شاهزاده

پرسید: او را کجا می‌برند؟

۱. وداها واژه سانسکریتی است. کهن‌ترین کتاب‌های آریاییان و قدیمی‌ترین نوشته به زبان هندو اروپائی است. وداها دارای چهار کتاب مقدس هستند.

۲. اپانیشادها یا ودانتاها از کهن‌ترین متون مینوی آئین هندو که به دوره برهمایی باز می‌گردد. اپانیشادها تأثیر عمیقی بر فلسفه و مذاهب هند داشته‌اند.

- او مرده و دارند می‌پرند که او را بسوزانند.

- مرده چیست؟

- مرده کسی است که جانی در بدن نداشته باشد. نوزادی زاده می‌شود،

بزرگ می‌شود. تشکیل خانواده می‌دهد، پیر می‌شود و سپس می‌میرد.

در گردش بعدی او با واقعه دیگری مواجه شد. مرد سر تراشیده‌ای دید

که ردای زردی بر تن داشت. از او جویا شد.

- سرورم این ترک خانه و کاشانه کرده است. او برای آرامش این

چنین کرده.

با مشاهده این چهار رویداد یعنی، پیری، بیماری، مرگ، و ترک

خانه و کاشانه، به فکر فرو رفت. آیا همه‌ی این‌ها سرشار از رنج بودند؟

تصمیم گرفت راه رهایی از این همه رنج را بیابد. او تصمیم گرفت در

جست‌وجوی حقیقت گام بردارد و راه رهایی از رنج‌ها را بیابد. سرانجام

در سن بیست‌و نه سالگی تصمیم نهایی خود را گرفت و برآن شد که از

زندانی لذات و خوشی‌های قصر بیرون بیاید. به مهتر خود چانداکا دستور

داد اسب او را آماده کند و شبانه در چهاردهم آسالی خانه و شهر را

ترک گفت و برای دستیابی به حقیقت، آوارگی و بی‌خانمانی را آغاز کرد.

به ناگهان او را دیدم. بودا را دیدم که می‌رفت. بودا را دیدم که دور

می‌شد. به کجا می‌رفت؟

به تو خواهم گفت. گوش فرا ده؛ متون بودایی به ما نشان می‌دهند

که مکاتب دیگری در آن زمان وجود داشتند که تمرین مدیتیشن (مراقبه)

می‌کردند. در سوره آریا پاربه سانا (ماجیما نیکایا ۲۶ - Majhima

Nikaya)^۱ آمده است که دو مرتاض به نام‌های آلا را کالاما و اوداکا

(پسر راما)^۲ عالی‌ترین شکل مراقبه را تمرین می‌کردند که سومین و شاید

چهارمین مرحله از اروپا جهانای یعنی «تمرکز عمیق در بی‌شکلی» را

تعلیم می‌دادند. این تمرینات با سیستم کنونی مدیتیشن بودا مطابقت دارد.

بوده‌یسا توا^۳ ابتدا نزد آلا را کالاما رفت و مدتی را نزد وی به ریاضت و

آموزش پرداخت. او این آموزش را با موفقیت کامل از اولین معلم خود

آموخت اما او را به آنچه دنبالش بود رهنمون نساخت.

- ای آلا را کالاما، من آموزش و آیین تو را که تا کیهکشان نیستی

می‌برد به‌طور کامل آموختم ولی به دل‌کندن، رهایی، آرامش، برترین

شناسایی، بیداری کامل و نیروان منجر نمی‌شود. آیا فراسوی این تعلیم

چیز دیگری داری؟

- نه سیدارتا، این تمام چیزهایی است که یاد گرفته‌ای و هم اکنون

می‌توانی آن‌ها را تعلیم دهی.

این آموزش، سیدارتای جوان را قانع نکرد و کالاما را ترک گفت.

سپس نزد گرو یا استاد دیگری به نام اوداکا رفت و تحت تعلیمات وی به

مرحله‌ی «ادراک و نه ادراک» رسید ولی استادش قادر نبود تعلیم فراتری

را به سیدارتا بیاموزد و به همین دلیل سیدارتا این استاد را نیز ترک کرد.

او به تلاش خود برای رسیدن به هدف و الایش ادامه داد تا سرانجام

به دهکده اورولا نزدیک بوداگایا که به آن پارک آهوان می‌گفتند،

۱. ماجیما نیکایا یکی از سه زنبیل خرد از شریعت پالی و دوتای دیگر عبارتند از سوتا پیتاکا و آبهی‌داهما پیتاکا. گفته شده که سه زنبیل خرد یکی از مجموعه ترجمه‌های شاهزاده پارسی آن‌شی‌گائو است که به چینی برگردانده شده است.

۲. راما: در متون مقدس هندو، راما هفتمین آواتار از خدایان هندو است.

۳. بوده‌یسا توا (بوداهای بالقوه) یا فرشتگان نجات

رسید. در آن جا پنج مرتاض با گیسوان بافته اقامت داشتند.^۱ بودهیساتوا مدت شش سال زیر نظر آن‌ها به تعلیم یوگا پرداخت و به ریاضت روی آورد. او سخت‌ترین و دردآورترین ریاضت‌ها و شکنجه‌هایی را که در تاریخ بشری بی‌نظیر است، گذراند. با این ریاضت‌ها و روزه گرفتن‌ها بسیار لاغر شد و دنده‌هایش بیرون آمده بود و توان حرکت را از دست داد ولی مصمم بود تا رسیدن به هدف، هر چیزی را تجربه کند. در این ریاضت‌های سخت حتی از پنج مرتاض نیز پیشی گرفته بود اما باز او را به مقصودش نرساند.

و من او را دیدم که بر بلندای تپه‌ی میان کشتزاران فلفل و چای ایستاده بود و با شاگردانش سخن می‌گفت:

ای رهروان، آن چنان ضعیف شده بودم که دنده‌هایم بیرون آمده بود. رگ‌هایم در زیر پوست به وضوح دیده می‌شد. وقتی که به شکم دست می‌کشیدم، پوست آن بلند می‌گردید. با دستانم ستون فقراتم را حس می‌کردم، در مرداب‌ها می‌خوابیدم، مدت‌ها چهار دست‌وپا راه می‌رفتم، برنامه‌ی غذایی‌ام به هفته‌ای یک بادم رسیده بود و در اثر این ریاضت تنم بی‌اندازه نحیف شده بود و دست‌ها و پاهایم مانند نی‌های خشک، خشکیدند. مهره‌های بیرون آمده‌ی پشتم مانند رشته‌های تسبیح شدند. دنده‌هایم مانند چوب‌های خانه‌های کهن که تیز بیرون زده باشند، بیرون آمده بودند. مردمک چشمانم کاملاً فرو رفته بودند. وقتی که می‌خواستم به تیره‌ی پشتم دست بکشم، دستم به شکم

می‌خورد. با چنین ریاضت و با این خوراک اندک، شکم به تیره‌ی پشتم رسیده بود. برای این که خودم را کمی بیشتر زنده نگه دارم، گهگاهی با دست شکم را می‌مالیدم، با این کار موهای بدنم کنده و پوست بدنم برداشته می‌شد. پوست روشن و لطیف من تا اندازه‌ای زیادی تغییر کرده بود که مردم آن ناحیه مرا به عنوان مرتاض سیاه می‌شناختند. در گذشته هیچ مرتاض و برهمنی هرگز چنین ریاضت مشقت‌باری را تحمل نکرده بود و در آینده نیز انسانی نخواهد توانست ریاضتی فراتر از آن را تجربه کند. اندیشیدم که این ریاضت‌کشیدن دهشتناک و مرگ‌آفرین، هرگز مرا به مقام برتر انسانی نمی‌رساند و هرگز نخواهم توانست به حقیقت نهایی دست یابم. با خود گفتم با این تن نحیف چگونه می‌توانم به نیکبختی برسم. باید راه دیگری برای روشن‌شدگی وجود داشته باشد. بنابراین تصمیم گرفتم که روزه‌ام را بشکنم. شروع به غذا خوردن کردم تا بدن ضعیفم کم‌کم جان تازه‌ای گرفت.^۱

او از سخن باز ایستاد. در افق پرنده‌ای غریب جیغی کشید. پرنده از آسمان عبور کرد و پیش آمد تا بر درختی که برابر او بود نشست. او ایستاد و یک هفته‌ی تمام به درخت خیره شد. او نیز زیر درختی که هم اکنون به آن درخت بوده‌ی^۲ می‌گویند نشست. گوش کنید! گوش کنید. می‌خواهد سخن بگوید:

۱. سوره حقیقت کبیر- Maha Saccaka Sutra

۲. بوده‌ی (Bodhi) یعنی بیداری؛ منظور از خواب غفلت بیدار شدن از روی روشن‌بینی و بصیرت. این واژه از تجربه بودا سرچشمه می‌گیرد. این بیداری ابتدا توسط سیدارتا گوتاما صورت گرفت و بیدار شد. او باور داشت که همه توانایی بیداری شدن را چنانچه بخواهند دارند.

۱. مرتاضان گیسو بافته به کسانی می‌گفتند که ریاضت‌های دراز مدت سختی انجام می‌دادند به طوری که در طی زمانی طولانی موهایشان آن چنان بلند می‌شد که می‌بایست بهم پیچیده شوند. آن‌ها معتقد بودند که با زجر دادن جسمشان، روحشان آزاد می‌گردد و به آرامش مطلوب می‌رسند.

بگذار فقط پوستم، رگ و پی و استخوان‌هایم باقی بماند
و بگذار گوشت و خونم در بدن یکجا خشک شوند. من
اجازه نخواهم داد که این دوره از تلاشم متوقف گردد
مگر این‌که به آنچه که با کوشش و توانایی انسان حاصل
شده، دست‌یابم.^۱

در نخستین پاس شب، به شناخت زندگی‌های گذشته، در پاس میانی،
به درک و بینش آسمانی و در آخرین پاس شب به شناسایی زنجیر
وابستگی (زنجیر علی)^۲ و سرانجام در روز هفتم هنگامی که ستاره‌ی
صبح در آسمان درخشید حالتی از روشنی و درک کامل در او به وجود
آمد که به‌وسیله‌ی آن به عالی‌ترین حالت بیداری کامل یا آنوتارا سامیاک
سام بودهی^۳ رسید. این حالت، رهایی از چرخه‌ی ساسمارا یعنی دایره‌ی
بی‌وقفه‌ی تولد و مرگ است. سیدارتا گواتما، بودا شد. بود او بودا شد.
من در او نگرستم. ساکت بود و خاموش. گویی ژرفای اقیانوسی بود.
به ناگاه چشم گشود و بی‌درنگ گفت: «چه شگفت‌انگیز و عجیب، تمامی
وجود در شکل این چینی‌شان کل و کامل هستند. همه دارای ذات
بیداری هستند و تمام موجودات می‌توانند به بیداری برسند.»

بودا در سوره واجرا چدیکا پراجنا پارامیتا (سوره الماس)^۴ خطاب
به مریدش سابوتی چنین گفت: «سابوتی این چنین است، من کوچک‌ترین

1. Anguttara Nikaya, Duka Nipata. Wheel 155/ 158 P.9

۲. تولید مشروط- تولد بهم وابسته. زنجیر علی آموزش مشروط و مقید بودن همه نمودهای جسمانی و روانی است.

۳. آنوتارا سامیاک سام بودهی Anutara Samyak Sambodhi عالی‌ترین شکل بیداری که سیدارتا گواتما بودا شد.

۴. واجرا چدیکا سوترا یا سوره الماس شکن از مدرسه ماهايانا. عنوان کامل آن واجرا چدیکا پراجنا پارامیتا سوترا Vajracchedika Prajnaparamita Sutra یا «کمال خرد».

چیزی از والاترین بیداری کامل به دست نیاوردم و به همین دلیل آن را
الاترین بیداری کامل می‌گویند.^۱

این همان «هیچ» و «همه‌چیز» یعنی پراجنا پارامیتا است که بودا
به آن دست یافت. او به آگاهی خالی از آگاهی رسید. بالاترین آگاهی
از نظر بودا آن آگاهی است که خالی از تمام ایده‌ها، تمایلات، و حتی
شورها و حس‌ها باشد، خالی و عالی.

او بعد از این بیداری که در سن سی و پنج سالگی انجام شد، بسیار سفر
کرد و در چهل و پنج سال باقیمانده‌ی عمر خود، به تدریس روشن‌شدگی‌اش
پرداخت تا دیگران را به آن رهنمون سازد. در مجموعه‌ی تدریس‌ها و
راه و روش بیداری که وی شخصاً به آن دست‌یافته بود انضباط خاصی
وجود داشت. او در «دارما»، یا بدنه‌ی حقایق اصلی دریافت شده،
نکات اصلی و اساسی بخصوصی را تأکید می‌کرد. در سارانات نزدیک
بنارس فعلی، او موعظه‌ی کلیدی مهمی را بیان کرد. او در این موعظه‌ها
چهار حقیقت عالی و هشت راه باشکوه را گنجانده است. چهار حقیقت
عالی عبارتند از:

حقیقت رنج. زندگی رنج است. (رنج بیماری بزرگ جهانی است).
تولد، پیری، بیماری، مرگ، دوری از عزیزان، به دست نیاوردن آنچه که
آرزو داریم، مواجه شدن با رویدادهایی که قادر به تحمل آن نیستیم و
به‌طور خلاصه پنج بخش دلبستگی و غیره همگی رنج هستند.

حقیقت منشاء رنج. علت بیماری و منشاء رنج، عطش است که در
درون ما است. اشتیاق برای زنده ماندن و هستی، هراس از مرگ و
دلواپسی از نیستی.

حقیقت رهایی از رنج. (پیروی از اصول و موازین بودا- دارما) یعنی

۱. واجرا چدیکا پراجنا پارامیتا (سوره الماس)، یا سوره کمال خرد

فروکش کردن عطش‌ها، رها کردن آن‌ها، و درک کاذب بودن چیزهایی که حقیقی جلوه می‌کنند.

حقیقت راه‌هایی از رنج. (ارائه دارو یعنی ارائه تکنیک جهت ریشه‌کن کردن رنج) که در هشت راه باشکوه گنجانده شده است^۱.

و هشت راه عبارتند از:

فهم درست: یعنی درک و فهم چهار حقیقت شریف و بینش ژرف به عمق واقعیت‌ها.

فکر درست: یعنی اندیشه‌ی نوع‌دوستی، مهر و شفقت‌ورزی و از خودگذشتگی و عدم خشونت.

سخن درست: خودداری کردن از سخنان دروغ، شایعه‌پراکنی، سخنان درشت و پوچ.

عمل درست: خودداری از کشتن یا آسیب رساندن به موجودات زنده، خودداری از دل‌بستن به نایافته‌ها و خودداری از آمیزش جنسی نامشروع.

امرار معاش درست: عشق ورزیدن و افتخار کردن در حرفه‌ای که به آن مشغولیم، خودداری از تجارت انسان‌ها، اجتناب از کشتار حیوانات برای معاش، دوری جستن از تجارت اسلحه، سموم و مواد مخدر.

کوشش درست: اجتناب از بروز حالت‌های شیطانی و ریشه‌کن کردن آن‌ها، پرهیز از هر زشتی، بارور کردن نیکی و غیره.

آگاهی درست: آگاهی بر تنفس، بدن، احساس و هشیاری نسبت به

۱. چهار حقیقت شریف به فرم سنتی: یعنی تشخیص و تجویز پزشک، علت بیماری، راه درمان و تجویز برای درمان.

این چهار حقیقت شریف توسط شفا دهنده کبیر یعنی بودا کشف شد که براساس انگاره تشخیص پزشکانند یعنی می‌گویند: (۱) این یک بیماری است. (۲) این‌ها علل بیماری است. (۳) دستورات پزشک. (۴) روش درمان.

تمام پدیده‌های بیرون و درون.

تمرکز درست: انجام مستمر مراقبه (مدیتیشن یا ذاذن)، توسعه و تکامل آگاهی مستمر و نگریستن و توجه به یک نقطه.

بودا راه بسیار سختی را طی کرد اما در ازای آن، تجربیاتی بسیار غنی اندوخت. او پس از دست شستن از زندگی سلطنتی، به این نتیجه رسید که زندگی مرتاضانه و روزه‌گیری نیز عاقلانه نیستند از این‌رو راه میانه را بین دو افراط و تفریط برگزید. راه میانه^۱ در زندگی، روشی اخلاقی و معتدل بود، راهی که منجر به رهایی می‌شود. بودا بر این باور بود که هرکس دارای توانایی است که می‌تواند بیدار شود و به «بودا» تبدیل گردد. بودا یک اسم خاص نیست بلکه با توجه به معنای لغوی آن یعنی «بودهی» لقب یا عنوانی است شایسته هرکس که می‌خواهد و می‌تواند به بیداری برسد. در هیچ مذهب و مسلکی گفته نشده که افراد عادی نیز می‌توانند به درجه روشن‌شدگی یا درجه عالی معنوی نایل شوند. از نظر بوداییان، بوداهای بی‌شماری در جهان زندگی کرده‌اند، کسانی که هم اکنون به روشن‌شدگی نایل گشته‌اند و در آینده نیز بوداییانی خواهد بود. بنابراین از نظر آن‌ها بودائیت یعنی زل‌زدن و نگریستن به ذات خود بدون توسل به کتاب‌های مقدس و بوداها.

من در خود نگریستم. به خود زل‌زد. به ذات خود خیره شدم. کلمه ایستاد. صدا زدم: چه شد؟ بودا چه شد؟ من چه شدم؟

هفتاد و دو فرشته با بال‌هایی از نور پیش آمدند. سه سید بر دوش داشتند. سه سید با بوی خوش مشک و عنبر. با عطر دانایی و در سیدها بیست و نه نیلوفر آبی. نیلوفرانی که آواز می‌خواندند و انبوه آدمیان را

۱. راه میانه یا ماجیما پاتیاپادا Majjhima Patipada یعنی راه میانه بین دو افراط و تفریط. اجتناب از غرق شدن در لذات مادی و اجتناب از روزه‌خواری و ریاضت فیزیکی است. راه میانه مربوط به مدرسه مادیامیکا می‌شود که توسط ناگارجونا بنیاد نهاده شد.

- ❖ سیدارتا با دیدن چهار رویداد دگرگون شد و تصمیم به ترک خانه و کاشانه گرفت.
- ❖ شدیدترین تمرینات ریاضت را با مرتاضان مختلف و به مدت شش سال، بی وقفه انجام داد.
- ❖ چهار حقیقت شریف و هشت راه با شکوه از آموزه‌های او بود.
- ❖ از نظر بودا همه دارای ذات بودایی هستند و همه می‌توانند (چنانچه بخواهند) به بیداری درون برسند.

به‌سوی خویش می‌خواندند. هزار هزار آدمی، سیاه و سفید و زرد، از سراسر جهان می‌آمدند تا با عطر کلمات از دهانه‌ی بیست و نه نیلوفر آبی رها شوند. پرواز کنند. بال بگشایند. به بالا. بالا. بالاتر. بالاتر به آبی آبی آبی‌ها. به بودا.

آواز آبی در من پیچید که: آن جاست. آن آتشی که شعله می‌کشد اوست. نگاهش کن. آن جاکوشی نگار است. پایتخت مالا. و آن بودا است که سوزانده می‌شود. در دل کوهستان. تا به ماها نیروانا برسد. آرامش کبیر.

آواز آبی خاموشی گرفت. سکوت بود و نور. نسیمی می‌وزید با آرامش بال بال فرشتگان. چشم گشودم تا شعله‌های پیکر بودا را بنگرم. با خود گفتم: کفی خاکستر بودا بردارم تا شفای دردها سازم. اما در برابرم هیچ نبود. جز نور. در آن دورها درختی بود که هرچه به‌سویش می‌رفتم، دورتر و دورتر می‌شد.

باید می‌رفتم. کوله‌بارم را برداشتم. سنگین تر شده بود. نگاه کردم. هفت سنگ کبود، چونان مرواریدی غلطان در آن بود و بر هر سنگی کلامی از نور نوشته بود.

برخاستم و کوله‌بار بر دوش افکندم. پای در راه نهادم. پای بر خار و خارا می‌نهادم و زخم در جانم می‌نشست، اما ایستادن نمی‌توانستم و شوق رفتن چونان شبی بر زخم‌های آتش گرفته می‌بارید.

دانستم که؛

- ❖ پادشاه سودودانا، تصمیم گرفت که سیدارتا را از بودا شدن باز دارد. سیدارتا گواهما تخت شاهی را به‌منظور برکندن چهل و رهایی از رنج رها کرد و بودا شد.

شهر دوم

من، راهب بودایی معبد زرد، در برابر دروازه‌ی بزرگ شهر دوم ایستاده بودم. آری من بودم. خود را می‌دیدم. خود را نگاه می‌کردم. این من بودم که در برابر من ایستاده بود و به من می‌نگریست. به هر سویی می‌رفتم، دروازه به همان سو می‌گردید. در برابر من. به هر سو می‌نگریستم، بودایی می‌گذشت. همه بودا بودند. آزاد و رها در شهر در آمد و شد. کسی را با کسی کاری نبود. شهر از آواز پرندگان گویی دریایی از موسیقی بود. بر تختی برابر میدان بزرگ شهر پیرفرزانه نشسته بود. گویی چشم به راه من. پرسید: چگونه بود راه؟

گفتم: سنگلاخ و خارزار بود اما من بر آب و باد می‌آمدم. زخم در پای می‌نشست و تشنگی، داغ بر لب می‌گذاشت، اما من می‌امدم، گویی بر باد. یا بر آب.

گفت: به شهر دوم خوش آمدی. بر پلکان این نیایشگاه سرخ بنشین و بگذار کلمات بر تو فرود آیند. راه بر سینه بگشا. بگذار نفس تا ژرفای جانت برود. آسوده و خاموش بنشین و گوش بسپار! ژرف چونان آب‌های اقیانوس. بی‌کران و بی‌پروا.

نشستم. آنگاه آوازی سرخ از آسمان بارید. کلمات چونان دانه‌های باران گرد و غلطان، بر من باریدند و من تر شدم از کلمه: ای راهب پارسی معبد زرد! باید بدانی که آشوک شاه پیرامون دو سده و نیم پس از بودا بود،

پادشاهی از دودمان موری^۱ به نام آشوکا که به کیش بودایی درآمد و به آن باور راستین پیدا کرد و همه زندگی خود را وقف تحقیق علمی اصول آن نمود. موری‌ها به احتمال زیاد از سکاهای^۲ ایرانی تبار بودند که از شمال به هند آمدند. آشوکا شاه تحت تاثیر سنگ‌نبشته‌های شاهنشاهان هخامنشی ایران و با الهام از آن‌ها دستور می‌داد که فرمان‌هایش را بر سنگ‌ها و ستون‌ها و درون غارها بنگارند. سنگ‌نبشته‌ها، ستون‌نوشته‌ها و غارنوشته‌های وی در بیش از سی جایگاه در هند، نپال، پاکستان و افغانستان بر جای مانده است. آشوکا شاه مبلغان و مژده و رانی را برای اشاعه و ترویج بودیسم به ایران، سریلانکا، سوماترا و حتی یونان فرستاد.^۳

در سال ۱۹۵۸ فرمان‌های حکاکی شده بر روی ستون سنگی که آموزه‌ها و اصول اخلاقی بودا را تبلیغ می‌کردند در قندهار افغانستان کشف شدند و در سال ۱۹۶۲ یک سنگ‌نبشته بلند به زبان یونانی (که بعدها مشخص شد که بخشی از فرمان‌های آشوکا شاه بوده است) در یکی از نواحی یافت شدند. در طول قرن اول، بلخ در کل ناحیه به خاطر معابد بودایی اش شهرت داشت و محقق یونانی الکساندر پولی هیستور^۴ به رابطه مکتب بودا با ایران به خصوص به بلخ و معابد آن اشاره می‌کند. بدون شک، آشوکا شاه در گسترش اندیشه بودیسم در هند و خارج از

1. Murya Dynasty

۲. ساکا - Sakas: دسته‌ای از مردمان کوچ‌نشین ایرانی تبار بودند. آن‌ها به مذهب بودیسم گرایش داشتند و همواره در تاریخ ایران خودنمایی می‌کردند. در نوشته‌های هرودت بقراط، ارسطو، استرابون و بطلمیوس به آن‌ها اشاره شده است.

۳. بر پایه داده‌هایی از کتاب ع - پاشائی: هینه‌یانا، شاخه‌ی از آئین بودایی.

۴. آلکساندر پولی هیستور Alexander Polyhistor: فیلسوف و مؤرخ، جغرافی‌دان یونانی که نوشته‌های او مشتمل بر ۴۲ اثر و شرح فلسفی و جغرافیایی درباره تمدن‌های کهن و نیز مفسر فیثاغورث، فیلسوف و ریاضیدان یونانی بود.

آن نقش بسیار ارزنده‌ای داشت و سرسپرده‌ای یا (مریدی) بود که تمام همتش را در این راه گذاشت.

آثار مانده از بودا به همراه بخش بزرگی از ادبیات پارسی و ارزش‌های دیگر در نهایت با هجوم اعراب به آتش کشیده شد و یا از میان برده شد. مسلمانان عرب، بوداییان را بت‌پرست می‌پنداشتند و هر کاری که می‌توانستند در جهت تخریب معابد شرک (به تصور آن‌ها) و از میان بردن کارهای هنری بودایی که داشت به تدریج در ایران ریشه می‌دوانید انجام دادند. حتی یکی از مشهورترین وصایای بودایی در خاورمیانه که شامل سنگ‌نبشته‌های بودا در بامیان بود نیز از بین رفت و این عملکرد زمانی به شیوه اسفبار خود رسید که هم‌کیش‌های آن‌ها (طالبان) آنچه از مجسمه‌های بودا را که باقی مانده بود، منفجر کردند تا اندیشه خود را با خشونت مستحکم ترک کنند. تعدادی از مجسمه‌های غول‌پیکر بودا و بوداییان با هزینه گزاف (احتمالاً در قرن سوم پس از میلاد) به داخل صخره‌های ماسه‌ای بلند شهر بامیان انتقال داده شده بودند. بامیان یک شهر کویری در مرکز دشتی پهناور است که سلسله کوه‌های هندوکش و کوه بابا را از هم جدا می‌کند. بزرگ‌ترین مجسمه از بین دو مجسمه موجود (با سی و پنج متر یا صد و هفتاد و پنج فوت ارتفاع) به نظر نشانگر «نور تابنده در بودای کیهانی» است. مجسمه کوتاه‌تر (سی و شش متر یا صد و بیست فوت ارتفاع) احتمالاً نشان‌دهنده نماد بودای ساکیامونی است. مجسمه‌ها در عین حال آموزه‌های بودایی ماهايانا به شمار می‌رفتند و بر این اصل استوار بود که نه تنها راهبان و راهبه‌ها بلکه همه توانایی رسیدن به روشنگری و بودا شدن را دارند. راهب بودایی هوسان تسانگ^۱ نسخه‌هایی از سوره‌های

۱. هوسان تسانگ یا (شوان زانگ) Husan Tsang راهب چینی سلسله تانگ قرن ششم بعد از میلاد که بعضی متون سانسکریتی بودایی را بعد از آن‌شی‌گائو به چینی ترجمه کرد.

اصلی آموزه‌های بودا را از هند آورد که خود شاهی است که مجسمه‌ها به قرن ششم بعد از میلاد برمی‌گردند.^۱

این نشانه‌ها دلالت بر این دارد که حضور بودیسم حتی در زمان آشوک‌شاه نیز در سرزمین پارس به وضوح مشهود بود و الزاماً می‌بایست چنین می‌بود چون تمامی آن ناحیه کم‌وبیش از بودا و آموزه‌های او الهام می‌گرفتند و فرزندان آن دوران، آن را بر حسب شرایط اجتماعی و فرهنگی و سنت‌های خود شکل می‌دادند.

ای راهب پارسی بدان که در روایت پالی آمده است که شخص بودا دو مرید ایرانی داشته است. اسکار ون هینوبر می‌گوید:

با این حال ترجمه‌های اولیه از متون بودایی به راهب‌هایی از غرب آسیای مرکزی نسبت داده شده که در بین آن‌ها همچون پارت‌ها، سُغدی‌ها هم وجود داشته‌اند.^۲

هینوبر اضافه می‌کند: «به همین شیوه فاضلان ایرانی تاثیر و کمک شایانی نه تنها در گسترش تعالیم بودا بلکه نیز در گسترش اسلام به شکل حکمت اشراقی کردند». بر اساس منابع تاریخی چینی و غیرچینی اولین راهبان بودایی که به چین سفر کردند پارسی بودند و از بین آن‌ها شاهزاده اشکانی به نام آن‌شی‌گائو یا به ژاپنی آنسیکو بود. ملموس‌ترین مثال تاثیر ایرانیان بر مکتب بودا در قندهار مشاهده می‌شود که سبکی هنری

است که در زمان کوشان^۱ شکل گرفت و رابطه نزدیکی با مدرسه بودایی ماهایانا دارد. پژوهشگران با این امر موافقت کرده: «این احتمال زیاد است که هم توسعه هنری و هم گسترش مدرسه فکری ماهایانا هر دو از تماس و تعامل فرهنگ‌های ایرانی، یونانی و هندی شکل گرفته باشند».^۲

قندهار جایی است که بودیسم توسط آشوک‌شاه به آن وارد شد و مورد استقبال قرار گرفت. همچنین از اواخر قرن سوم پیش از میلاد قندهار به عنوان «سرزمین مهاجرت» بود و اولین معابد را در خود جای داد و بسیاری نیز به کیش بودا درآمدند. یکی از این ویژگی‌های هنر قندهاری این است که بودا را به شکل انسانی (و نه آسمانی) نشان می‌دهد. به این معنی که بودا به عنوان بودهیساتوا اراده کرد که به زمین بازگردد و انسان‌ها را نجات دهد. در این گونه هنر پی می‌بریم که در ماهایانا تلاش به دسترسی بیداری برای همه وجود دارد و این ایده به قرن اول بعد از میلاد برمی‌گردد و دارای سبک شاهنامه ایرانی-هندی است. همچنین به تصویر مشهور «بودهیساتوای پارسی»^۳ برمی‌گردد که صفحات نقاشی شده و ختنی^۴ مربوط به قرن ششم بعد از میلاد است. چهره‌های کشیده شده بر اساس اطلاعات رونالد امریک، شباهت زیادی به قهرمان پارسی

۱. کوشان Kushan

۲. رونالد امریک، ۱۹۸۳، Ronald Eric Emmerick

۳. بودهیساتوای پارسی: تاریخ اولین مدرک به حدود دویست سال پس از میلاد مسیح از یکی از همکاران آن‌شی‌گائو به نام یان فوتیائو Yan Fotiao برمی‌گردد. یان اظهار می‌دارد که فقط یک بودهیساتو بود (هست)، کسی که اهل انشی (اشکانی) و نامش آن‌شی‌گائو بود (هست). کتاب آنتونیو فورته «خانواده ایرانی در چین».

۴. خوتن (ختن) Khotan: یک پادشاهی خوتن، یک پادشاهی پیرو مذهب بودا بود که قلمرو آن در کناره‌های جنوبی و در مسیر جاده ابریشم قرار داشت. این پادشاهی در غرب چین بود. پادشاهی خوتن در حدود هزار سال پابرجا بود تا اینکه در سال ۱۰۰۶ با حمله مسلمانان عرب از میان رفت.

۱. رونالد امریک Roland Eric Emmerick «بودیسم در میان مردم ایران» در احسان یارشاطر تاریخ کمبریج ایران، ۱۹۸۳

۲. اسکار وان هینوبر Oskar Von Hinuber، ۱۹۶۵-۱۹۸۱: هندشناس مشهور آلمانی و مؤلف کتاب «ادبیات پالی» (زبان شناختی و مطالعات آسیائی)، ۱۹۹۴

۳. آن‌سی‌کو An Seiko

در شاهنامه فردوسی یعنی رستم دارد.^۱

تاثیر ایرانیان در تندیس آمیتا با بودا^۲ هم مشهود است یعنی شکلی که او رابطه نزدیکی با نور جاودان دارد و زندگی بی پایان که بسیار شباهت با ایده موجود از خدای زمان ایرانیان یعنی «زوروان»^۳ دارد. پژوهشگران دریافته اند که این اندیشه فکری از تاثیر ایرانیان به خصوص در دوره مهمی از شکل گیری بسیار محتمل بوده، به خصوص زمانی که مفاهیم ایرانی و هندی در ارتباط نزدیک باهم قرار گرفتند.

مکتب بودا نیز تاثیراتی بر ایران داشت و پیام روشنگری به آسانی استقبال شد چرا که زمینه ذهنی ایرانیان با این نوع اندیشه همخوانی داشت. حتی شهر بخارا نامش را از باهارا^۴ از واژه سانسکریتی و بهار گرفته بود که معنای آن «معبود» یا مکان مقدس بود و در عین حال اشاره به مکان پرستش بوداییان داشت. سغدیان آن زمان صدای آوای H را به صورت KH تلفظ می کردند و در نتیجه این شهر از باهارا به بخارا مشهور شد. دهکده های زیادی نیز وجود دارند که در نام آن ها واژه بهار وجود دارد و تا به حال هم پایرجا مانده اند. مکتب بودا در یک دوره خاص به عنوان مذهب رسمی سلسله ساسانی تحت حکومت «پیروز شاه» اعلام شد. این مکتب رو به گسترش بود که با حمله اعراب، پادشاه مجبور به فرار شد و به چین روی آورد که پیش از آن ایرانیان

در آنجا اقامت داشتند. پیروز شاه از امپراتور چین تایزونگ^۱ یا (تایزونگ) درخواست کمک کرد که در آن زمان تایزونگ پیش از رسیدن پیروز به چانگ آن^۲ در گذشته بود.

اگرچه بسیاری از منابع قدیمی و باستانی در این زمینه هنوز باقیمانده است و حقایق بازگو نشده اند، با این حال داده های فراوان نشان از این دارد که نقش مکتب بودا در توسعه تمدن ایران تا قبل از حمله ی اعراب به ایران عینی و قابل لمس بود و این اندیشه با اندیشه اندیشمندان ایرانی سنخیت داشت و از میان آن ها فرزنانگانی چون آن شی گائو، یان فوتیائو^۳ (همکار آن شی گائو در ترجمه)، آن شوان^۴ (هم وطن آن شی گائو در گروه ترجمه) و غیره ظهور کردند و نه تنها پرچم مهر و شفقت بودایی را برافراشتند بلکه آن را با ساختار فکری خود در آمیختند.

در بیست و پنج قرن پس از پیدایش بودا تغییرات بزرگی در جهان رخ داده است. امپراتوری ها به وجود آمدند و سقوط کردند. ملت هایی پدید آمدند و دوران خود را سپری کردند. جهان امروز بسیاری از این تمدن ها را فراموش کرده است. اما در میان این فراز و فرودها، ظهورها و سقوطها امروزه نام بودا و پیام شفقت و خرد او همچنان زیانزد عام و خاص است و در اذهان عموم باقی مانده و بنا به ماهیت و ابعاد انسانی آن وجهه خاصی دارد. امپراتوری تقوا و پرهیزگاری، عدالت، هم نوع دوستی،

۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب رونالد اریک امریک «بودیسم در میان مردم ایران» در احسان یارشاطر، ۱۹۸۳ مراجعه فرمایید.

۲. آمیتا با بودا به سانسکریت و آمیدا به ژاپنی: بودای نور جاودان، زندگی بیکران، تجسم بیکران

۳. زوروان Zurvan: به معنای زمان است و نام یکی از ایزدان باستانی (مذهب قدیم ایرانیان) است. از صفات زوروان این است که برای «زمان» آغاز و انجامی تصور نشده است. او ابدی و پایدار است. آئین زوروانی مربوط به دوره ساسانیان است.

۴. باهارا Bahahra گرفته شده از ویهارا Vihara به معنی معبد.

۱. امپراتور تایزونگ Taizong یا تایزونگ (۵۹۹ - ۶۴۹) امپراتور چین و دومین فرمانروای دودمان تانگ Tang بود. نام اصلی او لی شی مین بود.

2. Chang»an

3. Yan Fotiao

4. An xuan

همچنان قدرتمند و پا برجا باقی مانده و جایگزین مناسبی برای خشونت و ظلم شده است. گرچه در برهه‌ای از زمان گنبدها، معابد، تندیس‌ها، کتابخانه‌ها، نمادهای مذهبی به نام باشکوهش و پیام شریفش بر پا شدند و به دلایل از بین رفتند؛ اما نام او و راه او هنوز در اذهان مردم فرهیخته و متمدن جای دارد.

او به کسانی که سرمست از فتوحات خود در جنگ علیه انسان‌های دیگر بودند یاد داد که فتح خویشتن از سایر فتوحات بالاتر است. او در داهماپادا (گفتارهای راه حق) تاکید کرده که می‌توان بر هزاران هزار فرد غلبه کرد اما کسی که بر خود چیره شود از تمام فاتحان پیروزتر است. شاید بهترین نمونه آن انتقال پیام مهرآمیز و نوع‌دوستانه او به آشوک‌شاه، پادشاهی مستبد و جنگ‌طلب بود که از او سلطانی مهربان و مملو از شفقت ساخت که حتی حیوانات را تحت حمایت خود قرار داد.

بدون شک پیام صلح و دوستی بودا جوامع بشری را متمدن‌تر و مهربان‌تر کرد به‌طوری که توانست یک توازن نسبی در دنیای پر آشوب کنونی به وجود بیاورد. مشکلات و دشواری‌های روحی انسان‌هایی که به او باور داشتند و رهنمودهای او را تمرین کردند به مراتب آسان‌تر شد. رویکرد بودا به مسائل رنج بشری همواره مستقیم و رو به جلو بوده است. بودا بزرگترین فاتح جهان است که تا کنون در تاریخ ثبت شده است. او جهان را با عشق و حقیقت فتح کرد. آموزه‌های او هم اکنون راه را برای انسان‌ها روشن می‌دارد تا آنان را از بیابان‌های جهل، خرافات، باورهای دروغین مذهبی، نفرت و رنج عبور داده به دنیای مهر و عشق و روشنگری رهنمون سازد.

در طی نیم قرن اخیر میزان اشتیاق به بودیسم به‌طور عام و ذن - بودیسم به‌طور ویژه و به‌نحو چشمگیری گسترش یافته و حتی توانسته

است در فرهنگ غرب و دنیای معنوی آن‌ها نفوذ کند. از قرار معلوم این مسئله مربوط به اصل و اساس آموزه بودا به‌عنوان یک راه‌رهای خارج از متون مقدس (از نگاه ماها یانا بودیسم) و دیگری اشتیاق و هواخواهی از فرهنگ چین و ژاپن است که می‌توان آن را شاخه تنومند بودایی‌گری به حساب آورد.

ای راهب پارسی تو باید نیک بدانی که تمدن غرب با آفرینندگی‌های شگرف، با خیره‌کنندگی‌های رنگارنگ، در بسیاری از زمینه‌ها را نمی‌توان از نظر دور داشت. شگفتی‌هایی در زمینه فناوری، روانشناسی و روان‌درمانی، در فلسفه، علم کلام، و ارتباطات که بخشی از رفاه بشری را فراهم آورده است. اما آیا این پیشرفت‌های مادی توانسته است انسان را از دردهایی که سالیان سال گریبانگیر او بوده برهاند؟ توجه و علاقه فیلسوفان، روانشناسان و اندیشمندان غرب به بودیسم به‌ویژه به ذن به واقع چاره‌یابی و مقابله با بحران روحی و معنویشان بوده تا پاسخگوی این رنج‌ها باشد، برون رفتی که علم خود قادر به انجام آن نبود. بحران‌هایی چون بی‌قراری، از خود بیگانگی، پوچی، خشونت و ... که با پیشرفت ماشین و تکنولوژی و به همراه آن گسترش یافت.

بودیسم علاوه بر اعتلای فرهنگی و اخلاقی می‌توانست حداقل پاسخی به بعضی از این تلاطم‌های روحی باشد، نه صرفاً به‌عنوان جایگزین یک مذهب، یا تحمیل یک ایدئولوژی، یا افزودن تعداد بیشتری بر این لشکر که ارجحیت آن را به سایر مکاتب معنوی ثابت کند، بلکه یک راه‌رهای مطمئن از دردها و رنج‌ها با ابزارهای ساده و تاثیرگذار بدون توسل به زنجیر رهبران. بودیسم وارد غرب شد و مورد استقبال متفکران قرار گرفت و جایگاه مستحکم و معتبری در تمدن والای غرب یافت و افراد بسیاری را به خود جذب کرد. این استقبال

در رده روشنفکران و خردمندان بیشتر به چشم می خورد. ویژگی هایی که بودیسم هم در زمینه فلسفی و هم روانشناسی مربوط به سرشت انسان داشت توانست بخش وسیعی از جهان را فتح کند و عده ی زیادی را به آن علاقمند کند. در حقیقت در چند دهه اخیر استقبال عظیمی از بودیسم در ابعاد گوناگون به ویژه علمی و فلسفی شده و غرب را تحت تاثیر قرار داده است.

ای راهب راه های ناشناخته، آیا کسانی که رد تحولات تاریخی را دنبال می کنند (به ویژه مورخان عمومی) به درستی پی برده اند که آیین بودا در چه مناطقی پیشرفت های چشمگیر داشته و چه شخص یا اشخاصی در این زمینه تعیین کننده و تاثیرگذار بوده اند؟ به عبارت دیگر اگر بودیسم خارج از محدوده خود این چنین شتابی داشته است، چه کسی یا کسانی در ترویج آن کوشیده اند؟

اینک به سخنم به نیکی گوش فرا ده؛ باوجود اینکه بودیسم در گسترش آموزه های خود هرگز متوسل به جبر یا تحمیل و یا القاء باورهای کورکورانه نشد اما آموزه هایش با حرکتی آرام به دورترین نقاط دنیا از شبه قاره هند گرفته تا سراسر آسیا و بعدها اروپا و آمریکا گسترش یافت. گرچه گاهی اوقات تاریخ بعضی رویدادهای حساس و تعیین کننده را از قلم می اندازد، اما پژوهشگران کنجکا و شواهد معتبر بر این باورند که اندیشه بودا به اشکال گوناگون وارد ایران شد و هر بار تندیس هایی، زیارتگاهی، و آثار سنگ نبشته بی در این سرزمین به جای گذاشته شد که آثارش هم اکنون نیز مشهود است. اوج بودیسم در زمان اشکانیان بود که با طرز تفکر مردمی که زمینه ذهنی آن را نیز داشتند تطبیق پیدا کرد. گو اینک نشانه هایی نیز از قبل از آن در سرزمین پارس به روایت تاریخ به چشم می خورد. شاید اغراق نباشد که گسترش آیین بودا از این سرزمین

به شرق قاره آسیا با جمعیتی عظیم گسترش پیدا کرد و به مرور به نواحی اطراف نیز گسترده شد.

ای راهب! در درون تو پرسشی است که من آن را در می یابم. اینک گوش بسپار به پرسش درونت و پاسخ آن را بشنو! چه موقع تمدن غرب با طریقت بودیسم آشنا شد؟ به عبارت دیگر چه زمانی جوهر بودیسم توسط غربیان شناخته و فهمیده شد؟ در این زمینه ممکن است تفسیرهای گوناگونی داده شده باشد. حقیقت امر این است که آیین بودا ابتدا در سال ۱۸۴۰ از طریق مهاجران چینی که در بخش های غربی ایالات متحده ساکن شدند به آن جا آمد. همچنین اروپاییان و آمریکایی های شمال که از آسیا دیدن می کردند متون بودایی را با خود به سرزمین خویش بردند. نفوذ اندیشه بودایی با آثار ادبی از والت ویتمن^۱ شاعر، روزنامه نگار، انسان گرای آمریکایی، رالف والدو امرسون^۲، شاعر، فیلسوف و پدید آورنده جنبش اشراقی^۳، و نیز هنری دیوید ثورو^۴، فیلسوف، شاعر و طبیعت دادن به آمریکا (کشورشان) ارائه شد. در نیمه های قرن بیستم ایده بودیسم به بخش های وسیع تری از جامعه آمریکایی رسید. مردمی با تمدن والا فرهنگ شرق را با دل و جان پذیرفتند. و اما در مورد ژاپن، بودیسم در قرن پنجم میلادی و در دوره کوفون^۵

1. Walt Whitman
2. Ralf Waldo Emerson
3. Transcendental Movement
4. Henry David Thoreau
5. Kofun

می‌توانیم بگوییم که نفس واقعیت آن، به واسطه خواست طبقات حاکم آن زمان بود که تمایل داشتند بودیسم، عامل تحول و همبستگی سیاسی باشد.^۱

پیر گفت: بخوان! ادامه بده!
و من خواندم که: بله.
وی ادامه می‌دهد:

اگر می‌خواهید بدانید که آیین بودا تا چه میزانی در تاریخ حیات ملت ژاپن راه یافته است، تصور کنید تمامی این معابد و گنجینه‌هایی که در آن‌ها است پاک نابود شده بودند. آنگاه می‌توان دریافت که ژاپن، با همه زیبایی طبیعی و مردم خوش خوی‌اش چه برهوتی می‌بود. در آن صورت این کشور به خانه‌یی متروک می‌مانست که در آن نه اثاثی باشد، نه پرده‌های نقاشی، نه پاراوانی، نه مجسمه‌یی، نه دیوارکوبی، نه باغی، نه گل‌آرایی، نه نمایش‌نامه‌های نثو^۲، نه هنر چای‌نوشی، و نه چیز دیگری از این دست.^۳

ای پیر فرزانه آیا من، راهب جست‌وجوگر پارسی می‌توانم بگویم

۱. ذن و فرهنگ ژاپنی: ترجمه ع. پاشایی صفحه ۲۵۵

۲. نثو NO: یک رقص ژاپنی: به لحاظ واژه به معنای به اجرا درآوردن است. نمایش نامه‌های نثو در ژاپن به قرن هفتم برمی‌گردد. این رقص‌ها موضوع و بن‌مایه بودایی دارند. حرکت و روش رقصیدن و صحبت کردن در این نمایشنامه‌ها دارای ظرافتی فوق‌العاده است. امروزه این هنر به شکلی است که عده بسیار کمی از افراد تحصیلکرده می‌توانند به معانی سمبلیک آن پی ببرند.

۳. ذن و فرهنگ ژاپنی: صفحه ۲۵۶.

وارد ژاپن شد درحالی‌که مذهب حاکم در آن زمان شینتو^۱ بود. بعد از آن یک راهب بودایی به نام میوآن ایسای^۲ (۱۱۴۱-۱۲۱۵) بودیسم چینی یعنی چاآن^۳ را به شکل «ذن» وارد ژاپن کرد. بودیسم تأثیری بس شگرف بر جامعه ژاپن گذاشت و آن را متحول کرد.^۴
اینک بیا و بخوان که پروفیسور د. ت. سوزوکی^۵ نویسنده و فیلسوف ژاپنی ذن که با فرهنگ و ساختار فرهنگی کشور خود آشنا بود درباره تأثیر و نفوذ بودیسم بر جامعه ژاپن چه می‌گوید. و من خواندم که:

غیرممکن است بخواهیم از فرهنگ ژاپنی جدا از آیین بودا صحبت کنیم. چون در هر مرحله از تحول آن، ما حضور احساس بودایی را به طریقی تشخیص می‌دهیم. در حقیقت، هیچ بخش از فرهنگ ژاپنی نیست که تحت تأثیر بودیسم قرار نگرفته باشد. تأثیر بسیار جامع که مایی که در میانه آن زندگی می‌کنیم، ابداً از آن با خبر نیستیم. از زمانی که بودیسم در قرن ششم به‌طور رسمی به کشور ما معرفی شد، بودیسم همواره یک عامل بسیار سازنده و محرک در تاریخ فرهنگ ما بوده است. ما

۱. شینتو مذهب یا آئین باستانی ژاپن است و معنی آن «راه خدایان» است و هنوز در ژاپن مریدانی دارد. کیش ماهايانا بودیسم در سال ۵۵۲ میلادی به ژاپن وارد شد و مذهب شینتو را تحت الشعاع قرار داد. در حال حاضر روشنفکران و فرهیختگان ژاپن بیشتر به بودیسم ذن گرایش دارند و معابد ذن بسیاری تأسیس شده است.

2. Myoan Eisai

3. Cha»n

۴. کتاب «ذن و فرهنگ ژاپنی» ترجمه ع. پاشایی را ببینید.

۵. پروفیسور دی. تی. سوزوکی ۱۹۶۶-۱۸۶۹. وی ژاپنی و استاد فلسفه بودایی در دانشگاه اوتانی در شهر کیوتو بوده است. پروفیسور سوزوکی دارای تالیفات بی‌شماری به زبان ژاپنی و انگلیسی بوده و تعداد کتاب‌هایی که وی درباره ذن بودیسم به زبان انگلیسی نوشته بیش از بیست و پنج جلد است.

که: (۱) بودیسم استقرار یافته در غرب و ژاپن الهام گرفته از بودیسم چین است. (۲) در غرب و ژاپن از بودیسم به خوبی استقبال شد و موجب تحول فرهنگی و مذهبی آن جوامع شد و سعی در گسترش آن نمودند. (۳) به استناد به گفته‌های متفکران ژاپنی، «بودیسم» در حیات مردم ژاپن نقش اساسی داشت.

پیر گفت: ای راهب جست‌وجوگر به نیکی سخن گفتی. اما لازم است بدانیم که خود فرهنگ چین تحت عنوان «چآن‌بودیسم» چگونه متحول شد. جای پای چه کسانی در گسترش بودیسم و استقرار آن در چین دیده شده و آیا شواهد و مدارک کافی برای اثبات این ادعا هست و اگر هست کدامین‌اند. در پاسخ به این پرسش و شرح آن ابتدا به شکل‌گیری بودیسم می‌پردازیم. ای راهب بودایی، نیک گوش فرا ده! حدود دو قرن بعد از مرگ بودا، راه او، اصلاح و سامان‌دهی شد و به چنان درجه‌ای از شکوفایی رسید که به طور رسمی توسط آشوک‌شاه (۲۳۰-۲۷۰) قبل از میلاد به رسمیت شناخته شد.

گفتم: ای پیر فرزانه تا آن‌جا که می‌دانم، آشوک‌شاه پادشاهی مستبد و نسبت به مردم بسیار سخت‌گیر بود و تنها به لشکرکشی و فتوحاتش می‌اندیشید. جنگ طلب و عاشق پیروزی‌هایی بود که به دست می‌آورد. پیر گفت: ای راهب پارسی درست است. اما او بعدها به بودائیت روی آورد. پس از آن به تدریج لشکرکشی‌ها، شکار حیوانات و یا تهیه‌ی غذا از شکار را ممنوع ساخت و به جای آن به برپایی بیمارستان‌هایی برای انسان‌ها و حیوانات پرداخت. مالیات‌های مردم را قطع کرد و جامعه‌ی آزادی را بنا نهاد. او به یک هوا خواه فعال بودایی تبدیل شده بود و برای گسترش بودیسم فرستاده‌هایی به نواحی اطراف می‌فرستاد. در فرمانی (فرمان هشتم) او فرستاده‌هایی به سوی مردمان دیگر روان

ساخت به‌ویژه مردم ایران، کامبوج‌ها^۱، قبایل یونا^۲ و سپس قسمت جنوبی افغانستان امروزی. این نشان می‌دهد که حضور بودیسم حتی در حدود نیمه‌های قرن سوم قبل از میلاد در سرزمین پهناور پارس پررنگ بوده است. آشوک‌شاه اصول اخلاقی بودیسم را بر روی سنگ‌ها و ستون‌های سنگی حکاکی کرد. سپس پسرش ماهیندا و دخترش سانگ‌ها میتا را به سیلان (سری لانکا) فرستاد و حکمرانان آن دیار را دعوت به راه حق نمود^۳. او در سراسر کشور نیایشگاه‌ها و ستون‌های سنگی بر پا کرد و آموزگاران را به خارج فرستاد تا به فعالیت‌های انسان دوستانه براساس روح بودیسم بپردازند. این جنبش به تدریج از شمال به هند و خاور چین در طول جاده قدیم ابریشم گسترش پیدا کرد. بعدها به نواحی دیگر استان مرکزی نفوذ کرد، یعنی از استان شینگ‌جیانگ تا آسیای مرکزی و کشمیر و همچنین به سمت شرق در حرکت بود. پیام روشن‌شدگی بودا در دوره اشکانیان به خوبی دریافت شد. یک راهب بودایی که از سرزمین پارتیان (احتمالاً تخارستان یعنی ناحیه‌ای در شمال شرقی خراسان) و در سال ۱۴۸ بعد از میلاد وارد چین شد. او زبان چینی را به سرعت آموخت و سپس شروع به ترجمه متون بودایی در چین نمود^۴. او به دلایلی نمی‌توانست در کشور زادگاهش این اندیشه

۱. در دانشنامه ایرانیکا آمده که: قبیله کمبوجه نام قومی باستانی و ایرانی (احتمالاً از نژاد سکا‌ها) یا هندوایرانی که در شمال خاوری فلات ایران (پاکستان کنونی) می‌زیستند. این نام در نوشته‌های سانسکریت و متون بودایی پالی ثبت شده است. پارتیان هند گروهی از مردمان ایرانی بودند که در خاور خاک اصلی اشکانی (پارت) زندگی می‌کردند. گندفر بنیان‌گذار پارتیان هند یک سیستم از خاندان ایرانی سورن و از والیان اشکانیان بود.

۲. قبیله یونا Yona tribe: طایفه‌ی از نژاد یونانی‌ها.

۳. راه حق یا داهما پادا Dhammapada مجموعه‌ای است از گفته‌ها و تکنیک بودا برای «رهائی» از رنج.

۴. دانشنامه ایرانیکا

را برکسی بنشانند و تصمیم گرفت این دانش را در جایی پخش و منتشر کند که امن و تاثیرگذار باشد. بنابراین با گروه ترجمه که خود سرپرست آن بود، ترجمه‌ی اولین متون بودایی را در شهر لئویانگ آغاز نمود.

باران از باریدن ایستاد. قطرات بلورین باران در میان زمین و آسمان ایستادند. باران و ابر و آفتاب ایستادند. همه چیز از رفتن باز ایستاد. سکون محض بود و نور خالص. بودی در نبودی. تهای خالص هستی. نوری خیره کننده تمام هستی را در برگرفت. نه شهری بود و نه نیایشگاهی. در تمام هستی، تنها من بودم و درختی در دور. از نور. برخاستم. این بار کوله‌بارم سبک تر بود. نگاهی کردم. اما سنگ‌ها بیشتر شده بودند. این بار چهارده سنگ بر سنگ‌های پیشین افزوده شده بود و بر هر سنگی کلامی به عطر مشک و عنبر و به رنگ هزار و یک رنگین کمان از جنس نور.

دانستم که؛

بودا در سوره کالاما می‌گوید: «حتی بهترین سخنان مرا با تجربه خودتان بسنجید».

خویشتن واقعی، خویشتنی است که پرده پندار را به شیوه‌ای کنار زده باشد.

تربیت و مهار ذهن از تمرینات بنیادی آموزش بودا است.

سنگ‌نیشته‌هایی که آشوک‌شاه فرمان آن را داد، الهام گرفته از سنگ‌نیشته‌های هخامنشی ایران است.

در طی قرن اول بعد از میلاد بلخ کنونی به داشتن معابد بودایی مشهور بود.

در هجوم اعراب به ایران، مکان‌های مقدس بودایی، کتاب‌ها و

ارزش‌های فرهنگی دیگر توسط جاهلان سوزانده شدند. اعراب، بوداییان ایرانی را بت پرست می‌دانستند و خون آن‌ها حلال بود.

بودا هیچ مقام و مرجعی را به عنوان تعیین کننده سرنوشت ما به رسمیت نمی‌شناسد.

اندیشه بودایی برای اولین بار و درست چند هفته بعد از بیداری بودا توسط دو بازرگان به ایران آورده شد.

بر اساس منابع تاریخی چینی و غیر چینی اولین راهبان بودایی که به چین سفر کردند و بودیسم را گسترش دادند، ایرانی بودند.

قندهار جایی است که بودیسم توسط آشوک‌شاه به آنجا وارد شد.

واژه سانسکریتی «ویهارا» برگرفته از نام بخارا یا (باهارا) است.

شهر سوم

راه دراز بود و نبود. راه دشوار بود و نبود. من بودم و نبودم. آب دیگر برای من معنا نداشت. در جست و جوی تشنگی بودم. تشنه بود و تشنگی را می جستم. در آب بودم. در دریا بودم. دریا بودم و تشنه تر از تشنه. موج در موج می رقصیدم و بر بال شورابه ها می دویدم. باید می رفتم. همه رفتن بودم و رفتن. تمام گرده ها و نرمه های هستی من می دویدند. من در تمام این ذرات بودم و نبودم. هستی بی تاب من در تکاپویی شتابان به پیش می رفت. خالی شده بودم. تهی از هر چه که بود. نور شده بودم. نوری که می دوید. شهر در برابر من بود. شهری با دروازه ای از فیروزه. دیوار و کوی و برزن همه کاشی های فیروزه. سقف های بلندی که گویی با آسمان در آغوش یکدیگرند. عشقبازی زمین و آسمان بود. عشقبازی هستی بود. تمام کوی و برزن ها با ابریشم پوشیده بود. عطر گلاب قمصر کاشان بود و رقص لاله های قافلان کوه. نرگس شیراز بود که به ناز بر آمده بود به هر سویی. پیر فرزانه بر تختی از فیروزه نشسته بود و گذر کاروان های مشک و عنبر را تماشا می کرد.

پیر فرزانه گویی کلماتی را زیر لب زمزمه می کرد و هر بار که سکوت می کرد، کلماتش چون دسته ای سنجاقک گرد سرش می گردید:

الا یا ایها الساقی ادر کاسا و ناولها

سپس روی به من کرد:

بیا بنشین. بر پلکان این نیايشگاه فیروزه گون بنشین. بسیار کسان که پیش از تو آمدند و به دروازه نرسیده بازگشتند. راه دشوار بود و تشنگی بود و خار بود و دیو بود و دد بود. برگشتند. از بالای آن تپه ها. شهر زیر پایشان بود و ندیدند. شهر با چشمه چشمه آب گوارا پیش پایشان بود و برگشتند در جست و جوی سراب. هزار معجزه در دستشان بود و دنبال معجزه ای می گشتند. هزار هزار فرشته زیر پایشان بال گشوده بودند و اینان با پاهای پر از تاول بر زمین می خزیدند. رفتند تا در بیابان های تیره و تاریک زندگی، چشمه های آب حیات را بیابند، اما ندیدند هزار و یک چشمه ی زلال را که از سینه هایشان می جوشید. بنشین، خالی شو. سکوت شو. تهی شو تا پر شوی. ساکت شو تا هفتاد و دو قمری از گلویت آواز بخواند. دمی در خاموشی این شهر فرو رو. نرم چونان آب. روان چونان آب. بی دریغ چونان آب. تا نسیم کلمات بر تو بوزد.

من ننشستم. بر خاک باریدم. باریدم. گویی کلمات پیر مرا تکان داد و از درخت هستی خویش چونان میوه ای تازه بر خاک افتادم. بر فیروزه و ابریشم می رفتم و می گردیدم و می پیچیدم و کلمات بر من می بارید و مرا در خود می چرخانید و می گردانید: ای راهب پارسی! ای پرسشگر کنجکاو! ای سالک راه های بی انتها! ای رهروی سمت و سوهای بی سمت و سو. ای سالک جانب های بی جانبی! بدان که، این حقیقت که بودیسم بر فرهنگ و نحوه اندیشه ایرانیان باستان تاثیر گذاشته و اینکه دنیای بودیسم به طریقی از فرهنگ و هنر ایران الهام گرفته است غیر قابل انکار

است و شواهد آن به اشکال مختلف در گذشته و حال نوشته و تحلیل شده است، به طوری که این تقابل فرهنگی توانسته حقایقی را بازتاب دهد. ادعاهای کسانی که در این زمینه نوشته و تحقیق ژرف و جامع کرده اند کم نیستند و جالب اینکه این پژوهش ها کم و بیش به هم نزدیک است و علاقه خاصی برای دسترسی بیشتر به این داده ها را می طلبد. اما بسیاری از نشانه های تاریخی و نیز بسیاری از رد پای بودیسم در ایران که از دستاوردهای فرهنگی این سرزمین بوده است در رقابت های مذهبی تا اواخر قرن هفتم که ذهنیت و تعصب اعراب را به دنبال داشت یا نابود شدند و یا بقایای آن پنهان مانده اند.

در این جا لازم است که به اشاره مختصری از گسترش بودیسم در چارچوب موضوع مان پردازم و یک رشته از تاثیرات متقابل بین بودیسم و ایرانی ها را بازگو کنم که بدانیم سرزمین کهن و فرهنگی ایران چگونه از دیرباز، یعنی سال ها قبل از میلاد و یا حتی در زمان حیات بودا با آموزه های اصیل و انسانی او آشنا بود و بدون هیچ تحمیل و اجباری آنچه را که به فرهنگ کهن و گران بهای خودش نزدیک بود پذیرفت، حقیقتی که حتی از دید تاریخ هم پنهان نماند هر چند که تاریخ می توانست وقایع را گویاتر و با جزئیات بیان کند. خط سیر متقابل بین دنیای ایران باستان و جهان بودیسم یک انضباط گسترده را در بر داشت. بعضی نواحی که به وضوح چنین تاثیرات متقابلی در آن بوده بی تردید مورد توجه پژوهشگران بوده و هست که از طریق پاره ای از شواهد تاریخی در زمینه هنر، معماری، پیکرنگاری، عرفان، ادبیات و باورهای مربوط به آخرت ارائه داده شده است. پژوهشگران متعهد که به طور مستقل پژوهش می کردند آن ها را به اشکال گوناگون در معرض دید مردم قرار دادند. بیا ای راهب پارسی تا بر بال تاریخ به سرزمین تو سفر کنیم. بیا تا

بر بال این پرنده‌ی شگفت سفر کنیم به ژرفای تاریکی‌ها و بر آنچه سیاه و فراموش شده است، نور آگاهی بیافشانیم.

بر بال پرنده رهسپار شدیم. اینک نور بود که چونان گل آفتاب‌گردان بزرگی می‌گردید و بر تاریکی می‌تابید. پیر فرزانه دهان گشود و کلمات چون نسیمی آبی از دهانش بال گشودند:

سیر و حرکت تماس بین این دو جهان (ایرانی و بودیسم) با سلسله‌های مائوریان (۱۸۵-۳۲۲) قبل از میلاد ادامه یافت. جهان ایران که شامل بخش شمالی افغانستان، شمال شرقی ایران و بخش‌هایی از آسیای مرکزی است اغلب در مهد فرهنگ خراسان که تا اندازه‌ای در شمال افغانستان کنونی قرار داشت بخشی از دنیای غربی ایرانی در زمان قرون وسطی به حساب می‌آمد. در ایران نه تنها بخش مرکزی پارتیان یعنی (اشکانیان ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ بعد از میلاد) گسترش بودیسم را به‌سوی باختر فراهم کرد بلکه نیز تعداد زیادی از فرهیختگان و نخبه‌های اشکانی به بودیسم گرویدند. جالب اینکه بودیسم در دوره اشکانیان شاهد تحولات بسیاری بود و همچنین مورد توجه دربار اشکانی نیز قرار گرفت. در واقع می‌توان گفت که در این دودمان بود که بودیسم به‌نحو برجسته‌ای نمایان شد و فرزاندانی از آن ظهور کردند. اگر تاریخ عمومی به دلایلی مبهم آن را نادیده گرفته و برایش چندان سود بر نبوده، دلیل بر نبود چنین طرز تفکری در آن دودمان نیست چرا که به مرور نشانه‌هایی از وجود یک فرهنگ غنی در آن دوران تفسیر و ارائه شد.

در زمان اشکانیان و با توجه به شواهد تاریخی، اندیشمندان پارتی

هم با آموزه‌های روشنگری آشنا شدند و آن را متحول کردند؛ کتاب‌های متنوع و فراوان به‌جای مانده از آن دوره همه شاهد این مدعا هستند..

بانگ زدم: کو؟ کجاست آن کتاب‌ها که تاریک‌اندیشان خواندنش را بر نتابیدند و راستی نهان ماند و دروغ بر اریکه نشست؟

پیر فرزانه گفت:

شوربختانه نه اسمی از این سلسله در این زمینه برده شده و نه چنین حرکت تاریخی از آن ثبت شده است و نه نامی از کتاب‌های پر ارزش در آن زمان برده شده است. پژوهشگرانی که کند و کاو کردند و بعدها با تکیه بر شواهد عینی، در این باره نوشته‌اند و تفسیرها داشته‌اند، همه متفق‌القولند که دوره اشکانیان، دوره جذب بودیسم بوده و اشاعه آن را، دوره فهم و درک پارتیان از بودیسم دانسته‌اند. پائول هاریسون در سمیناری باهمقارانش بر این حقیقت تاکید داشته و آثار شاهزاده‌ی اشکانی را یکایک بر شمرده است.^۱

ظهور سلسله کوشان^۲ (۶۰-۳۷۵) و پذیرش بودیسم در قرن اول بعد از میلاد در افغانستان مدرن کنونی و همچنین خراسان (که در آن زمان یک سرزمین بودند)، توانست این اندیشه را در یک تبادل آزاد و روان و بدون هیچ زور و مانعی به‌طور عملی و فراگیر وارد ایران نماید گرچه

1. Prof, Paul Harrison: " The Works of An Shigao", George Edwin Burnell, Prof of Religious Studies.

۲. کوشان نام امپراتوری است که همسایه شرقی اشکانیان از سال ۶۰ تا ۳۷۵ میلادی بوده که از اقوام کوچ‌نشین آریایی بودند. آن‌ها بر آسیای میانه و شمال هند فرمانروایی می‌کردند. این امپراتوری از دین بودایی پیروی می‌کرد و تندیس‌های بودای بامیان یادگاری از آن دوره است. در سده سوم میلادی کوشان‌ها به دست ساسانیان سرنگون شدند.

تاریخچه‌ی آن به پیش‌تر از این دوره می‌رسد که به آن اشاره خواهد شد. در خراسان و در دوره کوشان، نفوذهای معنوی متقابل، درک و فهم متقابل، زبان‌های مشترک و شرعیات باعث ارتباط فرهنگ‌های ایرانی و بودایی شد. تماس‌های قدیم و تماس‌های بعد از آن، در دوره گوناگون و البته به واسطه مجاورت مستقیم جغرافیایی و ساکن بودن بودایی‌ها در ایران آن‌ها را به هم نزدیک‌تر می‌کرد. از طریق رفت و آمدها، فرستاده‌های مذهبی، مهاجرت و تجارت این تماس‌ها بیشتر شد.

جاده ابریشم و راه‌های تجاری دیگر باعث تبادل عقیده و فرهنگ‌ها توسط بوداییان مهاجر، فرستاده‌های مذهبی و مسافرت‌های بازرگانی از طریق چین، ترکستان، آسیای مرکزی، ایران به‌ویژه خراسان گردید. این شواهد، و نیز غارهای صومعه‌ای^۱، قدمگاه، مکان‌های مقدسی که به دلایلی پنهان مانده بود همگی قبل از هجوم اعراب به ایران بوده که می‌تواند دوره فرهنگی قبل از اسلام باشد و نه بعد از آن.

بعد از ظهور سلسله ساسانی (۲۲۴-۶۹۱ بعد از میلاد) با الویت اندیشه زردشتی در ایران که قلمروهای غربی را به عهده داشت، گسترش بودیسم به سمت غرب را کمی با مشکل مواجه ساخت. در دوره ساسانیان بودیسم حضوری محکم و پررنگ داشت. در کتیبه‌ای که بعدها در آن دوره به دست آمد به مرتد بودن بوداییان نیز اشاره شده بود. به‌ویژه یادداشت‌های ثبت شده‌ی بر تخریب به اصطلاح بت‌های سامانابرهمانا (بودایی‌ها و برهمن‌ها) که خود نشان از حضور بودیسم در دوره ساسانیان را دارد. به واسطه سیاست‌های رقابت‌آمیز زردشتیان و بعد از آن خشونت سلسله‌های متعدد اسلامی به مذاهب در ایران، گسترش بودیسم از آن

زمان به بعد، به طرف شرق، به طرف غرب چین، تبت، شمال هند و نپال دور زد و تکیه‌گاهش در ایران متزلزل شد. در همین زمان بود که عده بسیاری که به بودیسم گرایش داشتند بر خلاف تمایلشان به سمت چین کوچیدند و زردشتیان نیز به طریقی مشابه به جای امن‌تری یعنی چین و هند رفتند و در آن‌جا ماندند.

در حقیقت بودایی‌ها در دوره زمامداری ساسانیان مورد اذیت و آزار قرار گرفتند و بسیاری از مکان‌های آن‌ها و کتاب‌هایی که در زمان اشکانیان به‌جای مانده بود در آتش سوزانده شدند. مکان‌های بودایی باقیمانده نیز در قرن پنجم میلادی در حمله هپتالیان^۱ از بین رفتند. در هنگام حمله‌ی اعراب بسیاری از مردمان شرق ایران زردشتی و نیز بودایی بودند. افغانستان یکی از مکان‌های پر تجمع بوداییان بود. از مکان‌های دیگر می‌توان ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و نیز خود ایران امروزی را نام برد. حمله اعراب تیرنهایی را بر پیکر بودایی‌گری در شرق ایران و افغانستان زد اگرچه بوداییان در برخی مکان‌ها همچون بامیان و هادّا در قرن‌های هشتم یا نهم وجود داشتند^۲. اما تاثیر متقابل بین فرهنگ ایرانی و بودایی در یک صحنه رقابتی «فرهنگی-مذهبی» تا هزار و سیصد سال بعد ادامه یافت تا زمانی که بت‌شکنی و تخریب مکان‌های مقدس در سلسله‌های صفاریان (۸۶۱-۱۰۰۳)، غزنویان (۹۶۳-۱۱۸۷) و سلجوقیان (۱۰۳۷-۱۱۹۴) به‌طور اساسی تمام شمایل و تمام آثار قابل رؤیت بودیسم در ایران و نواحی شرقی به‌شدت آسیب دیدند.^۳

۱. هپتالیان، سلسله‌ای که توسط خسرو یکم (۵۰۱-۵۷۹) فرزند قباد یکم بر انداخته شد.

2. Yarshater 1993, The Cambridge History of Iran.

۳. آنچه در این فصل آمده چکیده‌ای از بخش دوم از کتاب استاد مصطفی وزیری «آئین بودا در ایران» صفحه ۱۵-۲۸ چاپ: پال گریو مک میلان، ۲۰۱۱ است.

۱. منظور معابد بودایی که به دلایل خاصی در دل غارها ساخته می‌شد که جای امنی برای مراقبه و تشریفات مذهبی آن‌ها بود.

از میلاد در شرح سفرش این گونه گزارش شده است و اینک ای راهب،
بیا تا تو را بدان سفر همراهی کنم. بیا و تماشا کن!:

دوبازرگان^۱ از نواحی بلخ در حالی که از هند دیدن می کردند
به بودا گایا^۲ جایی که بودا به بیداری نایل شد رسیدند. آن ها
از توشه خود به بودا کیک و عسل تقدیم کردند و مریدان
وی شدند. گزارش های ثبت شده می گوید که این دو مرید
با موی بودا به عنوان آثار مقدس و نمونه ای از اثبات
دیدارشان به وطن خود بازگشتند و اولین معبد بودایی را
درست در زمان حیات بودا در بلخ بنا نهادند^۳. در واقع
اولین معبد بودایی بر طبق شواهد و مستندات در همان
اوایل روشن شدگی بودا در بلخ زده شد.^۴ اولین تماس بین
خراسان و همسایگانش و بودیسم به تاریخ سوم قبل از
میلاد برمی گردد که تقریباً سیصد سال بعد از زندگی بودای
تاریخی بوده است. در آن زمان سلسله مائوریان در هند که
به وسیله ی چاندرراگوپتا^۵ بنا نهاده شده بود قدرت را خود به

۱. نام این دو بازرگان عبارتند از تراپوسا (Trapusa) و باهالیخا (Bahalika) که از اهالی بلخ از
شهرهای خراسان بزرگ بودند. تراپوسا گرفته شده از نام «استویا» به معنی گنبد که در همان زمان
و در برگشت دوبازرگان از بودا گایا و در شهر بلخ بنا نهاده شد و نام باهالیخا نیز گرفته شده از شهر
بلخ است. به این موضوع در دانشنامه بودایی چینی Chinese Buddhist (Encyclopedia) و به نقل از
راهب مسافر بودایی هسوان تسان «شوان زانگ» (۶۰۲-۶۶۴) نیز اشاره شده است.

۲. بودا گایا: جایی که بودا به مدت هفت شبانه روز به زیر درختی به مراقبه نشست تا اینکه به بیداری
نایل گشت.

3. Buddhism in Iran, by Mostafa Vaziri

۴. هسوان تسانگ (H-Suan Tsang or Xuanzang) راهب و زائر چینی سلسله تانگ قرن ششم بعد
از میلاد که بعضی متون سانسکریتی را بعد از آن شی گائو به چینی ترجمه کرد. این زائر مسافر،
وقایع را در طی سفرش درج می کرد. نام این دوبازرگان: تراپوسا به معنی گنبد که در بلخ بنیاد
نهاده شد. باهالیخا که از اهالی بلخ خراسان بود. نام این دو در دانشنامه بودایی چینی آمده است.

5. Chandragupta

اما برخلاف این رویدادهای شرم آور تاریخی، بودیسم در عین حال
مورد حمایت سه سلسله قرار گرفت: سلسله مائوریان در هند که حضور
بودیسم را در ایران متبلورتر ساخت، سلسله اشکانیان در ایران بزرگ
(که تا آسیای مرکزی ادامه داشت) که فرزاندگانی در آن دوره ظهور کردند
و سلسله کوشان در نواحی «هند-خراسان» که آیین بودا را به شکل هایی
در آن پراکنده کردند. از آنجایی که بوداییان هیچگاه قصد نداشتند وارد
سیاست های دولت و مقام های دولتی شوند و در گذشته هر نوع خشونت
را به طور عام و طغیان علیه شاهان را تقبیح می کردند، همین دکتین عدم
خشونت آن ها و عدم وابستگی دنیوی آن ها باعث شد تا حتی شاهان
نیز با الهام از آن ها به کیش آن ها بگروند و بذریع انسانی کاشته شده
در روح و روانشان را پرورش دهند. و زمانی که قدرت های درباری از
مبلغین مذهبی به واسطه آموزه های اخلاقی شان به مردم حمایت مالی و
معنوی می کردند، بودیسم توانست به طور مؤثر گسترش یابد. به علاوه
تجارت از راه زمینی و دریایی با حضور بازرگانان، به بودیسم کمک
کرد که در ایران تثبیت و در فراسوی آن گسترش یابد. علاوه بر راه های
دریایی، جغرافیایی طبیعی خراسان و راه های ایریشم نیز ورود عمده
برای رخنه بودیسم به قلب مرز و بوم ایران بود.

گفته شده که آگاهی از بودیسم در خراسان و آسیای مرکزی ابتدا در
زمان شخص بودا صورت گرفته است. بعضی منابع گزارش می کنند که
بودا خود شخصاً از نواحی آسیای مرکزی دیدن کرده است.^۱ حتی در
هنر قندهاری، بودا را با دوبازرگان از ناحیه بلخ به تصویر کشیده اند که
در بخش شمالی افغانستان کنونی بوده است. این درست زمینه موضوعی
است که توسط سیاح و زائر بودایی «هسوان تسانگ» در قرن ششم بعد

1. B.N.Puri, Buddhism in Central Asia: Motilal Banarasidas publisher 1987; pages 214-215

و سریندیا^۱ و سایر سرزمین‌های غربی به نام ایران و همسایگان غربی رسید. منابع گوناگونی هست که می‌گوید بودیسم در پالیمیر سوریه، جودی، و اسکندریه و حتی گسترش آن به سمت شرقی ایران، عراق بوده است اما حضور و نفوذش در آنچه سرزمین پارس نامیده می‌شود مستحکم‌تر بوده و در آن سرزمین با احترام ماندگار شده بود. ارتباط بین بودیسم و پارسیان به واسطه موقعیت جغرافیایی و همجواری، زبانشناختی و نزدیکی فرهنگ‌ها و پذیرش نوع تفکر که بر یکدیگر تاثیر متقابل داشتند مستحکم شد.

پادشاه کوشان یعنی کانیسکا^۲، بودیسم را ترویج داد و اوج عقلانیت بودایی و بودیسم را فراهم آورد و به واسطه حمایت بی‌چون و چرایش از بودیسم او را اغلب آشوکای دوم به حساب می‌آورند. در طول این مدت گسترش نظام‌مند و اشاعه بودیسم در خراسان از جنوب به شمال در امتداد راه تجاری را در دستور کار خود داشت. بودیسم از ناحیه قندهار تا شرق خراسان با مرکز مهم‌اش در هادّا^۳ (نزدیک به جلال‌آباد کنونی در افغانستان) به طرف بامیان^۴، بلخ و آنسوی شمال به طرف نواحی آسیای مرکزی گسترش یافت.

کوشان‌ها، فرمان ساختن بسیاری از ویهارا^۵ (معبد)، استوپا^۶ (گنبد) و مجسمه‌های بودا که بعضی از آن‌ها هنوز آثارشان به جا مانده است

دست گرفت و یونانی‌ها را از صحنه سیاسی خارج کرد. بعد از اینکه چاندراگوپتا به ریاضت‌های جینیسم^۱ برای نایل شدن به روشنگری پرداخت، نوه‌اش «آشوکا» (۲۲۷-۲۶۴ قبل از میلاد) بدون وابستگی به این سیستم (جینیسم) و پس از ندامت از خشونت و اعمال غیرانسانی در جنگ (به‌ویژه در نبردش در کالینگا) به بودیسم گروید و بدین‌سان آشوک‌شاه خود را متعهد به سیاست‌های صلح‌طلبانه، عدم خشونت، مهرورزی و همدردی به انسان‌ها و حیوانات نمود و فرمان داد که آیین بودا (بودا - دارما) فراتر از مرزها و از طریق فرستاده‌های مذهبی گسترش یابد. با این چرخش بودیسم لحظات تاریخی بی‌سابقه‌ای را پشت سر گذاشت. از این‌رو ترکیب زبانشناختی (آرامو-ایرانی) متعلق به سلسله هخامنشی و حکمت بودایی اولین شاهد و نمونه از یک ارتباط تاریخی بین عالم ایرانیان و جهان بوداییان در زمان آشوک‌شاه بود.^۲

برآورد می‌شود که پادشاهی آشوکا بخش‌هایی از خراسان، هندوکش و نواحی سیستان را در برداشته است.^۳ از این‌رو «بودا دارما» یا آموزه‌های بودا در طی زمان آشوکا به نواحی بسیاری گسترش پیدا کرد. فرستاده‌های مذهبی او حتی تا یاوانا^۴ (ناحیه آیونیان^۵) در یونان

1. Srindia

2. Kaniska

3. Hadda

4. Bamian

5. Vihara

6. Stupa

۱. جینیسم: مذهب هندی و بنیان‌گذار آن ماهاویر.

2. See G.Fussman, "Ashoka and Iran", Encyclopedia Iranica, accessed January 2010.

3. R.E.Emmerick "Buddhism among Iranian people" in "The Cambridge History of Iran Vol 3(2), edited by Ehsan Yarshater (Cambridge university press) 1983, 951

4. Yavana.

5. Ayunian Region

– تسانگ تأیید می‌کند که شکوفا شدن حدود یکصد و بیهارا در بلخ که سه‌هزار راهب بودایی را در خود جا می‌داد، شامل مجسمه‌های تراشیده شده‌ی زیبا از بودا مزین به ابریشم و آراسته به زر و زیور بود. در طول سلسله کوشان، بودیسم به سمت و سوی شمال و از طریق راه تجاری تا تیرمید^۱، سغدیان^۲، کاشگر، ختن و تمامی سریندیا گسترش پیدا کرد. تیرمید (دارما-میتارا^۳) یک مرکز مهم آموزشی بودیسم با ده صومعه و هزار راهب، شماری از صومعه‌های غاری (صومعه‌های درون غار) ساخته شد که همه این‌ها توسط هسوان تسانگ ثبت و گزارش شده است. تیرمید، بلخ، سمرقند و بخارا همگی مراکز مهم بودایی در هزاره اول بودند. گرچه سمرقند و بخارا دیرهای بودایی زیادی نداشتند و یا هواخواهانی چون سایر مراکز در آن نواحی نبود اما نقش بسیار مهمی در انتقال بودیسم بر نواحی تبتی داشتند. گسترش بودیسم به طرف شمال در توخارستان^۴ (شمال شرقی خراسان) منجر به گسترش بیشتر آن به چین از طریق سلسله اشکانیان توسط شاهزاده پارسی آن‌شی‌گائو شد^۵. منابع چینی به تعدادی از روشنفکران و فرزاندانی از سرزمین ایران اشاره دارند و نمونه بارز آن شاهزاده اشکانی است که با نام چینی‌اش آن‌شی‌گائو معروف است که در توخارستان برای تحصیلات بودایی توقف کرد قبل از اینکه در سال صد و چهل و هشت بعد از میلاد وارد چین شود و همراه با گروه ترجمه‌اش متون بودایی را

1. Tirmid

2. Soghdiana

3. (Dharmamitara)

4. Tukharistan

5. Puri, Buddhism in central Asia 87, 96-97, 214, 215 Pullyblank, "An shih kao, Encyclopedia Iranica 1984, accessed October 2010, See also Webb "The Early Spread".

را دادند. قدیمی‌ترین و بیهارا که ویرانه‌ای از آن به جا مانده است امروز بر تپه کلان^۱ در هادّا است که آن را معبد نگارا^۲ نامیده‌اند. در این صومعه بزرگ جمجمه بودا، مو و دندان به عنوان اعضای مقدس نگهداری می‌شد و این و بیهارا یک محل زیارتی بودایی بود که با اهمیت ساخته شده بود. هسوان – تسانگ زائر بودایی چینی در یادداشت‌هایش می‌گوید که زائران بودایی سگه طلا میبردند که جمجمه بودا را ببینند. هسوان تسانگ تأکید می‌کند که کانی سیکا، دیر (صومعه) بزرگی نزدیک بگرام^۳ ساخته بود که آن را شاه بهار نامیدند. هسوان – تسانگ همچنین شرح داد که نواحی کاپیسا^۴ و بگرام که در آن زمان بودیسم ماهایانا تمرین می‌شد حدود صد معبد بودایی و بیش از شش هزار راهب و همچنین ده معبد هندو نیز وجود داشت که مریدان بسیاری داشتند^۵.

یک گزارش اولیه حدود چهارصد بعد از میلاد به وسیله‌ی فاهین^۶ زائر چینی چنین نقل شده که بودیسم هیینه‌یانا (مدرسه طریقت کوچک) در شرق ترکستان، قندهار، دره سوات^۷ بلخ، بامیان و ایران رایج بود. فاهین همچنین گزارش کرد که بگرام در ناحیه کاپیسا بود که دیر (صومعه) ماهایانا – بودیسم (طریقت بزرگ) را در مسیر کاروانی که پیشاور را به بلخ متصل می‌کرد نگهداری کرد و در جایگاه خود ابقانمود. هسوان

1. Kalan

2. Nagara

3. Bagram

4. Kapisa

5. Si Yu Ki: Buddhism records of the Western World, 55

۶. فاهین یا فاکسیان (۳۳۷ – ۴۲۲) راهب و سیاح چینی، تاریخ‌نگار و نویسنده.

7. Suat Valley

به چینی و در کشور چین ارائه کند^۱.

برای متجاوز از سه قرن، کوشان‌ها به فلسفه، هنر، ادبیات بودایی در قلمروهای شرقی شکل دادند. مدرسه هنر که معروف به هنر قندهاری شد ظاهراً یونان و هند - غرب ایران (ساسانیان) را به هم نزدیک کرد و عناصر بومی خراسان را آن‌گونه باهم یگانه نمود که عقاید بودایی را یک صدا بیان کنند. همین مدرسه قندهاری بود که اولین تمثال و تندیس‌های بودا را در قرن اول به شکل انسان‌گونه به تصویر کشید. حتی وضعیت نشست بودا و در حال مراقبه با ردای صومعه‌یی، موهای به هم بافته، گوش‌های کشیده و غیره همگی بیانگر شکل انسانی او و خطاب انسانی‌اش به جهان بود. این رویکرد انسانی به او، تصویر خدامآبانه و فوق انسانی او را به شدت کاهش می‌دهد^۲.

شرحی نیز در هنر قندهاری برای حجاری کردن بودا هست که الهام اصلی و پیام اصلی در آن وجود دارد. بعضی از فاضلان هندی استدلال می‌کنند که مفهوم مدرسه قندهاری در اصل واژه هندی است اما با تاثیر اندکی از یونانی و اینکه گل نیلوفر محل نشست بودا در اصل هندی است. درحالی‌که شواهد به ما می‌گویند که مجسمه‌های بودا یا گنبدها و یا خمیرمایه هنری کوشان‌ها بیشتر یادگار هخامنشی و ساسانیان و خمیرمایه آن‌ها به این دو سلسله نزدیک بوده است تا هندی‌ها^۳.

یکی از تحولات قابل توجه و پُر معنی اجتماعی، روشنفکری و معنوی دوره‌ی کوشان در خراسان، توسعه و پیشرفت بودیسم ماهایانا بود. این

آگاهی و دست یافتن به بودیسم ماهایانا در خراسان واکنشی بود به خط فکری در مقایسه با مدرسه هیینه‌یانا. از این‌رو بودیسم ماهایانا برای عموم و حتی افراد غیر مذهبی و دور از معابد و صومعه‌ها هم قابل دسترسی شد که ترجیح می‌دادند به جای پرستش و باور کورکورانه به مراقبه ساده و پاک‌سازی درون روی بیاورند. این نوع انعطاف به افراد معمولی این آزادی عمل را می‌داد که بدون تحمیل و وابستگی مذهبی به رهاسازی خود و روشن‌شدگی خود خارج از چارچوب معابد و صومعه‌ها و در معیار و مقیاس مقام غیرروحانی بپردازند^۱. در آن ناحیه دانش‌پژوهی بودیسم ماهایانا جهش فکری را در فیلسوفان بودایی همچون واشوباندو^۲ و آسانگا^۳ ایجاد کرد. همچنین در همین دوره بود که آثاری در مورد تعالیم عالی‌ه بودا یعنی آبهی داهما^۴ و ادبیات شعری غالب شد^۵. توسعه و پیشرفت بودیسم ماهایانا در طی سلسله کوشان در خراسان و آسیای مرکزی منجر به رشد فرهنگ و عنصر بودهیساتوا (بودای روشن‌شده که به دیگران یاری می‌رساند) شد که به

1. Stephen C. Berkwitz, South Asia Buddhism (New York: Routledge, 2010), 171; See also Heinz Becher, "Zur Frühgeschichte des Mahayana Buddhism, ZMDG 113 (1963, 530-535)

۲. واشو باندو Vasubhandu راهب بودایی از قندهار همراه با برادر ناتنی‌اش آسانگا، یکی از بنیان‌گذاران مدرسه فلسفی بودایی یوگاچارا از مدرسه ماهایانا. او یکی از پر نفوذترین شخصیت بودایی در تاریخ بودیسم است.

۳. آسانگا Asanga اهل پیشاور در قرن پنجم. برادر ناتنی واشوباندو و بنیان‌گذار دارمالاکشانا (مدرسه یوگاچارا). او همچنین معروف است به بنیان‌گذار مدرسه بودایی «فقط ذهن». این دو برادر مفسر آموزش آبهی داهما نیز هستند.

4. Abhidhamma

5. Emmerick, "Buddhism in Central Asia", 402

1. C.F. Robert L. Brown, God on Earth: The walking Buddha in the art of South and Southeast Asia. Artibus Asia 50/1-2 (1990): 73-107.

2. C.f. Robert L. Brown, » God on earth: The Walking Buddha in the art of South and southeast Asia. » Artibus Asia 50/1-2 (1990): 73-109

3. Rudolf M. Riefstahl, "Persian Islamic Stucco Sculpture.

سایر سرزمین‌ها کشیده شد.^۱

بوده‌یساتوا کسی است که هستی و جوهره‌اش «بودهی» یعنی بیداری است یعنی ذهنی که از درک حقیقت برخاسته و مهر و شفقتی عظیم که حاصل این درک مستقیم است. کسی که در روند پاک‌سازی خویش یرای بودا شدن است. تعهد بوده‌یساتواها چنین است که تمام موجودات زنده را نجات داده و آزاد کنند. کسانی که از رسیدن به نیروان چشم‌پوشی می‌کنند به این منظور که دیگران را به روشن‌شدگی برسانند همه بوده‌یساتوا هستند. از این رو به آن‌ها فرشته نجات هم می‌گویند.

یک تحول مسیح‌گونه در بودیسم ما‌هایانا باعث پیدایش عقیده به بودای آینده شد یعنی میتریا^۲ یا بوده‌یساتوای آسمانی. گرچه عنوان آسمانی به آن شده ولی در عمل بوده‌یساتواها در میان مردم‌اند و هدفشان نجات آن‌ها است. منبع این عقیده بودایی نامشخص است گرچه این عقیده اشاره به رسم و رسوم مشابه با زردتشتیان از «میترایزم» دارد که قدمتی جلوتر از ظهور بودا و بودیسم دارد و در غرب ایران و آسیای مرکزی رایج بود. گرچه ایده نجات به شکل بوده‌یساتوای هندی (میتریا) و میترایزم زردتشتی دیدگاه‌های خاص خود را دارند اما مفهوم آخرت سائوشیانت^۳ به طور مسلم کهن‌تر از میتریا است و نماد آخرت به عنوان منبع تاثیرگذار به بسط و ترقی مفهوم «میتریا» است^۴. بوداییان و زردتشتیان در شرق ایران، خراسان و آسیای مرکزی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشتند و پیشرفت‌های

موازی آن‌ها به واسطه تداخل فرهنگی‌شان و درکشان از همدیگر بوده یا اینکه مفهوم بودیسم ممکن است در واکنش به زردتشتگرایی قدرتمند و مسلط ناشی شده باشد. چون این ارتباط «تفکری» است، ممکن است همچنان مشاجره برانگیز باقی بماند.

اما چنانچه برداشت کلی از ایده «نجات موجودات» یعنی میتریا در اصل و به‌طور ریشه‌ای ایرانی باشد در آن صورت علاوه بر داشتن اصل زردتشتی‌اش ممکن است همچنین تحت تاثیر میترایزم^۱ و حکمت کهن ایرانی از آیین زوروانی^۲ باشد^۳.

کاربرد چنین برداشت‌های بودایی به دو شخصیت قدیمی ایرانی که عنوان‌های بوده‌یساتوا و میتریا را در رسالت خود داشتند به‌نحو جالبی مورد تایید قرار گرفته است. اولین شخصی که عنوان بوده‌یساتوا به او تقدیم شد شاهزاده‌ی ایرانی بود با نام آن‌شی‌گائو که تخت شاهی‌اش را به عمویش واگذار کرد تا وارد زندگی رهبانی گردد. بودیسم را در ژرفا مطالعه نمود و متون بودایی و سوره‌ها و موضوعات مربوط به مراقبه^۴ و ذهن‌آگاهی^۵ و تعالیم عالی‌ه بودا تحت عنوان آبهی‌داهما پیتاکا^۶ را به چینی ترجمه کرد^۷. دومین شخصیت ایرانی که عنوان میتریا را دریافت کرد، «مانی» در قرن سوم بعد از میلاد بود. بسیاری از ارتباط‌های معنوی بودایی و ایرانی را می‌توان در آیین مانوی یافت. در این‌جا کافی است

1. Mithraism

2. Zurvanism

3. Emmerick, Buddhism among Iranian people

4. Meditation Subjects

5. Mindfulness

6. Abhidhamma Pitaka

7. Web, The Early Spread; 61

1. See Gaulier et al, Buddhism in Afghanistan, 12 David Scot, The Iranian Face of Buddhism and West 40(1990): 68

2. Maitreya

۳. سوشیانت یا سوشیانس: در دین زردتشت یعنی نجات دهنده که معادل بوده‌یساتوای هندی در مدرسه ما‌هایانا بودیسم است.

4. Pandit Sheonarian, "Zoroastrian and Buddhism", The Maha Bodhi 4211 (January 1934): See also Emmeric, "Buddhism among Iranian people", 956.

که شیوه جدیدی در بیداری بودایی در سال پانصد و بیست بعد از میلاد در چین به وجود آورد. باور بر این است که بودیدهارما بنیان‌گذار ذن از مدرسه ماهایانا از نواحی تحت تاثیر ایران^۱ در آسیای مرکزی بوده است^۲ (احتمالاً سغدی یا ختانی). این ادعا بدون تردید با عقیده برخی به اینکه بودیدهارما از هند (سرزمین بودا) و با کشتی به چین آمده در تضاد عمیق خواهد بود. اما جفری پروتون نویسنده، مترجم و مفسر متون بودایی ذن می‌گوید: «سفر یک راهب ایرانی ساکن در آسیای میانه از طریق راه ابریشم بسیار محتمل‌تر از سفر یک هندی جنوبی از طریق دریا است»^۳. از سوی دیگر آلن واتس نویسنده کتاب «طریقت ذن» اشاره می‌کند که: «داستان آمدن بودیدهارما از هند به چین یک داستان جعلی دینداران است و می‌گوید از آن جایی که این مریدان به یک سند تاریخی در این زمینه نیاز داشتند او را اهل هند ثبت کرده‌اند»^۴. البته در مورد این ادعا نباید عجولانه قضاوت کرد مگر اینکه منابع معتبرتری در اختیارمان قرار بگیرد.

ادعای اینکه بسیاری از فرستاده‌های مذهبی و استادان بودایی از جمله بودیدهارما در چین سکنا گزیدند می‌تواند با عقل سلیم جور دربیاید به‌ویژه اینکه در قرن ششم بعد از میلاد در زمانی که بودیسم قاطعانه در آسیای مرکزی تثبیت شد به‌طرف شرق به‌سمت چین و تبت گسترش پیدا کرد. در این رابطه گفته شده که عقیده به بودیسم‌توا از طریق خُتان به چین رفت و نه از هند^۵.

1. Iranized areas

2. Webb, "The Early Spread."

3. Broughton Jeffrey L (1990, The Bodhidharma Anthology: The Earliest Record of Zen, Berkeley: University of California Press, ISBN 0-520- 21972-4

۴. آلن واتس، «طریقت ذن» ترجمه دکتر هوشمند ویژه صفحات ۱۱۳ - ۱۱۴ چاپ پایا

5. Scott, "The Iranian Face of Buddhism," 71

بگوئیم که در منابع مانوی، بودا به‌عنوان طلایه‌دار مانوی بود. مانوی به‌عنوان میتریا یا بودهیساتوای (پیام‌آور روشنائی) یا بودای نورانی تعبیر شده است که سمبل یا نشانی از روشن‌شدگی نهایی یا «بودایت» است.^۱ بسیاری از یافته‌های باستانشناسی در خراسان شامل تصویرهای بودا، بودهیساتوا (میتریا)ی هندی است. صدها سنگ تراشیده شده از مهراب‌های بودایی نفوذ و تاثیر ساسانیان در بودیسم اولیه است. نقاشی‌های درون غار از ایزدان ایرانی، از خورشید و ماه در فندوکستان^۲ و همچنین سکه‌های کوشانی که از ایزدان زرتشتی سخن می‌گوید^۳. این‌ها نشانه‌هایی است که بودیسم و پارس، درونمایه هنری، رسم و رسوم، اشکال تندیس، اصطلاح‌شناسی، تصاویر رب‌النوعی را باهم ردوبدل کرده‌اند.^۴ در آمیختن فرهنگ و هنر بین ایرانیان و جهان بودیسم و مذاهب هندی و هنر باعث گشایش بسیاری از مرزهای (نزدیک و دور) شد^۵. برای مثال: رویدادهای تاریخی داستان زندگی بودا، تولدش، روشن‌شدگی‌اش، اولین موعظه‌اش در پارک آهوان و پاری‌نیووانا (آخرین درگذشت بودا)، همگی برای اولین بار در نقاشی ناحیه هند - افغان در خراسان به تصویر کشیده شده است.^۶

ارتباط دیگر ایرانیان با بودیسم به بودیدهارمای افسانه‌ای برمی‌گردد

1. Hans JaochimKlimkeit, Buddhistische Übernahmen imiranischen und Turkis - chenManichaismus, in ...

2. Fendukistan

3. See T. Blich, "Die ZoroastrischenGottheiten auf den Munzen der Kusana - Konige ZMDG 64(1910): 739 - 744

4. CF Scott "The Iranian Face of Buddhism," 45.

5. Marthal. Carter "An Indo Iranian Silver Rhyton in the Cleveland Museum," ArtivusAsiae 4114(1979): 311-314.

6. Gaulier et al Buddhism in Afghanistan.

به عنوان سمبل یا نشانی از دانش عالی و ذرات منور الهی در تشریفات مذهبی هند نیز یافت شده است. اما این موضوعات هنری چون شعله، خورشید، هاله نور، ماه که در تندیس‌های بودا و تندیس‌های مذهبی دیگر آنان دیده می‌شود از دیرباز یعنی قرن‌ها قبل از میلاد در موضوعات مذهبی و تشریفات ایرانیان به کار گرفته شده است.^۱

به عنوان شواهد بیشتر در رابطه با تاثیر پیکرنگاری ایرانی بر بودیسم، در معابد بودایی نقاشی‌های بسیاری وجود دارد که نشان از سهم داشتن هنر پیکرنگاری ایرانی-بودایی در آن‌ها را دارد. برای نمونه دورب النوع ایرانی یکی میترا یعنی خورشید^۲ و دیگری مائو یعنی ماه^۳ که نشان از فرمانبرداری از بودا را دارد. علاوه بر این، تاثیرات متقابل که در طول دوره کوشان بروز کرد نفوذ و تاثیر ساسانیان بر هنر بودایی را می‌توان یافت. بعضی از تمثال‌های بودا و بودهیساتوا در خُتان، سبک لباس‌های ساسانیان با نوار دور سر، چشمانی نافذ، ریش سیاه، و سیل‌های حلقه‌ای نشان از تاثیر تشریفات و هنر ایرانی را دارد.^۴ همین تاثیرات ساسانی نیز می‌تواند در پیکرنگاری و شمایل‌تبی از بودهیساتوا، لباس، تاج شاهان محلی، زیورآلات و نیز طبقه اشراف دیده شوند. نفوذ و تاثیر ساسانی بر بخشی از هنر بودایی در بامیان با تصاویر میترا یا و بودهیساتوا از قرن ششم وجود دارد. شباهت‌هایی بین معابدی با سنگ‌های تراشیده شده و مجسمه‌های بودا، برای نمونه: مجسمه‌های دوقلوی بامیان مربوط به قرن

1. Bhattacharya, "India-Amajor Source of Central Asia Art," 293-295.

2. Mithra

3. Mao

۴. در تندیس بودیهارما (بنیان گذار ذن) ویژگی‌هایی چون چشم نافذ، ریش سیاه، و نوار دور سر دیده می‌شود.

در سطحی متفاوت، اتحاد و پیوستگی طرح‌های هنری بین آیین زردتشتی و بودیسم در خراسان و آسیای مرکزی بیش از شباهت‌های اتفاقی است. نقاشی بودا که در کاراتاپه^۱ در تیرمید^۲ قدیمی با نماد خداگونه با شعله‌هایی از آتش که از شانه‌ها بیرون زده است یا هاله‌هایی از آتش با کتیبه «بودا - مزدا» به نظر می‌رسد که دلالت بر چنین آمیزه‌ای دارد که برآمده از دوره کوشان است.^۳ به نظر می‌رسد که انتخاب زردتشتیان از اهورامزدا (پروردگار دانا) گزینشی است احترام‌گونه و در زمانی که بوداییان آسیای مرکزی واژه (دانا) را برای پروردگارشان تحت عنوان «بودا-مزدا» یا (بودای خردمند) به کار می‌بردند.^۴ به علاوه ستون سنگی بودا مربوط به قرن دوم بعد از میلاد و هنر قندهاری دوره کوشان است که هاله نور در پشت سر او دیده می‌شود و از صفات و ویژگی‌های اهورامزدا در زیارتگاه زردتشتیان است.^۵ بُن‌مایه هنری «شعله و نور» به عنوان ابزاری در برطرف ساختن چهل یا ناپاکی‌های درون است که نشان از نفوذ و تاثیر ایرانیان بر هنر بودایی داشته و این به‌طور دقیق اندیشه ایرانی است و نه هندی.^۶ اما گفته شده که استفاده از شعله و نور

1. Kara Tappe

2. Old Tirmid

3. Boris.J.Stavinsky "Buddha – Mazda» from Kara Tepe in old Termez (Uzbekistan): A Preliminary Communication, Journey of the International Association of Buddhist Studies 312(1980): 89-94

4. Stavinsky, "Buddha – Mazda," 93-94

5. Muriel B.Christison "Buddhist Stele (Kranet Art Museum)", The Burlington Magazine 108/ 765 (December, 1966): 631

6. Scott, "The Iranian Face of Buddhism," 52, for the Persian influence over Buddhist art, see also parrieiaE.Karetsky, Early Buddhist narrative art: Illustration of the Buddha from the central Asia to chian, Korea and Japan (Maryland: University Press of America, Inc; 2000), 5-6

گویی بال سنجاقکی است. اما درونش سنگ‌ها افزون‌تر می‌شد. کوله‌بار کوچک من اینک گنجی شگرف و سترگ در خود داشت. کلمات بر سنگ‌هایی از جنس راز در آن بال‌بال می‌زدند. کلماتی از جنس شفا. از جنس مرهم. از جنس مهربانی. از جنس نور. چهل و چهار سنگ از زمرد و یاقوت و بر هر کدام کلماتی از نور.

دانستم که؛

❖ بودیسم بر فرهنگ و نحوه اندیشه ایرانیان باستان تاثیر گذاشته و اینکه دنیای بودیسم به طریقی از فرهنگ و هنر ایران الهام گرفته است غیر قابل انکار است.

❖ بسیاری از نشانه‌های تاریخی و نیز بسیاری از ردپای بودیسم در ایران که از دستاوردهای فرهنگی این سرزمین بوده در هجوم اعراب یا نابود شدند و یا خرابه‌هایی از آنها هست.

❖ اندیشمندان پارسی هم آموزه‌های روشنگری را فهمیدند و هم آن را متحول کردند.

❖ بسیاری از مکان‌های آنها و کتاب‌هایی که در زمان اشکانیان به جای مانده بود در آتش سوزانده شدند.

❖ دو بازرگان از نواحی بلخ درحالی که از هند دیدن می‌کردند به بودا گایا جایی که بودا به بیداری نایل شد رسیدند.

❖ اولین معبد بودایی بر طبق شواهد و مستندات در همان اوایل روشن‌شدگی بودا در بلخ برپا گردید.

❖ اولین تماس بین خراسان و همسایگانش و بودیسم سیصد سال بعد از زندگی بودای تاریخی بوده است.

❖ پادشاه کوشان یعنی کانیسکا، بودیسم را ترویج داد. او را اغلب

ششم، نمونه دیگری از تاثیر متقابل بین جهان بودیسم و ایران است.^۱ هنر بودایی ساسانی و مجسمه‌سازی در بقایای نقاشی‌های کوه خواجه^۲ در مجتمع سیستان نزدیک دریاچه هامون^۳ مشاهده شده است. جایی که معماری بودایی خراسانی و آسیای مرکزی باهم یکی شدند و با مجسمه‌سازی سبک ساسانی کامل شد^۴. به نظر می‌رسد که این مجتمع محل زیارت زردشتیان در طی دوره پارتها و یا حتی ساسانیان بوده باشد و از این رو فرضیه ادیبانه که پیشتر یک معبد بودایی بوده است، تکذیب گردیده است^۵. اما باید دانست که نشانه‌ها بسیار زیاد هستند و همه ما را به‌سوی این پیوند ژرف می‌خوانند.

پیر از سخن باز ایستاد. کتاب‌ها، تومارها، پوست‌های پر از نقش و نگار در برابر من بود. انبوهی از نوشته‌هایی که به هزار رنج پدید آمده بود تا راز حقیقت را بر انسان بگشاید. باید می‌خواندم. باید می‌دانستم. باید روشن می‌گشتم. آوازی غریب از دهان و گلوی من بر می‌خاست. به آسمان بالا می‌رفت. باد می‌شد. ابر می‌شد. باران می‌شد و بر من می‌بارید:

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
خوشا دمی که از این چهره پرده بر فکنم

برخاستم. کوله‌بارم را برداشتم. کوله‌بارم هر بار سبک‌تر می‌شد.

1. Karetzk, Early Buddhist Narrative Art, 5

2. Kuh-ekhwaja

3. Hammon Lake

4. S. Turdykavami, Kuh-e Kheaja, Iran and its Wall Painting: the Records of Ernest Herzfeld, Metropolitan Museum January 22 (1987): 21-22-50

5. SoroorGhanimati "New Perspective on the Chronological and Functional Horizon of Kuh-ekhwaja in Sistan," IBIP 38 (2000): 138, 140, 143.

آشوکای دوم به حساب می‌آورند.

✱ گسترش بودیسم به طرف شمال در توخارستان (شمال شرقی خراسان) منجر به گسترش بیشتر آن در چین از طریق سلسله اشکانیان شد.

✱ منابع چینی به تعدادی از روشنفکران و فرزنانگانی از سرزمین ایران اشاره دارند و نمونه بارز آن شاهزاده اشکانی است که با نام چینی‌اش آن‌شی‌گائو معروف است.

✱ توسعه و پیشرفت بودیسم ماهایانا در طی سلسله کوشان در خراسان و آسیای مرکزی منجر به رشد فرهنگ و عنصر بودهیساتوا (بودای روشن شده که به دیگران یاری می‌رساند) شد که به سایر سرزمین‌ها کشیده شد.

✱ بودهیساتوا کسی است که هستی و جوهره‌اش «بودهی» یعنی بیداری است یعنی ذهنی که از درک حقیقت برخاسته و مهر و شفقتی عظیم که حاصل این درک مستقیم است.

شهر چهارم ❁

دیگر راه نمی‌رفتم. نمی‌دویدم. پرواز می‌کردم. بر باد بال می‌زدم. سبک چون پره‌های سینه‌ی قناری؟ اسبی سپید، اسبی پارتی، بلندبالا، زرین سُم. خوش‌کمر. با یال‌های افشان در باد و نور می‌رفت و من در پی او؟ اسب اما چه سپید بود. یالش سپید. کاکلش سپید. اما بر پیشانی خود ماهی سیاه داشت. اسب سپید پارتی از دروازه‌گذشت و برابر پیر فرزانه ایستاد.

پیر گفت: اسبی پارتی است. پارتیان پهلوانان داد و دانایی بودند. پارتیان اولاد اسب بودند. پارتیان عاشقان بودا بودند. پارتیان بودا بودند. خواستم بگویم: پارتیان اما...

پیر پاسخ داد: بنشین و با داستان همراه شو. دست در سینه کن. داستان در سینه‌ی توست. نیاکان تو در سینه‌ی تو هستند ای راهب بودایی پارتی. با آنان سخن بگو. به هر سو بنگری تصویری از خویش خواهی دید. همه با تو سخن می‌گویند. گوش کن ای راهب بودایی. همه تو را می‌شناسند و تو را دوست دارند. تو درختی و آنان ریشه‌ی تو هستند. ای راهب پارتی. تا دست در چشمه‌های زلال حقیقت فروبری و کفی از آن بنوشی تا تو نیز زلال و بیدار گردی باید درون خویش را بکاوی. در سینه‌ات آینه‌ای است. روشن‌تر از نور. زلال‌تر از آب. در آن آینه بنگر. مادران و پدران خویش را بر اسبان سمند بنگر. تیراندازان دلاور و دانای پارتی را ببین.

بر آنان درود بفرست. شانه‌ی این پهلوانان پارتی را ببوس. اینان بودن و اسبان راهوار و داد و دانایی.

نژاد آنان سکایی ایرانی، زبان آن‌ها ایرانی، آیین‌شان مزداوگرایش‌شان بودایی بود چرا که از تیره سکاها بودند که به‌طور عمده بودایی بودند. فرهنگ اجتماعی آن‌ها آمیزه‌ای از آداب و آیین و فرهنگ پهلوانی، جوانمردی، و شجاعت.

این دودمان در قرن سوم قبل از میلاد در ایران تاسیس شد. نزدیک به چهارصد و هفتاد و یک سال یعنی تا دویست و بیست و چهار سال بعد از میلاد بر بیشتر قسمت‌های غرب آسیا فرمانروایی می‌کرد و در تاریخ سلسله شاهان ایرانی منزلگاه و جایگاه خاص خود را داشت و بخش مهمی از زنجیره سلاطین پارسی به‌حساب می‌آمدند و زمانی که نوابی چون آن‌شی‌گائو از این دودمان برمی‌خیزد نشان از فرهنگ درخشان و ولای ایرانی در این سرزمین شاهان دارد که شوربختانه به دلایلی گنگ حضور فرزندان و اندیشمندان آن دوره یا دوره‌ها از نظرها پنهان مانده است.

گفته می‌شود که اشکانیان به لحاظ فرهنگی و سیاسی قدرتمند بودند اما اینکه چرا تاریخ حتی اشاره‌ای به رویدادهای مهم در این سلسله نکرده است جای بسی تعجب دارد. شاید ذکر بعضی رویدادها برای پژوهشگران چندان مهم نبوده یا اینکه به دنبال جایگزین‌های مطلوب خود بوده‌اند و از اصل موضوع طفره رفته‌اند. گرچه مذهب اکثر مردم زردشتی بود و سنت‌های دیرین خود را انجام می‌دادند اما روایت‌هایی از منابع معتبر نیز هست و آن اینکه جامعه بودایی نیز در همان سرزمین و همان سلسله فعالیت داشت. چرا که در سده‌های قبل از میلاد و تقریباً اواخر قرن دوم معابد و تندیس‌هایی از بودا ساکیامونی وجود داشت

و هم اکنون نیز آثاری از آن‌ها در گوشه‌کنارهای افغانستان باقی مانده است.^۱ زمانی که کشور هنوز مورد تعرض قرار نگرفته بود، دو مذهب (و احتمالاً مذاهب و فرقه‌های دیگر) در کنار هم در تفاهم کامل زندگی می‌کردند.^۲

موسس و بنیان‌گذار سلسله اشکانی «اشک» یا ارشک اول بود. این امپراطوری به مرکزی برای تجارت با سایر کشورها تبدیل شد. جاده ابریشم این امپراطوری را با امپراطوری روم، امپراطوری «هان» در چین باستان، و حوزه مدیترانه متصل می‌نمود و روابط بازرگانی بین آن‌ها برقرار بود. از طریق همین جاده بسیاری از رفت‌وآمدها بدون هیچ مانعی انجام می‌شد.

اشکانیان از قوم پارت از ایالت پارتیا بودند که خراسان فعلی را در بر می‌گرفت. زبان آن‌ها پارتی پهلوی بود. زبان پهلوی شمالی را پارتی یعنی اشکانی و زبان پهلوی جنوبی را پارسیک یا پهلوی ساسانی می‌نامیدند. چون پارتیان از اهل ایالت پهل‌ه بودند از این جهت در رابطه با آن سرزمین، آن‌ها را پهلوی نیز می‌توان خواند.

آنچه که در تاریخ اشکانیان بیشتر به چشم می‌خورد و پژوهشگرانی کنجکاو به کندوکاو و تفسیر آن پرداخته‌اند فرهنگ و درک ولای آن‌ها بود که به موضوع مورد بحث ما به‌طور مستقیم مربوط می‌شود و نیاز است که با توجه به داده‌های معتبر نسبت به این دودمان بیشتر بدانیم. گفتیم: ای پیرفرزانه سخنی بس نادر و پُر بهاست این. گفت: آری!

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب استاد مصطفی وزیری «آئین بودا در ایران» صفحه ۱۵-۲۲ انتشارات پالگرو مک میلان - ۲۰۱۲

۲. در بخش «گسترش بودیسم و تاثیر آئین بودا در ایران» از آن صحبت شده است.

ارشک به معنای سرزمین اشکانیان است. من، شاهزاده پارسی از سلسله اشکانیان که در پارس متولد شدم.

آن‌شی‌گائو از سخن باز ایستاد و در نسیمی نورانی در هم پیچید. پیر فرزانه رو به من کرد و گفت: آثار و نشانه‌های بودیسم همان‌طور که اشاره شد حتی در زمان زندگی بودا در سرزمین ایران کهن به چشم می‌خورد و ایرانیان آن را به خوبی درک می‌کردند. بودند کسانی که بودیسم را در سطوح عمومی پذیرفتند اما تحولی در آن ایجاد نکردند و اندیشه روشنگری همچنان بر نواحی گسترده پارس شناور بود تا اینکه در سلسله اشکانیان چرخ «دارما» یا آیین بودا توسط شخصی به نام آن‌شی‌گائو به گردش در آمد و به دلایلی ترجیح داده شد که در چین گسترده شود.

آن‌شی‌گائو در چشم‌پوشی از دنیای مادی و زرق و برق شاهی به داستان بودا ساکیامونی بسیار نزدیک است و شاید در تاریخ مذهبی بودیسم اگر نگوئیم تنها فرد بعد از بودا بوده اما از نادر کسانی بوده که به این حرکت تاریخی معنوی (ترک خانه و کاشانه) به امید تحولی نو دست زده است. حرکت وی درست مشابه با شخص بودای تاریخی بوده و هدف او حفظ و حراست از آیین بودا و گسترش ادبیات بودایی و آموزه‌های آن در خارج از وطن خود بود.

بار دیگر پیر فرزانه ناپیدا شد و آن‌شی‌گائو چون کلافی از نور از هم گشوده شد و سخن آغاز کرد:

در سال ۱۴۸ بعد از میلاد من، شاهزادی پارسی، با آرمانی انسانی رهسپار شدم تا به مردم حقیقت کشف شده را انتقال دهم. من سپس به عنوان اولین راهب بودایی و اولین ترویج‌کننده آیین بودا از طریق دربار چین، وارد

بودای پارسی ما از سرزمین ایران و در دودمان اشکانی برخاسته است که به شرح کوتاهی از او و سپس ترجمه‌ی آثارش و آموزه‌هایش خواهم پرداخت.

از آن‌شی‌گائو!

به ناگاه پیر از سخن باز ایستاد. من. راهب پارسی او را دیدم. او بود. او که میان من و پیر ایستاده بود. در ردایی بودایی. با قبایی پارسی. بر پیشانی نواری از نور بسته بود. به پارتی سخن می‌گفت. به پهلوی سخن می‌گفت و من گویی که پهلوی می‌دانستم. چونان بلیلی سخن سر کرد:

نام چینی من آن‌شی‌گائو و نام ژاپنی من آن‌سی‌کو^۱ و کره‌ای‌ها مرا به عنوان آن‌سگو^۲ می‌شناسند. به دلیل اینکه آن‌شی‌گائو یک مقام درباری در خاک چین بود، چینی‌ها بنا به عرف و سنت خود واژه اشراف‌زاده «آن» یا مارکیز «آن»^۳ را به من داده بودند که در مقدمه فاجوجینگ^۴ (ابتدای قرن سوم) چنین آمده است که: آن هوشی‌گائو^۵ مارکیز «آن» است و این مفهوم جدیدی است.^۶ این واژه از این نظر به من داده شد چون من شاهزاده بودم. شاهزاده‌ای پارسی. پیشوند نام من «آن» یا «آن‌شی» برابر

1. An seiko

2. An sego

3. Marquess "An".

4. Fajujing

5. An hu- Shigao

۶. چوسان زانگ جیجی و همچین فاجوجینگ (پیشگفتاری بر داهماپایا «راه حق»)

لئویانگ^۱ پایتخت چین شدم و مورد استقبال درباریان قرار گرفتم.

پیر فرزانه دنباله سخن آن‌شی گائو را گرفت: اگر کمی به عقب برگردیم می‌بینیم که چینی‌ها در آن زمان از مهاجرین استقبال می‌کردند به‌ویژه اگر مهاجرین از رده‌های ممتاز اجتماعی باشد. استقبال از مهاجران در چین برگرفته از یک عرف و سنت قدیمی و ماندگار است که تاریخچه آن حدوداً به هفتصد و بیست بعد از میلاد می‌رسد، یعنی تا قرن هفدهم نیز این سنت وجود داشته است. یکی از ویژگی‌های برجسته چینی‌ها رفتار مهربانانه و انسانی‌شان با خارجی‌ها به‌ویژه با مهاجران بود. آن‌ها شرایط اقامت و زندگی آسوده برای مهاجران را در پایتخت فراهم می‌کردند. وضعیت اشراف‌زادگان به‌مراتب از این بهتر بود. در دوره سلسله «هان»^۲ تعداد مهاجران خارجی همراه با پیروان و نوادگان‌شان زیاد بودند.

دربار سلطنتی که از این‌گونه مهاجرین استقبال می‌کرد و نیازهای آن‌ها را درست به‌مانند یک شهروند چینی برطرف می‌ساخت. مهاجرین نیز تابع قوانین چین بودند و از آن قوانین پیروی می‌کردند. نکته جالب در این پذیرش عمومی این بود که شاهزادگان مهاجر، جانشینان احتمالی سلطنت نیز بودند به این معنی که می‌توانستند هم به مقام‌های شایسته و بالا دست یابند و هم در سلطنت شریک باشند، قانونی که در هیچ‌کجای دیگر نبود. ضمناً در دربار «هان» نیز از این ایده پیشرو یا تفکر انسان‌دوستانه پشتیبانی می‌شد. درباریان «هان» همواره در جست‌وجوی فرصت‌هایی برای حمایت از مهاجرین بودند که در خانه خودشان (چین) به قدرت

برسند و خدمت کنند. البته اطلاعات من آن‌چنان نیست که بخواهم وارد جزئیات بشوم، از اینکه چرا چینی‌ها این همه سخاوت در قبال مهاجرین به خصوص درباریان داشتند. این اطلاعات بر اساس منابعی بوده که به فرهنگ غریبه نوازی چینی‌ها و ارج نهادن بر مهاجرت در شرایطی متفاوت در آن زمان اشاره دارد.

آن‌شی گائو نگاهی دوستانه به پیر انداخت و دنباله‌ی سخن او را گرفت:

من در دوره سلسله «هان» به کشور وارد شدم و در پایتخت آن زمان یعنی لئویانگ اقامت کردم. طولی نکشید که دست به ترجمه و تفسیر سوره‌های بودایی و متون فلسفی-روانشناسی بودایی به چینی زدم، کاری که تا آن زمان کسی انجام نداده بود. من اولین مدرسه ترجمه را به سرپرستی خودم همراه با هم‌قطارانم تأسیس کردم. من در تاریخ ترجمه متون بودایی به چینی به‌عنوان اولین و مهم‌ترین مترجم بودایی شناخته شدم.

پیر فرزانه گفت: شوربختانه مورّخان به‌طورعام و مورّخان بودایی به‌طورخاص او را نه به‌عنوان راهب می‌شناختند و نه به‌عنوان اولین مترجم متون بودایی. ضمناً به‌عنوان مهاجر نیز از نظر دور مانده بود تا اینکه به‌مرور و به همت پژوهشگران، نویسندگان، و کتیبه‌نویسان، حقیقت آن‌شی گائو در معرض دید جهانیان قرار گرفت و به‌نحو شایسته‌ای تفسیر شد و مورّخان بی‌مسئولیت را به‌علت سهل‌انگاریشان در بازگو کردن این اهمیت تاریخی به زیر سؤال برد. به‌عبارت دیگر، اگر کنجکاوی و تفحص این پژوهشگران متعهد نبود چه‌بسا نام و خدمات ارزنده این شاهزاده پارسی به زیر توده‌ای خاک مدفون می‌شد.

1. Luoyang

2. Han Dynasty

اما ای راهب پارسی! بدان که چنین نشد. من ماندم تا با تو سخن بگویم. و تو با جهان سخن بگویی.
گفتم: برایم بگو ای شاهزاده‌ی پارسی. شیفته‌ی دانستم.
او گفت:

من با ادبیات خارجی آشنایی داشتم. من آیین بودا را در سرزمین خود آموختم و آثاری از خود به جای گذاشتم.^۱ از این آثار مقدار قابل توجهی در ایران ماند و بخشی دیگر به لئو یانگ آورده شد. من شاهزاده و وارث تاج و تخت بودم و پدرم مایل بود که زمام کشور را به دست من بسپارد، اما عطش برای رفع مصائب مردم و نجات آن‌ها مرا راحت نمی گذاشت. به همین علت و درست پس از مرگ پدر تاج و تخت را به فوریت به عموم سپردم و برخلاف میل درونی، ترک خانه و کاشانه کرده و به دربار چین مهاجرت کردم تا رسالت خود را آشکار سازم. من روی به مردم بانگ زدم: ای مردمان! من آمده‌ام تا بذره‌ای دانش خود را در بستر خاک دیگری که قابل رویش و جهانگیر باشد بگسترانم.

شاهزادی پارسی خاموش شد. پیر فرزانه اما سر برداشت. در او و در من نگرینست و گفت: روایت این است که او دانشی فراتر از حد متعارف داشت و این حقیقت به اشکال گوناگون و تفسیرهای متفاوت از کسانی که او را از نزدیک می شناختند و یا کسانی که شواهد معتبری داشتند بیان شده و ثبت گردیده است. از برکت این حکیم و شاگردان و

۱. شوریختانه بسیاری از کتاب‌ها و گنجینه‌های دیگر فرهنگ پارسی در تجاوز بیگانگان به سرزمین پارس سوختند و نابود شدند.

ترجمه‌ی او بود که چینی‌ها آیین بودایی را شناختند و بر آن ارج نهادند. او عالم زبردستی بود و چینی‌ها درباره رشد علوم در آسیای میانه از وی معلومات فراوانی به دست آوردند. او شاهزاده‌ای بود که بیرون از وطن خود به شهرت رسید. دربار چین او را اشراف‌زاده «آن»^۲ می نامیدند یعنی نجیب‌زاده‌ای از دربار آن‌شی (اشکانیان). با داشتن چنین دانشی و مسئولیت خطیری که در قبال اشاعه آن داشت، در سرزمین خود احساس نا امنی می کرد که مبادا در راه معنویت خللی ایجاد شود و بعدها مشخص شد که مهاجرت وی درست و انتخاب یک کشور بیگانه برای بقای دانشش از یک بصیرت والا ریشه می گرفته است. پس از مرگ پدر و گذراندن آیین سوگواری، آن‌شی گائو به طور رسمی راهب بودایی شد.

بار دیگر آن‌شی گائو پیش آمد با کتاب‌هایی در دست. آن‌ها را بردامن من نهاد و گفت:

بنگر ای راهب پارسی! من در چین در معبد اسب سفید^۲ همراه با یارانم گروه ترجمه بر پا کردم. به مدت بیست تا سی سال به ترجمه متون بودایی و ترجمه و تفسیر سوره‌ها پرداختم. همکارانم در گروه ترجمه عبارت بودند از: آن‌شوان^۳ از هم‌وطنان پارسی من که ابتدا به صورت بازرگان وارد چین شد و آن قدر به بودیسم علاقمند شد که

1. Marquis «An».

۲. اولین معبد بودایی در چین که در لئویانگ-هنان تأسیس شد. گفته می شود که راهب پارسی «آن‌شی گائو» به مدت بیست تا سی سال در این معبد آموزش می داد و بسیاری از متون و سوره‌های بودایی را ترجمه کرد.

۳. آن-شوان An-xuan

دوشادوش من شروع به ترجمه متون و تبلیغ این مذهب نمود. سپس نوبت به یان فوتیائو^۱ رسید. آن‌شوان متون را به‌طور شفاهی ترجمه می‌کرد و یان فوتیائو آن‌ها را به‌صورت نوشتار در می‌آورد^۲. این حقیقت را بدان که ما سه تن پایه‌گذار مکتب بودیسم در چین، دو ایرانی و یک چینی، در متون تاریخ این کشور به «سه فرد غیر قابل تقلید» لقب یافته‌ایم. منظور اینکه پیش از ما کسی به این کار همت نگماشته بود و ما دنباله‌رو کسی نبودیم. من به نجوم و علم سیارات علاقه فراوان داشتم. به فن پزشکی آشنایی داشتم و به طب‌سوزنی و تغییرات نبض مسلط بودم.

کسی از پله‌های نیایشگاه روبه‌روی مان پایین آمد و به ما نزدیک شد. او بی‌تردید آن‌شوان پارسی، یار و همراه آن‌شی گائو بود. رو به ما کرد و گفت: او یک درمانگر بود، به‌طوری که اگر به شخص بیماری برمی‌خورد بدون درنگ بیماری وی را تشخیص می‌داد و او را با روش‌های درمانی خاص خود درمان می‌کرد. آن‌شی گائوی شما، در تمام سرزمین‌هایی که در غرب چین قرار داشتند، شهرت خاصی پیدا کرده بود و مردم به او احترام می‌گذاشتند. او با آموزش‌های خود آیین دارما را به‌طور گسترده تبلیغ می‌کرد^۳. از آن‌جایی که آن‌شی گائو به‌عنوان مهاجر از دربار پارت به دربار

۱. یان فوتیائو Yan Fotiao از دیگران مترجمانی که با آن‌شی گائو همکاری داشت.

2. A History of Sino Indian Relation, 1st century A.D. to 7th century A.D., By Dr. Yukteshwar Kumar, page 51-52 Published by S.B.Nangia 2005.

۳. ترجمه و تفسیر این پیشگفتار از A. Link لینک (شواهدی از مکتب بودیسم «هان» از قرن دوم تا چهارم).

چین فرستاده شده بود پادشاهان سلسله‌ی «هان» به این شاهزادگان مهاجر احترام خاصی می‌گذاشتند و با آنان به نیکی رفتار می‌کردند. در تاریخ سلسله‌ی «هان» نام فردی به نام آن‌شی گائو آمده‌است که از او به‌عنوان مهاجر درباری یاد شده‌است. از اسناد چینی برمی‌آید که آن‌شی گائو، پس از گرویدن به جامعه‌ی روحانی، ازدواج کرد و فرزندی از خود به‌جای گذاشت. در این‌جا یار و همراه دیگر آن‌شی گائو نیز از پلکان بزرگ معبد پایین آمد و به جمع ما پیوست و گفت: بازماندگان وی، که هم ایرانی و هم چینی بودند، به سبب تبار شهریاری خویش در چین مقام‌های شاخص و منزلتی والا داشتند. پادشاهان چین برخی از آنان را به نمایندگی و سفارت خود به آسیای مرکزی می‌فرستادند. این نوادگان ایرانی و چینی در عرصه‌ی دادوستد بازرگانی بین ایران و چین نیز در طول سال‌ها نقش مهمی ایفا کردند. به‌عنوان نمونه، تنی چند از آنان در سابائو^۱، دفتر دولتی تجارت خارجی چین، به مقام‌های مهم رسیدند.

برخلاف بی‌توجهی تاریخ عمومی به حضور و عملکرد آن‌شی گائو در گسترش بودیسم و خدمات معنوی وی به جامعه چین و نواحی اطراف دیگر، هنوز در برخی از معابد و صومعه‌های بودایی او را به‌عنوان یکی از پیشوایان بودایی خود در نظر دارند و کم‌وبیش تفسیرهایی از او در نشریه‌های شان درج می‌کنند که نشان از باور آن‌ها به این فرد روحانی است. به‌طور مسلم معابدی که او را در فهرست پیشوایان خود دارند کم نیستند و باید چنین باشد چرا که خدمات او چیزی نیست که فراموش شود.

در این‌جا وی کوله‌بار دوشش را گشود. از آن کتاب‌هایی بیرون

۱. سابائو Sabao: درباره این دفتر تجاری در صفحات پیش رو از آن صحبت خواهد شد.

آورد. کتاب‌هایی که چون آدمیان سخن می‌گفتند. پیر فرزانه گفت: ای راهب پارسی بگیر و بشنو تا این نوشته‌های بسیار معتبر چه می‌گویند. اولین آن‌ها یادداشت‌هایی از یک خبرنگار از صومعه‌ی بودای طلایی در معبد طلایی بودا در ونکوور کانادا تحت عنوان «آن‌شی گائوی ارجمند»^۱ بود که پیش آمد و چنین خوانده شد:

آن‌شی گائوی محترم و والا را آن‌کینگ^۲ نیز می‌نامیدند. شاهزاده‌ای از کشور «آن‌شی»^۳ (سرزمین اشکانیان) حدود قرن دوم (۱۴۸ بعد از میلاد) زندگی می‌کرد. آن‌شی گائو اولین شخصیت تاریخی بودایی است که آیین بودا در چین را پایه‌گذاری کرد که به دنبال آن چان چینی که ترکیبی از اندیشه‌های لائوتسه، کنفوسیوس و بودا است تولد یافت. آن‌شی گائو حتی زمانی که بچه‌ای بیش نبود تمایل بودایی داشت. وقتی که پدرش درگذشت و درحالی‌که وارث تاج و تخت بود این مقام شاهی را به عمویش واگذار کرد و راهب شد. او عملاً به بودیسم گروید و به بسیاری مکان‌ها سفر کرد و آیین بودا را ترویج نمود. یک حس درونی به او می‌گفت که رهسپار شود. حدود نیمه‌های قرن دوم تصمیم به ترک سرزمین خود گرفت و وارد لئویانگ از ایالت هنان^۴ در چین شد. وی کائو^۵ را به عنوان نام کوچک خود انتخاب کرد و آن‌شی

۱. لقب ارجمند، پیر، و یا مقدس (Venerable) معمولاً به راهب ارشد عضوی از مجمع راهبان داده می‌شود.

2. An-Ching

3. An Shi

4. Henan

5. Kao

را به عنوان نام کشورش (اشکانیان) برگزید. از آن پس مهاجرانی که بعد از او از ایران به چین می‌آمدند عنوان «آن» را به عنوان فامیل یا خاندان خود انتخاب می‌کردند. او زبان چینی می‌دانست و کار ترجمه متون را آغاز کرد. در طی بیست تا سی سال که آن‌شی گائو متون بودایی را در لئویانگ ترجمه می‌کرد، تعداد بودایی در لئویانگ به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد. قبل از اینکه آن‌شی گائو برای نخستین بار به لئویانگ وارد شود بسیاری که آیین بودا از راه دور شنیده بودند، این آیین را به عنوان سحر و جادو تلقی می‌کردند. آن‌ها رب‌النوع‌ها و الهه‌ها را برای مدت‌های طولانی پرستش می‌کردند. آن‌شی گائو فکر کرد که باید حقیقت آیین بودا را به درستی برای آن‌ها فاش سازد که دست از خرافات و پرستش کورکورانه بردارند. ابتدا تصمیم گرفت متون هندی را به چینی برگرداند. او در مجموع سی و پنج متن مقدس را در چهل و یک جلد ترجمه کرد که از میان آن‌ها فقط بیست و دو متن در بیست و شش جلد باقی ماندند. بیشتر سوره‌ها مربوط به بودیسم اولیه یعنی سوره‌های هینه‌یانا بود. آن‌شی گائو اولین مترجم بودایی در چین بود و بودیسم چینی را بنیاد نهاد. اولین ترجمه او آن‌یان‌شویی جینگ^۱ (سوره زندگی بیکران) که تاثیر مستقیم بر شکل‌گیری بودیسم آمیتا^۲ گذاشت. ترجمه‌های آن‌شی گائو استدلالی، عملی، و دقیق است. از آنجایی که در آن زمان توجه چندانی به ترجمه‌های او نمی‌شد، بنابراین بررسی همه آن‌ها، کاری

1. Anban Shauyijing

۲. آمیتا (سانسکریت) آمیدا (ژاپنی): بودای نور بی‌حد و حصر - مظهر مهر. یکی از بوداهای مشهور ماهایانا

مشکل بود. بعدها آن‌شی گائو در شائو شینگ^۱ در ایالت ژجیانگ^۲ زندگی کرد و در همان‌جا درگذشت.

در طی سی سال زندگی‌اش در چین به سرتاسر ایالت ژیانگ ژو^۳ و سایر مکان‌ها سفر می‌کرد و آیین را اشاعه می‌داد. روایت‌هایی از او به جا مانده که از بصیرت والای او حکایت دارد^۴.

سپس دومین سند پیش‌آمد و برگ‌ها به سخن در آمدند: دائو ران راهب است از معبد اسب سفید (مکانی که آن‌شی گائو به مدت بیست تا سی سال در آن‌جا به فعالیت ترجمه و آموزش مشغول بود). او ابتدا شعری در وصف آن‌شی گائو تحت عنوان «شاهزاده‌ی راهب اهل پارت، میراثی از آن‌شی گائو» این چنین می‌سراید:

وی از ارشک، سرزمین اشکانیان، آمد
وی آمد و زنگوله‌های شترش جرنج جرنج می‌کردند
به سمت شرق
از زمین‌های پر رمز و راز
از سرزمین پارس
او از تاج و تخت سلطنتش گذشت
گنجشک‌ها چهچه می‌زدند
وقتی که باردای آجری رنگش عرض آب‌ها و کوهستان‌ها را می‌پیمود
او از شن‌های طلایی بیابان بیرون آمد.

1. Shaoxing

2. Zhejiang

3. Jiangxi

4. Records of High Sanhans: The "Ven An Shih Kao", by The gold Buddha Monastery Researches, Vancouver, Canada .

و هیچ‌چیزی در تصاحب نداشت
و او آیین بودا را در چین با ترجمه و آموزش و دانشوری خلق کرد
او به سمت دریای بزرگ قدم بر می‌داشت
چشمانش دلسوزانه می‌درخشیدند
تاریخ، میراث او را زمزمه می‌کرد.
بهار آمد و گل‌ها شکوفه زدند
امواج سامسارا^۱ هنوز زیر پناهگاه جهان زمزمه می‌کنند^۲.

کشور چین هرگز یک جامعه بسته نبوده و همواره مناسبات فرهنگی خود با خارجی‌ها داشته است. در تاریخ چین مرزهای آن کشور به لحاظ تبادل فرهنگی و تجاری تا اوایل سلسله شانگ^۳ و ژو^۴ باز شدند. وقتی که مردم چین برای اولین بار با آیین بودا آشنا شدند، رشد و پیشرفت قابل توجه و چینی شده این آیین در سه مرحله چین را به لحاظ فرهنگی و مذهبی معتبر ساخت. (۱) ترجمه متون مقدس بودایی، (۲) پیوند این آیین با تفکرات کنفوسیونیزم و تائوئیسم، (۳) پخش و گسترش این فرهنگ و مذهب در خارج از مرزها.

مرحله نخست که مرحله سرنوشت‌ساز به حساب می‌آید از اهمیت ویژه برخوردار است. راهبانی از آسیای مرکزی و هند بودند که در طول دودمان «هان» هم به بودیسم شکل دادند و هم فهم و درک این آیین

۱. چرخه بی‌وقفه مرگ و زندگی (تولد ادواری). انتقال روان به جسمی دیگر به شکل تولد دوباره.

۲. شعر از دائو ران راهب معبد اسب سفید، درلئو یانگ چین که در وصف شاهزاده پارسی آن‌شی گائو خوانده است.

3. Shang

4. Zhou

متون ساراواستی وادا^۱ بود که نزدیک به دو قرن و نیم حتی پیش از ویشو باندا هندی بود^۲. ترجمه سوره‌های دیگری نیز از او دیده شده است. ترجمه‌های مهم دیگر او یعنی «آنان‌شویی جینگ» و مقدمه‌ای بر ماهایانا بود. در آن‌بان‌شویی جینگ، آموزش بر اساس مهارت‌های تنفسی یعنی آناپانا بنا نهاده شده که یک آموزش کاملاً عملی و فنی است. ترجمه هوشمندانه تکنیک آناپانا با چاشنی تائوئیسم که از مهارت‌های آن‌شی‌گائو بود توانست با روحیه چینی‌ها و حساسیت و درک آن‌ها تطابق پیدا کند و اندیشمندان تائوئیسم آن را با زمینه ذهنی خود هماهنگ کردند^۳. کیفیت آموزش بودیسم در تحول اندیشه چینی‌ها تاثیری بس ژرف داشت و کار ترجمه این متون که توسط آن‌شی‌گائو انجام گرفت بر نسل‌های استادان چینی تاثیرگذار بود.

باور بر این است که در دوره تانگ هیچ اسرار پوشیده‌ای در ستایش و تأیید ترجمه‌های آن‌شی‌گائو و آموزه‌هایش نبوده و اگر هم پنهان مانده صرفاً به واسطه سهل‌انگاری‌هایی است که در این زمینه شده است. احیای فرضیه آبهی‌داهما با موضوعات مهم آنکه در دوره دودمان «جین»^۴ انجام شد منجر به تأسیس مدرسه آبهی داما در چین گردید. (۱) ترجمه‌های نخستین او که چینی‌ها را از دسترسی به متون سانسکریت (پالی) برای درک و فهم آیین بودا بی‌نیاز می‌کرد. (۲) آموزه‌های وی در لئویانگ و خارج از آن محدوده که منجر به تأسیس مراکز و معابدی در چین شد که

را برای مردم قابل فهم کردند. اولین آن‌ها شاهزاده اهل پارت^۱ به نام آن‌شی‌گائو (۱۴۸ بعد از میلاد) نویسنده اولین نشر متون مقدس بود. او همچنین اولین مترجمی بود که فعالیت فرهنگی او در اسناد رسمی چین به ثبت رسید. او وارث تاج و تخت دودمان اشکانی بود و قبل از اینکه راهب شود ادعا کرد که ارشک^۲ است، نامی که هر پادشاه اشکانی هویت خود را با آن تعیین می‌کند. امپراتوری اشکانی تمام فلات ایران زمین و بین‌النهرین را پوشش می‌داد و از داشتن رابطه نزدیک با دودمان «هان» که از طریق جاده ابریشم برقرار بود خرسند بود. آن‌شی‌گائو در اوایل سلطنت «هان» به چین آمد و مدت بیست تا سی سال در لئویانگ به ترجمه متون بودایی به چینی مشغول شد.

مرحله دوم، به واسطه زمینه اخلاقی و فلسفی که چینی‌ها از مذاهب کهن خود یعنی کنفوسیونیسیم و تائوئیسم داشتند، بودیسم را به طریقی متفاوت تر یافتند به‌ویژه آموزه‌های آبهی‌داهما که دیدگاه‌های عمیق‌تر و روشن‌تری از انسان و جهان ارائه می‌نمود و این به‌خصوص مورد توجه ادیبان و مذهبیون آن کشور قرار گرفت. آموزش‌های فنی که در متن «آنان‌شویی جینگ» بیرون کشیده شده بود در ذهنیت چینی‌ها نهادینه شد.

در مرحله سوم، بودیسم چینی به‌سوی ژاپن، کره، ویتنام روانه شد و در سال ۱۸۴۰ به ایالات متحده وارد شد.

در مجموع او سی و پنج متن مقدس را در چهل و یک جلد نوشت. او بسیار علاقمند به ترجمه متون آبهی‌داهما (تعالیم عالیه بودا) از

1. Saravastivada

۲. از تفسیر داتو ران ارجمند می‌توان چنین برداشت کرد که فلسفه مادها میکا (راه میانه) ابتدا توسط آن‌شی‌گائو ترجمه و تفسیر شده که در آن آموزش آبهی‌داهما نیز داده شده بود.

۳. آناپانا در شکل تکامل یافته چینی‌اش همان سوسوکان (تمرینات تنفسی عمیق) است.

4. JinDyansty

1. Parthian

2. Arsak

بودیسم به‌طور رسمی در سرزمین پهناور (چین) تثبیت شد.

در یک جمع‌بندی، راهبان خارجی که در فرهنگ چین تأثیر گذاشتند بر اساس سلسله مراتب تاریخی به قرار زیرند: آن‌شی‌گائو صدوچهل و هشت سال بعد از میلاد، لوکاکشما ۱۵۹ بعد از میلاد، سانگها و ارمان (قرن سوم)، کوماراجیوا (۳۴۴-۴۱۳)، کالایاساس (۳۸۳-۴۴۲)، دارماکشما (۳۸۵-۴۴۲)، گونا بهاردا (۳۴۹-۶۶۸)، داهرمودگاتا (قرن پنجم تا ششم).^۱ آنگاه سومین تومار پیش‌آمد و چنین سرود: من مقاله‌ای به قلم پونا میون-کیاتیساک پژوهشگر دانشگاه اوتاگو، زلاندنو هستم. تعالیم بودا بزرگترین میراثی است که بشر از گذشته دریافت کرده است. پیام بودا، عدم خشونت، صلح و آرامش، مهر و ترحم، بیداری، خرد، درک مستقیم از حقیقت و نیز بالا بردن ارزش‌های انسانی است. پرچمدار این پیام فرزاندگانی هستند که پیام را به‌خوبی دریافت کردند و متعهد شدند که آن را به‌طریقی به گوش دیگران برسانند. از میان این فرزاندگان آن‌شی‌گائو اهل پارت بود که به‌نحو شایسته‌ای آن را انتقال داد. او در یک خانواده سلطنتی در سرزمین «پارت» پا به عرصه وجود گذاشت و به‌نظر می‌رسید که باید صاحب همه چیز بوده باشد. والدین و خانواده او پاک و نجیب بودند. او وارث تاج و تخت بود. با وجود داشتن چنین امکانات رفاهی، احساس می‌کرد که در تله زندگی مجلل قرار گرفته که می‌تواند سد راهش شود. خود را پرنده‌ای در قفس طلایی می‌دید. در تماسش با فاضلان و اندیشمندان بودایی، چه در سرزمین خودش و چه در طی سفرهایش، دانشی بس عظیم از تعالیم بودا دریافت کرد. دانش معنوی او در تضاد با موقعیت اشرافی و مجلل وی بود. تصمیم گرفت راهی برای نجات خود و در عین

حال خدمت به بشریت از طریق آزاد ساختنشان و گشودن چشمشان به واقعیت بیابد. ترک خانه و کاشانه و چشم‌پوشی از تمام چیزهایی که به او تعلق داشت مشابه با حرکت تاریخی بودا ساکیامونی بود. بعد از مرگ پدر و زمانی که جوانی بیش نبود تصمیم گرفت به جای امن‌تری برود که از دستاوردهایش حراست و نگهداری کند. در سال صدوچهل و هشت بعد از میلاد اراده کرد که از دربار سلطنتی چین اجازه اقامت بگیرد و در پایتخت فعالیت فرهنگی خود را شروع کند. او در ترجمه‌های متون بودایی برتر بود. به مدت بیست تا سی سال در سر پناه کوچکی به نام معبد «اسب سفید» در لئویانگ شروع به کار کرد.

(شاهزاده پارسی) برای نقشی که در انتقال بودیسم به درون خاک کشور چین داشته از درجه اعتبار خاصی برخوردار است و بوداییان چین وی را برای قرن‌ها استاد مراقبه خود به حساب می‌آورند. گرچه میهمانان دیگر در چین بودند که بعد از او بودیسم را در آن‌جا به بالاترین اعتلای فرهنگی رساندند اما اعتبار آن‌شی‌گائو به‌عنوان اولین معرف بودیسم از نظر تئوری و عمل همچنان در اذهان چینی‌ها هست. نهضت ترجمه در چین به سال‌های نزدیک قرن دوم بعد از میلاد برمی‌گردد و پیش‌گام آن راهب پارسی به نام آن‌شی‌گائو است.

آن‌شی‌گائو! آن‌شی‌گائو! آن‌شی‌گائو!

این نام مانند یک قطعه‌ی بی‌مانند موسیقی در جانم می‌گردد. گویی دستانی از آسمان بر باد آن را می‌نواختند.

پیر در من خیره‌نگریست و ناگهان بانگ زد: گوش کن راهب پارسی! گوش کن آن‌شی‌گائوی جوان!

و باز نام آن‌شی‌گائو در باد نواخته شد. گویی کسانی در باد و روی به من می‌خواندند: گوش کن آن‌شی‌گائوی جوان. اینک تو!

1. The Princ-Monk of Parthia: The Legacy of An Shigao, By the Ven, Dao-Ran, Quin Pagoda at White Horse Temple.

مراقبه که به آن‌شی گائو و مدرسه او نسبت داده شده، انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم عمیقی از آموزه‌های بودا چون: اسکاندا^۱، داتو^۲، آیاتانا، آبهی داهما پیتاکا، آن بان‌شویی جینگ و غیره، به‌عنوان گنجینه‌ای از ادبیات بودایی است که در مخزن فرهنگی ما نگهداری می‌شود.^۳

پیر فرزانه ناگهان از پس تومارها و کاغذها پیدا شد و روی به من گفت: گرچه مطالب مشابه در این خبرنامه‌ها و تفسیرها وجود دارد اما این خود نشان دهنده یک صدا بودن همگان به حضور پُرنرنگ این شخصیت معنوی است که اشاعه دهنده بودیسم هیینه‌ایانا و ماها‌یانا بوده است. این‌ها و بسیاری از مسائل بازگو نشده دیگر از این دانای پارسی حکایت از این دارد که جنبش ترجمه او به‌واسطه خدمت فوق‌العاده و انسانی‌اش و زنده نگه‌داشتن آیین کاملاً انسانی و اخلاقی بودا می‌توانست بیش از حد معمول موثر باشد. چون کار به اینجا رسید و من در میان انبوه نامه‌ها، کتاب‌ها و نوشته‌ها غرق شدم. مردی میانسال با چشمانی آبی و کت و شلواری کهربایی و کراواتی زرد پیش آمد. بر پله‌های معبد نشست و پس از اندکی گفت: من، آنتونینو فورته محقق ایتالیایی هستم. کمی مکث کرد و خستگی از تن به در کرد و ادامه داد:

مسئله‌ی شناسایی آن‌شی گائوی راهب قطعاً مهم است و اگر این مسئله ثابت می‌شد که آن‌شی گائوی راهب همان آن‌شی گائوی مهاجر است، این امر موجب تحول

پیر هم چنان سخن می‌گفت. اما اینک در من سخن می‌گفت. با من نمی‌گفت. در من سخن شنیده می‌شد: چهره واقعی این شخصیت تاریخی برای مدت زمانی پنهان بود اما سرانجام به مرور زمان معرفی شد. پژوهشگران بسیاری بر نقش او به‌عنوان پیشرو و منادی دو طرز تفکر بودایی یعنی تهر اوادا و ماها‌یانا تأکید گذاشته‌اند و تکنیک‌های مراقبه او را ذکر کرده‌اند. از میان این پژوهشگران به تعداد اندکی از آن‌ها اشاره می‌کنم که شرح آثار او و فعالیت وی را در چین به‌خوبی تشریح کرده‌اند: اریک زورچر^۱، آنتونینو فورته^۲، استفانو زاجتی^۳، جین ناتیر^۴، پل پلیو^۵. در اولین بخش از پایان‌نامه دانشگاهی‌ام، رسم و رسوم زندگی‌نامه آن‌شی گائو را مورد‌کندوکا و قرار دادم. نزدیک‌ترین مطالعه از قدیمی‌ترین منابع از زندگی آن‌شی گائو نشان می‌دهد که در طی زمان، خدمات او در چین گسترده‌تر می‌شد. آن‌شی گائو برای رسالت مذهبی‌اش به‌طور خستگی‌ناپذیر کار می‌کرد و مورد احترام بود. در عین حال به‌عنوان استاد مراقبه و وقایع شگفت‌انگیزش و نیز ترجمه‌هایش مورد ستایش بود. این شهرت حتی تا زمان مرگش ادامه یافت و برای چینی‌ها دستاوردی مهم به‌حساب می‌آمد. در زندگی‌نامه‌اش فقط از آموزه‌های او صحبت نمی‌شد، بلکه باور به توانایی‌های فوق‌طبیعی او بود که دیگران به‌صورت روایت بازگو می‌کردند و این برخاسته از نیوغ ذاتی او بود. در بخش دوم این پایان‌نامه، یک بررسی آماری از تمام سوره‌های

1. Eric Zurcher: Burcher: Buddhist Conquest of China 1959

2. Antonino Forte, "An Iranian Family in China 1995

3. Stefano Zaccchetti "The Nature of Da AnbanShouyi Jing 2002

4. Jan Nattier, "The Way of Bodhisattva

5. Paul Pelliot, The Influence of Iranian in China, 1903

1. Skandha

2. Datu

3. Mission, Meditation and Miracles in Chinese Tradition, By, Pnampon Phr Kiattisak, OTAGO University: Publisher: University of Otago, 2014-2015

بزرگی در دیدگاه تاریخی در این مسئله می‌شد.^۱

در حقیقت تفکیک شخصیت آن‌شی‌گائو و ترسیم دو فرد متضاد از او، به معنای جداسازی و دو شقه‌کردن یک شخصیت است و تحمیل یک شخصیت خیالی که نه راهب است و نه مهاجر و این ناشی از جهل یا قضاوت غیرمنصفانه بعضی از مورّخانی است که تاریخ را تحریف کرده‌اند و حقیقت را آن‌گونه که بوده است بیان نکردند و این جای تاسف دارد. بدون شک و با توجه به منابع معتبر با ذکر نام پژوهشگران نشان از این دارد که آن‌شی‌گائو یک شخصیت مذهبی- فرهنگی در تاریخ چین و تاریخ عمومی است که مورد توجه بوده است.

آنتونیو روی به من کرد و گفت بشتاب. من برخاستم و بدون پرسشی با او به راه افتادم. همچنان که با شتاب می‌رفتم، گفت: تو را به مجمع بین‌المللی دانشمندان و پژوهشگران خواهم برد. بیا و تماشا کن. داخل دژ خشتی شدیم. در میان دژ، میزی گرد از سنگ بود و پیرامون آن تزیینات چند نشسته بود. یک‌به‌یک برمی‌خاستند و خود را معرفی کرده و سخن سر می‌دادند.

من پائول پلبو، چینی‌شناس و شرق‌شناس شهیر هستم (۱۸۷۸-۱۹۵۴) که به جهت کشف‌هایم از آسیای مرکزی و از بسیاری از متون چینی معروف هستم. من در این جا چنین نوشته‌ام:

آنانی که آن‌شی‌گائو را مورد بررسی خود قرار داده‌اند باور دارند که آن‌شی‌گائو به هیچ وجه شخص کم‌اهمیتی در تاریخ چین نیست و بارها به اهمیت او اشاره شده است.

۱. آنتونیو فورته «خانواده ایرانی در چین (متن اصلی)» صفحه ۴

در سال ۱۹۱۱ به نقل از اولین بیانیه معتبر در سخنرانی افتتاحی کلاس‌های خود در دانشکده فرانسه (College De France) اظهار کردم که:

سهم مردم ایران و (ایرانی شده‌های چین) در ترویج آیین بودا در چین نباید نادیده گرفته شود، و قطعا که شخص آن‌شی‌گائو به‌عنوان اولین مترجم بزرگ آثار بودایی به چینی ایرانی و عضو خانواده سلطنتی اشکانی بود که قابل ملاحظه است.^۱

فعالیت‌های آن‌شی‌گائو و گروه ترجمه‌اش یک واقعه ملموس بود که تا مدت‌ها پنهان مانده بود و تاثیر کار گروهی آن‌ها بر فرهنگ چین به‌طور کلی روشن شد.

او نشست و نفر دوم برخاست: من پروفیسور دکتر اریک زورچر (۱۹۶۲-۱۹۹۳)، نویسنده هلندی، چینی‌شناس، و مطالعات بودایی و آسیای شرقی از دانشگاه لایدن^۲ هستم:

آن‌شی‌گائو فردی بود که ترجمه‌های سازمان‌یافته متون بودایی را آغاز کرد و اولین گروه ترجمه را به سرپرستی خودش تشکیل داد. در این زمینه او از اهمیت زیادی برخوردار است. ترجمه‌های او ممکن است اصیل و قدیمی باشد، آغاز شکلی از فعالیت ادبی همانند یک مجموعه را مشخص می‌کند و باید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تاثیرگذار فرهنگ چینی تلقی شود.^۳

۱. پائول پلبو «نفوذ ایرانیان در آسیای مرکزی و شرق دور (متن اصلی)» سال ۱۹۱۱ صفحه ۱۰۶

۲. دانشگاه لایدن قدیمی‌ترین دانشگاه هلند در شهری به همین نام.

۳. اریک زورچر «فتح بودایی کشور چین (متن اصلی)» ۱۹۵۹ صفحه ۳۲

از دژ بیرون آمدم. تنها و غرق در فکر. از خود سوال می پرسیدم و نوری در درونم به من پاسخ می داد: آیین بودا چه ویژگی هایی داشت که شاهزاده پارسی را آن چنان مشتاقانه و آتشین به سوی آن کشاند و زندگی و راهش را مبنای آن قرار داد و همه چیز را برای اشاعه آن فدا کرد. او در دوره ای زندگی می کرد که فرهنگی غنی زردشتی بر سرزمین پارس حکم فرما بود.

به نظر می آید که گرایش و زمینه ذهنی آن شی گائو به آموزه ی بودا به واسطه الهام از فرهنگ غنی در دودمان اشکانیان بوده باشد که مذهب زردشت کم و بیش بر جو جامعه احاطه داشت. و این نشان از عظمت فکری در سرزمین پارسیان حتی در نیمه های قرن دوم را می دهد و باتوجه به جوهر انسانی آموزه ی بودا که هم اکنون و در قرن حاضر مورد تحلیل متفکران امروز است قرن ها پیش و در دوره اشکانیان و در حیطه خراسان مطالعه و تمرین می شده.

در عصر حاضر تقریباً کسانی که با کتاب و رسانه ها سر و کار دارند از نیت این آیین می دانند و شاید آن را متفاوت با راه و روش های مدارس فکری دیگر بدانند البته نه به عنوان یک مکتب برتر بلکه یک راه و روش متفاوت. بعضی مایلند که آموزه های بودا را مذهب تلقی کنند، عده ای دیگر آن را فلسفه بخوانند؛ پاره ای آن را هم مذهب و هم فلسفه بدانند و عده ای دیگر که شوربختانه حتی چند سطری هم از بودا نمی دانند بودیسم را فاقد کتب مذهبی بیندارند. اما با این گوناگونی و تعبیر مختلف بهتر و صحیح تر آن است که آن را راه رهایی و یا هنر زندگی کردن بنامیم. اما این دلیل بر آن نیست که بودیسم صرفاً محدود به یک انضباط اخلاقی باشد. به جز راه و روش اخلاقی و معنوی، آموزش هوشمندانه را دارا است که در مجموع منجر به آزادی کامل

ذهن یعنی رسیدن به «بی ذهنی» کامل می شود.

بودا خود تعلیماتش را «داهما وینایا» یعنی تعالیم و انضباط نامید، درست همان شیوه ای که آن شی گائو آن را در شکل واقعی اش پیاده کرد بدون اینکه مسیر را عوض کند. او مبلغ مذهبی به معنای گرویدن و پذیرش تحمیلی یک مذهب نبود بلکه انتقال بیداری که سینه به سینه با او انتقال داده شده بود. اما بودیسم آن گونه که آن شی گائو دریافت کرد، در جدی ترین مفهوم کلمه نمی تواند مذهب نامیده شود.

آنانی که از دیدگاه علمی به بودیسم نظر داشته اند آن را نه فلسفه، نه مذهب، نه علم، نه روانشناسی بلکه فقط درمان می دانند که به حق چنین است. این تا حد زیادی به واقعیت آیین بودا نزدیک است. اما در عین حال می تواند هم مذهب باشد هم فلسفه هم روانشناسی. اگر چنانچه معنای مذهب عمل به اعتقاد به عنصری نادیدنی و عطش برای خشنودکردن یک وجود الهی و تسلیم محض از او باشد، یا اینکه ملزم به تمرین رسم و رسومات، قربانی کردن ها و سایر تشریفات مذهبی باشد در آن صورت بودیسم مذهب نیست، اما اگر هدف مذهب ریشه کن کردن حرص و آز باشد، هدفش خاموشی نفرت ها و دشمنی ها باشد، هدفش توقف جهل باشد و بتوان با تلاش به تقوا و خرد رسید در آن صورت بودیسم یک مذهب است.

اگر موضوع فلسفه جَروِیَحْث و صُغری و کبری چیدن و موضوعات تعقلی باشد و وارد موضوعات استدلالی و منطق قرار بگیرد، بودیسم راهش را گم خواهد کرد. اما چنانچه فلسفه موضوعش تفکر و مراقبه باشد و سوالات بنیادین درباره «خود» و جهان را مطرح کند، عشق به خرد را در دستور کار خود داشته باشد و هدفش تعمق و رسیدن به روشن شدگی باشد در آن صورت بودیسم یک فلسفه است. اگر روانشناسی

محدود به روانشناختی انسان، بحث درباره ساختار فیزیولوژیکی بدن، در چارچوب شرح رفتارهای انسان باشد یا زیر مجموعه روانشناختی باشد در آن صورت بودیسم روانشناسی نیست. اما چنانچه روانشناسی متوجه فرآیند درونی باشد، هدفش تمرکز و توجه عملکرد ذهن و مهار ذهن، خود کاوی و در نهایت درمان بیماری‌های روحی باشد در آن صورت روانشناسی در سطح خودکاوی است. بنابراین در شکل نمادین، بودیسم نه مذهب است، نه فلسفه، نه روانشناسی اما در عین حال هم مذهب است، هم فلسفه، هم روانشناسی و هم علم.

اما آنچه عملاً مشهود است تکنیکی است برای آرامش فکر در عالی‌ترین شکل خود و درمان بسیاری از بیماری‌های روحی در اولین آموزش بنیادی بودا جای گرفته است. آنچه مسلم است این است که تعالیم بودا مجموعه تمریناتی است که فرد با دنبال کردن مستمر آن قادر است با اشتیاق زندگی کرده، بیم و ترس و نیستی از مرگ را بپذیرد و حقیقت مربوط به خویشتن خویش را از طریق تجربه و تمرین دریافت کند و نه بر تفسیر و جدل‌های روشنفکر مآبانه و یا اعتقاد به اینکه یک قدرتی که بر سرنوشت انسان‌ها حاکم است. از آنجایی که چینی‌ها از فرزندان خود یعنی لائوتسه و کنفوسیوس الهام می‌گرفتند پذیرش بودیسم با شرایطی که گفته شد آسان می‌نمود زیرا که درآیین خود به‌ویژه تائوئیسم چنین باورهایی جایی نداشت. پاداش و کیفر از نظر بودیسم و در همین جهان و هم‌اکنون و این‌جا تعیین می‌گردد و هیچ قدرتی در آن دخالت ندارد و این حکمت در تفکر چینی جای گرفت. دکترین کیفر و پاداش از نظر بودا در این خلاصه می‌شود که: «از بدی بدی زاید و از خوبی خوبی» کارما یا کامما قانونی است «خود به خودی» که در چارچوب خودش، بدون مداخله‌ی هیچ عامل تصمیم‌گیرنده‌ی

خارجی و به‌طور مستقل، عمل می‌کند. قانون کارما، مسئله‌ی رنج را تشریح می‌کند، مسائلی مانند رموز قضا و قدر، سرنوشت، نابرابری در میان بشر را شرح می‌دهد. کارما، یعنی «عمل» و اشاره به «نتایج عمل» نیز دارد، عملی که ما را به کیفرهای آینده یا پاداش در همین زندگی و زندگی آینده، نوید می‌دهد. کارما یعنی هر آنچه که برای ما پیش می‌آید، بدون استثنا، خودمان مستقیم یا غیرمستقیم، جزیی یا کلی، در زمانی که آن عمل را در خود کاشته‌ایم، مسئول آن هستیم. این قانون می‌گوید، اگر می‌خواهید از گذشته (علت) بدانید، نگاهی به حال (معلول) بیاندازید و اگر خواستار دانستن آینده (معلول) هستید، به حال (علت)، نگاه کنید. پاداش یا کیفر طبیعی برای انجام عمل، از طریق قانون کارما تعیین می‌شود. بودیسم و تمرین آن در کل رسیدن به آرامش و بیداری بدون تکیه زدن بر نوشته‌ها موعظه‌ها، پندها و داروها. طریقتی که برای حصول به آرامش و بیداری خود را درگیر مسائلی چون خالق، روح، عذاب، معاد، کیفر و پاداش و یا جهنم و بهشت ابدی نمی‌کند.

توضیحات فوق از آیین بودا به این‌منظور بود که درک و فهم آن‌شی‌گائو از ذات تفکر بودایی را در مجموع بدانیم. بنابراین او (آن‌شی‌گائو) باید یک زمینه ذهنی برای دریافت این مجموعه اخلاقی-فلسفی داشته باشد. به‌طور مسلم با اعتقاد به «کارما»ی او (پندار و کردار) این شاهزاده پارسی از اندیشه زردشتی نیز الهام می‌گرفته چرا که شباهت‌های اخلاقی بین آن دو وجود دارد. آن‌شی‌گائو پایبند اصول اخلاقی بودیسم بود اما بعضی از سنت‌های صومعه‌یی را نه بر اساس تحمیل چه بر اساس تعقل و خرد می‌پذیرفت و دنبال می‌کرد. برای نمونه معمول است که راهبان (به‌ویژه سنت هینه‌یانا) بعد از راهب شدن باید همچنان تارک دنیا باقی بمانند و حق ندارند ازدواج کنند در

صورتی که آن‌شی گائو بعد از راهب شدن ازدواج کرد و صاحب فرزند شد. این به دلیل کج‌روی یا نادیده گرفتن اصول اخلاقی بودا نیست بلکه به واسطه تغیر در سنت‌هایی است که ممکن است بر حسب شرایط جغرافیایی و یا فرهنگی تغیر کند. ترجمه‌هایش نشان می‌دهد که تعالیم ناب بودا را به چین و جهانیان ارائه داد بدون اینکه بخواهد بدعت کند یا خواسته باشد آیین نویی را جایگزین آموزش اصیل بودا کند. در ترجمه متن فلسفی آبهی داهما یعنی جوهر دکترین بودا او به‌طور مستقیم به اصل و ریشه تعالیم می‌پردازد.

دیدگاه راهب پارسی به موضوعات علمی مربوط است که خود ترجمه کرده و در اختیار اندیشمندان چینی قرار گرفته است. موضوعاتی درباره ذهن و ماده به‌عنوان تشکیل دهنده دستگاه پیچیده انسان که به‌طور ریز بین مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. وقایعی در مورد مرگ و تولد دوباره، درباره ذهن، افکار، فرآیندهای فکری، حالت‌های مختلف روحی، و تحلیل شعور یا «دانستگی» که در روانشناسی و فلسفه بودیسم جایگاه ویژه‌ای دارد و هم اکنون در بزرگترین دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود.

وقتی که او را یک فرزانه و یا یک بودهیساتوا می‌دانیم سخنی به اغراق نگفته‌ایم در حقیقت اشراف داشتن به تمام موضوعاتی که مورد توجه عام و خاص است را هم آموخت، هم ترجمه کرد و هم به جماعت انبوهی آموزش داد.

شب شده بود. ستارگان چون خوشه‌ی انگوری که کودکی دانه دانه کرده باشد بر آسمان بودند. به کجا می‌رفتم. دیگر مهم نبود. تمام ذرات وجودم رفتن بود. پرسش بود. نور بود. بال بال زدن بود. کوله‌بارم را

برگرفتم که گویی نسیمی بود سبک روح. یکصد و یازده سنگ کوچک. هر یک مرواریدی غلطان و بر هر یک کلامی نوشته بود.

دانستم که؛

✱ نژاد پارتیان آریایی، زبان آن‌ها فارسی، آیین‌شان مزدا و گرایش‌شان بودایی بود چرا که از تیره ساکاها بودند که به‌طور عمده بودایی بودند.

✱ در سده‌های قبل از میلاد و تقریباً اواخر قرن دوم معابد و تندیس‌هایی از بودا ساکیامونی وجود داشت و هم اکنون نیز آثاری از آن‌ها در گوشه کناره‌های افغانستان باقی مانده است.

✱ پیشوند نام او «آن» یا «آن‌شی» برابر ارشک به معنای سرزمین اشکانیان است.

✱ در سلسله اشکانیان چرخ «دارما» یا آیین بودا توسط شخصی به نام آن‌شی گائو در چین به گردش در آمد.

✱ او در تاریخ اشاعه گسترده آیین بودا اگر نگوییم تنها فرد بعد از بودا بوده اما از نادر کسانی بوده که به این حرکت تاریخی معنوی (ترک خانه و کاشانه) و به امید تحولی نو دست زده است.

✱ آن‌شی گائو با ادبیات و متن‌های خارجی آشنایی داشت. او آیین بودا را در سرزمین خود آموخت و آثاری از خود به‌جای گذاشت و در چین به کمال رساند.

✱ او در چین در معبد اسب سفید همراه با یارانش گروه ترجمه بر پا کرد و به مدت بیست سال به ترجمه متون بودایی و ترجمه و تفسیر سوره‌ها پرداخت.

✱ آن‌شی گائو، آن شوآن، و یان فوتیائو را پایه گذار مکتب بودیسم در چین می‌گفتند که به «سه فرد غیر قابل تقلید» لقب یافته‌اند.

شهر پنجم

حیرت، حیرانی. دروازه‌ای به هزار راز. پیچ‌درپیچ. چرخ‌درچرخ. گذردرگذر. بر هر گذر چراغی و هیاهوی اسبان. فریاد و خروش سربازان. دهل. دهل. دهل. چکاچک شمشیر و کوبش طبل و نقاره. شاهان و سرداران. شاعران و نقاشان. اسبانی بی‌سوار. سوارانی بی‌سر. درفش‌هایی باشکوه. نیزه‌هایی بلند. دژی سر به آسمان کشیده. بر باروی دژ پیر ایستاده بود. درنای دمیدند و سواران راه گشوند. از هزار و یک راهروی تاریک گذشتم. تالاری بی‌پایان. تالاری با هزارویک رف و بر هر رف هزارویک کتاب. کتاب‌هایی به هیبت آدمی. کتاب‌هایی که با تو سخن می‌گفتند. حیران و پریشان در هزار توی کتاب و آدمی می‌گشتم که پیر فرزانه پیش آمد و گفت: و اما در این گنج خانه هزار و یک مکتوب است و بر هر مکتوب رازی نوشته است. رازی از دانایی. چراغ برگیر تا خاموشی بگریزد. ای راهب پارسی با چراغ دانایی پرده‌های تاریکی خواهد درید و نور خواهد بارید. بنگر که بر این مکتوب چه نوشته است: زندگی‌نامه آن‌تونگ^۱ و پسرش آن‌یوان^۲.
ای راهب پارسی! می‌خواهیم بدانیم که کسانی که گفته شده از

❖ به روایت پژوهشگران، آن‌شی‌گائو به‌عنوان یک درمانگر، به فن پزشکی نیز آشنایی داشت و به طب‌سوزنی و تغییرات نبض، به‌خصوص، مسلط بود.

❖ یونامیون -کیا تیساک پژوهشگر دانشگاه اوتاگو، زلاندنو چکیده در مقاله‌اش شی‌گائو را بزرگترین میراث تاریخی بشری می‌داند.

❖ اریک زورچر هلندی معتقد است که: مسئله شناسایی آن‌شی‌گائو قطعاً مهم است چون موجب تحول بزرگی در دیدگاه تاریخی به وجود می‌آمد.

❖ پائول پلوی فرانسوی می‌گوید: آنانی که آن‌شی‌گائو را مورد بررسی خود قرار داده‌اند باور دارند که آن‌شی‌گائو به هیچ وجه شخص کم‌اهمیتی در تاریخ چین نیست و بارها به اهمیت او اشاره شده است. ❖ پروفیسور دکتر اریک زورچر هلندی می‌گوید: آن‌شی‌گائو فردی بود که ترجمه‌های سازمان یافته متون بودایی را آغاز کرد و اولین گروه ترجمه را به سرپرستی خودش تشکیل داد.

1. An tong

2. An Yuan

نوادگان آن‌شی‌گائو هستند چه اندازه در چارچوب خاندان «آن» در کشور چین مهم بودند. در این جا اشاره کوتاهی بکنم که لقب «آن» تقریباً به تمام خانواده‌های ایرانی در چین داده شده که از جد خود آن‌شی‌گائو الهام گرفته‌اند. «آن»‌ها حتی تا قرن هشتم در چین نفوذ فراوانی داشتند که به دلایلی که توضیح داده خواهد شد نفوذشان کم‌رنگ شد و مجبور شدند تغییر نام دهند، اما اصالت خود را در یک چهار چوب همبستگی نگه داشتند.

زندگی‌نامه این دو (آن‌تونگ و پسرش آن‌یوان) در وی‌شو^۱ و بی‌شی^۲ کتابی تحت عنوان «وی»^۳ آمده است. این اثر در چین کهن و چین کنونی به عنوان میراث فرهنگی به‌شمار می‌رود. کتاب «وی» در قرن پنجم بعد از میلاد تألیف شد و تاریخ سلسله‌های شمالی^۴ نیز در اواخر قرن هفتم تدوین گشت. بخش‌های مهمی از این آثار به آن‌تونگ و اعضای برجسته خانواده‌اش می‌پردازد که در دوره حکومت وی شمالی فعال بودند. اسناد تاریخی معتبر در ارتباط با آن‌تونگ و آن‌یوان در زی‌ژی‌تونگ‌جیان^۵ یعنی (تاریخ‌نگاری چینی) آمده است. زی‌ژی‌تونگ جیان در حقیقت اشاراتی (مرجوعات یا منابعی) پیش‌گام در تاریخ‌نگاری چین است و از این لحاظ معتبر است که منابع دقیق و معتبری ارائه می‌کند. بررسی دقیق این منابع در ارتباط با آن‌تونگ و خانواده‌اش، نقش فعال آن‌ها را در طول دوره «وی» شمالی نشان می‌دهد.

1. Wei shu
2. Bei shi
3. The book of Wei
4. Northern Wei
5. Zizhitongjian

در قرن سوم، آن‌تونگ همراه با دوازده فرد دیگر که از قرار معلوم از هم‌وطنان او هستند توسط امپراتور تای‌زو^۱ اولین حاکم وی شمالی به مقام شخص اعظم کاخ بیرونی^۲ برگزیده شد. مدتی بعد و در همان مقام و موقعیت، آن‌تونگ با هفت فرد دیگر اجازه رسمی یافتند که در سیاست‌های دولت شرکت‌کنند و نظر بدهند و این نهایت اعتماد به فرد و گروه بود. این هشت نفر را هشت دوک (باگونگ)^۳ می‌گفتند. دوک‌ها گروه بزرگی را تشکیل می‌دادند و از اشخاص برجسته بودند که بالاترین جایگاه نظام اداری را در اختیار داشتند. آن‌تونگ و همراهان جایگاه مستحکمی یافتند.

هشت نظام دوکی برای اولین بار توسط نوادگان آن‌شی‌گائو یعنی آن‌تونگ و سایرین شکل گرفت. در قرن چهارم و در زمان امپراتوری تای‌وو^۴، آن‌تونگ فرماندار دو حوزه اداری در جی‌ژو^۵ و کینگ‌ژو^۶ شده بود. آن‌تونگ در فرمانداری دوم یعنی جی‌شیان^۷ کنونی در هی‌بی^۸ بود که صومعه و معابد بودایی ایجاد کرد تا به مردم رنج‌دیده کمک کند^۹. هدف او از تأسیس معابد این بود که بودیسم را تثبیت کند که آموزه‌های

1. Taizu

۲. کاخ بیرونی: نظامی است اداری و افراد درون آن با کاخ داخلی که شامل امپراتور، خانواده‌اش و غیره می‌شود فرق دارد. رک به کتاب چارلز هاکر پروفیسور تاریخ و زبان چینی. ۱۹۸۵ صفحه ۳۴۲

۳. با گونگ Bagong یک لقب اشرافی در چین است، مانند دوک Duke در انگلیس.

4. Taiwu

5. Jizhu

6. Qingzhou

7. Jixian

8. Hebei

۹. این سند نشان می‌دهد که نوادگان «آن» در تأسیس معابد بودایی در چین پیش‌گام بودند و به رسمیت بخشیدن آن‌ها اهمیت می‌دادند.

بودا به صورت سیستماتیک و با انضباط خانقاهی شکل بگیرد. به نظر می رسد که تاسیس یک مرکز دارما^۱ با الهام از جد خود آن شی گائو گرفته شده باشد. آن تونگ در سال دوم شنجیا^۲ (۴۲۹) درگذشت. با این تفسیر از مفسران معلوم می شود که معابد بودایی در چین و با حضور دو خط فکری تائوئیزم و آیین کنفسیوس توسط زادگان آن شی گائو یعنی آن تونگ دائر شد.

یکی از پسران آن تونگ به نام آن یوآن شغل مهمی در زمان امپراتور تای وو^۳ داشت. امپراتور تای وو را تئوباتائو نیز می گفتند. او امپراتور وی شمالی بود. در سال ۴۴۴ به بوداییان سوءظن پیدا کرد که ممکن است از گای وو شورشی حمایت کرده باشند. بنابراین دستور به اذیت و آزار بوداییان داد و حتی مجازات مرگ برای آن ها کرد. اما بعدها فهمید که بوداییان خود را درگیر مسائل سیاسی و جنگ افروزی نمی کنند و با آن ها مهربان تر شد. آن یوآن به عنوان معاون دوم در دیوان کشوری انتخاب شد و عنوان های شایسته ای به او داده شد. او این عنوان و موقعیت های شغلی را تا آخر عمر داشت.

پیر فرزانه گفت: اما ببینیم که اصالت خانوادگی آن تونگ به کجا برمی گردد و او چگونه به ما معرفی می شود. شرح زندگی نامه آن تونگ در اثر معروفی چون وی شو و بی شی چنین آمده است که: «آن تونگ، یک هو^۴ (ایرانی) اهل لیائو دونگ^۵ بود. او از تبار شاهزاده ای بود به

۳. امپراتور تای وو (۴۰۸-۴۵۲).

۴. هو hu: عنوانی که چینی ها به سغدیان یا پارسیان می دادند.

5. Liaodong

نام آن شی گائو که در زمان سلسله ی هان^۱ وارد لئویانگ^۲ به عنوان پسر همراه (شی زی)^۳ از پادشاهی اشکانی به دربار امپراتوری چین شد. در طول دوره ی «وی» (۲۲۰-۲۶۵) و در دوره جین^۴ (۲۶۵ و ۴۲۰ بعد از میلاد) فرزندان آن شی گائو از جمله آن تونگ برای دور ماندن از آشوب، به لیائو دونگ پناه بردند و در نهایت در آن جا ساکن شدند.^۵

واژه «شیزی» یعنی پسر همراه یا شاهزاده همراه است. در واقع پسری است که توسط شاهی بیگانه به دربار چین به عنوان یک مهاجر فرستاده می شد. منظور از پسر همراه یا شاهزاده همراه این بود که چنین افرادی همراهان در قصر یا نگهبانانی در کاخ امپراتوری به شمار می آمدند و اشخاص سرشناس و مهمی بودند. درباریان چین آن ها را در پایتخت سکونت می دادند و با آن ها با مهربانی و احترام رفتار می کردند. آن ها در عین حال تحت قوانین چین بودند.

یکی دیگر از نوادگان برجسته آن شی گائو، آن کو^۶ است. آن کو پدر آن تونگ است. او مقامی تحت فرمان موروک وی^۷ داشت. آن کو دوستی داشت به نام گونگ سان ژوآن^۸. گونگ سان ژوآن یک تاجر بود تحت سلسله یان^۹. سلسله ی یان به سلسله ی کین^{۱۰} ملحق شده بود و بسیار

1. Han Dynasty

2. LuoYang

۳. شی زی Shizi: ملازم، همراه

4. Jin Dynasty

۵. زندگی نامه آن تونگ در وی شو و بی شی

6. An Qu

7. Murong Wei (350-385)

8. Gon sun Juan

9. Yan Dynasty

10. Qin Dynasty

قدرتمند بودند. فعالیت این دو سلسله به عنوان سلسله‌ای واحد در تمام زمینه‌ها به‌ویژه در زمینه تجارت گسترش یافت و راه را به‌سوی آسیای مرکزی کشاند. گونگ‌سان از آن‌جایی که دوست آن‌کو بود لازم دید پسر دوستش را یعنی آن‌تونگ جوان را تحت آموزش تجاری خود قرار دهد و او را در طول فوجیان (حاکم ایالت کین قبلی) همراهی کند. آن‌تونگ در این زمینه و تحت آموزش کونگ‌سان‌ژوان رشد یافت و از آن‌جایی که امپراتور تای‌زو را محترم و قدرتمند می‌دانست باور داشت که امپراتور تای‌زو می‌تواند با شایستگی‌های ویژه‌ای که دارد جهان را نجات دهد و سرانجام آن‌تونگ برای خدمت به امپراتور در دولتش ماند. این مربوط به بخش تجاری در چین می‌شود که بعضی از نوادگان آن‌شی‌گائو به‌واسطه استعدادی که در این زمینه داشتند در آن شرکت فعال داشتند.

تای‌زو در این‌جا اشاره به امپراتور تئوباگوی^۱ (۳۷۰-۴۰۹) بنیان‌گذار دودمان شمالی دارد. جوان شانزده ساله‌یی که در سال ۱۲۸۶ ایالت «وی» را تأسیس کرد (معمولاً تاریخ دانان آن را وی شمالی می‌نامند) و کسی است که پایتختش را ابتدا در شنگل^۲ در مرکز مغولستان و بعد در سال (۳۹۸) در پینگ‌چنگ^۳ در شانگژی^۴ در شمال داتونگ^۵ فعلی قرار داد. آن‌تونگ، هم توانست جا پای خود را در ایالت جدید «وی» مستحکم کند و هم با گونگ‌سان‌ژوان در کار تجاری فعال باشد. آن‌کو (پدر آن‌تونگ) به یک خانواده بازرگان تعلق داشت. او از اولین نوادگان

به‌شمار می‌رفت که پژوهشگران توانستند به وجودش پی ببرند. این افراد که بخش کوچکی از نوادگان آن‌شی‌گائو بودند، به‌طور عموم در سلسله‌های متعدد و با امپراتورهای مختلف و در مقام‌های بسیار بالا در دولت‌های آن‌ها خدمت می‌کردند و مورد اعتماد بودند. پژوهشگران و محققان آن‌ها را در هر بخشی از جامعه دنبال می‌کردند و شناسایی می‌نمودند که خود گویای موجودیت بی‌چون‌وچرای آن‌ها در خاک چین، فعالیت تجاری و غیر تجاری آن‌ها و جایگاه حساس آن‌ها در دربار و خارج از قصر بوده است.

پیر فرزانه دست به‌سوی نور دراز کرد. دستانش از آبی زلال پر بود. کفی آب نوشید. آنگاه بار دیگر دستش را به‌سوی نور برد. کتابی در دست داشت. آن را گشود. ورقی چند زد و سپس گفت: بیا و نگاه کن! این کتاب از «یوانه‌شینگ‌زوان»^۱ است که می‌تواند اطلاعاتی هرچند کوتاه اما مفید و معتبر به ما بدهد.

یوانه‌شینگ‌زوان یعنی خلاصه نام‌های خانوادگی و تبارشناسی به سنت چینی در زمان یوانه در قرن هشتم که توسط لین‌بائو نوشته شد^۲. این یک اثر ارزشمند تبارشناسی از خاندان‌ها تا سال ۸۱۲ بعد از میلاد است. آثار و مدارک زیادی که برای مدت‌های مدید از بین رفته بود، در آن نقل شده‌اند. هم فهرست تبارشناسی شین‌تانگ‌شو^۳ و هم

1. Yuanhe Xing Zuan

۲. لین‌بائو Lin Bao مؤلف یوانه‌شینگ‌زوان که متجاوز از ۱۲۳۲ نام‌خانوادگی مهم را ثبت کرده است.

۳. شینگ‌تانگ‌شو Xin Tang Shu: تاریخ جدید تانگ در ده جلد و ۲۲۵ فصل با نام کتاب «تانگ» که فهرستی است از دودمان «هان».

1. TuobaGui

2. Shengel

3. Pingcheng

4. Shangxi

5. Datong

از این رو وی را به طور دقیق معاصر با آن‌شی گائو می‌شناسند. این به وضوح تعبیر و تفسیر چینی‌ها را از شاهزاده اشکانی بیان می‌کند و مهم اینکه این تفسیرها نه بر اساس نقل قول‌ها و روایت‌های بی‌پایه بلکه عین مستندات است که در گنجینه مکتبی چین ضبط و ثبت شده است. افزون بر این، یادداشت‌هایی نیز از کوه لو، معبدی در زیر آن کوه که «آن‌شی گائو» به مراقبه‌های طولانی می‌نشست، توسط چن‌شن‌یو تفسیر شده است.

لین‌بائو مؤلف و پژوهشگر تانگ بود که به دستور شیان‌زونگ^۱ بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از تبارشناسی چینی را تألیف و تدوین نمود. لین‌بائو همچنین مطالعاتی در زمینه شینگ تانگ شو (کتاب تانگ) داشته است. نام آن‌شی گائو و نوادگان او در این تبارشناسی گنجانده شده که لین‌بائو به خوبی آن را شرح داده است. کتاب در سال ۸۱۲ به اتمام رسید و ۱۲۳۲ نام‌های خانوادگی شهیر در آن ثبت گردیده است.

اصالت خانوادگی خاندان «آن»

مکان: گوزانگ^۲ و لیانگ ژو^۳

اصالت: ایرانی

خانواده «آن» منتسب به پادشاه کشور آن‌شی^۴ (اشکانی) است که شاهزاده‌ی این سلسله در طول حکومت «هان» به دربار چین فرستاده شده بود. این خانواده ایرانی در قلمرو لیانگ^۵ زندگی می‌کردند. از

1. Xian Zong
2. Gozang
3. Liangzhu
4. Anxi
5. Liang

شیزولوئه^۱ اثر تونگ ژو^۲ بر اساس و اطلاعات یوانه‌شینگ‌زوان است. پیر فرزانه اندکی آن را ورق زد و با شوری وصف ناپذیر گفت: حال ببینیم لین‌بائو درباره شجره‌نامه (اصل و نسب‌ها) چه می‌گوید. او درباره خانواده «آن» و به نقل از تفسیر فنگسوتونگ^۳ می‌گوید:

فنگسوتونگ شرح می‌دهد که آن-چنگ^۴ از نوادگان آن‌شی گائو در سلسله «هان» زندگی می‌کرد. لوشان‌جی^۵ می‌گوید: «آن‌گائو» فرزند پادشاه اشکانی بود که وارد دربار چین شد تا تحت مراقبت یعنی (روشی)^۶ باشد.

گرچه لین‌بائو خود مؤلف یوانه‌شینگ‌زوان است اما به راستی او می‌خواهد شرح فنگسوتونگ را تأکید در رابطه با نوادگان آن‌شی گائو به میان بکشد. فنگسوتونگ اثری است در ده فصل جامع که در حدود ۱۷۵ بعد از میلاد توسط ینگ‌شائو^۷ نوشته شده بود. ینگ‌شائو (۱۴۰-۲۰۶) نویسنده و مورخ چینی از دوره «هان شرقی» و مؤلف کتاب مشهور فنگسوتونگ است. ینگ‌شائو پست‌های اداری مهمی را در دولت «هان شرقی» داشت. او یک رابطه دیرین با شخص آن‌شی گائو داشت.

۱. شیزولوئه Shizulue: خلاصه‌ای از نام‌های خانوادگی و دودمان‌ها که تحت عنوان شیزولو ثبت و ضبط شده است.

2. Tongzhi

۳. فنگسوتونگ Fongsu Tong: معنی جامع از عادات و سنت‌ها در چین

4. An - Cheng

۵. لوشان‌جی Lushanji: یادداشت‌هایی از کوه لو اثر چن‌شن‌یو Chen Shen Yu که تفسیری درباره آن‌شی گائو دارد.

6. Ru-Shi

7. Ying Shao

آن نانتو^۱ قرن سوم تا پنجم گرفته تا نوهی او آن پانشالو^۲ در آنجا مستقر بودند. این خانواده برای چند نسل در لیانگ ژو زندگی می‌کردند و همچنین در سابائو (دفتر تجاری در چین که توسط نوادگان آن‌شی گائو اداره می‌شد) فعال بودند. نام برخی دیگر از فرزندان آن‌شی گائو در فهرست یوانه‌شینگ‌زوان نیز آمده است. ملاحظه می‌شود که خاندان «آن» بخش جدا نشدنی از ساختار اجتماعی و فرهنگی چین بودند و بخش مهمی از جامعه چین را تشکیل می‌دادند. آن‌ها حتی در اداره تجاری تحت عنوان «سابائو» فعال بودند. به همین دلیل در فهرست تبارشناسی به عنوان افراد شهیر از آن‌ها نام برده شده است.

در برهه‌ای از زمان آن‌شی گائو را «آن گائو» خطاب می‌کردند و این زمانی بود که در طول حکومت تانگ واژه «شی»^۳ ممنوع شده بود. اما برخلاف این ممنوعیت هویی یوان^۴ که لو شان جی یعنی (تاریخچه کوه لو) را نوشته است اشاره مستقیم به شخص آن‌شی گائو دارد. در یکی از بخش‌های این اثر چنین آمده که: «در زیر کوه لو^۵ یک معبد روح وجود دارد با نام گونگ تینگ میائو^۶ این «روح» همان مارکیز «آن»^۷ است».

کوه لو یا لو شان که در گذشته به کونگ لو شهرت داشت در بخش

1. An- Nantu

2. An- Pashaluo

3. Shi

4. Hui-Yuan

۵. کوه لو Mount Lu در بخش شمالی جیانگی در جنوب شرقی چین و یکی از ده کوه بلند در این کشور است.

6. Gong ting Miao

۷. مارکیز «آن» یا (اشراف‌زاده «آن» اشاره به شاهزاده پارسی آن‌شی گائو دارد).

شمالی ایالت جیانگ شی قرار دارد. کوه لویکی از ده کوه بلند مشهور در چین است. این کوه در دل طبیعت و در میان سبزه‌ها قرار دارد و چشمه‌ها، دریاچه‌ها و باغات زیادی در اطراف هست. یکی از پرستشگاه‌های بودایی در زیر همین کوه قرار دارد. گفته شده که آن‌شی گائو زمان‌هایی را در این معبد و به مراقبه‌های طولانی می‌پرداخت. اعضای سانگها^۱ او را می‌شناختند و وی را ارجمند خطاب می‌کردند. هویی یوان (۳۴۴-۴۱۶) یک آموزگار بودایی بود که معبد دونگلین^۲ را بر روی کوه لو (لوشان) در جیانگ‌شی بنا نهاد و متنی بر روی آن نوشت به این مضمون که: «چرا راهبان در برابر شاهان سر تعظیم فرود نمی‌آورند؟» هویی یوان را اولین پیشوای مدرسه بودایی دونگ لین^۳ بر کوه لوشان در استان جی‌انگ‌ژی^۴ می‌نامند. از آنجایی که آن‌شی گائو گهگاهی در این معبد به تفکر عبادت (مراقبه) می‌پرداخت روح الهام بخش او توسط هویی یوان احساس می‌شد. جالب اینکه هویی یوان به همان مطلبی درباره آن‌شی گائو اشاره کرد که لین‌بائو در سال ۸۱۲ در کتاب «یوانه‌شینگ‌زوان» به آن اشاره کرده بود.

این هماهنگی حساب شده ثابت می‌کند که آن‌شی گائو به عنوان مترجم متون بودایی در چین و ارائه و اشاعه آن به فرهنگ آن مرز و بوم نقش اساسی و محوری داشته و این مدرک موثق بودایی است که می‌توان به سایر مدارک و شواهد دیگر افزود و آن را سند دانست.

۱. سانگها (انجمن رهروان بودایی).

2. Donglin

3. Donglin

4. Jiangxi Province

کتاب لین بائو در قرن هیجده از دانشنامه یونگل دادیان^۱ بیرون آمد و متون موثق آن به هیچ وجه یک نقل قول نیست و لازم است ما آن را به عنوان یک اظهار رسمی توسط لین بائو در هویت راهب و مترجم آن‌شی گائو درک کنیم که این گونه آمده است:

با استناد از «لوشان جی»، (آن‌شی گائو) پسر پادشاه اشکانی بود که وارد دربار شده که در حضور یعنی (روشی) باشد.

این اطلاعات از جانب لین بائو بسیار ارزشمند است زیرا نشان می‌دهد که لین بائو از این حقیقت آگاه بود که آن‌شی گائو در شجره‌نامه، همان آن‌شی گائو در نوشته‌های بودایی است. اثر دیگری از تاریخ جدید تانگ به نام (شین تانگ‌شو) درباره آن‌شی گائو در شجره‌نامه چینی هست که سند و شواهد مربوط به شاهزاده ایرانی را کامل تر می‌کند.

اصل و نسب وزیر اعظم لی بائویو (قرن هفتم بعد از میلاد) در تاریخ‌نگاری چینی هست به این معنی که فهرست نام‌های خانوادگی بخصوص وزیر اعظم لی بائویو در تاریخ‌نگاری چینی ثبت شده است. لی بائویو از باارزش‌ترین افراد در میان نوادگان آن‌شی گائو است.

سوال این است که چرا نام خانوادگی اش «آن» از تبار آن‌شی گائو نیست و لقب «لی» را اختیار کرده است، لقبی که شبیه خانواده سلطنتی است. جواب این است که نام نخستین او آن چانگ ژانگ^۲ بوده که نامش

۱. یونگل دادیان Yongel Da Dian: دانشنامه چینی که توسط امپراتور یونگل از دودمان مینگ در سال ۱۴۰۳ دایر شد و در سال ۱۴۰۸ کامل گردید. این بزرگترین دانشنامه عمومی شناخته شده که به مدت شش قرن بود که موضوعات مختلفی را پوشش می‌داد از جمله: پزشکی، تاریخ، علوم طبیعی، مذهب، نجوم و غیره)

2. An – Chong zhang

به همین شکل در فهرست شجره‌نامه‌ها ثبت شده است. در بخش کتیبه‌ای که به طور مختصر به آن خواهیم پرداخت، منابع موثق‌تری می‌بینیم که ژانگ یوئه^۳ نویسنده سال (۶۶۷-۷۳۰) نام فرزندان آن ژونگ جینگ^۴ را به ترتیب زیر ارائه می‌دهد که نام آن چونگ ژانگ (لی بائویو) که همان وزیر اعظم باشد به چشم می‌خورد: آن ژونگ ژانگ^۵، آن ژونگ ژانگ^۶، آن جیزانگ^۷، آن جین ژانگ^۸، آن چونگ ژانگ (لی بائویو).

آن چونگ ژانگ آخرین پسر خانواده آن ژونگ جینگ بوده و نام او در ثبت اسناد چین ثبت شده است. تغییر نام آن چونگ ژانگ به لی بائویو به دو دلیل عمده بوده است: (۱) او احساس شرمساری و ننگ می‌کرد که نام خانوادگی مشابه با آن لوشان^۹ شورشی داشته باشد^{۱۰}. (۲) به دلیل شایستگی‌هایی که وی در طول عملیات نظامی در هژی^{۱۱} کسب کرد توانست مجوز تغییر نام خانوادگی را از امپراتور وقت کسب کند. در کل نام خانوادگی «لی» از خانواده سلطنتی تانگ بر روی تمامی فامیل «آن» اثر گذاشت. این تاثیر نه تنها بر نوادگان آینده بلکه برای اعضای نسل پیشین نیز سنگین بود. حتی آن ونچنگ^{۱۲} یعنی پدر بزرگ

1. Zhang Yue

2. A-Zhongjing

3. An – Zhong Zhang

4. An - Ruzhang

5. An- Jizang

6. An – Jin Zhang (Li Baoyu)

۷. آن- لوشان یک شورشی بربری بود که چین را به آشوب کشید و به واسطه تشابه نام «آن» به خاندان اصل «آن» در چین لطمه زد.

۸. در فصل‌های بعد به شرح آن لوشان شورشی خواهیم پرداخت.

9. Hexi

10. An Wencheng

لی بائویو نیز تغییر نام داد تحت عنوان لی ونچنگ.

لی بائویو نه تنها خودش را از شورشیان جدا کرد بلکه فعالیت‌هایی بر ضد شورشیان انجام داد که مورد تأیید و تشویق درباریان تانگ شد. کاخ سلطنتی تانگ چون افتخارات خود را به لی بائویو مدیون بود او را به سمت وزیر جنگ منصوب کرد. لی بائویو تنها فردی نبود که افتخارات ضد شورشی را از درباریان دریافت می‌کرد. او سنت خانوادگی را دنبال می‌کرد. پدر جد وی آن‌شین گویی و برادر کوچکترش آن‌شیورن با شکست دادن شورشی به نام لی گویی^۱ در گانسو^۲ افتخارات عظیمی کسب کردند. هم آن‌شین گویی و هم آن‌شیورن^۳ در بین مقامات عالی رتبه و ممتاز چین قرار داشتند.

چون لی بائویو در سلسله تانگ وزیر جنگ بود از این‌رو فرد بسیار مهمی به شمار می‌آمد. نویسندگان شین تانگ شو فهرست شجره‌نامه این خانواده پارسی را برای ما فراهم کردند. این شجره‌نامه از آن‌شین گویی یعنی پدر لی بائویو شروع می‌شود و در پیشگفتار خانواده از همان نویسندگان خلاصه می‌شود. در آن‌جا می‌خوانیم که: «خانواده «لی» از ناحیه «وو وی» اصالتاً خانواده «آن» بودند و بعدها پیشوند «آن» به «لی» تغییر کرد.»

در طول حکومت «وی»^۴ (۳۸۶ - ۵۵۶) فردی بود با نام آن‌نانتو^۵. نوهی او یعنی آن‌پولو^۶ در وو وی زندگی می‌کرد و سمت سائبانو را داشت

1. Li Gui

2. Gansu

3. An - Xiuren

4. Wei

5. An - Nan tuo

6. An Poluo

و همراه با دیگران این دفتر تجاری را اداره می‌کردند. او یعنی آن‌نانتو پدر آن‌شینگویی^۱ و آن‌شیورن^۲ بود. سپس نوبت به بائویو می‌رسد که به وی نام خانوادگی «لی» داده شد. با توجه به رویدادهای مختلف به نظر می‌آید که اکثر نام‌هایی که بعدها پیشوند «لی» گرفتند از خاندان «آن» بودند ولی سنت‌های و اصالت خاندانی را حفظ و رعایت می‌کردند.

شرح شجره‌نامه مربوط به آن‌شی گائو و نوادگان او هم در شین تانگ شو آمده و هم در یوآنه شینگ‌زوان که خود گواه محکم و موثق در باب ادعاهای ما بر حضور غیر قابل تردید آن‌شی گائو در خاک چین و نوادگان وی در پهنه فرهنگی-سیاسی و تجاری آن مرز و بوم است.

پژوهشگران کنجکاو در این زمینه بر این باورند که شرح موجود در شین تانگ شو (کتاب جدید تانگ) بسیار دقیق‌تر از یوآنه شینگ‌زوان (خلاصه‌ی نام‌های خانوادگی) است. دلیل آن این است که مؤلفان شین تانگ شو، حلقه‌های گمشده را براساس آثار پیشین و بررسی‌های جدیدشان کامل کرده و با شرح بیشتری ارائه کرده‌اند. به همین منظور اطلاعات موثق‌تر و کامل‌تر است. در آن متن، نام آن‌شی گائو به شکل کامل تلفظ و خوانده می‌شود و مانند اثر و متن لین بائو نیست که آن‌شی گائو را به آن گائو^۲ خلاصه کرد، گرچه شرح لین بائو از آن‌شی گائو نیز با حقیقت همخوانی دارد. در حقیقت چون مؤلفان شین تانگ شو بعد از سقوط تانگ زندگی می‌کردند لازم نبود که واژه یا کاراکتر «شی» برایشان ممنوعیت داشته باشد، اما لین بائو که در طول حکومت تانگ زندگی می‌کرد مجبور بود این ممنوعیت را رعایت کند، او مجبور بود

1. An - Xinggui

2. An - Xiuren

3. An - Gao

نام آن‌شی گائو را به «آن گائو» عوض کند.

پژوهشگرانی که در این زمینه با ژرف‌بینی کندوکاو کرده‌اند همگی هم‌دل‌اند که با توجه به اینکه نام آن‌شی گائو در این بخش مهم و در چنین منبع اساسی یعنی تانگ‌شو و سایر منابع به آشکار آورده شده است چه دلیلی دارد که مورخین بودایی (به‌طور خاص) و مورخین عمومی (به‌طور عام) از آن نام نبرده‌اند و مورد بررسی قرار نداده‌اند و آیا این خود تا اندازه‌ای سوال برانگیز نیست؟ یا شاید دیدگاه تاریخی لازم برای بررسی آن نداشته‌اند. و باز جای شگفتی است که آن‌هایی که می‌دانستند و می‌توانستند حقایق تاریخی را تفسیر و ثبت کنند همگی مانع شناخت حرکت تاریخی آن‌شی گائو به‌عنوان اولین مترجم بودایی در چین شده‌اند. از طرف دیگر شجره‌نامه‌هایی که آن‌شی گائو و نوادگان وی را مورد توجه قرار داده‌اند، دیدگاه تاریخی برای بررسی آن قائل نشده‌اند و این اهمیت تاریخی را دانسته یا ندانسته مخفی نگاه داشته‌اند و چنانچه شواهد معتبر از سوی پژوهشگران نکته بین این موجودیت را فاش نمی‌ساختند، این حقیقت از آنچه که هم‌اکنون به آن آگاهی پیدا کرده‌ایم بر زیر تودهای از خاک مدفون شده بود.

باید گفت که یک سرنوشت آسفناک عجیب بر ضد آن‌شی گائو و در نتیجه خاندان او عمل کرده است که از شناخت وی و نوادگان او توسط سایر نویسندگان، مورخین (عمومی و بودایی) مؤلفین دانشنامه‌ها جلوگیری شده و این تمام موضوع نیست. همه ما با ابزارهای تحقیقاتی غیر قابل اجتناب آشنایی داریم. این ابزارهای فرهنگی یعنی (نمایه‌هایی به فهرست تبارشناسی از خانواده‌های وزرای اصلی) که در شین تانگ‌شو^۱

آمده، توسط مؤسسه هاروارد-یینگ^۱ در سال ۱۹۳۴ منتشر شده است. اما بسیار شگفتی‌آور است که نام آن‌شی گائو در آن‌جا ظاهر نشده است. عجیب‌تر از این‌ها این حقیقت است که این نام حتی در نمایه (فهرست) با ارزش نام‌های افراد در دو تاریخ تانگ (تألیف ژانگ وانکی^۲) که در سال ۱۹۸۶ منتشر شده نیز نیامده است.

حال ببینیم دنگ‌مینگ‌شی^۳ درباره «آن‌شی گائو» چه می‌گوید: دنگ‌مینگ‌شی کتابی دارد با ارزش که در آن نام‌ها و شخصیت‌ها ذکر شده و به نام آن‌شی گائو نیز اشاره شده است^۴. در کتابش تحت عنوان (شرحی در باب کتاب‌های نام‌خانوادگی در گذشته و حال) که در سال ۱۱۳۴ به امپراتور ارائه شد، دنگ‌مینگ‌شی در ارتباط با نام‌خانوادگی «آن» شرح کاملی داده که در شین تانگ‌شو (تاریخ جدید تانگ در ده جلد و ۲۲۵ فصل) آمده است. با چنین داده‌ای، دنگ‌مینگ‌شی احتمالاً از شین تانگ‌شو الهام گرفته باشد یا اینکه از یک منبع قدیمی‌تر نسخه‌برداری کرده باشد، در هر صورت منابع معتبری هستند و این کار از ارزش‌های او کم نمی‌کند. منبع دیگری که به آن اشاره مختصری می‌کنیم خلاصه‌ای از نام‌های خانوادگی و اصل و نسب‌ها تحت عنوان شیزولو^۵ است که در تونگ‌ژی^۶ یعنی (توصیف گسترده سنت‌ها و نهادها) آمده

1. Harvard - Yenching

2. Zhang Wanqi

3. Deng Ming Shi

۴. دنگ‌مینگ‌شی: نویسنده کتاب شرحی از نام‌ها، شخصیت‌ها و نام‌های چینی که در چهل فصل به زبان چینی نوشته شده و هم‌اکنون در کتابخانه ملی استرالیا موجود است. این کتاب در دسترس همگان نیست. آنتونیو فورته در کتابش «خانواده ایرانی در چین» به شرح آن پرداخته است.

۵. شیزو لوه shizulue: (تاریخ طایفه‌ها و خانواده‌ها)

۶. تونگ‌ژی Tong Zhi (خلاصه‌ای از نام‌های خانوادگی) که توسط مورخ کبیر ژنگ کیائو از سلسله سونگ جنوبی (۴۲۰ - ۴۷۹) نوشته شد.

1. Xin Tang Xai Xiang ShixibiaoYinde

است. در تونگ ژی، به حضور پسر پادشاه اشکانی در قصر تأکید دارد و اینکه او به یک مرد «هان» تبدیل شد و خانواده او در لیانگ ژو بودند.^۱ اصطلاح مرد «هان» یعنی اینکه شاهزاده اشکانی خود را با دربار دودمان «هان» هماهنگ کرد و کاملاً پذیرفته و تایید شد.

منابع دیگری هم هست که ما فقط به نام آن‌ها بسنده می‌کنیم و توضیحات کامل را می‌توان از طریق آثار ارزنده گذشته و حال یافت. شینگ پو^۲ یا ثبت و ضبط نام‌های خانوادگی که هوسانگ شینگ^۳ (۱۲۳۰-۱۳۰۲) آن را به‌خوبی تفسیر نمود. هوسانگ شینگ همچنین تفسیری مستقل بر زی‌ژی‌تونگ‌جیان یعنی (مراجعات علمی و ادبی به تاریخ‌نگاری چینی) دارد. در شینگ‌پو نیز به شکلی دیگر از حضور پسر پادشاه اشکانی در قصر نام می‌برد که زادگانی داشته است. و همچنین شینگ شی جیجیو بیان^۴ یا (دانشنامه و فرهنگ لغات چینی که نام‌های خانوادگی نیز در آن‌ها ثبت شده است). این اثر توسط وانگ یینگ لین^۵ فیلسوف، واژه‌شناس و ناشر چینی در زمان سونگ جنوبی و از فاضلان کنفوسیوس سنتی تألیف شده است. اثر او درباره شجره‌نامه نوادگان آن‌شی‌گائو است.

در مورد دیگر، نوادگانی که در شجره‌نامه موثق به دست آمده نام

آن‌جین‌زانگ^۱ نیز خودنمایی می‌کند. در اثری تحت عنوان شینگ جیه^۲ (توضیح نام‌های خانوادگی) دو نام به چشم می‌خورد که نمونه‌های بارزی از نوادگان آن‌شی‌گائو است. یکی آن‌چنگ^۳ و دیگری آن‌جین‌زانگ است. این دو شخصیت در این اثر، تنها مثال‌های موجود از افرادی هستند که نام خانوادگی «آن» را دارند. با این حال به‌نظر می‌رسد که جد آن‌جین‌زانگ عضو خانواده آن‌شی‌گائو است. آن‌جین‌زانگ به‌خاطر وفاداری زیادش به دربار مشهور بود که در دو تاریخ‌تانگ داشت. یک مورد خاص از وفاداریش را با مثالی از هاراکیری^۴ را بیان می‌کند. در سال ۶۹۳ بعد از میلاد او در مخالفت با این تردید که یکی از پسرهای ملکه (امپراتریس) و^۵ در نقشه‌ای برای طغیان علیه مادرش حضور داشته است، آن‌جین‌زانگ شکم‌اش را پاره کرد. پس از آن امپراتریس و فهمید که پسرش بیگناه بود. امپراتریس از حرکت شجاعانه و وفادارانه آن‌جین‌زانگ بسیار متاثر شد به‌طوری که پزشک شخصی‌اش را برای درمان او فرستاد. پسر آن‌جین‌زانگ با نام آن‌چنگ‌آن^۶ و نواده دور او،

1. An- Jin Zang

2. Xing Jie

3. An - Cheng

۴. هاراکیری Harakiri به ژاپنی seppuku نوعی خودکشی شرافتمندانه است که ظاهراً به سامورائی‌های ژاپن نسبت می‌دهند. اما حقیقت این است که آنتونینو فورته محقق و نویسنده ایتالیایی بر اساس شواهد ادبی و کتبی‌هایی در چین این حقیقت را فاش می‌سازد که این نوع خودکشی از چین به ژاپن رفت و تا آن‌جایی که مشخص شده اولین شخصی که دست به این کار زد آن‌جین‌زانگ از نوادگان آن‌شی‌گائو بود. کتاب «خانواده ایرانی در چین»، آنتونینو فورته صفحه ۳۴.

5. Empress Wu

6. An- Cheng»an

۱. مرد «هان» منظور شاهزاده پارسی است که در دوره دودمان «هان» (۲۰۶ قبل از میلاد ۲۲۰ بعد از میلاد) تثبیت شد.

2. Xing Pu

۳. هوسانگ شینگ Hu Sang Xing: مفسر و مورخ چینی که در اواخر سلسله سونگ و اوایل سلسله یوان می‌زیست و تفسیرهایی بر ثبت و ضبط نام‌های خانوادگی داشت.

4. Xing shi ji jiu pian

5. Wang Yinglin

آن‌جینگ‌زه^۱ مورد احترام خاندان ژونگه^۲ قرار گرفتند و نشان افتخار دریافت کردند. تا مدتی سند و شواهدی نبود که اصل و نسب آن جین‌زانگ را مشخص کند و هنوز تردیدهایی وجود داشت تا اینکه یک کشف مهم باستان‌شناسی در اواخر آوریل ۱۹۸۱ این تردیدها را تبدیل به یقین کرد. آرامگاهی که آن‌جین‌زانگ برای والدین خود در لونگمن^۳ جنوب لئویانگ ساخته بود توسط باستان‌شناسان پیدا شد. جالب اینکه لوح تدفین با این عنوان حک شده بود: «سنگ‌نبشته دوره تانگ متعلق به جناب «آن» است. ژنرالی که در نقاط دور زندگی می‌کرد با پدری به نام آن‌پو^۴ (۶۰۱-۶۶۴) و مادرش^۵ (۶۶۲-۷۰۴) که به خانواده‌ی هی^۶ تعلق داشته‌اند.»

از اسناد تاریخی دیگر در رابطه با خاندان «آن» فرهنگ لغات منظوم برای مطالعه آواشناسی و همچنین اطلاعاتی در مورد نام‌های خانوادگی است که بسیار ارزشمند به نظر می‌رسند. فرهنگ لغات هم قافیه‌یک نوع دایره‌المعارف کهن چینی است که اصوات و قافیه‌ها را مرتب می‌کند. در آغاز سده‌ی هیجده، پنج فرهنگ لغات منظوم که اولین مجموعه اشعار تالیف شده توسط لوجینگ^۷ از سلسله جین^۸ است ارائه شده است. در این فرهنگ‌های منظوم واژه «آن» به عنوان پیشوند وارد

1. An- Jingze

2. Zhonghe

3. Longmen

4. An- Pu

6. He

7. Lu Jing

8. Jin Dynasty

۵. نام مادر مشخص نیست.

شده که نشان‌دهنده تبار خاندان با پیشوند و واژه «آن» که در زمان خاص خود قابل شناسایی بود و به آن نام می‌شناختند^۱.

این‌ها بخش بسیار ناچیزی از شواهد ادبی است که دلایل ما را موجه می‌کند. این شواهد به صورت کتاب، شواهد ادبی، کتیبه‌ای، تفسیر نویسندگان و محققان است. آنچه مد نظر است تاکید بر واقعیاتی است که به عنوان سند تاریخی و موجودیت تاریخ بیان و ثبت شود. با توجه به تحریف تاریخ و یا به زیان عامیانه پنهان کردن واقعیات توسط بعضی مورخان و نویسندگان، ما برای روشن تر کردن قضایا، نیاز به منابع معتبر گوناگون داریم که این نیاز توسط فضلا و دانشمندان به درستی برآورده شده است^۲. ما در صدد آنیم که با تصویرسازی چهره‌های واقعی، تصاویر خود ساخته و بی‌پایه و بی‌اساس را مخدوش کنیم و آنچه را که بود و هست نمایان سازیم. در بسیاری از موارد تاریخ وقایع را آن‌طور که می‌بایست باشد ارائه نداده و این ماییم که باید مسائل را براساس مستندات بعضی از مورخین در معرض نور قرار دهیم.

شواهد ادبی گویای آن است که در حداقل آگاهی‌مان چیزی بوده نه اینکه هیچ نبوده و اگر بوده چگونه و بر اساس چه ضابطه‌هایی بوده است. می‌توان بعضی از رویدادها را نادیده گرفت اما غیر ممکن است که پرده قطور جهل و تعصب را برای همیشه بر توده‌ای از حقیقت کشانید. بنابراین، لازم است این شواهد را نه تنها عنوان کرد بلکه با آب و تاب تفسیر نمود. یک شخص متعهد و نه متعصب باید به واقعیات تاریخ نگاه کند و آن را همان‌گونه که هست بازتاب دهد. بویژه اینکه در چارچوب

۱. شرح کامل منابع و شواهد ادبی درباره آن‌شی‌گائو در کتاب آنتینو فورته «خانواده ایرانی در چین»، فصل اول - شواهد ادبی.

۲. فهرست کامل این منابع در پیوست کتاب آمده است.

فرهنگ و تمدنی باشد که همگان تشنه آموختن آن هستند. یک جرقه می‌تواند انفجار تولید کند و جرقه‌یی نور می‌تواند بخش وسیعی را روشن کند. و همان‌طور که نویسنده و پژوهشگر کنجکا و آنتونینو فورته گفته: اگر این‌گونه حقیقت تاریخی (مربوط به آن‌شی گائو) بر مردم روشن می‌شد تحول عظیمی در تاریخ به‌وجود می‌آمد.

کلمات همچنان در آسمان بود و دیگر نشانی از پیر فرزانه نبود. کلمات از کدام دهانی برمی‌خاست؟ پیر کجا شده بود. من کجا بودم؟ همه چونان الفبای پریشان یک قطعه پیاپی در هم باریدند. برخاستم و سیصد و شصت دانه مروارید از خاک برگرفتم که بر هر کدام رازی نوشته بود: شواهد ادبی نگاه‌دارنده‌ی سخنان یا نوشتارهایی است که از حد اطلاعات عادی و صحبت‌های دهان به‌دهان فراتر می‌رود.

من در سکوت ایستاده بودم. بر آرامگاهی که جین‌زانگ برافراشته بود. من به احترام در سکوت ایستاده بودم. سپس آهسته‌آهسته از آرامگاه دور شدم. هزار و یک راه در برابرم بود. راه‌هایی از سنگ. سنگ‌هایی از کلمه. کلمه‌هایی از نور. دست‌ان را آرام آرام پیش بردم و بر تن سنگ کشیدم. کلمه‌ها در دست‌انم بود و نمی‌توانستم که بخوانم. سنگ‌ها و کلمه‌ها مرا رها نمی‌کردند. سنگ‌ها و کلمه‌ها در جان من بودند. سنگ‌ها سخن می‌گفتند. سنگ‌نیشته‌ها مرا می‌خواندند. سنگ‌نوشته‌ها، کتابخانه‌هایی بودند در باد. سنگ‌نیشته‌ها، تاریخی بودند که در باد سخن می‌گفت. دست بر سنگ کشیدم تا نور کلمه بر من بتابد.

منابع سنگ‌نیشته‌ای

اولین سنگ‌نیشته مربوط به آن‌یوانشو فرزند آن‌ژینگوئی است که درباره او سخن گفتیم. این کتیبه با ارزش بعد از کشف شدن توسط گواژنگی

نوشته شد.^۱ گواژنگی شخصیت بلند بالایی در دوره سلسله تانگ و در زمان مامداری امپراتور گائوزونگ^۲ بود. او عنوان صدر اعظم را در زمان امپراتور داشت و در عین حال سرپرست دفتر بایگانی در دربار بود و چون مقام شاخصی در حکومت داشت رویدادهای مهم تاریخی که مورد توجه‌اش بود به عین می‌کرد به‌ویژه به سنگ‌نیشته‌های مهم توجه خاص داشت. کتیبه‌ی آن‌یوانشو از دستاوردهای او است.

جای شگفتی است که آن‌یوانشو مورد توجه مورخان قرار نگرفت و خودشان را درباره او به فراموشی زدند اما آن‌یوانشو با افتخار در منطقه ژائولینگ^۳ و درست در مجاور مقبره لی‌شی‌مین یا تای‌زونگ^۴ (۵۹۹-۶۴۹) بعد از میلاد به خاک سپرده شد. به لطف باستانشناسی اخیر، آن‌یوانشو شناسایی شد و جایگاه مهمتری در تاریخ چین پیدا کرد و او نمونه دیگری از خانواده پارسی است که وجودش و خدماتش تأیید شده است.

کتیبه دوم مربوط می‌شود به آن‌ژونگ‌جینگ^۵ نوه‌ی آن‌ژینگوئی و پدر لی‌بائوئیو. کتیبه دوم شامل مجموعه‌ای از آثار سیاستمدار و دانشمند معروف ژانگ‌یوئه^۶ (۶۶۷-۷۳۰) است و همچنین دو مجموعه معتبر

۱. گواژنگی، صدر اعظم، نویسنده، شاعر، باستانشناس چینی در دودمان تانگ

2. Gao Zong

۳. مقبره ژائولینگ Zhaoling، مقبره‌ای بزرگ است که ساخت آن در سال ۱۶۴۳ آغاز شد و مدت هشت سال به طول کشید. امپراتور تایشونگ (لی‌شی‌مین) در این مقبره دفن شد.

۴. امپراتور تای‌زونگ Tai Zong: از سلسله تانگ، نام شخصی او لی‌شی‌مین، امپراتور دوم سلسله تانگ در چین که از سال ۶۲۶ تا ۶۴۹ فرمانروایی می‌کرد.

5. An zhongjing

6. Zhang Yue

یکی از و ن یوآن‌ها^۱ در قرن دهم و دیگری مجموعه‌ای شامل آثار سلسله تانگ که توسط کوآن‌تانگ^۲ تالیف شد. این کتیبه جایگاه آن ژونگ‌جینگ را به خوبی مشخص می‌کند. هر دو کتیبه نامبرده دارای اطلاعات شجره‌نامه‌ای ارزشمندی هستند که تاکنون در دیگر منابع در مورد نوادگان دیده نشده است. متن ژانگ‌یوئه برای تاریخ خانواده «آن» مورد تأکید است و جا دارد که بیشتر روی آن تمرکز شود. این تأکید و تمرکز به دو دلیل است: یکی اینکه این شواهد و اسناد زودتر از آثار لین‌باؤ ارائه شده، گرچه آثار لین‌باؤ نیز بر مدار این محور می‌چرخد، دوم اینکه شواهد سنگ‌نبشته‌ای یاد شده تنها منابعی است که حلقه‌های گمشده یک زنجیر را در اصل و نسب بین آن‌تونگ و آن‌یوان و اعضای بعدی خانواده «آن» را تا سلسله تانگ به هم وصل می‌کند. کتیبه سوم مربوط به آن‌لینگ‌جیه^۳ می‌شود. سنگ‌نبشته او توسط یک نویسنده ناشناخته نوشته شده است که به شعبه دیگری از خاندان بزرگ «آن» مربوط می‌شود. گرچه نیاکان این سه شخصیت نامبرده، آن‌تونگ و آن‌یوان بودند اما بعضی از شاخه‌های خانواده در پایتخت وی شمالی در دوره تانگ بودند. این نشان‌دهنده این بزرگ بودن خاندان «آن» است و بسیاری از شاخه‌های آن خاندان به دلایلی مبهم ناشناخته ماندند. بار دیگر پیر فرزانه پدیدار شد. با شلال گیسوان سپیدش در باد و مشعلی فروزان در دست. برابر سنگ‌نبشته‌ای ایستاد و بانگ زد: اینک بخوان ای راهب پارسی که بر این سنگ‌ها چه نوشته است. سنگ‌ها دروغ نمی‌گویند. سنگ‌ها نگهبان تاریخ‌اند. سنگ‌ها سخن

به راستی سر می‌کنند. و من خواندم: لوح سنگی آن‌یوانشو^۴ (۶۰۷-۶۸۳) پیر فرزانه گفت: بلی! آرامگاهی به طور تصادفی در روستای شینزای^۵ در بخش لیکوآن^۶ و در طی ساخت و ساز جاده‌ای عمومی کشف شد. این آرامگاه در دسامبر ۱۹۷۲ و ژانویه ۱۹۷۳ مورد کاوش باستان‌شناسان قرار گرفت. طبق نظر باستان‌شناسان اندازه این آرامگاه بیش از شصت متر طول داشت و در طول آن نقاشی‌های دیواری و مقدار زیادی از اشیاء مورد استفاده در مراسم تشییع‌جنازه به طور سنتی بود که روی هم‌رفته صد شیئی کشف شد. مهمتر از تمام این‌ها دو کتیبه سنگی بود که در انتهای راهرو قرار داشت که به اطاق حاوی تابوت‌ها ختم می‌شد. سنگ‌نبشته‌ها نشان دادند که مقبره متعلق به آن‌یوان و همسرش دلیونیانگ^۷ است. کتیبه‌ای که نام آن‌یوان شو در آن برجسته بود دارای این عنوان حک شده بود: «کتیبه تانگ بزرگ با مقدمه‌ای نوشته شده بر روی سنگ قبر مرحوم نجیب‌زاده «آن»، ژنرال گارد، ستون و محور عالی کشور»^۸.

این متن کتیبه‌ای توسط گوآ ژنگی^۹ (وفات ۶۸۹)^{۱۰} نگارش شد. تأکید «عالیجناب آن» اشاره به آن‌یوان دارد که به عنوان ژنرال گارد در خدمت امپراتور بود. آن‌یوانشو در ۶۰۷ بعد از میلاد متولد شد. محل

1. An Yuan. Shou

2. Xin Zhai

3. Liqun

4. Diliuniang

۵. این مقبره به خط چینی حکاکی شده که برگردان آن به چینی - انگلیسی اش چنین است.
Da Tang gu You WeiweijiangunShangZhuguo An Fujunmuzhimingbingxu

6. Guo Zhengyi

7. Guo Zhengyi

1. Wen yuan Yinhou

2. Quan Tang Wen

3. An Lingjie

اقامت خصوصی او لئویانگ بود. او در سن هفتاد سالگی درگذشت و وی به عنوان مردی از گوزانگ در لیانگژو توصیف شده است. نام پدر او آنژینگوئی است. بنابراین او همان آنژینگوئی است که به عنوان نسل آن‌شی گائو در یوانه‌شینگ‌زوان ذکر شده و در فهرست شجره‌نامه شین تانگ‌شو نیز آورده شده است.

آن‌یوانشو کار خود را در سن پایین یعنی در سن پانزده سالگی آغاز نمود. وی وارد دستگاه حکومتی شاهزاده‌ی کین^۱ (یعنی همان تایسونگ‌لی‌شی‌مین) شد. او نقش بزرگی را به قدرت رسیدن لی‌شی‌مین به مقام امپراتوری ایفا کرد و مورد تقدیر و احترام امپراتور قرار گرفت. او موفقیت‌های چشمگیری در طول حکومت تایسونگ و گائوزونگ^۲ داشت. خدمات او به پدر و پسر به حدی بود که در گورستان ژائولینگ نزدیک مزار امپراتور لی‌شی‌مین به خاک سپرده شد. در زمامداری تایسونگ به‌طور خاص، شخص پرنفوذ و قابل احترامی بود.

پیر فرزانه در من نگریست. من بودم و پیر بود و سنگ‌هایی که سخن می‌گفتند. سنگ‌هایی از جنس کلمه. سنگ‌هایی با هزار زبان. پیر گفت: حال سنگ‌نیشته یکی دیگر از اولاد آن‌شی گائو را به گواه کاوشگران مورد بررسی قرار می‌دهیم و آن کتیبه مربوط به آنژونگ‌جینگ است. و من خواندم: ستون سنگی یادبود آنژونگ‌جینگ^۳ (۶۶۱-۷۲۶). پیر گفت: آنژونگ‌جینگ پدر لی‌بائویوی (صدر اعظم) است. متن کتیبه‌یی

کفن و دفن او توسط وزیر بزرگ و فاضل شهر، «ژانگ‌یوئه»^۱ دست‌نویس شد. متنی که از این سنگ‌نیشته استخراج شد با مقدمه‌ای از پیشوند آن و مقدمه‌ای با عنوان عالیجناب «آن» که در آن زمان معاون ارشد کمیسر نظامی هژی^۲ بود آغاز شد. از کتیبه چنین استنباط می‌شود که آنژونگ‌جینگ اهل وووی بود و درحالی‌که به خدمت مشغول بود در بیست و چهار دسامبر ۷۲۶ بعد از میلاد در سن شصت و شش سالگی در روستای ژینگونگ^۳ در جنوب ووچنگ^۴ به خاک سپرده شد.

گرچه گفته شده که آنژونگ مانند سایر خاندان شهیر خاندان «آن» از چنان شهرتی برخوردار نبوده اما به نام و شخصیت او دقیقاً در دو تاریخ سلسله تانگ اشاره شده است که در فهرست شجره‌نامه تانگ‌شو دیده می‌شود چرا که او فرزند لی‌بائویوی نامدار بود. آنژونگ‌جینگ عضو یک خانواده برجسته بود که شایستگی‌های متفاوتی را در پایه و اساس سلسله تانگ به دست آورد. دو نفر از این خانواده در میان مقامات عالی‌رتبه قرار گرفته بودند. این دو نفر یکی پدر بزرگ آنژونگ‌جینگ بود و دیگری برادر جوانترش به نام آن‌شیورن. ژانگ‌یوئه به احتمال قوی باید آنژونگ‌جینگ را به‌عنوان یک همکار و متحد خود در پیش‌برد اهداف سیاسی‌اش در دوره امپراتریس وو (۶۹۰-۷۰۵) در نظر گرفته باشد.

آنژونگ‌جینگ نیز با این همه موقعیت و حضور همه‌جانبه‌اش در

۱. ژانگ‌یوئه Zhang Yue (۶۶۳-۷۳۰): نام ادیبانه او دائوجی Daoji یا یوئه‌ژی Yue Zhi مقامی قدرتمند و رسمی در سلسله تانگ و در زمان امپراتریس وو زتیان Wu Zetian بود.

2. Hexi

3. Zhigong

4. Wucheng

1. Prince of Qin

۲. امپراتور گائوزونگ Gao Zong با نام شخصی لی‌ژی Lizhi و فرزند امپراتور تایسونگ است. او سومین امپراتور سلسله تانگ بود.

3. An-Zhongjing

ساختار چین، مورد توجه و اشاره مورخان قرار نگرفت و شاید این امر و دیگر موارد از روی غفلت توسط مورخان صورت گرفته باشد که این از قضاوت تاریخی به دور است. بر اساس متن کتیبه‌ای ژانگ یوئه و همچنین براساس شواهد دیگر نباید فراموش کرد که ضمن اشارات یا منابع سنژونگمیان و تأکید وی، نام آن ژونگ‌جینگ در کتیبه‌ای از صومعه بودایی دایون^۱ به چشم می‌خورد یعنی بین بیست و چهار ژانویه سال ۷۱۱، و یازده فوریه سال ۷۱۲. این سنگ‌نبشته در ستون سنگی پیدا شده تحت عنوان: «لیانگژو وی دایون سی گوجا گونگ ده‌بی»^۲ و نویسنده‌اش لیوشیو^۳ بوده و عنوان این سنگ‌نبشته توسط شیائوژان خوشنویسی شده و بعضی از خوشنویسی‌ها به عنوان میراث فرهنگی در معابد چین دیده می‌شوند. آن ژونگ‌جینگ در سال ۷۲۶ درگذشت. آنچه مهم است متن کتیبه‌ای است که در شروع این سنگ‌نبشته نوشته شده که ژانگ یوئه به آن شی گائو اشاره دارد. سرآغاز کتیبه این گونه است:

نام تابویی^۴ آن عالیجناب ژونگ‌جینگ بود. سبک او چنین و چنان بود و اهل وو وی بود. زادگان امپراتور

(یعنی هوآنگ‌دی امپراتور زرد)^۱ رفتند که در روشویی^۲ زندگی کنند. پسر پادشاه آن‌شی (اشکانیان) باتوجه به این کشور نام‌خانوادگی خود را (به نام کشورش) اتخاذ نمود. در زمان «هان»، شی گائو نقل مکان کرده بود و [خانواده] از هنان^۳ به لیائودونگ رفتند. در طول دوره‌ی «وی» گائویانگ صاحب ملک شد و از خانواده اینشان^۴ سلسله‌ی خود را در لیانگتو تأسیس نمود.^۵

اطلاعات ارائه شده در سنگ‌نبشته آن ژونگ‌جینگ که می‌گوید امپراتور زرد به روشویی نقل مکان کردند و در آن‌جا ساکن شدند دقیقاً با اطلاعات داده شده در شین‌تانگ‌شو^۶ (کتاب جدید تانگ) همخوانی دارد و ارتباط آن‌ها را با خاندان «آن» را نشان می‌دهد. نوادگان امپراتور زرد در منطقه غرب، طبق آنچه شین‌تانگ‌شو می‌گوید مستقر شده بودند. این روایت چینی منتسب به افراد خارجی به نام آن‌شی (معمولاً همان اشکانیان) گرفته شده که ایرانی‌های اشکانی یعنی طایفه «آن»‌ها، ساکن در چین بودند و این خاندان سعی می‌کردند به‌طوریک پارچه و با یک اصالت در جامعه چین پراکنده شوند و خدمات متفاوت خودشان را ارائه دهند. این مهم است که در این‌جا تأکید شود که این روایت از

۱. معبد دایون Dayun: در شهر شانگلو قرار دارد. اولین معبدی است که در سلسله تانگ در ۶۹۰ بعد از میلاد وجود داشت و ملکه وو زیتیان اولین امپراتریس جامعه فتودالی چین بود. ملکه توجه ویژه‌ای به معبد دایون داشت. در کتیبه یافت شده در این معبد نام یک پارسی به نام آن ژونگ‌جینگ به چشم می‌خورد. شرح کامل این معبد در کتابی از: «روث - دلیو - دونل Ruth, W. Dannel» تحت عنوان: «The Great State of White and High» آمده است.

۲. Liangzhou Wei Dayun Si guchagongde - bei) این عبارت به واژه چینی حکاکی شده است.

3. Liu Xiu

۴. نام تابویی یا نام نهی شده: در برهه‌های از زمان پیشوند «آن» ممنوع بود و در دوره‌های دیگر پیشوند «لی» جایگزین «آن» شد.

۱. امپراتور زرد یا هوآنگ‌دی فرمانروای اسطوره‌های و قهرمان ملی چین است.

۲. روشویی Rushui نام یک رودخانه است که از گانسو سرچشمه می‌گیرد و سپس از استان نینگ‌شیا Ningxia در شمال غربی وووی عبور می‌کند. نام امپراتور زرد الهام گرفته از این رودخانه است.

3. Henan

4. Yinshan

5. Zhang Yan-gong ji 16.5a3-5 (p.102)

۶. شین‌تانگ‌شو Xin Tang Shu: تاریخ جدید تانگ در ۱۰ جلد و ۲۵ فصل

شد. یک معبد زردشتی نیز در همان حوالی ساخته شده بود. در حقیقت عالی‌ترین شکل تفاهم بین مدارس مختلف فکری وجود داشت.

در حقیقت این معابد و مراکز تعلیماتی در تفاهم کامل و به دور از هر اختلافی فعالیت مذهبی خاص خود را داشتند. در همان نزدیکی دفتر تجاری «سابائو» نیز در فعالیت بود. آن‌لینگ‌جی یکی از افراد برجسته «آن» بود که در پایتخت و از زمان آن‌یوان زندگی می‌کرد. از افراد برجسته دیگری که در همین حوالی می‌زیستند می‌توان به وزیر اعظم حکومت وی شمالی در پینگ‌چنگ^۱ اشاره کرد. از طرف دیگر شاخه دیگری از خانواده «آن» در وو وی مستقر شده بودند که شامل افراد برجسته‌ای همچون آن‌ژینگ‌گویی، آن‌شیورن و آن‌ژونگ‌جینگ بوده‌اند. این شاخه از خانواده که در وو وی مستقر شده بودند به مرور کسب قدرت کردند.

پیر اندکی ایستاد. گویی در خاطراتش به جست‌وجوی راز دیگری است. آنگاه سر برداشت و گفت: داشتم فراموش می‌کردم. بیا، بیا و ببین. تا آن‌جا که ما می‌دانیم، یک ستون سنگی یادبود در قرن نوزدهم و در شیان^۲ پیدا شد. این کتیبه مربوط به آن‌لینگ‌جی است. عنوان سنگ‌نبشته چنین است:

داتانگ گو گونگ شی «آن» چون موشی مینگ بلینگ شو^۳ «که برگردان آن چنین است؛» کتیبه تانگ کبیر با

1. Ping Cheng

۲. شیان Xian: یکی از شهرهای قدیمی تاریخی و فرهنگی چین و مرکز آن استان شآنشی است.

۳. متن سنگ‌نبشته به واژه چینی نوشته شده که چینی - انگلیسی‌اش چنین است Da Tang gu gongshi An- jun muzhiming bing Xu

اوایل قرن هشتم وجود داشته و ژانگ‌یوئه‌گواه آن است. از طرف دیگر متن کتیبه‌ای دقیقاً بر خاندان «آن» و محل استقرار آن‌ها و رابطه آن‌ها با یکدیگر تأکید دارد. در اصل ژانگ‌یوئه که متن کتیبه‌ای را در اواخر سال ۷۲۶ یا اوایل ۷۲۷ نوشته است همان شواهد و مدارکی را ارائه می‌دهد که بعدها در بخش مربوط به خانواده وو وی در شین‌تانگ‌شو به چشم می‌خورد.

اینک بیا تا سنگ دیگری را بنگریم. بیا تا سنگ‌ها را گواه گیریم. بر این سنگ بنگر و بخوان!

من خواندم: «ستون سنگی یادبود آن‌لینگ جی (۶۴۵-۷۰۴)». پیر گفت: آفرین بر تو راهب پارسی. بگذار تا در رابطه با خدمات نوادگان آن‌شی‌گائو اشاره کوتاهی به آن‌لینگ‌جی نیز بیندازیم که حائز اهمیت است. او در یک منطقه انحصاری یعنی منطقه لیکوآن^۱ در چانگ‌آن زندگی می‌کرده است. در همین منطقه شاهدخت تایپینگ^۲ یکی از دختران قدرتمند امپراتور «وو» و همچنین راهب بانفوذ و سرشناس وان‌هویی^۳ (۶۳۲-۷۱۱) حضور داشتند. همچنین مراکز بودایی که به همت آن‌شی‌گائو گسترش یافت و معابد تائویی که پیروانی داشت و راه و روش خود را دنبال می‌کرد. افزون بر این‌ها معبد نستوری^۴ نیز در سال ۶۷۷ به فرمان پیروز یکم شاهنشاه ساسانی در چین تأسیس

1. Liquan

2. Princess Taiping

3. Wanhui

4. Nas

۴- معبد نستوری / نسطوری: شاخه‌ای از مسیحیت است که مبانی آن اولین بار توسط نسطوریوس مطرح شد. نستوری‌ها بر این باورند که در عیسی مسیح دو شخص و دو طبیعت وجود دارد: طبیعت آدمی (عیسی) و طبیعت الهی پسر خدا یا لوگوس.

نوشته‌ای روی سنگ قبر مرحوم کونگ‌شی از خاندان «آن».

این متن سنگی توسط ژنگ شیوون نگارش شده بود و سبک خط آن به سبک منظم توسط شی بائوبی^۱ نوشته شده است. این کتیبه در سال ۱۸۹۵ بدون هیچ اظهار نظری توسط لوشین یوان^۲ منتشر شد و بعدها در سال ۱۹۰۹ دوباره و این بار توسط دو آن فانگ^۳ منتشر گردید. تمام کسانی که این سنگ‌نبشته را نوشته، منتشر یا کپی کرده‌اند همگی تفاسیری به آن اضافه کرده‌اند که براساس متن اصلی کتیبه بوده است. سرانجام مائوهانگوانگ^۴ یک نسخه چاپی از آن را نیز در فرهنگستان سینی‌کا^۵ منتشر کرد.

گرچه ممکن است آن‌لینگ‌جی توسط منابع بسیاری نادیده گرفته شده اما متن کتیبه به ما حقیقتی را می‌گوید که او و نوادگانش (با تأکید ذکر نام) وجود داشتند. آن‌لینگ‌جی در سن شصت سالگی با تشریفات چینی در محله لینکوان و در سال ۷۰۶ درگذشت. پس از بررسی و تحلیل پژوهشگران از سه سنگ‌نبشته می‌توان نتیجه گرفت که لین‌بائو دقیقاً حضور آن‌شی‌گائو در چین و محل اقامت او در گوزانگ را تأیید کرده بود. نام این محل در اوایل قرن هشتم و وچنگ شده بود.

1. Shi-Baobi

2. Lu Xinyuan

3. Duanfang

4. Mao Hanguang

۵. فرهنگستان سینی‌کا Academia Sinica: فرهنگستان چینی در تایوان - تاییه که فعالیت‌های فرهنگی را در ابعاد گوناگون پوشش می‌دهد. ابتدا در سال ۱۹۲۸ در سرزمین اصلی چین و سپس در سال ۱۹۴۹ در تایوان شکل گرفت.

افزون بر این، شواهد سنگی نشان می‌دهد آرامگاه خانواده «آن» در روستای ژیگونگ^۱ جنوب و وچنگ بوده است. این همان مکانی است که آن‌ژونگ‌جینگ در سال ۷۲۶ به خاک سپرده شد.

جهان در من گرده می‌گردانید. هر دم نو می‌شدم. دم به دم، هستی در من از نو زاده می‌شد. از نردبانی بر نردبان دیگر پای می‌گذاشتم. تا به کجا؟ تا به بام آسمان. پیر نیز با من بود. پیشاپیش من نمی‌رفت. پیر، همراه من بود. گم می‌شد. پیدا می‌شد. خاموش می‌ماند. بانگ بر می‌داشت. پیر در من بود. پیر، من بود. من، پیر بودم. پیر در من خاموشی را شکست و گفت:

در پایان یک نکته قابل توجه و با اهمیت قابل ذکر است که شأن و مقام پارسیان را در چین نشان می‌دهد. موفقیت‌ها، مشاغل درخشان و کلیدی بسیاری از خاندان سلطنتی «آن» در چین و گسترش نفوذشان تا قرن هشتم همگی به لطف ظهور خردمند و راهب پارسی آن‌شی‌گائو بوده که بدون هیچ مشکلی و با احترام زیاد توسط جامعه اشرافی وی شمالی و سلسله‌های بعدی پذیرفته شدند و فرهنگ و مذهب آن‌ها الهام گرفته از کشوری بوده که مهد تمدن و فرهنگ دنیا را دارا بوده است و تاثیرگذار فرهنگی در نواحی مجاور بوده است. و تو ای راهب پارسی این سنگ‌ها را خواندی و دریافتی؟ آیا کلمات این سنگ‌ها در تو جاری شد. آیا نور کلمه بر تو تابید تا راه دیگران را روشن داری؟

1. Zhigong

و من پاسخش دادم: آری! من با سنگ‌ها سخن گفتم. سنگ‌ها را خواندم و سنگ‌ها با من سخن گفتند. سنگ‌ها با من آمدند تا شما را بخوانند. تا شما نیز سنگ‌ها را بخوانید و بدانید.

آری! من! راهب پارسی! اولاد نور! فرزند بیداری! اینک با تن پوشی از ابریشم و کلمه، با کلماتی از جنس بلور و باران برخاسته‌ام تا درفش نیاکان خود را برافرازم. بنگرید بر من که از جنس شما یانم. از تبار شما یانم. فرزند بودایم، پسر بودا. پسر بیداری. پسر نور. پسر آن. پسر اشک...

دانستم که؛

سه سنگ‌نبشته به‌عنوان شواهد کتیبه‌ای که از قرن هفتم و هشتم بر جا مانده است و مستقیماً به نوادگان آن‌شی‌گائو و موقعیت آن‌ها اشاره دارد.

خدمات آن‌یوان به امپراتور به حدی بود که او را در گورستان ژائولینگ نزدیک مزار امپراتور لی‌شی‌مین به خاک سپردند.

متن کتیبه‌ی «آن ژونگ‌جینگ» که در شروع این سنگ‌نبشته نوشته شده اشاره به آن‌شی‌گائو دارد.

یکی از شواهد ادبی مربوط به نوادگان آن‌شی‌گائو، یعنی آن‌تونگ و پسرش آن‌یوان است.

آن‌تونگ در «هی‌بی» صومعه و معابد بودایی ایجاد کرد تا به مردم رنج‌دیده کمک کند. هدف او از تأسیس معابد این بود که بودیسم را تثبیت کند.

معابد بودایی در چین و با حضور دو خط فکری تائوئیسم و آیین

کنفوسیوس توسط زادگان آن‌شی‌گائو یعنی آن‌تونگ رقم خورد. آن‌کو و پسرش آن‌تونگ در بخش تجاری چین «سابائو» نقش کلیدی داشتند.

یوانه‌شینگ‌زوآن یعنی خلاصه نام‌های خانوادگی و تبارشناسی به سنت چینی در زمان یوانه در قرن هشتم که توسط لین‌بائو نوشته شد.

یوانه‌شینگ‌زوآن یک اثر ارزشمند تبارشناسی از خاندان‌ها تا سال ۸۱۲ بعد از میلاد بود. نام خانواده ایرانی در آن یاد شده است.

اداره تجاری «سابائو» زیر نظر ایرانیان اداره می‌شد به‌همین دلیل در فهرست تبارشناسی به‌عنوان افراد شهیر از آن‌ها نام برده شده است.

هوئی‌یوان راهب بودایی چینی بانی معبد دونگ‌لین که لو‌شان‌جی یعنی (تاریخچه کوه لو) را نوشته است اشاره مستقیم به شخص آن‌شی‌گائو دارد.

یکی از پرستشگاه‌های بودایی در زیر کوه قرار دارد. آن‌شی‌گائو اوقاتی را در این معبد و به مراقبه‌های طولانی می‌پرداخت.

نام وزیر اعظم «لی بائو» (نام طایفه‌ای: آن‌چونگ‌ژانگ)، در تاریخ‌نگاری چینی ثبت شده است. لی‌بائو از باارزش‌ترین افراد در میان نوادگان آن‌شی‌گائو است.

اطلاعاتی از جانب لین‌بائو بسیار ارزشمند است که نشان می‌دهد آن‌شی‌گائو در شجره‌نامه، همان آن‌شی‌گائو در نوشته‌های بودایی است.

کاخ سلطنتی تانگ چون افتخارات خود را به لی‌بائو و مدیون بود او را به‌سمت وزیر جنگ منصوب کرد.

تا مدتی سند و شواهدی نبود که اصل‌ونسب آن‌جین‌زانگ را مشخص کند تا اینکه یک کشف مهم باستان‌شناسی در اواخر آوریل

۱۹۸۱ این تردیدها را تبدیل به یقین کرد.

شهر ششم

اشک بود و عشق بود، نور بود و سور بود. کوه بود و کوه. بی ستاره و تبسم
و بوسه. بی درخت و هدهد و ترانه. سنگ سخت استوار. سنگ‌هایی با
بوی زیتون. با رنگ بادام. خیس از عطر عشق.

و من بر کوه ایستادم. تشنه و بی‌قرار و صدا، صدای چشمه بود.
صدای باران. صدای چکه‌چکه کلماتی درخشان. کلماتی خوش‌بو.
کلماتی خوش‌رنگ. کلماتی با پیراهنی از عریانی. پس بانگ زدم:
کجاست آب!

و پژواک صدایم در کوه پیچید: آب! آب!
بانگ برداشتم: کجاست چشمه‌ی آب حیات؟ کجاست چشمه‌ی
زندگانی؟ کجاست؟

و پژواک صدا هفتاد و هفت بار در کوه پیچید: کجاست! کجاست!
و کوه دهان گشود به کلمات: چشمه‌ی زندگانی در تاریکی است.
در ظلمات است.

پرسیدم: از کدام راه باید بروم؟

کوه گفت: از هر طرف که روی.

اگر راهروی، راهبری.

و بار دیگر کوه گفت: از این‌جا هفت کوه است. و چشمه‌ی زندگانی
بر کوه هفتم است و بی چراغ دانایی بر کوه نتوان شد.

پرسیدم: چراغ دانایی با روغن کدام کلمه برافروزم؟
کوه گفت: چراغ دانایی، روشنایی اش از گوهر شب چراغ است.
پرسیدم: گوهر شب چراغ کجاست؟

گفت: راز گوهر شب چراغ بر این سنگ است. برخیز و سنگ بگردان که آنچه بر سنگ نیشته اند، راست و به اندازه نیست. راستی‌ها در آن سوی سنگ است. گرده بر سنگ بگذار و با تمام توانت بکوش تا سنگ بگردانی و حقیقت را که چون گوهر شب چراغ است بخوانی. و من راهب پارسی معبد زرد برخاستم و سنگ بگردانیدم و بخواندم که: شورش آن‌لوشان در چین به‌عنوان یک واقعه ناگوار و مصیبت‌بار به حساب می‌آید که اذهان چینی‌ها را تحت تاثیر قرار داد. شورش آن‌لوشان و ارتباط آن با خانواده ایرانی در چین می‌تواند هم در تاریخ چین و هم در تاریخ ایران از اهمیت خاصی برخوردار باشد. اما شوربختانه بسیاری از مورخین شورش آن‌لوشان را به‌صورت کلیشه‌ای و بدون موضوعات مهم مربوط به آن تفسیر کرده‌اند درحالی‌که این آشوب در زمان حضور پررنگ خاندان «آن» که همواره در جامعه چین فعال و مفید بودند رخ داد که تاثیری بس منفی هم بر جامعه چین و هم خاندان «آن» ایجاد کرد.

بر اساس منابع معتبر و مدارک گران‌بهای آنتونینو فورته و به‌ویژه پروفیسور ادوین. جی. پولی بلانک^۱ و سایرین در رابطه با نقشی که آن‌لوشان در رابطه با خانواده «آن» بازی می‌کند، به شرح فشرده‌ی زیر اشاره می‌کنیم، اگرچه برخی تفسیرهای متفاوتی از این شورش داشته‌اند^۲.

1. Edwin.G. Pulleyblank, The background of An Lushan, 1966

۲. از آن‌جائیکه شورش آن‌لوشان یکی از روایدهای مهم در تاریخ چین است در مورد وی بسیار نوشته شده است.

در روایتی گفته شده که آن‌لوشان اصلیتی ایرانی‌ترکی داشته است. پدر او یک ایرانی اهل سغد و مادرش یک ترک اهل منطقه شرقی رود سیحون بوده است و یا اینکه از ناحیه‌ای در تاجیکستان کنونی آمده است، در صورتی‌که در بسیاری از منابع معتبر دیگر که آنتونینو فورته ایتالیایی به آن اشاره کرده، حقیقت دیگری را عریان می‌سازد و آن اینکه آن‌لوشان یک «آن» واقعی نبوده بلکه به‌صورت غیر مستقیم وارد خانواده «آن» شده است. براساس تفسیر پولی بلانک، آن‌لوشان چوپانی بود با اصل ونسبی در سطح پایین. نام خانوادگی اصلی وی کانگ^۱ بود. وی از بربرهای شمالی بود که به دنبال اقامت در چین بود. پدرخوانده‌ی وی آن‌بوژو^۲ از نوادگان آن‌شی گائو به وی ترحم کرد. چون (آن‌لوشان) فقیر و یتیم بود آن‌بوژو او را به فرزندی قبول کرد و در خانه‌اش جا داد و وقتی بزرگ شد به او نام خانوادگی «آن» را داد^۳. دیری نپایید که او پدر خوانده‌اش را ترک کرد تا موقعیتی در دربار به دست بیاورد.

او زمانی که جوانی بیش نبود در بخش‌های شمال شرقی چین شروع به تثبیت موقعیت خود کرد. ابتدا به‌صورت بازرگان به فعالیت پرداخت و سپس با اعتمادی که امپراتور وقت به وی داشت به ارتش پیوست. او توسط شوآنزونگ^۴ و به دنبال پیشنهاد یانگ‌گی‌فی^۵ و با موافقت لی‌لین‌فو^۶ به‌عنوان ژنرال به فرماندهی سه گردان در شمال

1.Kang

2.An Bozhu

۳. شرح بیشتر در مورد آن‌لوشان با ارجاعات در کتاب آنتونینو فورته (خانواده ایرانی در چین صفحه ۱۰۰ ضمیمه ۲).

4. Xuanzong

5. Yang Giefei

6. Li Linfu

پینگ‌لو^۱ درفان‌یانگ^۲ و هدونگ^۳ منصوب شد. در ارتش به بالاترین مقام دست یافت. او فرماندار نظامی در ناحیه شمال شرقی چین بود. در حقیقت او کنترل تمام ناحیه شمال و کنترل بر تمامی ناحیه رودخانه زرد یا «خوآنگ‌خه» را به عهده گرفت. با چنین قدرتی و در دست داشتن زمین‌های تحت کنترلش (به‌ویژه با گردانی حدود صدوشصت و چهار هزار نیروی زبده) آن‌لوشان تصمیم به شورش گرفت.

شورش آن‌لوشان انقلاب نبود بلکه یک آشوب و اغتشاش اجتماعی در دوره سلسله تانگ در چین بود که از شانزده دسامبر ۷۵۵ تا هفده فوریه ۷۶۳ میلادی به طول انجامید. این شورش زمانی آغاز شد که ژنرال آن‌لوشان در شمال چین خود را فاتح دانست و سپاهیانش را بیشتر تثبیت کرد. ارتش او به سرزمین‌های جنوب سرازیر شد. در طول راه کارگزاران تانگ به او پیوستند و به تدریج افراد بیشتری به او ملحق شدند و ارتش مجهزی با نفرات بسیار تشکیل شد. با داشتن چنین سازو برگ نظامی شهر لئویانگ (پایتخت شرقی تانگ) را تسخیر کرد و نیروهای تانگ را که روحیه خود را از دست داده بودند به سختی در هم کوبید. او در لئویانگ خود را امپراتور چین خواند و سلسله جدید یان^۴ را تاسیس کرد. بعد از آن نوبت به چانگ‌آن (پایتخت غربی تانگ) رسید و سپس سایر قسمت‌ها را به تصرف در آورد. این رویداد به عنوان شورش آنشی^۵ یا اغتشاشات آنشی شناخته می‌شود. گفته می‌شود که در

1. Pinglu

2. Fanyang

3. Hedong

4. Yan Dynasty

۵. آن شی: منظور شورشی که توسط آن‌لوشان انجام گرفت.

شورش آن‌لوشان میلیون‌ها نفر کشته شدند^۱.

این شورش اگرچه در نهایت سرکوب شد اما بسیار گسترده بود. شورش آن‌لوشان تمامی چین شمالی به انضمام بخشی از مغولستان امروزی و ترکستان را دربرگرفت. و سرانجام در سال ۷۵۷ آن‌لوشان توسط پسرش آن‌کینگ‌شو^۲ کشته شد و آن‌کینگ‌شو نیز به دست یکی از دوستان دوران کودکی پدرش یعنی شی‌سیمینگ^۳ به قتل رسید.

شورش آن‌لوشان تأثیری بسیار منفی بر اذهان چینی‌ها گذاشت و نظر آن‌ها را در مورد خارجی‌های مستقر در چین، به‌ویژه کسانی که در اسم‌شان پیشوند «آن» داشتند و از نوادگان آن‌شی‌گائو بودند، تغییر داد. به واسطه شباهت نام خانوادگی «آن» که به‌طور صوری به آن‌لوشان داده شده بود خاندان «آن» نیز اعتبار چندین سده سابق خود را به مرور از دست دادند.

جامعه‌ی سغدی که به روایتی گفته می‌شد «آن‌لوشان» به طریقی به آن‌ها تعلق داشت دچار از هم گسیختگی شد. در این گیر و دار بسیاری از خاندان «آن» جانب دودمان تانگ را گرفتند چون از قبل با این سلسله هیچ مشکلی نداشتند و خدماتشان در سلسله تانگ چشمگیر بود. بعد از این شورش، بسیاری از خاندان «آن» ریشه و تبار خارجی خود را پنهان می‌کردند. بهترین نمونه از این خاندان آن‌چونگ‌ژانگ بود که وزیر جنگ بود و نام خانوادگی‌اش را به لی‌بائوئو تغییر داد چون نامی مشابه با نام آن‌لوشان را داشت. آن‌چونگ‌ژانگ و سایر خاندان «آن» از این بابت متأسف و در عین حال شرمسار بودند، گرچه هیچ مدرک

1. Edwin.G. Pulleyblank, The background of An Lushan, 1955

2. An Qing xu

3. Shi Siming

و شواهدی نشان نمی‌داد که آن‌لوشان جزء خاندان «آن» باشد چرا که عملکرد خبیثانه آن‌لوشان با ویژگی‌های انسان دوستانه خاندان «آن» هیچ سنخیتی نداشت. با تغییر نام آن‌چونگ‌ژانگ به لی‌بائویو، بسیاری از خاندان «آن» به پیروی از او نام‌های خود را تغییر دادند.^۱

اینکه آیا آن‌لوشان از طایفه «آن» بود و به آن‌ها تعلق داشت نیاز به پژوهش و بررسی است. اما با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و نژادی بعید است که آن‌لوشان شورشی با نحوه نگرش انسان دوستانه پارسیان به‌ویژه در آن زمان او را به خاندان «آن» نسبت داد. به‌علاوه شواهد و مدارک معتبری ارائه نشده که نشان بدهد که عملکرد خاندان «آن» و عملکرد آن‌لوشان شورشی در خدمت به چین و چینی‌ها یکی باشد یا اینکه آن‌لوشان از این خانواده الهام گرفته باشد. و مهم‌تر اینکه بر طبق منابع گوناگون مهاجرت خانواده ایرانی از زمان شخص آن‌شی‌گائو در سال ۱۴۸ که به عنوان یک شاهزاده همراهانش به دربار چین وارد شد و سایر نوادگان وی که از همان سرزمین اشکانی وارد شدند می‌تواند گواهی بر این مدعا باشد که یک مرزبندی قوی بین این طایفه و عملکرد شخصی آن‌لوشان باشد که لازم است این تفاوت‌ها را با دقت مورد بررسی و پژوهش قرار داد. آنتونیو فورته در بخش‌هایی از کتاب‌هایش با مدارک بسیار به آن پرداخته است.^۲

آنچه در مجموع مهم و تاثیرگذار است تاثیر آیینی و فرهنگی شاهزاده پارسی است که نزدیک یک قرن و نیم بعد از میلاد با اندیشه‌ای سرشار از مهر و خدمت به چین رفت و رسالت خود را در آن‌جا به سرانجام

۱. آنتونیو فورته: خانواده ایرانی در چین (ریشه خانوادگی آن‌لوشان با نام خانوادگی «آن» صفحات ۱۰۰ تا ۱۰۷)

۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به منابع ذکر شده در بخش کتابنامه‌ی کتاب آنتونیو فورته استناد کنند.

رسانید و بذر آموزه‌های بودا را در آن‌جا کاشت که نه تنها در زمان خودش مورد استقبال و احترام قرار گرفت بلکه نوادگان او هم راه نیاکان‌شان را دنبال کردند.

آن‌لوشان بخشی از تاریخ چین است. به سخن آشکار، دگردیسی سغدی‌ان در فرهنگ چینی در دوران تانگ است که نمی‌تواند با اندیشه پارسی همخوانی داشته باشد. فرهیختگان چینی و سایر پژوهشگران به‌خوبی می‌دانند که اعتلای فرهنگی و آیینی چین با ورود شاهزاده پارسی به چین در سال ۱۴۸ آغاز شد و گسترش یافت و این ذهنیت مثبت حتی تا قرن هفتم تا هشتم ادامه یافت.

لحظه بحرانی برای ایرانیان در چین با شورش آن‌لوشان گره خورد که به‌ظاهر و با شک و تردیدهایی اصلاتی نسبتاً ایرانی داشت. نوادگان آن‌شی‌گائو که نام خانوادگی «آن» داشتند زیر ذره‌بین چینی‌ها بودند. آن‌لوشان که پیشوند «آن» را داشت او را نیز در زمره خاندان «آن» به حساب می‌آوردند. به همین دلیل و بعد از شورش آن‌لوشان و تاثیر منفی و مخرب وی بر جامعه چین، بسیاری تصمیم گرفتند خود را به‌طریقی از او و نیاتش جدا کنند و این با تغییر نام از «آن» به «لی» تا اندازه‌ای موثر واقع شد و حتی تا حدود قرن هشتم «آن»‌ها با عنوان «لی» باقی ماندند. اما در مجموع ذهنیت چینی‌ها از این تشابه نامی پاک نشد. آن‌چونگ‌ژانگ که می‌خواست وجهه خاندان ایرانی خود را حفظ کند نام امپراتوری «لی» را بر خود نهاد که به لی‌بائویو تغییر نام داد. با این تغییر آن‌چونگ‌ژانگ می‌خواست اعتبار خود و خاندان خود را حفظ کند، یعنی: (۱) خودش را از فرد شورشی (آن‌لوشان) جدا کند. (۲) وفاداریش را به خاندان تانگ و امپراتور نشان دهد. (۳) اعتبار و آبروی ایرانیان را حفظ کند. (۴) خود و خانواده‌اش را نجات دهد. این‌ها یک

حرکت حساب شده از آن چونگ ژانگ سابق و لی بائیوی بعدی بود. در اصل او از خانواده «آن» بود که در گذشته مقام‌های دولتی مهمی را در لیانگ ژو تصاحب کرده بود، ناحیه‌ای که به لحاظ استراتژیکی، سیاسی و تجاری مهم بود. او با وزیر اعظم شدن قدرت را در پایتخت آن زمان به دست آورد. خاندان «آن» تا قرن هشتم در چین بودند. شورش ویرانگر آن لوشان باعث شد که نه تنها روند رو به رشد ایرانیان با سابقه درخشان‌شان دستخوش تزلزل گردد بلکه سایر افراد بیگانه در چین دچار مشکل شده و مورد سوءظن قرار گیرند و این رویداد در مجموع سیر تکامل فرهنگی در چین توسط ایرانیان را به گونه‌ای ناباورانه متوقف کرد. تغییر نام آن چونگ ژانگ به اسم و عنوان لی بائیو نشان از اوج بحران در جامعه ایرانیان مقیم در چین آن زمان و سایر خارجی‌ها بود. این فرد شورشی، باعث شد تضاد عمیقی بین دولت چین و جوامع خارجی در آن کشور به وجود بیاید. اما افراد برجسته‌ای از خانواده «آن» یعنی گئوچن^۱ از پسران آن‌لینگ‌چی از تانگ حمایت کرد و نام خانوادگی‌اش را به «لی» تغییر داد.

استدلالاتی که ثابت می‌کند که آن لوشان هیچ سنخیتی با خاندان ایرانی «آن» در چین نداشته است: (۱) تفاوت فرهنگی و نژادی پارسیان با شخص آن لوشان. (۲) پست‌های کلیدی که خاندان «آن» در دربار و سایر بخش‌های دیگر در چین داشتند. (۳) حمایت و همراهی «آن» ها از دودمان «تانگ» حتی در زمان شورش آن لوشان. (۴) نبرد با یک شورشی به نام لی-گویی در ایالت گانسو توسط خانواده «آن». (۵) اینکه مسئله آن لوشان بخشی از ساختار قدرت در چین است و با تاریخ تمدن پارسیان در تضاد است. (۶) لی بائیو وزیر اعظم در

1. Guochen

دربار نه تنها خودش را از شورشیان جدا کرد بلکه فعالیت‌هایی بر ضد شورشیان انجام داد که مورد تأیید و تشویق درباریان تانگ شد. (۷) شین‌گویی و برادر کوچکترش آن‌شیورن (از نوادگان آن‌شی‌گائو) با شکست دادن یک شورشی به نام لی‌گویی در ایالت گانسو افتخارات عظیمی کسب کردند. هم آن‌شین‌گویی و هم آن‌شیورن در بین مقامات عالی‌رتبه و ممتاز چین قرار داشتند.

اینکه آیا آن لوشان در اصل ونسب جزو خانواده او بوده یا نه تعبیر و تفسیرهای متفاوتی هست که این فرضیه مطلق را رد می‌کند اما آنچه مسلم است رویداد شورش آن لوشان مستمسکی برای دولتمردان چین شد تا از شر خارجی‌های که حضورشان در چین پررنگ می‌شد رهایی یابند.

من بر بالای خاک‌پشته‌ی تاریک ایستاده بودم. شبیه‌ی اسبان، چکاچک شمشیرها، هیاهوی مردان و بانگ تلخ شیپور جنگ را می‌شنیدم. غبار سیاهی بر آسمان برخاسته بود تا دنیای روشن مرا تیره کند و بر کتاب‌ها و نوشته‌ها بیارد و حقیقت را از میان بردارد. من برخاستم. بر خاک پشته ایستادم و بانگ زدم: ای انبوه انسان‌ها بیایید. حقیقت اینجاست. حقیقت بر این سنگ‌ها کنده شده است. در این کتاب‌ها نوشته شده است. بیایید تا برایتان بخوانم. دست در آسمان بردم و به‌سوی غبار دویدم. غبارها گریختند. به هر سوی می‌دویدم و پنجه در توفان تیره می‌افکندم. غبار سیاه می‌گریخت و نور چون بارانی می‌بارید. مردمان از هرسوی پیش می‌آمدند. از تمام تپه‌ها انبوه انسان‌ها پیش می‌آمدند. هزار هزار انسان از شرق و غرب پیش می‌آمدند. اینک تمام بیابان غرق نور بود و من، راهب پارسی چنین آغاز کردم. سپاه تاریکی بار دیگر هجوم آورد. با آخرین توانشان کوشیدند تا

سیاهی را بازگردانند. من بانگ زدم:

ای انسان‌ها، آن‌شی گائو با شما سخن خواهد گفت.

من نشستم. نشستم تا دمی بیاسایم. تا مردمان باهم سخن گویند. تا

انبوه انسان‌ها بخوانند سنگ‌ها را. کتاب‌ها را. تومارها را...

دانستم که:

✱ آن‌لوشان یک شورشی بود که چین را به آشوب و ویرانی کشاند.

✱ گرچه لقب «آن» از خاندان آن‌شی گائو را داشت اما در اصل و

ریشه به آن‌ها تعلق نداشت.

✱ شورش آن‌لوشان در چین به عنوان یک واقعه ناگوار و مصیبت‌بار

به حساب می‌آید و تاثیر بسیار منفی بر اذهان چینی‌ها گذاشت.

✱ آن‌لوشان با گردانی حدود ۱۶۴ هزار نیروی زبده تصمیم به شورش

گرفت.

✱ در سال ۷۵۷ آن‌لوشان توسط پسرش آن‌کینگ‌شو کشته شد.

✱ بعد از واقعه شورش نظر چینی‌ها در مورد خارجی‌ها مستقر در

چین به ویژه کسانی که پیشوند «آن» داشتند و از نوادگان آن‌شی گائو

بودند به طور عمیق تغییر داد.

✱ آن‌چونگ‌ژانگ (از خاندان آن) که وزیر جنگ بود نام‌خانوادگی‌اش

را به «لی بائو» تغییر داد.

✱ باتوجه به تفاوت‌های فرهنگی و نژادی پارسیان و نحوه نگرش

انسان‌دوستانه به چینی‌ها بعید است که «آن‌ها» را با لوشان شورشی یکی

دانست.

✱ طغیان ویران‌کننده آن‌لوشان باعث شد که روند رو به رشد ایرانیان

با سابقه درخشان‌شان دستخوش تزلزل گردد.

شهر هفتم

برخیز ای راهب پارسی!

مقام تونه اینجا است. برخیز! مقام توقاف است. مگر تو در جست‌وجوی

سیمرغ نبودی که برخاستی و شهرها در نور دیدی؟ بدان که سیمرغ بر کوه

قاف نشیمن دارد و بر قله‌ی قاف بر درخت تو با نشسته است. برخیز!

و من اولاد آن‌شی گائو. راهب بودایی معبد همیشه بهار، برخاستم و

پرسیدم: سیمرغ را چگونه بیابم؟

پیر فرزانه گفت: هر هزار سال یک‌بار سیمرغ از درخت طوبی فرود

می‌آید و همیشه در آتشدان می‌نهد و دارچین و مشک و عود و عنبر

بر آن می‌افشاند. آنگاه در آن می‌دمد و خود در آتش می‌نشیند تا از

خاکسترش سیمرغی دیگر برخیزد و بال بگشاید و بر قاف رود و بر

درخت طوبی نشیند. برخیز ای راهب که هزاره‌ی پارسیان در رسیده

است.

پرسیدم: چگونه بر قاف باید رفتن؟

پیر پاسخ داد: با آن همه مروارید غلطان که در انبان داری. بر آن

سنگ‌ها که از راه برداشته‌ای، پیام‌هایی است. بخوان و به کار بند.

انبان گشودم و نور بر جهان بال گشود. نوری آوازخوان که در

هزارویک جهت روانه بود. و برای نخستین‌بار این من، راهب بودایی

معبد همیشه بهار پارس بودم که رو به سالکان بانگ زدم: آن‌شی گائو

باید به عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای تاثیرگذار فرهنگ چینی تلقی شود.^۱ آنگاه دست در انبان بردم و شش مروارید درخشان برآوردم و بر هر مروارید پیامی بود. خواندم: ای انبوه رهروان راه دانایی بدانید این شش راز بزرگ را: (۱) آبهی داهما (سومین بخش از سه زنبیل خرد «تری پیتاکا»)، (۲) سوره پراجنا پارامیتا (سوره نیلوفر)، (۳) دایانا، (۴) آیاتانا، (۵) اسکاندا، (۶) آن‌بان‌شویی جینگ. ای راهبان معابد بهار! بیایید تا بر شما بخوانم رازهای دانایی را.

(الف) سه زنبیل خرد - آبهی داهما

سه زنبیل خرد یا (تی پتیکا یا تری پیتاکا)^۲ را نیز سه زنبیل قانون می‌گویند. این اشاره به سه موضوع مهم دارد که آیین بودا را در بر می‌گیرد. آن‌ها را به عنوان متون مقدس به حساب می‌آورند. اولین آن‌ها مجموعه وینایانا پیتاکا^۳ (زنبیل آموزش انضباطی) و مربوط است به قوانین و مقررات پایه‌ای سخت‌گیرانه که در آن راهبان و راهبه‌هایی که در صومعه هستند آموزش می‌بینند و باید قوانین را بدانند و رعایت کنند. بنا به گفته بودا بهترین انضباط در قانون وینایانا انضباط ذهنی، گفتاری و انضباط کردار است. هر عملی ریشه در گفتاری دارد که پیش از آن در اندیشه جای گرفته است.^۴

۱. نام برخی از این فیلسوفان و روشنگران که اظهار نظرهای گوناگون درباره آن‌شی‌گائو داشته اند در این دفتر به دفعات آمده است.

2. Tipitak (Tri-Pitaka) or Three Baskets of Wisdom

3. Vinayana Pitaka

۴. اعتقاد بر این است که این قواعد اخلاقی توسط زردشت حکیم ایرانی در ششصد تا هزار سال قبل از میلاد اظهار شده است. آن‌ها عبارتند از: (۱) هواخاتا - افکار خوب، (۲) هوامتا - گفتار خوب؛ (۳) هواراشتا - کردار خوب

دومین آن‌ها مجموعه سوتا پیتاکا^۱ (یا زنبیل گفتارها) و شامل آنچه بودا گفته یا موعظه کرده است. گرچه بودا نوشته‌ای از خود ندارد اما گفته‌ها و اندرزهای او توسط مریدانش سینه به سینه به دیگران منتقل میشد. برخی از مریدان برجسته او، ماها کاشیاپا^۲، سابھوتی^۳، آناندا^۴، ساری پوترا^۵ بودند.

سومین زنبیل آبهی داهما پیتاکا^۶ (یا زنبیل آموزش ویژه فلسفی و روانشناسی) است.

این بخش از سه زنبیل خرد مورد توجه آن‌شی‌گائو بوده و تفسیر آن سبب تحولی در فلسفه و تلفیق آن با مذاهب سنتی چینی‌ها گردید. به نقل از تحلیل‌گرانی که آن‌شی‌گائوی پارسی را زیر ذره‌بین خود داشته‌اند، گرچه متون این راهب پارسی به زبان‌های دیگر تا مدت زیادی ترجمه نشده است، اما این تفسیرها در کتاب‌های مقدس در بعضی از معابد بودایی به خصوص در لئویانگ جایی که آن‌شی‌گائو به مدت بیست سال به ترجمه متون مشغول بود وجود دارد و خوشنویسی‌هایی که از برخی از متون او به عنوان نقل قول و خطابه شده نشان از حضور آموزش‌های او دارد. این متون مقدس به صورت کتاب‌های طومار مانند در معابد و درون جعبه‌هایی مخصوص نگهداری می‌شود. به منظور حفظ و حراست این کتاب‌های ارزشمند گهگاهی راهبان و راهبه‌ها در یک

1. Sutta Pitaka

2. MahaKashyapa

3. Sabhuti

4. Ananda

5. Sariputta

6. Abhidhamma Pitaka

مراسم ویژه سوره خوانی آن‌ها را از جعبه خارج کرده و درحالی که به خواندن سوره‌ها مشغولند آن‌ها را به دفعات باز می‌کنند که ورق بخورند و به قول معروف هوا بخورند و بدین وسیله از پارگی و فرسودگی کتاب‌ها جلوگیری کنند.

آبهی داهما که بخش عمده از سه زنبیل خرد است مربوط به آموزش تحلیلی از قوه‌های ذهنی و عناصر است. آبهی داهما پیتاکا آموزش فلسفه و روانشناسی اخلاق از تعالیم برتر بوده است.

آبهی داهما از تعالیم عالی‌ه بودا است که در آن جوهر تعالیم ژرف بودا جزء به جزء تشریح می‌شود. دارما که در سوتا پیتاکا گنجانده شده یک آموزش متعارف یعنی ووهارا دسانا^۱ است. آبهی داهما آموزش نهایی یعنی پاراماتا دسانا^۲ است.

در آبهی داهما هم ذهن و هم ماده که در حقیقت تشکیل‌دهنده‌ی دستگاه پیچیده‌ی وجود بشر هستند به صورتی ریزبینانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. جزئیات وقایع عمده درباره‌ی فرایند مرگ و زندگی توضیح داده شده است. نکات پیچیده‌ی دارما به وضوح تشریح می‌شود. راه‌هایی (راه آزادی) با لحنی شفاف بیان می‌گردد.

روانشناسی در چهارچوب آبی داما گنجانده شده است و به ذهن، افکار، فرایندهای فکری و حالت‌های روحی می‌پردازد اما روح را قبول ندارد. در حقیقت بودیسم تعلیم روانشناسی بدون روح است.

اگر کسی تلاش کند که آبی داما را به عنوان کتاب درسی مدرن در زمینه‌ی روانشناسی بخواند کاری عبث است. هیچ کوششی برای حل مشکلاتی که روانشناسی مدرن هم اکنون با آن روبرو است انجام نشده

1. Vohara Dasana

2. Paramata Dasana

است. روانشناسی آبهی داهما «پدیدارشناسی» است.

در آبی داما «هوشیاری» به طور مفصل تشریح شده است. افکار از نقطه نظر اخلاقی تحلیل شده و طبقه‌بندی گردیده است. تمامی حالت‌های روانی یکایک برشمرده شده است. ترکیب انواع هوشیاری را با جزئیات بیان نموده است. آرایش هر نوع شعور (آگاهی) در جزئیات مطرح می‌شود. شرح فرایندهای فکری که از پنج دروازه حسی و درجه‌های ذهن ظاهر می‌گردند و ناپدید می‌شوند، در آموزش آبهی داهما بی‌نهایت جذاب و شیرین است.

بهاوانگا^۱ و جاوانا^۲ یعنی لحظه‌های فکری که فقط در آبی داما تشریح شده است قابل مقایسه با روانشناسی مدرن نیست و بدون تردید دانش آبهی داهما برای پژوهشگران و دانشجویان روانشناسی از جذابیت خاصی برخوردار است. زیرا پرداختن به آن علاقه‌ی ویژه‌ی را می‌طلبد. بنابراین دانش پژوهان رشته روانشناسی که خواهان تحقیق در این زمینه در سطح بسیار گسترده‌تر هستند می‌توانند از این منبع استفاده کنند و به بیش از آنچه تحصیل کرده‌اند دست یابند.

این موضوع که: «هوشیاری به عنوان یک ماده سیال در حال جریان است» دیدگاهی است که توسط بعضی از روانشناسان مدرن مانند ویلیام جیمز^۳ عنوان شده است و به طور شفاف در آبهی داهما تشریح شده است. این دیدگاه فهم و درک آبی داما را آسان‌تر می‌کند. افزون بر آن، علاقمندان و دانش پژوهان رشته آبی داما نیز می‌توانند دکترین آنااتا^۴

1. Bhavanga

2. Javana

۳. ویلیام جیمز William James (۱۸۴۲-۱۹۱۰) فیلسوف و روانشناس شهیر آمریکایی. او به عنوان بنیان‌گذار مکتب پراگماتیسم شناخته شده است.

۴. آنااتا (Anatta) یعنی نداشتن منیت، نداشتن خود یا غیر خودی. یک از سه نشانه هستی در آئین بودا. دو تای دیگر عبارتند از: ناپایداری اشیاء و پدیده‌ها و دیگری دوکا (رنج) است.

«نه-روح» را که جان کلام بودیسم است، از جنبه‌های فلسفی و اخلاقی در چهارچوب «روانشناسی فلسفی» مطالعه و درک کنند. در این مقوله، ظهور مرگ، فرایند زندگی دوباره (تجدید حیات) در حوزه‌های مختلف وجود، دکترین کارما و تولد دوباره همگی به‌طور کامل تشریح شده است.

با شرحی پربار از جزئیات «ذهن»، آبهی داهما عامل دیگری از وجود انسانی را یعنی ماده (روپا) را به بحث می‌کشد. واحدهای بنیادی ماده، نیروهای مادی، خواص ماده، منبع ماده، رابطه میان ذهن و بدن در آبهی داهما تشریح می‌شود.

در آبی داما سانگا شرح مختصری از زنجیره روابط علّت و معلولی^۱ که بر اثر روابط اتفاقی^۲ رخ داده‌اند، آمده است، این بحث در هیچ فلسفه‌ای دیده نشده و با هیچ فلسفه‌ای قابل قیاس نیست.

یک فیزیکدان نباید انتظار داشته باشد که برای کسب دانش در زمینه‌ی فیزیک، آبی داما را مورد مطالعه قرار دهد. زیرا آبی داما در باب دو عامل ترکیبی یعنی «ذهن-ماده» که اصطلاحاً «هستی» نامیده می‌شود تحقیق می‌کند و به فرد کمک می‌نماید تا پرده‌های اوهامی را که سالیان سال جلو چشمان او بوده است بردارد و اشیاء را به همان شکلی که هستند، ببیند. این فلسفه در نگرش او دارای اهمیت بسیاری است و براساس همین فلسفه است که سیستم اخلاقی نیز تکامل می‌یابد تا هدف نهایی یعنی «نیروان» درک گردد.^۳

1. The Law of Dependent Origination

2. Casual Relations

۳. شرح کامل‌تر درباره آبهی داهما در کتاب Mmanual of Abhidhamma, By Narada Maha Thera: Published by the Buddhist Missionary Society- Malaysia

(ب) پراجنا پارامیتا

آنچه که مدرسه ماهايانا را از مدرسه هینه‌يانا (تراوادا) متمایز می‌کند تفسیر سوره پراجنا پارامیتا است که توسط مدرسه ماهايانا ارائه داده شده است. پراجنا یعنی خرد و پارامیتا یعنی کمال. بنابراین پراجنا پارامیتا یعنی کمال خرد، خرد عالیه، فراخرد که هسته مرکزی آموزش بودا است و فهم و تمرین آن منجر به راه بودهیساتوا می‌شود. اریک زورچر بیان می‌کند که، «کانگ سنگهویی به‌درستی مشخص می‌کند که آن‌شی‌گائو به‌تدریج شش کمال واقعی را پرورش داد که به‌وسیله‌ی آن فرد به بینهایت پارامیتا دست می‌یافت»^۱.

با توجه به اطلاعات داده شده، به شرح کوتاهی درباره این سوره که مورد توجه شاهزاده پارسی بوده می‌پردازیم، اما قبل از آن لازم است کمی درباره دو مدرسه عمده بودایی یعنی ماهايانا و هینه‌يانا بدانیم.

چند صد سال بعد از درگذشت بودا چندین مدرسه مختلف فکری و فرقه‌های دیگر به وجود آمد و همه ادعا می‌کردند که آموزش راستین بودا را دارا هستند. تفاوت این مدارس به‌واسطه تعبیر و تفسیرهای آن‌ها از آموزش بودا بود. در طی زمان این مدارس به دو دسته عمده تقسیم شد: یکی مدرسه فکری ماهايانا و دیگری هینه‌يانا. پیشوند ماها یعنی بزرگ و پیشوند هینه یعنی کوچک.

بنابراین هینه‌يانا را چرخ کوچک یا قایق کوچک و ماهايانا را چرخ بزرگ یا قایق بزرگ می‌نامیدند. اما معنای دقیق‌تر راه یا طریقت است، یعنی

۱. شش کمال عبارتند از: دانا (صدقه)، شیلا (اخلاق)، کشانتی (شکیبایی)، ویریا (سرزندگی)، دایانا Dhayana (مراقبه - تمرکز)، پراجنا (خرد).

2. Eric Zurcher (the Buddhist Conquest of China) 1959, P.54

طریقت کوچک و طریقت بزرگ^۱. ما هم ترجیح می‌دهیم در نوشتارهایمان از طریقت کوچک و بزرگ استفاده کنیم. شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در این دو مدرسه فکری هست که به آن اشاره مختصری می‌کنیم:

شباهت‌ها:

- (۱) هر دو طریقت، بودا ساکیا مونی را به عنوان آموزگار خود می‌شناسند.
- (۲) چهار حقیقت شریف دقیقاً در هر دو مدرسه مشابه است.
- (۳) هشت راه باشکوه در هر دو طریقت رعایت می‌شود.
- (۴) پاتیکا سامو پادا^۲ (یا زنجیرهای به هم پیوسته، زنجیر علی) در هر دو مدرسه آموزش داده می‌شود.
- (۵) هر دو مدرسه وجود یک عنصر الهی که حاکم بر جهان و سرنوشت انسان‌ها است تکذیب می‌کنند.
- (۶) در هر دو طریقت، سه حقیقت وجود یعنی آنیچا (ناپایداری)، آنا تا (ناخودی)، دوکا (رنج) و سه اصل بنیادی آموزش بودا یعنی شیلا (اخلاق) سمادهی (تمرکز)، پانیا (خرد) را بدون هیچ تفاوتی در دستور کار خود دارند.

تفاوت‌ها:

- (۱) ماهایانا را به کشتی بزرگی تشبیه کرده‌اند که تعداد زیادی از افراد را به آن سوی ساحل رستگاری می‌رساند درحالی‌که هینه‌یانا قایقی است که فقط می‌تواند تعداد اندکی را به آن سو رهنمون کند.

- (۲) هینه‌یانا معتقد به آرهانت^۱ است و ماهایانا به بودهیساتوا^۲ است.
- (۳) تلاش هینه‌یانا دسترسی به نیروان و اقامت در آن است درحالی‌که ماهایانا ترک نیروان به منظور نجات همه موجودات زنده است.
- (۴) آموزش مکتب تراودا بی‌اعتنایی به خواش‌های دنیوی است و حال آنکه ماهایانا دیدگاه مثبتی به خواش‌های زمینی دارد. هدف مکتب ماهایانا جهت دادن حس‌ها، مهار آن‌ها در زندگی، شادمانی بدون وابستگی به آن و اینکه داشته باشیم ولی به آن‌ها وابسته نباشیم توگویی آن‌ها به ما تعلق ندارند و فقط برای رفاه ما هستند.
- (۵) تراودا مکتب رسم‌ها و سنت‌ها است و تلاش آن به بیداری فردی و خود رستگاری است، اما رسم و رسوم و سنت‌ها در ماهایانا با تغییر شرایط، و شرایط جغرافیایی و ملل و زبان مختلف تفاوت پیدا می‌کند ولی از اصل تعالیم خارج نمی‌شود.

اما دو عامل عمده که ماهایانا را از تراودا جدا می‌سازد یکی عنصر بودهیساتوا است و دیگری پراجنا پارامیتا. بودهیساتوا در ماهایانا به این معناست که همه دارای ذات بودایی هستند و بوداهای بالقوه آینده به شمار می‌روند و چنانچه بخواهند می‌توانند به بیداری بودایی یعنی همان روشن‌شدگی که بودای تاریخی به آن دست یافت نائل شوند. هدف بودهیساتوا نجات همه بشر است. در پروسه پاک‌سازی، بودهیساتوا هم برای تکامل روحی خودش تلاش می‌کند و هم راه آزادی و رهایی را به دیگران نشان می‌دهد. پراجنا پارامیتا از ویژگی‌های مدرسه ماهایانا است که در حقیقت از دل مدرسه هینه‌یانا بیرون کشیده شده است.

۱. به پالی آرهانت Arhant و به سانسکریت آرهات Arhat: کسی که هشت راه باشکوه را طی کرده است. آرمان و هدف مدرسه تراودا.

۲. بودهیساتوا: کسی که دارای جوهر و ذات بودهی یا بیداری است. دانائی که از درک مستقیم حقیقت حاصل شده است و مهر بی‌حد و حصری که از این درک مستقیم به وجود آمده است.

۱. عنوان طریقت بزرگ و طریقت کوچک برگرفته از ع - پاشایی (فراسوی فرزاندگی) صفحه ۲۴

2. PaticcaSmupada

سوره قلب یا سوره پارامیتا متکی بر پوچی و تهی بودن تمام اشیاء و پدیده‌ها است. واژه‌هایی چون بودهیساتوا، ذات بودایی، بی‌ذهنی، تهیت (پوچی)، عدم دوگانگی، راه میانه، همگی از بطن مکتب ماهایانا به وجود آمده است.

«در آشته ساهسریکا در گفت‌وگویی، شاری پوترا از بودا می‌پرسد، چون پراجنا پارامیتا کامل شد، چه دارما (آیینی) حاصل می‌شود؟ به عبارت دیگر وقتی رهرو به «کمال فرا شناخت» رسید یعنی در سفر پراجنا پارامیتا به مقصد رسید چه دارمایی حاصل می‌شود؟ بودا پاسخ می‌دهد: «چون پراجنا پارامیتا به کمال رسید [دیگر] دارمایی حاصل نمی‌شود و هم از این حقیقت است که آن را پراجنا پارامیتا [فراسوی فراشناخت] خوانده‌اند.» یعنی برتر از پراجنا پارامیتا-پارامیتایی (یا کمالی) نیست، یا فراسوی پراگیا (پراجنا پارامیتا) دیگر چیزی یا دارمایی نیست، [دیگر] تولید و از میان رفتنی نیست زیرا که پراجنا پارامیتا بالاترین بلندی است [دیگر] آن سو ندارد.»^۱

بودا در سوره واجراچدیکا پراجنا پارامیتا^۲ (سوره دل) خطاب به مریدش سابهوتی می‌گوید: سابوتی این چنین است: «من کوچک‌ترین چیزی از والاترین بیداری کامل به دست نیاورده‌ام و به همین دلیل آن را والاترین بیداری کامل می‌گویند.»

در حقیقت این همان هیچی بزرگ و همه چیز یعنی «پراجنا پارامیتا» است که بودا ساکیامونی به آن دست یافت.

سابهوتی از بودا می‌پرسد، ای سرور، پراجنا پارامیتا نااندیشیدنی

است؟ بودا می‌گوید: «زیرا پراجنا پارامیتا برتر و فراسوی اندیشه است. چیزی نیست که اندیشه آن را بشناسد یا اندیشه آن را فراچنگ آورد. از حوزه «زادن» یا «زاده شدن» یا پدید آمدن بیرون است و سازنده‌ای آن را نساخته است. از این رو شناختی نیست.»^۱

در سوره قلب آمده که «آوالوکیتشه شاورا» بودهیساتوا با تعمق در «کمال خرد»، به وضوح تهیت را در شکل، اندیشه، تفاوت و دریافتن دید و از رنج و شوربختی‌های یافت.

در فضای معنوی پراجنا پارامیتا نه احساس است، نه اندیشه، نه تفاوت است نه دریافت، نه چشمی برای دیدن، نه گوشی برای شنیدن، نه مشامی است برای بوییدن، نه حسی است برای چشیدن، نه جسمی است برای لذت بردن، نه دنیای این جهانی است، نه ذهنی برای درک آگاهی^۲. بنابراین پرورش پراجنا پارامیتا توسط آن‌شی گائو به شهادت کآنگ سنگهویی تصور اینکه آن‌شی گائو فقط به مدرسه هینه‌یانا تعلق دارد خط بطلان می‌کشد.

شوانگ زانگ یا هسوان تسانگ (۶۰۲-۶۶۴ بعد از میلاد) راهب بودایی، زائر مسافر، محقق، که رابط بین چین و هند بوده است معروف است که مدت هفده سال پیاده به خاک هند سفر کرده است. او در لئویانگ می‌زیست. او با ترجمه‌های آن‌شی گائو آشنا بود به خصوص بخش‌هایی از آنکه به سوره الماس مربوط بود. سوره‌های پراجنا پارامیتا سوره‌های طولانی است و شامل چندین سوره می‌شود که توسط بودا در چهار محل

۱. ع- پاشائی - فراسوی فرزاندگی (پراگیا پارامیتا) صفحه ۴۳.

۲. آوالوکیتشه شاورا Avalokiteshaura بودای بالقوه قبل از نائل شدن به بیداری کامل.

۳. در مدارس ماهایانا و ذن، سوره قلب یا پراجنا پارامیتا هری دایا خوانده می‌شود. شرح بیشتر درباره پراجنا پارامیتا در کتاب ع- پاشائی «پراگیا پارامیتا یا فراسوی فرزاندگی».

۱. ع- پاشائی - فراسوی فرزاندگی (پراگیا پارامیتا) صفحه ۴۳

2. Vagracchedica Prajnaparamita (Heart Sutra)

3. Sabuti

و در شش مجمع توضیح داده شد. بعضی از این متون نیز و با الهام از اولین مترجم متون به چینی یعنی آن‌شی گائو ترجمه شد که اثری است بنیادی.

(ج) دایانا

یکی دیگر از آموزش‌های آن‌شی گائو تکنیک دایانا است که توسط ا. لینک^۱ ترجمه و جمع‌آوری شده است. آنتونینو فورته در کتابش به آن اشاره دارد. پیشگفتار آن سنگهویی راهب و مترجم چینی دوره آن‌شی گائو و تکنیک‌های او (آن‌شی گائو) درباره ذهن آگاهی^۲ تمرینات تنفسی^۳ و تمرین دایانا^۴ از قرن دوم تا چهارم تحت عنوان بودیسم دوره «هان» توسط ا. لینک ترجمه شده است. آن‌یان شویی جینگ یا تمرینات تنفسی آنایانا رابطه مستقیم با دایانا دارد. در حقیقت دایانا با یک موضوع مراقبه آغاز می‌شود و آگاهی بر تنفس یکی از موضوعات تمرکز است. دایانا که آن را نیز منتسب به آن‌شی گائو می‌دانند چیست؟ دایانا یک واژه سانسکریتی است و معادل آن به پالی سمداهی یا جهاننا، به چینی «چآن» به ژاپنی «ذن» به انگلیسی مدیتیشن و به فارسی «مراقبه» است. دایانا یک اصطلاح بنیادی در آموزه‌های بودا است. عادت به تمرکز دادن فکر و اختیار آن به خود انسان از نیازهای بشر به حساب می‌آید. بشر ممکن است به خیلی چیزها احتیاج نداشته باشد و یا به بعضی چیزها خیلی کم نیاز داشته باشد اما به مراقبت از خویش همواره نیاز دارد. ذن

1. A. Link

2. Mindfulness

3. Anapana

4. Dhyana

یا چآن یا مراقبه (دایانا) در حقیقت شاهراهی است که فرد با طی طریق کردن آن خود را بهتر می‌فهمد از اینکه «من کیستم؟»، «من چیستم؟» هدف یک مراقبه‌کننده روشن‌بینی کامل ذهن شخصی است، فرایندی که به تدریج درون و بیرون موانعی که برای خودش ایجاد کرده است روشن می‌سازد. یعنی ذهنیت‌های خود را به عینیت تغییر می‌دهد. این عمل نه نماز است و نه خشنود کردن یک قدرت الهی و غیره. بلکه آشکار سازی «خویشتن» واقعی است. آزادی ذهن یک فرد از توهم «خودشیفتگی» است. آنچه که هستیم نتیجه الگو و ساختار پیشین است و آنچه خواهیم بود به اکنون ما بستگی دارد. چنانچه با ذهن خیالی زندگی خود را ادامه دهیم نباید انتظار داشته باشیم که به واقعیت برسیم. واقعیت هم اکنون و اینجا است، ذهن ما، بدن ما. این ساختار و این الگو، ما را به شناخت بیشتر خودمان رهنمون می‌کند و نیاز نیست نگران آینده باشیم.

وقتی که فکر درست باشد عمل برخاسته از آن نیز درست خواهد بود. انسان احساس می‌کند که چیزی در او هست و رای نام، لقب، عنوان‌های ظاهری است. چیزی که او را از سایرین و حتی نزدیک‌ترین فرد به او متمایز می‌سازد و آن خویشتن واقعی و منحصر به فرد خود او است که نمی‌داند کیست، از کجا آمده و به کجا خواهد رفت. به همین جهت به محض اینکه فرصتی می‌یابد که بیندیشد آن موقع احتیاج به شناخت خویش در او روشن می‌شود. دایانا کشف آن جزء از وجودمان است که به صورت نیمه‌روشن و ناآگاهانه داشته‌ایم و بدون اینکه بدانیم که چه بوده و در چه زمانی آن را از دست داده‌ایم و هم اکنون در حال احیاء آن هستیم. می‌توانیم آن را راهی برای دستیابی به قوای بالقوه بشری مان یا نزدیک‌تر شدن به خود و به حقیقت بنامیم، یا راهی برای رسیدن به ظرفیت بیشتری برای دوست داشتن و مهر ورزیدن و رغبت

به زندگی و یا برای افزایش قدرت دید و عملکرد موثرتر در حیطه واقعیت‌ها قلمداد کنیم.

در دایانا یک آموزش فنی وجود دارد که ذهن باید کاملاً ساکن و بی‌حرکت باشد تا شعور یا آگاهی بتواند از «پنهان بودن» آزاد گردد و خود را نشان دهد. دایانا نوع تفکری است که جریان بی‌وقفه اندیشه در جهت رسیدن به تمرکز عالی را دارد و به آن جهت می‌دهد. بدون تمرین دایانا رسیدن به عالی‌ترین مرحله آگاهی غیرقابل کسب است. به مفهوم عام هر حالت جذب یا به‌طور عمیق در بحر چیزی فرو رفتن، تمرکزی است که از تمرین دایانا حاصل می‌شود. ذهن تمرکز یافته از طریق دایانا قادر است بر بدن نیز اشراف کامل داشته باشد و زیر ذره‌بین خود آن را مشاهده کند.

دایانا را نباید به مفهوم عادی و متداول یک فلسفه یا یک تمرین مذهبی دانست. دایانا سیستمی نیست که بر مبنای منطق و تحلیل استوار باشد. از آنجایی که تمرین دایانا جمع‌وجور کردن فکر در یک نقطه است بنا براین با تفکر دوگانه‌اندیشی مخالف است. منظور از دایانا اساساً این است که ذهن خودش را تربیت کند و آن را تحت سلطه خود قرار دهد و این مهم را از طریق درون‌نگری ماهیت آن به اجرا بگذارد. درون‌کاوی ذهن یا روان، هدف اصلی چآن چینی است. بنابراین دایانا در مفهوم عادی‌اش چیزی بیش از مراقبه یا مدیتیشن معمولی است. تمرین دایانا شامل باز کردن دیدگان ذهن است تا بتواند از طریق آن به دلیل هستی پی برد.

ابزار دایانا را همه در اختیار دارند. به درون خود خیره شوید و آن را در خود بجوید بدون اینکه به کسی متکی باشید. ذهن شما بالاتر از همه صورت‌های ذهنی قرار می‌گیرد و برای درک حقیقت (حقیقت از

خود) کافی است. چنین ذهن تربیت شده‌ای به‌طور مرئی و نامرئی خود را متحول می‌کند. در پرتو همین ذهن تعلیم یافته همه چیز قابل جذب و دریافت است. با چنین ذهن پالایش شده‌ای خود را درگیر خوب و بد، زشت و زیبا، درست و نادرست و غیره نمی‌کنیم. مستقیم به اعماق هویت ذهن بودایی خود فرو می‌رویم. به این خاطر وقتی آن‌شی گائو از پارس به چین وارد شد دایانا را نه تنها معرفی کرد بلکه آن را آموزش داد. در بودیسم چینی «دایانا» یا به واژه دیگر «چآن» کاربرد بسیار وسیع دارد و شامل تمرینات مدیتیشن، تمرینات کسینا^۱، ویپاسانا و سایر تکنیک‌ها می‌شود^۲. بعدها چینی‌ها واژه دایانا را به چآن تغییر دادند که هم اکنون به بودیسم چینی معروف است.

(د) آیاتانا

یکی دیگر از آموزه‌هایی که به آن‌شی گائو نسبت داده‌اند آموزش آیاتانا است که شرح کامل آن در کتاب «راه پالایش درون»^۳ توسط بودا گوشا داده شده و در این جا فقط اشاره‌ای به آن می‌شود. آیاتانا یعنی حوزه‌ها، که بیشتر در زمینه در روانشناسی کاربرد دارد و مورد استفاده است و در آبهی داهما از آن به تفصیل صحبت شده است.

۱. کسینا یعنی یک حلقه کامل. کل، همه، ابزاری کاملاً بیرونی و کمک به مراحل اولیه مراقبه برای ایجاد یگانگی ذهن. ده کسینا از مراقبه اولیه عبارتند از: کسینه خاک، آب، آتش، باد، آبی، زرد سرخ، سفید، مکان، شعور (دانستگی).

2. Buddhist Meditation in Theory and Practice, by Ven. Paravahera Vajiranana, "Kasina Bhavana", Page 139-145, Published by M.D. Gunasena & Co., Ltd, 1962

3. the Path of Purification by Buddhagoshā, translated by Nanamoli

آیاتانا دوازده منبع فرآیندهای روحی است. پنج تا از آنها ارگان‌های حسی ما هستند به اضافه شعور «دانستگی». شش تای دیگر با شش عضو حسی هم ترازند، یعنی ارگان‌ها و موضوعات حسی مربوط به آنها. استاد ع. پاشایی آن را به شکل ساده بیان کرده است: {«سپهرها» نام چهار نگرش بی‌شکل، یا نامادی، است}. دوازده بنیاد یا «سرچشمه» است که جریان‌های روانی به آنها وابسته است، یعنی پنج اندام حسی تن و دانستگی (یا، منش)، که شش بنیاد شخصی اند (ajjhataka) و شش موضوع آنها، که بنیاد بیرونی اند (bahira)، یعنی:

چشم یا اندام بینایی	موضوع دیدنی، یا شکل‌ها
گوش یا اندام شنوایی	صدا، یا موضوع شنیدن
بینی یا اندام بویایی	بو، یا موضوع بودار
زبان یا اندام چشمنده	مزه، یا موضوع مزه‌دار
تن یا اندام لمس‌کننده	تأثر تن، یا موضوع لمس‌پذیر
بنیاد منش یا دانستگی	موضوع منش ^۱

(هـ) اسکاندا^۲

اسکاندا به سانسکریت و کاندا به زبان پالی: یعنی گروه، توده، انبوه، پشته، مجموعه، که به پنج اسکاندا معروف است یعنی پنج مجموعه یا پنج توده که این مجموعه را ناما-روپا (نام-شکل^۳) می‌گویند. پنج اسکاندا مجموعه «ذهن-بدن» است که ما به طور قراردادی آن را «نفس» یا «خود» می‌نامیم. یک فرد پسیکوفیز یولوژیک یعنی مجموعه ذهن-بدن که «من» را تشکیل

می‌دهد. پس آنچه که من یا به من گفته می‌شود مجموعه‌ای است از این دو. برای نمونه، کالبد ما، تمام عوامل روحی (روانی) یعنی افکار، احساسات، خاطرات و شخصیت‌مان همه و همه در یک مکان انباشت می‌شوند (شده‌اند) که سازنده «من» هستند. از این رو «من» مجموعه‌ی پنج اسکاندا است. به لحاظ فنی پنج اسکاندا به قرار زیر تقسیم می‌شوند: یک سازنده فیزیکی یعنی کالبد و چهار عامل یا سازنده روحی یعنی (احساسات، ادراک، شکل‌گیری روحی و شعور «آگاهی») است.

آن‌شی گائو به نقل از تفسیر بودا «آتالا کھانا سوتا»^۱ یا سوره آتالا می‌گوید، ما تصور می‌کنیم پنج اسکاندا «من» ثابت و پایدار است در حالی که آنها «خود» واقعی ما نیستند. آنها صرفاً میزبانانی هستند که به اشتباه آنها را میهمان می‌نامیم. این میزبانان، حضوری ناپایدار و موقتی دارند که ظاهر می‌شوند و ناپدید می‌گردند اما آنها صاحب‌خانه یا میزبان نیستند^۲. برای نمونه، افکار و احساسات ما (یعنی بخشی از پنج اسکاندا) به طور کامل به ذهن سرازیر می‌شوند و به همان سادگی از ذهن خارج می‌شوند. آنها در ذهن ظاهر می‌شوند و همان‌جا ناپدید می‌گردند. آن‌قدر ناپایدارند که حتی نمی‌توان آن را برای مدت کوتاهی در ذهن نگاه داشت. حال، از آنجایی که آنها می‌آیند و می‌روند، از آنجایی که ظاهر می‌شوند و بلافاصله ناپدید می‌گردند، در ذهن جاری می‌شوند و سپس خارج می‌گردند، آنها ناپایدارند و از این رو فقط میهمان‌اند. بنابراین ذهن واقعی یا ذهن اصیل یعنی ذهنی که میزبان افکار و احساسات ناپایدار هستند که «آگاهی» نام دارد این آگاهی و باخبری شکلی از ذهن است که هشیار است و به تحولات و فعل و انفعالات

۱. بودا، آئین، انجمن: نوشته ع. پاشایی- صفحه ۴۴۵ انتشارات مروارید ۱۳۶۸

2. Skandha (S) , khandha (P)

3. Nama-Rupa

1. Anattalakkana Sutta

2. AnbanSouyi Jing, in (JIABS) Commentary, by prof, Stefano Zacchetti

افکار و احساسات آگاه است.

از آنجایی که تصور می‌کنیم که این پنج اسکاندا ما هستیم، از آنجایی که ما فکر می‌کنیم که این افکار و احساسات «من» است، همین باعث برقراری یک حس کاذب و یک شناخت کاذب از «خود» می‌شود که در نفس واقعیت چنین نیست. از این رو پنج اسکاندا «خود» یا «نفس» کاذب است که به آن ذهن کوچک یا ذهن کمتر می‌گویند. بنابراین سوره آنا تا لاکهانا می‌گویند که پنج اسکاندا «خود» واقعی مان نیست، یعنی «ناما-روپا» «خود» حقیقی‌ام نیست. سوره آنا تا لاکهانا نمی‌گوید که «نفس» یا «خود» وجود ندارد. نفس یا «خود» وجود دارد ولی ناپایدار است.^۱

و) آن‌بان‌شویی‌جینگ

آن‌بان‌شویی‌جینگ یکی دیگر از مهم‌ترین ترجمه‌هایی است که آن را به آن‌شی‌گائو نسبت می‌دهند. کتابی است مقدس متعارف درباره اصولی‌ترین تمرین کنترل فکر یعنی آنا‌پانا ساتی^۲ و مبحث ذهن آگاهی^۳ است. کنترل فکر و مایندفولنس دو مقوله کاملاً فنی هستند که هم اکنون به اشکال مختلف نه تنها در سطوح معابد بودایی و تکنیک بودایی تمرین می‌شود بلکه به عنوان ابزاری موثر برای مهار ذهن در بسیاری از دانشگاه‌ها و فرهنگستان‌های غیرمذهبی نیز توصیه و تاکید شده است.

آن‌بان‌شویی‌جینگ یکی از پرنفوذترین کتاب‌های مقدس که به نقل

1. Buddhist Meditation in theory and practice, by ParavharaVijiranaMaha Thera

۲. آنا‌پانا ساتی یعنی آگاهی مستمر و بدون وقفه بر تنفس (بر دم و بازدم)

۳. ذهن آگاهی یا حضور در لحظه (مایند فولنس Mindfulness). تکنیکی است از هشیاری تمام عیار بر دنیای برون و درون

از پروفیسور آرتور لینک^۱ در کتاب زورچر به موثق بودن آن در رابطه با آن‌شی‌گائو اشاره دارد. آنتونینو فورته نیز بر این موضوع تاکید نهاده است.^۲ گفته می‌شود که آن‌بان‌شویی‌جینگ اولین ترجمه آن‌شی‌گائو است که فنون آن نیز به چینی‌ها داده شد و نهادینه گردید. موضوعاتی که آن‌شی‌گائو ترجمه کرده در کتاب «راه پالایش درون»^۳ نیز تفسیر شده است.

ویشودهی ما گایا راه پالایش درون از آیین مدرسه تراوادا است که در قرن ۴۳۰ بعد از میلاد توسط بودا گوشا تالیف گردید و سپس توسط نانا مولی راهب انگلیسی از پالی به انگلیسی برگردانده شد. به تعبیر بزرگان مدرسه تراوادا، این کتاب فشرده‌ایست از آموزه‌های بودا در تئوری و عمل و شامل سه بخش است. (۱) اخلاق، (۲) تمرکز، (۳) حکمت.

فصل اول قوانین انضباطی و رفتار انسانی را تشریح می‌کند که به سرشت انسان مربوط است و قابل تغییرند. فصل دوم مربوط به تمرین تمرکز و موضوع مراقبه (کاماتانا) است. در این فصل چهل موضوع مراقبه عنوان شده که از میان آن‌ها تمرینات تنفسی «آنا‌پانا ساتی» بیشتر مورد توجه است و به‌طور گسترده تشریح شده است. فصل سوم یعنی از بخش سه تا فصل هفت به توضیح و تفسیر پنج اسکاندا، آیتانا، پراتی‌تیاسامو‌پادا، تمرین وی‌پاسانا^۴ (خویششتن‌نگری) و موضوعات متعدد دیگر می‌پردازد

۱. پروفیسور آرتور لینک knil.ruhtra چینی‌شناس با مطالعه بر افکار آسیای شرقی که یکی از مطالعات او بررسی آن‌بان‌شویی‌جینگ و ارتباط آن با آن‌شی‌گائو است. برای مطالعه بیشتر، رک. A «new» early Chinese Buddhist commentary, the nature of the Da Anbanshouyijing [..](JIABS)

2. An Iranian Family in China, by Antonino Forte, 1995- page73

3. The Path of Purification "Visshudimaga".

4. Vipassana

که منجر به پرورش خرد می‌شود. هفت مرحله پاک‌سازی در این متن مقدس آمده که شرح آن‌ها در این دفتر نمی‌گنجد و برای دانش بیشتر در این زمینه‌ها می‌توان به منبع اصلی مراجعه کرد.^۱

آن‌ها شویی جینگ مجموعه‌ای است در دو بخش که کم‌وبیش به هم مربوط هستند: (۱) آنا پانا ساتی، (۲) مایندفولنس.

مایندفولنس که برگردان آن به فارسی یعنی، ذهن آگاهی، ذهن‌ورزی، حضور در لحظه یا حضور ذهن است و در این‌جا، جنبه روانشناسی، از زاویه درمان و آرامش فکر مد نظر است. حضور در لحظه اصطلاحی در روانشناسی است و به معنی توجه کردن عمدی به زمان حال بدون لحظه‌ای مکث و فاصله. البته این عمل در مورد کودکان و بچه‌ها صدق نمی‌کند چون اعمال آن‌ها خود به خودی است و هیچ اراده‌ای بر آن حاکم نیست. بچه‌ها و کودکان ذهن آگاهی را بر حسب سرشت خود و به‌صورت خودجوش انجام می‌دهند. تمرین ذهن آگاهی برگرداندن ذهن اشغال شده به ذهن دوران کودکی در عالیترین سطح آرامش است. مایندفولنس ریشه در آموزش بودایی دارد که در فرهنگ غرب به‌خوبی جا افتاده و در روانشناسی و روانکاری به اشکال مختلف از آن استفاده می‌شود.

مایندفولنس یا هنر درست زیستن، هدیه‌ای است از طرف بودا که دوهزار و پانصد سال پیش به جهانیان ارزانی داشت و توسط آن‌شی گائو در چین احیاء شد. ذهن آگاهی یا ذهن‌ورزی شکلی متفاوت از نگاه به زمان اکنون و حضور دائم در آنچه که هم‌اکنون رخ می‌دهد. گرچه این آموزش در کتاب‌های مقدس بودایی جا دارد اما درعین حال یک

1. Path of Purification (Vishuddimagga), by Bhaddanta Ariyaratne, translated from Pali to English, by, Bhikku Nanamoli, Taiwan, Taipei.

آرامش معنوی پایدار بدون اعتقاد دینی یا باور به قدرت‌های مافوق است. یعنی هرکس از هر فرقه، دین، نژاد، رنگ، ملیت می‌تواند آن را در زندگی روزمره خود به‌کار گیرد. منحصر و محدود به یک دیدگاه مذهبی و فلسفه خاصی نیست. فقط آگاه بودن در زمان و توجه کردن یک پارچه به موضوعات مادی و روحی است. ذهن آگاهی درعین حال سرنوشت‌ساز نیز هست چرا که ذهن تخیلی و موهومی را به ذهنی واقع‌گرا و واقع‌بین تبدیل می‌کند و راه و روش خود را بر عین حقیقت استوار می‌سازد و سرنوشت خود را می‌سازد. حضور در لحظه معنی‌اش یعنی نگاه داشتن آگاهی لحظه به لحظه بدون هیچ فاصله میان‌فکری، آگاهی به افکار، احساسات، به بدن و ذهن، به احساس‌های فیزیکی در چارچوب ساختار فیزیکی مان و اشراف کامل بر جایگاه در آن مستقر هستیم است. ذهن آگاهی «پذیرش» را نیز دربر می‌گیرد بدین معنی که به افکارمان، احساساتمان بدون کوچک‌ترین پیشداوری توجه داریم یعنی آن‌ها را همان‌گونه که هستند، بدون واکنش به آن‌ها، بدون تغییری در آن‌ها می‌پذیریم مشاهده عینی بدون تعصب و جبهه‌گیری.

به‌طور خلاصه مایندفولنس یعنی:

- دیدن اشیاء و پدیده‌ها بدون تبعیض و تعبیر. یک مشاهده کننده خاموش از هر آنچه در زمان حال رخ می‌دهد.
- مشاهده درون و برون و ثبت آن در ذهن.
- بودن در کانون زمان حال و کوک کردن واقعیت درون و برون.
- رسیدن به آرامش بدون وابستگی مذهبی و اتکاء به قدرت‌های مافوق.

- تعیین سرنوشت.

– سرآغاز ورود به اولین بیداری و جرقه‌ی روشن‌شدگی که در مدارس ذن به شکل خاص تمرین می‌شود.
– فکر روزمره‌ی ما، حالتی کاملاً طبیعی برای مشاهده کردن و اندیشیدن و اینکه در نفس واقعیت «من کی هستم»، «من چی هستم» می‌تواند با ابزار مایندفولنس بهتر شناخته شود.

– درمان و رهایی از وسواس، اوهام، حالت مالیخولیایی، افسردگی، تشمت فکری، خرافات، تصورات و بسیاری از بیماری‌های عصبی دیگر.
– تمرین ذهن‌آگاهی یک «نااندیشیدن» و یک تمرین بی‌ذهنی است. نااندیشیدن هنگامی میسر است که از درگیری با ذهن برحذر باشیم. ذهن و اندیشه چیزی نیست که انسان خود را به آن مشغول دارد. اندیشه‌ها و احساسات مانند پرندگانی هستند که در آسمان تصوراتمان در پروازند. می‌آیند و می‌روند و اثری از آن‌ها نمی‌ماند. ذهن آگاه فقط می‌تواند بر آن‌ها (افکار) اشراف داشته باشد بدون اینکه در آن‌ها دخالتی داشته باشد. ذهن آگاهی یعنی ثبت تجربه‌ها اما سنجیدن آن‌ها با یکدیگر است.

آناپانا ساتی بخش دیگری از تفسیر آن‌بانشویی جینگ است که مورد توجه آن‌شی‌گائو بود. آناپانا به زبان پالی یعنی دم و بازدم و ساتی یعنی آگاهی، هشیاری، باخبری، ملتفتی، توجه و دقت. آناپانا ساتی یعنی آگاهی بر تنفس، آگاهی کامل بر دم و بازدم. اشکال مختلف تمرینات تنفسی که به طریقی تکامل یافتند از آناپانا گرفته شده است. آناپانا رابطه مستقیم با مایند فولنس دارد با این تفاوت که ذهن آگاهی تسلط و آگاهی کامل بر رویدادهای درونی و بیرونی است درحالی‌که آناپانا مهار فکر و تسلط کامل بر تنفس است. بنابراین در شرح آن‌بانشویی جینگ،

آناپانا فن آموزش ذهن و در دست گرفتن عنان اختیار به دست خودمان است. بودا آن را به‌عنوان راه و روشی کامل برای نائل شدن به بیداری مقدماتی و در نهایت به بیداری ناگهانی توصیه کرده است.^۱ در سوره ماهاساچاکا^۲ آمده که گوآتما بودهیساتوا با تمرین مداوم آناپانا به اولین مرحله جهاننا^۳ نائل شد. این شاهدهی است بر اینکه آناپانا ساتی مراقبه اصلی بودا بوده و وی در تلاشش به بیداری آن را تا نائل شدن به روشن‌شدگی کامل (سامیاک‌سام‌بودهی) در زیر درخت بودهی (درخت بیداری) انجام می‌داد. بودا بعد از بیداری به دیگران توصیه کرد که از همین طریق و تکنیک «بیداری» خود را خود به دست بیاورند.

در آن‌بان‌شویی جینگ و در آیین‌نامه یوگاچارا، «آناپانا» را به‌عنوان موضوع مراقبه (کاماتانا)^۴ و تمرین عمده مراقبه جهاننا دانسته‌اند چون نه تنها به گوآتما بودا بلکه به سایر بوداهای بعد از او کمک کرد تا به روشنگری دست یابند. بنابراین آناپانا ساتی به‌عنوان موضوع اصلی مراقبه [کاماتانا] به حساب می‌آید که در ادبیات پالی ثبت شده است. بر خلاف مراقبه‌های معمول غیربودایی که فقط بر روی یک موضوع خاص تمرکز می‌گیرند، آناپانا پلی است که باید و الزاماً به خویشتن‌نگری منتهی گردد و هر دو در یک مجموعه تمرین هستند.

۱. در مدرسه رینزای - ذن، بیداری ناگهانی را کنشو می‌گویند که ساتوری یعنی اولین بیداری را به دنبال دارد.

۲. سوره حقیقت کبیر Mahasacchaka

۳. جهاننا Jhana یعنی آسوده‌خاطری که از مراقبه حاصل می‌شود. فارغ‌البال بودن، نگرش. جهاننا همان دایانا Dhayana است.

۴. کاماتانا Kammathana یا موضوع مراقبه. در مدرسه رین زائی ذن به‌عنوان کوآن koan استفاده می‌شود.

دادند که شرح متفاوتی بود از تیشو تری پیتاکا شماره ۶۰۲^۱ که در معبد کوه آمانو گونگو^۲ کشف شد. این اثر چندین روابط کلیدی بین آن بان شویی جینگ و بعضی ترجمه‌های بعد از آن شی گائو را نشان می‌دهد که به ما کمک می‌کند محتوای این متن را به صورت فنی (تکنیکی) دریافت کنیم. این تکنیک شامل مراحل مختلف تمرینات تنفسی (آناپانا) است که به صورت ارقامی آموزش داده شده است.^۳

تکنیک آن بان شویی جینگ که بعدها به شکل‌های گوناگون تحول یافت با تنفس آغاز می‌شود یعنی آگاهی بر تنفس. ما به طور معمول نفس می‌کشیم اما به آن آگاه نیستیم. با آگاهی بر آن مهار ذهن و خودمان را به دست می‌گیریم. در عین حالی که آگاهانه نفس خود را دنبال می‌کنیم توجه و تمرکزمان بر منخرین بینی، جایی که نفس‌ها از آن داخل و خارج می‌شوند. در بعضی دیگر از مدرسه تعلیماتی تهر اوادا حوزه تمرکز بر شکم و حرکات بالا و پایین شکم است. نفس به داخل نفس به خارج، هوا را به آرامی وارد و به آرامی خارج می‌کنیم. چینی‌ها بعدها این نوع تکنیک تنفسی را تغییر دادند و به صورت تنفس‌های عمیق در آوردند. در دو مدرسه ذن یعنی رینزائی ذن و سوتو ذن هم اکنون از تمرینات تنفسی عمیق استفاده می‌کنند که به آن سوسوکان می‌گویند. هر دو تکنیک آناپانا و سوسوکان برای یک هدف مشترک تعیین شده و آن رسیدن به تمرکز ژرف برای حصول به سمادی و اهداف بعدی است که با هر دو تکنیک قابل حصول است. این عمل زمانی نتیجه خوب

در نیکایا^۱ به طور جامع تشریح شده که آن بان شویی جینگ مرکب از آناپانا ساتی و ویپاسانا باهاونا^۲ (مراقبه خویشتن‌نگری) است. تو گویی آن‌ها به هم پیوند خورده‌اند. گرچه تکنیک آناپانا، در مدارس تهر اوادا تمرین می‌شود اما شکل تغییر یافته و تکامل یافته آن در مدارس ماهایانا نیز مورد استفاده است. تکنیک ویپاسانا در بعضی از مدارس ماهایانا (سوتو ذن)^۳ آمده است.^۴

شیوه تمرینات تنفسی که در آن بان شویی جینگ تشریح شده است یک شیوه نظام‌مند و ساده‌ای است که از دیرباز تمرین می‌شده و هنوز سنت خود را حفظ کرده است. تکنیک‌های تنفسی که در آن بان شویی جینگ به آن اشاره شده است در جدول زیر خلاصه می‌شود.^۵

خلاصه تکنیک آن بان شویی جینگ

تمرین روحی - آموزه‌ی ارقامی

در سال ۱۹۹۱ شرح جدیدی از «آن بان شویی جینگ» داده شد که بعدها پژوهشگران و استادان مدیتیشن آن را به آن شی گائو نسبت

۱. نیکایا Nilaya بخشی یا پارهای از متون مقدس است که پنج بخش است: دیگانیکایا DighaNikaya، ماجه‌ما نیکایا MajjhimaNikaya، سامیوتا نیکایا SamyuttaNikaya، آنگوتارا نیکایا AnguttaraNilaya و کوداکا نیکایا KhuddakaNikaya

2. Vipassana Bhavana.

۳. سوتو ذن Soto-Zen: مدرسه ژاپنی بودیسم ذن که توسط دوگن بنیاد نهاده شد. سوتو ذن در مقایسه با رینزائی ذن یک مکتب تدریجی برای رسیدن به بیداری بودا است.

۴. شرح کامل آن بان شوئی جینگ و تکنیک کامل آناپا در کتاب Buddhist Meditation in theory and practice, by paravaharaVijirananaMahathera

۵. شرح بیشتر در مورد تکنیک «آن بان شوئی جینگ» در کتاب «ذن - موندو» اثر همین نگارنده.

1. Taisho Tripitaka No602

2. Mount Amano Kongo Temple

3. Textual Formation of the Newly Discovered Anban Shouyi Jing, By: Guo Huei. Assistant Professor of Dhamma Drum Buddhist College, Taipei-Taiwan

می‌دهد که ثبات ذهنی داشته باشیم یعنی وضعیت نشستن مان اصولی باشد و بدون کوچک‌ترین حرکتی ذهن مان را با تکنیک‌های مورد نظر جهت‌دار کنیم.

با در دست داشتن تکنیک حال نوآموز کاملاً به آمد و شد نفس‌ها آگاه است و اجازه نخواهد داد حتی یک نفس از آگاهی‌اش بگریزد. این تمرین را با شمارش آغاز می‌کند که مهار ذهن او مستحکم‌تر شود. این تمرین را با شمارش آغاز می‌کند: (۱) نفس به داخل، (۲) نفس به خارج، یعنی: (۱) دم و (۲) بازدم. این دم و بازدم را چند بار تکرار می‌کنیم: دوباره، (۱) دم و (۲) بازدم. و در عین حال تمرکز بر در ورودی بینی یعنی منخرین بینی است. دم و بازدم را یعنی شماره‌های ۱ و ۲ را چهار بار انجام می‌دهیم. مدت زمان نشست به اختیار شخص نوآموز است.

این تمرین برای مبتدیانی است که تازه شروع به تمرین کرده‌اند یا مایلند تمرین اصولی را از پایه یاد بگیرند.

مبتدی‌ها باید ابتدا با این تمرین‌های ساده آغاز کنند و عجله نداشته باشند تا به مرحله‌ی بعدی بپردازند. باید با بردباری تمرین کنند. این تمرین تا زمانی که ذهن بر شماره‌ها و نفس‌ها تمرکز داشته باشد ادامه دارد. دوباره شمارش می‌کنیم و تمرکز می‌گیریم.

در مرحله بعد دو شماره دیگر اضافه می‌کنیم. یعنی ۱ تا ۴ به جای ۱ تا ۲، یعنی: (۱) نفس به داخل (۲) نفس به خارج، (۳) نفس به داخل، (۴) نفس به خارج، (۱) دم و (۲) بازدم، (۳) دم و (۴) بازدم. برای تثبیت

۱. در مدارس ذن و مدارس ماهاپانا تمرکز بر روی شکم همراه با نفس‌های عمیق است. رک. به کتاب دیالکتیک ذن یا ذن - موندو از همین نگارنده.

این تمرین مدت زمان بیشتری به مراقبه می‌نشینیم تا اطمینان حاصل شود که به تمرکز اولیه دست یافته‌ایم. نوآموز، باید مهار ذهن‌اش را با آگاهی کامل ادامه دهد و سپس، شماره‌ها را در زمانی که به مراقبه نشسته است به این نحو تکرار کند.

در مرحله بعد دو شماره دیگر به شماره‌های بعدی اضافه می‌کنیم:

(۱) دم و (۲) بازدم، (۳) دم و (۴) بازدم، (۵) دم و (۶) بازدم.

و سپس دو شماره دیگر.

این شماره‌ها تا ده افزایش می‌یابد:

(۱) دم و (۲) بازدم، (۳) دم و (۴) بازدم، (۵) دم و (۶) بازدم، (۷) دم و (۸) بازدم، (۹) دم و (۱۰) بازدم.

خلاصه این تکنیک در جدول زیر چنین است:

۲-۱

۴-۳-۲-۱

۶-۵-۴-۳-۲-۱

۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

و این جدول شماره یک تا ده باید به‌طور ثابت پایه تمرین و تمرکز باشد تا به‌مرور شمارش‌ها از ذهن حذف شوند و فقط نفس‌های طبیعی و موزون احساس شود.

۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱

بنابراین وقتی که تصمیم گرفتید زمانی را به مراقبه اختصاص دهید

(پانزده دقیقه، نیم ساعت و یا بیشتر) کوشش کنید با شمارش‌های فوق یعنی از یک تا ده که در بالا توضیح داده شد شروع کنید و اطمینان داشته باشید که تمرکز در مرحله مقدماتی با شمارش آسان‌تر است. چرا در این نوع تمرینات برای تمرکز، از اعداد (شماره‌ها) استفاده می‌کنیم؟ پاسخ این است که ذهن مبتدی یا ذهن میمون‌وار ما، نمی‌تواند به خوبی تمرکز بگیرد و ما نمی‌خواهیم اجازه دهیم این ذهن، درگیر موضوعات نامربوط شود. برای تمرکز اولیه، ابزاری مصنوعی لازم است تا ذهن را از بازگشت بر الگوهای عادات قبلی، باز دارد. در حقیقت، ما ضمیر ناهوشیار خود را با ابزار اپایا^۱ فریب می‌دهیم که الگوی پیشین ذهن را با عادت‌های نیکو و نو، عوض نماید. گاهی اوقات، ما کودکان را به سود خودشان گول می‌زنیم، بنابراین همین کار را می‌توانیم با ذهن مان و به نفع خودمان انجام دهیم. بعضی‌ها تصور می‌کنند که ممکن است ذهن‌شان به اعداد (شماره‌ها) معطوف شود و موضوع اصلی، یعنی تمرکز را از یاد ببرند، اما چنین نیست.

نوآموز دو کار (شمارش و تنفس) را هم‌زمان باهم انجام می‌دهد و یک وضعیت مشروط می‌آفریند که ارادی است. هنگامی که مراقبه‌کننده در حال شمارش اعداد است، هم‌زمان، تنفس‌ها (دم و بازدم) را نیز دنبال می‌کند. به تدریج، وقتی ذهن، تنفس‌ها را عمیقاً بشناسد، شمارش‌ها

۱. اوپایا Upaya (ژاپنی: هوبن Hoben) کلمه‌ای است پالی، به معنای ابزار مهارتی، روش‌های خلاق یا وسیله‌ای برای شتاب بخشیدن به حالت عالی روحی. اوپایا، راه میان‌بر جهت رسیدن به هدف است، با ابزار و ترفندهای خاص، جهت فریب ضمیر ناهوشیار که ما را به هدف، نزدیک کند. ذن برای این کار، ابزارهای ویژه‌ای دارد که شتاب بیشتری به بیداری می‌دهد. در راه بودی یا بیداری، رهروان ذن را «مردان مهارت» می‌نامند. استراتژی، تاکتیک، ابتکار، نوآوری، ابزار، مهارت، کاردانی و غیره، نام‌هایی است برای اوپایا به منظور اینکه ما را به روشن‌بینی، سوق دهد. چنین ابزاری، در هیچ یک از روش‌های مراقبه دیده نشده است.

به‌طور خود به خود کم‌رنگ‌تر می‌شوند و آنچه باقی می‌ماند، تنفس پالایش شده و طبیعی است.

مقصود من از شمارش، کنترل کردن و مهار ذهن است. شمارش، وسیله‌ای است جهت رسیدن به هدف، نه خود هدف. شما معمولاً مشاهده کرده‌اید که اطراف چشم‌های اسب‌هایی که در فضاها شهری، مورد استفاده قرار می‌گیرند را با حفاظ‌هایی می‌بندند که موجب ترس آن‌ها نشود. این ابزار مصنوعی، به جهت مهار موقتی اسب است. هنگامی که اسب به محیط عادت کرد، حفاظ‌ها برداشته می‌شوند. به تدریج، اسب بدون واسطه‌ی حفاظ، آزادانه حرکت می‌کند.

به همین شکل، ذهن فرّار نیز، نیاز به ابزاری مصنوعی برای تمرکز دارد. بعد از اینکه کارآموز، ذهنش را متمرکز کرد، شمارش به‌طور خودکار ناپدید و محو می‌گردد و نفس‌های نامحسوس و موزون، باقی خواهند ماند.

بدون تردید این دوره‌ها که در دوره‌های مختلف (سه روزه، یک هفته‌ای، ده روزه، بیست و یک روزه، و سه ماهه یا «دوره بارندگی») قابل انجام است، هم درمان است و هم اشراق. در مرحله مقدماتی به عنوان درمان استفاده می‌شود. بیماری که آموزه‌ای را تجربه کرده و داروهای دراز مدت مصرف کرده، بدون اینکه نتیجه‌ای عایدش شده باشد، می‌تواند یک دوره‌ی کوتاه (دوره یک هفته‌ای و یا دوره ده روزه) را با تلاش پیگیرانه، تجربه کند. دیری نمی‌پاید که تغییراتی در خود خواهد یافت. بیماری‌هایی چون میگرن، وسواس، افسردگی، فشار روحی، بی‌خوابی، یا بیماری‌های حاد دیگر، حتی بدون تجویز قرص و دارو، بهبودی یافته‌اند. آموزه‌ی ارقامی، می‌تواند کمک زیادی بکند. در مرحله عالی و در دوره‌های دراز مدت (بیست و یک روزه، یک ماه، و سه

ماه) نیز می‌تواند شخص را به اولین جرقه روشن‌شدگی رهنمون سازد. شاید این تکنیک اگر نگوییم بهترین ولی یکی از بهترین و نظام‌مندترین تکنیک کنترل فکر در دو وجه آناپانا (از مدرسه تهرآوادا) و سوسوکان (از مدرسه ماهاپانا «ذن») است که فرد می‌تواند آن را به‌عنوان اهرمی قدرتمند و پُر نفوذ به‌کار گیرد.^۱

و اما اشاره‌ی کوتاهی به این متن. «آن‌بان‌شویی‌جینگ» یک متن بسیار کهن است و کسانی که کم‌وبیش با بودیسم اولیه و آموزه فنی آن سر و کار دارند آن را به‌عنوان پایه و اساس هر تمرین تنفسی (بودیسم و غیر بودیسم) به‌حساب می‌آورند. از میان چهل موضوع مدیتیشن (مراقبه) که در متون مقدس آمده تمرین تنفسی به‌عنوان موضوع اصلی به‌حساب می‌آید.^۲

«استفانو زاجتی» درباره درستی آن‌بان‌شویی‌جینگ اظهار می‌دارد: «در سال ۱۹۹۹ اطلاعات ما درباره آن‌بان‌شویی‌جینگ (و در حقیقت، ادبیات بودیسم اولیه در چین به‌طور گسترده) به‌طور شگفت‌انگیزی تغییر پیدا کرد و آن زمانی بود که یک پژوهنده‌ی ژاپنی به نام «کاجیورا سوسوما»^۳ دو دست‌نویس (طومار A و طومار B) باهمان مضمون در معبد کونگوچی^۴، معبدی که در حوزه اداری اساکا^۵ قرار گرفته بود

۱. شرح کامل تکنیک آن‌بان‌شویی‌جینگ «آناپانا» و تکنیک سوسوکان در کتاب «دیالکتیک ذن» از این نگارنده.

۲. موضوع مراقبه یا کاماتانا Kammathana معادل «کوآن» در ذن برای رسیدن به اولین جرقه بیداری است.

3. Kajiura Susuma

4. Kongo ji

5. Osaka

کشف کرد.^۱ تاریخ این دست‌نویس به زمانی بین قرن یازدهم تا سیزدهم بعد از میلاد بر می‌گردد که شامل مهم‌ترین بخش‌هایی می‌شود که پیش از آن عملاً در متون و دست‌نویس‌های اولیه چین ناشناخته بود.

پژوهش‌های بعدی از این طومارها ثابت کرد که متون جدیدی که این طومارها داشتند دارای سه ترجمه و یک تفسیر در تاریخ اولیه چین گم شده‌اند که به احتمال زیاد منتسب به آن‌شی‌گائو و حلقه او بوده است. تمام این متن و تفسیر در سال ۲۰۰۴ در اوچیای^۲ منتشر شد. (ص ۱۸۳-۲۲۸)

یکی از دست‌نویس‌ها دارای عنوان «آن‌بان‌شویی‌جینگ» و به‌طور مسلم دو دست‌نویس بعدی به همکاران ترجمه آن‌شی‌گائو مربوط می‌شود.^۳

با توضیحاتی از موثق‌ترین منابع درباره نحوه انتقال اندیشه عرفانی به چین و ارائه عالی‌ترین روش تمرین برای مهار ذهن و ورود به حوزه «بی‌ذهنی» توسط فرزانه‌ای از سرزمین پارس برگرفته از فرهنگ تاریخی‌مان در می‌یابیم که نقطه‌نظرهای برجسته و بسیار مهمی در زمان‌های دور و توسط نیاکان ما بیان شده که نه تنها در تضاد با علم امروز نیست بلکه دقیقاً در راستای نفع معنوی عموم بوده و به همین جهت هر روشنفکر و هر خردمندی را وایدارد که این دستاوردها را برای عموم بازگو و تفسیر کند.

من لازم نمی‌بینم در اثبات گفته‌هایم در این نوشتار، تمام آنچه را که

1. See Kahiura 2001

2. Ochiai

3. Prof. Stefano Zacchetti, A "New" Early Chinese Commentary (P. 422-423) Published by "JIABS"

پروفسور زاجتی، آتونینو فورته، اریک زورچر، پائول پلیو و بسیاری دیگر که درباره آن‌شی گائو تحقیق و تفسیر کرده‌اند بازتاب دهم و از منابع آن‌ها با آب و تاب سخن بگویم. اما چنانچه به عنوان یک محقق و یک نویسنده با تجربه چنین توانایی و فرصتی را داشتم با کمال میل چنین می‌کردم و برگی از تاریخ را رقم می‌زدم. اما در کمال تواضع باید بگویم که به اندازه توانایی و دانشم می‌نویسم و ذهن هموطنانم را معطوف به این حقیقت می‌کنم و انگیزه‌یی در آن‌ها به وجود می‌آورم و باورم بر این ضرب‌المثل ایرانی استوار است که «عقل را اشارتی کافیت» و خوش‌بین و امیدوارم که دیگران راغب‌تر از من در جست‌وجو خواهند بود. این درست به مانند دو امدادی یا مسابقه‌ی امدادی است که با تلاش بسیار و با دوندگی زیاد می‌توانم مشعل روشنگری را به دونده و جوینده‌ی بعدی بسپارم که به مقصد برساند. چرا هدف همه‌ی ما انتقال پیام است.

منابع در این زمینه زیادند و می‌توانند به راحتی در دسترس قرار گیرند و این یک علاقه و یک تعهد خردمندانه را می‌طلبد. اما شوربختانه اطلاعات بیرون آمده‌ی پژوهشگران هیچکدام به زبان فارسی ترجمه نشده‌اند که بتوان به راحتی به آن‌ها دسترسی داشت و حتی بعضی از این نسخه‌های خطی (نسخه‌های اصلی) در آرشیو کتابخانه بعضی از دانشگاه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شوند و شاید این متون غیر فارسی معتبرترین سند و گواه بر این قضیه باشد که این افشاگری توسط افراد غیر ایرانی و نویسندگان بی‌طرف صورت گرفته است که فقط خواسته‌اند از تحریف تاریخ جلوگیری کنند. منابع داده شده هم غنی‌اند و هم موثق که می‌تواند هر محقق علاقمندی را به تحقیق بیشتر بکشانند، اطلاعاتی به مراتب پُر محتواتر و پُر مغزتر از آنچه در این دفتر

کم‌حجم و ناقص آمده است. منابع آن‌چنان قابل تحقیق‌اند که به راستی یک گروه محقق را برای بررسی و تفسیر آن‌ها می‌طلبد، تا آگاه‌سازی را شفاف‌تر سازد.

تغییر و تحول فرهنگ کشور بزرگی مانند چین، آن‌هم توسط یک شاهزاده ایرانی و نوادگانش که مورد ستایش پژوهشگران، نویسندگان به‌ویژه خود چینی‌ها بوده، باید هوشمندانه‌ای مورد توجه حقیقت‌یابان به‌خصوص ایرانیان برای نشان دادن غیرت ملی‌شان باشد که در صورت لزوم آن را پی‌گیری کنند. درست است که این «طریقت» در سرزمین ما نه به عنوان یک مذهب و بلکه یک راه‌رهای و رستگاری به دلایلی ناشناخته معرفی و تثبیت نشد، اما توانست در خارج از مرزها، یعنی در شرق و جنوب شرقی آسیا (کشورهای چین، ویتنام و کره) تاثیری بس شگرف بگذارد و می‌تواند دوباره به وطن باز گردد. وظیفه‌ی ما به‌طور کلی این است که از جنبش‌های انسان‌گرایی و مکاتب اخلاقی که خلاقیت ایرانیان در آن نقش داشته و سرنوشت‌ساز نیز بوده دفاع کنیم و میراث فرهنگی خود را به هر طریق ممکن زنده نگه داریم. در اشاعه چنین دست‌آورد فرهنگی بکوشیم، همچنان که در دوهزاروپانصد سال پیش، کورش بزرگ ایده نجات انسان‌ها را در سر داشت. این رویدادهای تاریخی به دست ما زنده می‌شود و این تعهدی است ملی که باید نه تنها با صدای بلند بلکه در ابعاد وسیع‌تر در رسانه‌ها بازتاب داده شوند.

خواه آن‌شی گائو یک هم‌وطن بوده باشد یا خیر، خواه یک راهب مذهبی بوده و یا خیر، باید بدون جانبداری نژادی یا تعصب ملی‌گرایی پذیرفت که ایده‌هایی را او با الهام از بودای تاریخی در شرایطی به جامعه وسیع چین انتقال داد که بعدها باعث عظمت فرهنگی و مکتبی

این سرزمین شد. بودیسم چینی تحت عنوان «چآن» از آمیزش اندیشه‌ی بودایی در نیمه‌های قرن دوم با مکاتب کهن این سرزمین به صورت یک مکتب جهان شمول درآمد که اندیشه بودایی مظهر آن بود.

متأسفانه دانش بسیاری از ما در مورد بودیسم و در سطوح علمی آن چنان گسترده و عمیق نیست که بخواهیم تفاوت‌ها را در مقایسه با مدارس فکری دیگر دریابیم و وقتی به تحول بودیسم در کشور چین اشاره می‌کنیم شاید آن را فقط محدود به چند آموزه ابتدایی بودا در حد موعظه و اندرزهای بایدها و نبایدهای معمول کنیم که کم‌وبیش هر شخص عادی از آن مطلع است. اما وقتی وارد تعالیم ژرف و عالی‌ه آن می‌شویم باید دانش علمی ما برای درک آن بالا باشد. به طور یقین دانش بودا به عنوان معلم کبیر و روشن شدگان بعد از او که تفسیرهای زیادی داشته‌اند در یک کتاب یا چند موعظه خلاصه نمی‌شود.

ما نمی‌توانیم گذشته‌هایمان را، به ویژه گذشته‌های تاثیرگذار تاریخی مان را، با چنین دستاوردهای سرنوشت‌سازی، کم اهمیت تلقی کنیم یا نا دیده بگیریم. اگر دانشوران و فاضلان خارجی به آن باور دارند و به آن احترام می‌گذارند و تفحص و تفسیر دارند چرا ما نه؟ ما به منظور اینکه بدانیم در کجای این سیاره و در میان ملل مختلف قرار گرفته‌ایم باید به هویت اصلی خود نیز نیم نگاهی داشته باشیم و بدانیم چه میراث‌های معنوی از نیاکانمان به جایی مانده است. کم توجهی به اصل و ریشه‌مان بی‌حرمتی به ماهیت گذشته و کنونی مان است. لازم است که به جزء جزء فرهنگ مان آگاه باشیم و هر واقعه مثبتی را که در ساختار عمومی و به نفع عموم پی‌ریزی شده است در شعور جمعی مان ثبت کنیم. من به عنوان یک راهب که مدت‌ها است در مدرسه بودیسم تحصیل می‌کند و به طور اتفاقی به حقایق کشف شده پی برده است و در طول دوره

تعلیماتی‌ام در کشورهای گوناگون با استادان مختلف بودیسم به طور عام و بودیسم‌دن به طور خاص تمرین کرده‌ام، به راستی برایم مایه مباحثات است که یک فرد پارسی، پرچم سپید صلح بودا و پیام برابری و برادری او را در کشور پهناور چین برافراشت و جهانی را از این ندای مهر و یگانگی بهره‌مند ساخت و چنین تحولی را ایجاد نمود. این در حالی است که تاریخ عمومی ناباورانه درباره آن سکوت کرده است.

اشتیاق من به این روشنگری به دو دلیل عمده است: یکی اینکه به لحاظ تاریخی، آن‌شی‌گائو نقش بسیار برجسته‌ای در تاریخ مذهبی و فرهنگی نه تنها چین بلکه ژاپن، کره، ویتنام، و نواحی دیگر بوده است. و دوم تکنیک‌ها و فنونی که این راهب پارسی بعد از ترجمه‌های متونش به عنوان ابزاری عملی به چینی‌ها آموزش داد مانند (آن‌بان‌شویی جینگ و آبهی‌داهما پیتاکا و آموزه‌های دیگر). شاید من به عنوان یک راهب که مدت‌هاست در زمینه بودیسم هم به روش تهر اوادا و هم ماهایانا در معابد مختلف این دو مدرسه بودایی تعلیم دیده‌ام و در بسیاری دیگر آموزش نیز داده‌ام شاید کمی بیشتر از یک بودیسم عام به اهمیت جنبش فرهنگی آن‌شی‌گائو کنجکا و بوده باشم.

آنانی که به طریقی با تمرینات تنفسی و تمرینات ذهن آگاهی (مایندفولنس)، چه به شکل نظام‌مند و چه غیرسیستماتیک چه در صومعه‌های بودایی و چه به صورت اکادمیک آشنایی دارند و یا آن را تعلیم دیده یا داده‌اند تردیدی به خود راه نمی‌دهند که بر آن ارج نهند و آن را محترم شمارند. اما شخصی چون من که سال‌هاست آن را مطالعه کرده‌ام و به تمرین آن پرداخته‌ام شاید برایم کمی بیشتر از دیگران ویژه‌گی داشته باشد. این را نیز اضافه کنم که من به دنبال جمع کردن افراد به عنوان سیاهی لشکر در تقویت یک مذهب یا ایدئولوژی نیستم و در

ور نظر در هر دو کردند بهم
 هر دو یک سیمرغ بودی بیش و کم
 بود این یک آن و آن یک بود این
 در همه عالم کسی نشنود این
 آن همه غرق تحیر ماندند
 بی فکر وز تفکر ماندند
 چون ندانستند هیچ از هیچ حال
 بی زفان کردند از آن حضرت سؤال
 کشف این سر قوی در خواستند
 حل مایی و تویی درخواستند
 بی زفان آمد از آن حضرت خطاب
 کاینه ست این حضرت چون آفتاب
 هر که آید خویشتن بیند درو
 جان و تن هم جان و تن بیند درو
 چون شما سی مرغ این جا آمدید
 سی درین آینه پیدا آمدید
 گر چل و پنجاه مرغ آید باز
 پرده ای از خویش بگشاید باز
 گرچه بسیاری به سر گردیده اید
 خویش را بینید و خود را دیده اید
 چون شما سی مرغ حیران مانده اید
 بی دل و بی صبر و بی جان مانده اید
 تا که می رفتند و می گفت این سخن
 چون رسیدند و نه سر ماند و نه بن
 لاجرم این جا سخن کوتاه شد
 ره رو و ره برنماند و راه شد

من، راهب بودایی پارسی معبد زرد از شهر هفتم گذشتم.
 من شاهزاده ای پارسی بودم.
 من آن شی گائو بودم.
 من راهب بودایی دهدشت،
 شاهزاده ای پارسی به نام آن شی گائو بودم که بودا شدم.
 زمین و آسمان در نوری شاد و زرین شناور بود. نور بود و نور بود و
 دیگر هیچ.
 شش سال تمام تنها پروانه های رنگین بال بودند که در نور
 می رقصیدند.

در میان آن همه نور اما درختی بود.
 ریشه در ژرفای خاک سیاه و شاخه در بلندای نور.
 درختی که شاخ و برگش سر سوی شرق و غرب نور داشت.
 نور بیکران.
 سپس یکصد و هشت فرشته از نور فرود آمدند
 و بانویی نقره پوش از میان شان چون نیلوفری روید

دانستم که؛

- ❖ بودیسم چینی تا قرن ها آن شی گائو را به عنوان استاد فنون «مراقبه»
 و ترجمه ی سوره های مهم بودایی به حساب می آورد.
- ❖ آن شی گائو استادان بودایی بزرگی به عنوان استادان «چآن» به چین
 و جهانیان عرضه کرده است.
- ❖ آن شی گائو اندیشه خود را با الهام از بودا با اندیشه تائویی و
 کنفوسیوسی در آمیخت و نتیجه آن پیدایش نطفه «چآن» یا بودیسم چینی
 در آن سرزمین شد.

✿ آثار او هم در ادبیات چرخ کوچک «هینه‌یانا» است و هم در چرخ بزرگ «ماهایانا» آمده است.

✿ آبهی داهما می‌تواند به وسیله‌ی علما، فضلا، دانشمندان، متفکرین، و هواداران فلسفه و روانشناسی مورد مطالعه قرار گیرد و مورد استقبال واقع شود.

✿ آنچه که مدرسه ماهایانا را از مدرسه هینه‌یانا (تراوادا) متمایز می‌سازد تفسیر سوره پراجنا پارامیتا است که توسط مدرسه ماهایانا ارائه داده شده است.

✿ ذن یا چآن یا مراقبه (دایانا) در حقیقت شاه‌راهی است که فرد با طی طریق کردن آن خود را بهتر می‌فهمد از اینکه «او کیست» یا «او چیست».

✿ هدف یک مراقبه‌کننده، روشن بینی کامل از ذهن شخصی است، فرایندی که به تدریج موانعی را که برای خودش ایجاد کرده است روشن می‌سازد.

✿ آنچه که هستیم نتیجه الگو و ساختار پیشین است و آنچه خواهیم بود به اکنون ما بستگی دارد.

✿ دایانا کشف آن جزء از وجودمان است که به صورت نیمه‌روشن و ناآگاهانه داشته‌ایم و بدون اینکه بدانیم که چه بوده و در چه زمانی آن را از دست داده‌ایم و هم‌اکنون در حال احیاء آن هستیم.

✿ آن‌بان‌شویی جینگ که ترجمه آن را نیز به آن‌شی‌گائو نسبت می‌دهند کتابی است مقدس و متعارف درباره اصولی‌ترین تمرین کنترل فکر یعنی «آنا‌پانا-ساتی» و مبحث «ذهن‌آگاهی».

✿ پیوست

نازنینان؛ آن‌شی‌گائو اینجاست. در آیینی روبه روی شماست. به پیوست روایت‌مان چند کلمه‌ای بیشتر درباره‌ی منابع دیگری باهم خواهیم خواند. آیین در آیین است این جهان. بازار آیین است این جهان.

توضیحاتی بیشتر در مورد آن‌شی‌گائو و منابع دیگر

ابعاد وسعت ترجمه‌های آن‌شی‌گائو محدود به چند کتاب کوتاه و یا چندین دست‌نویس نیست بلکه وسیع‌تر از آن است که تصور می‌رود. به هر تحقیقی که توسط پژوهشگران برمی‌خوریم از کتاب‌هایی رونمایی می‌کنند که نسبت به آنچه که قبلاً از او نقل شده بیشتر و غنی‌تر است و از این پژوهش‌ها چنین استنباط می‌شود که ترجمه‌های وی آن‌گونه که باید و شاید آشکار نشده‌اند و این یک علاقه و یک تعهد فرهنگی و

روشنفکرانه را می‌طلبد که بنا به ضرورت باید پی‌گیر آن شد و به واسطه اهمیت آن لازم می‌آید بر روی آن‌ها توجه ویژه داشت.

باید دانست که چه ویژگی‌هایی در این راهب پارسی بوده که پژوهشگران تلاش داشته‌اند که او و آثار او را معرفی کنند.

(۱) به‌عنوان اولین مترجم متون بودایی به چینی و تحولی که او در بودیسم چینی به وجود آورد.

(۲) شاهزاده‌ای که درست به سان بودا ساکیامونی ترک تاج و تخت کرد که به مردم رنج‌دیده کمک کند.

(۳) اهمیت ترجمه‌های او که برای مدت‌ها از نظر دور مانده بود و می‌تواند به آیین بودا شتاب بیشتری ببخشد.

(۴) نگاه به یک راهب پارسی (غیر هندی) راهبی با دو نگرش عمیق به دو مدرسه مهم بودایی یعنی تهرآوادا و ماهایانا.

(۵) به‌عنوان اولین آموزش‌دهنده آبهی داهما (آموزش عالی بودا) در چین.

(۶) نقش او در شکل‌گیری بودای چینی.

(۷) تأثیرگذاری بودای چینی به اندیشه تائوئیسم.

(۸) یک بودهیساتوا.

این‌ها و نمونه‌های این‌چنینی فاضلان غربی و شرقی را بر آن داشت که از او سخن بگویند از او بنویسند و او را از تاریکی در آورده و به جهانیان معرفی کنند. به‌طور یقین بودند و هستند کسانی که به‌طور جداگانه شرح حال وی را بررسی کرده‌اند و از او صحبت به میان آورده‌اند، اما شوربختانه این منابع هنوز به زبان فارسی منتشر نشده و بنده نیز به پاره‌ای از آن‌ها دست یافتم که آن‌ها را لازم اما کافی نمی‌دانم و نیاز به یک تفحص و کندوکاو متعهدانه دارد که می‌تواند

توسط فرهیختگان فارسی‌زبان اشاعه یابد. در همین راستا به مقاله‌ای برخوردیم که توانست دریافت‌هایم را پر بارتر و شفاف‌تر کند یعنی سمیناری ویژه‌ای که در سال ۱۹۹۶ در دانشگاه لیدن هلند برگزار شد و فرصتی یافتیم که ابتدا خلاصه متن را عیناً بازتاب دهم و سپس مقوله‌ها و واژه‌های آن بحث و جدل‌ها را که به‌طور فشرده مطرح شده بود با توجه به دانش‌آم در این زمینه بازتر کنم.

در ادامه این تلاش‌ها درمی‌یابیم که در حال حاضر توجه روزافزونی به نوشته‌ها و جنبش فرهنگی آن‌شی‌گائو شده است و پژوهشگران بودایی که هم اکنون به اهمیت او و آثارش پی برده‌اند در تلاش‌اند که در وهله نخست آن‌ها را ساده و قابل فهم کنند و سپس آن را در سرتاسر جهان گسترش دهند. این پژوهشگران، همچنین فرآیند تحول مدارس مختلف بودایی و شکل‌گیری ماهایانا را نیز دنبال می‌کنند. در دستیابی به بعضی متون کهن در این زمینه که هم اکنون از زیر توده‌های خاک بیرون کشیده شده است، پژوهشگران به نتایج جالب و آموزنده‌ای دست یافته‌اند یعنی آثاری که مدت‌ها پنهان بود و شاید در شرف محو شدن بود به یکباره در رأس توجه قرار گرفت. به‌طور مسلم نشست‌های متعددی به اشکال مختلف در این زمینه انجام شده است که توجه من به بعضی از آن‌ها جلب شد و واجب دانستم بخش‌هایی از آن‌ها را گویاتر و شفاف‌تر نشان بدهم.

در همین رابطه کنفرانس‌ها، گردهمایی‌ها و جلساتی انجام شد از آن‌جمله سمینار فرهنگی که در تاریخ نوزدهم و بیستم دسامبر ۱۹۹۶ (به‌مدت دو روز) و با حضور جمعی از دعوت‌شدگان در دانشگاه لیدن

در هلند صورت گرفت تحت عنوان «آثار آن‌شی گائو»^۱. این گردهمایی توسط پروفیسور تیلمان^۲ و تر از دانشگاه لیدن برگزار و سرپرستی شد و توسط پائول هاریسون^۳ جمع‌بندی شد و خلاصه آن در خبرنامه‌ای با همین عنوان منتشر گردید. گفته‌اند که این سمینار با کمک مالی ILAS و به سرپرستی پروفیسور تیلمان ارنست و تر سازماندهی شد.

در این سمینار دانشوران و پژوهشگرانی از ژاپن، آلمان، ایتالیا و آمریکا بودند و پیشنهاد شده بود که هر یک مقالات و اندوخته‌های خود را درباره آن‌شی گائو در آن جلسه ارائه دهند. حتی از پروفیسور آنتونینو فورته از مدرسه مطالعات آسیای شرقی ایتالیا واقع در کیوتو و نویسنده کتاب «خانواده ایرانی در چین»^۴ که در آن زمان در قید حیات بود و اطلاعات پُر باری در این زمینه داشت دعوت به عمل آمد تا از تجربیات و دریافتهای خود درباره این شاهزاده پارسی صحبت کند که به دلایلی حضور نداشت. اهمیت حضور آنتونینو فورته از این جهت بود که وی دلایل محکم و ارجاعات زیادی در این زمینه داشت که می‌توانست معماهایی را درباره حضور آن‌شی گائو در چین و آثارش از آنچه که او بررسی و تحلیل کرده بود رمزگشایی کند گرچه وی آن‌ها را به روشنی در کتاب و مقاله‌هایش بیان کرده است. او برای اثبات گفته‌هایش به منابع ادبی، منابع سنگ‌نبشته‌ای و فرهنگ‌های موزون استناد می‌کرد.

ابتدا برگردان متن اصلی خبرنامه را همان‌گونه که هست درج می‌کنم

1. The Works of An Shigao

2. Prof. Tilman Vetter

3. Paul Harrison

4. An Iranian Family in China, by Antonino Forte, 1995

و سپس به شرح کامل آن می‌پردازم چرا که ممکن است مقوله‌ها و واژگانی که در آن‌ها آمده که برای بعضی از خوانندگان چندان آشنا نباشد و نیاز به شرح بیشتر دارد که به اندازه بضاعت و دانشم آن‌ها را بازتر خواهم کرد. و باز برای بازتر کردن موضوع و اعتبار بخشیدن به اظهار نظرها، ابتدا به معرفی فعالیت فرهنگی پائول هاریسون می‌پردازم که فشرده‌ای است از این سمینار که او به صورت خبرنامه منتشر کرده است. و سپس به برگزارکننده این سمینار یعنی پروفیسور تیلمان ارنست و تر^۱ می‌پردازم. هدفم بازی با واژگان و اصطلاحات غریب و به‌رخ‌کشیدن دانش در این زمینه نیست یا اینکه خواسته باشم موضوع را به نفع خودم مهم جلوه دهم بلکه تکیه بر منابعی است ناب و معتبر توسط کسانی است که تاریخ و فرهنگ پارسیان را به از بنده شناخته‌اند و دستاوردهای آن‌ها می‌تواند درسی به مورخین تاریخ که در این زمینه تحریف کرده‌اند بدهد و رویدادها را که همان‌گونه که هست با ژتاپ دهند.

بعد از بحث‌های سمینار، پائول هاریسون در یک جمع‌بندی آن را به‌گونه زیر در خبرنامه این‌گونه منتشر کرد: «عالمان بودایی و چینی‌شناسان به‌طور یکسان آن‌شی گائو را یک شخص مشهور می‌دانند. شاهزاده‌ای اهل ایران که در سال ۱۴۸ بعد از میلاد و در زمان سلسله «هان» وارد پایتخت، لئو یانگ شد و مدت دو تا سه دهه آثار بودایی را به زبان چینی ترجمه کرد. او اولین مترجم عمده در چین بود. یک پیشکسوت و آغاز کننده یک مجاهدت واقعی که قرن‌ها پیش یک

۱. تیلمان ارنست و تر Tilman Ernst vetter (۱۹۳۷-۲۰۱۲): پروفیسور دانشگاه لیدن در بخش زبان و فرهنگ آسیای مرکزی و جنوبی بود. پیش‌تر در موسسه تبت‌شناسی و مطالعات بودایی زبان پالی و چینی در دانشگاه وین و دانشگاه اوترخت هلند کار می‌کرد. او کتاب و مقالاتی در زمینه بودیسم ماهایانا و تهرآوادا به رشته تحریر در آورده و نقدهای ادبی در این زمینه از کارهای او است.

ویژه‌گی عظیم از ادبیات بودایی را ارائه داد. گرچه بسیاری از آثارش به‌خوبی در معرض دید همگان قرار نگرفته است اما اهمیت آن‌ها در زبان نمی‌گنجد و فراسوی شک و تردیدها است. از زمانی که بسیاری از متون بودایی در سرزمین اصلی گم و ناپدید شدند، نسخه چینی همراه با رونوشت‌های تبتی آن، منبعی برای تحقیق و تفحص در تاریخ بودیسم، آیین، تشریفات و غیره می‌شوند.

پائول هاریسون ادامه می‌دهد: «بررسی این ترجمه‌ها کاری بس دشوار است و بسیاری از جنبه‌های فرایند ترجمه، به‌ویژه در دوره‌های اولیه، به‌طور کامل درک نشده‌اند. در حقیقت، این دوره توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است چرا که پژوهشگران بودایی همچنان سعی در بررسی شیوه گسترش این آیین در سراسر آسیا، تحولات شعبه‌ها و مدارس بودایی و ابتدای شکل‌گیری ماها یانا دارند. در این جا قدیمی‌ترین منابع نتایج جالبی را بدست می‌دهند و در نتیجه، ترجمه‌های آن‌شی گائو، که برای مدت‌ها به‌عنوان آثاری گنگ و ابتدایی تلقی می‌شدند، در راس توجه پژوهشگران قرار گرفته‌اند.» در نتیجه، این سمینار فرهنگی که توسط پروفیسور تیلمان وتر از دانشگاه لیدن ارائه می‌شود و حمایت مالی آن از طرف بنیاد خبرنامه ILAS صورت می‌گیرد سعی در ارزیابی وضعیت آن‌شی گائو و کارهای وی و تشویق به انجام مطالعات بیشتر در باب این موضوع دارد که مدت‌هاست ناگفته باقی مانده است.

پژوهشگرانی که بر روی شخصیت آن‌شی گائو و حوزه‌های مرتبط کار کرده بودند برای شرکت در این گردهمایی محققین از ژاپن، آلمان، ایتالیا و آمریکا دعوت شدند تا مقالات خود را در این زمینه طی دو روز ارائه نمایند. علاوه بر مخاطبین قابل توجه محلی، این سمینار توجه متخصصان دیگر مطالعات بودایی از اروپا و ژاپن را هم به خود جلب

کرده و این نوید بحثی زنده و پویا را می‌دهد.

او می‌گوید: «خود آن‌شی گائو همانند آثارش مشکل‌زاست و باعث تاسف است که پروفیسور آنتونیو فورته از مدرسه مطالعات آسیای شرقی ایتالیا واقع در کیوتو قادر به حضور در این مطالعه گروهی نبود. کتاب اخیر او، «مهاجر، آن‌شی گائو و نوادگانش»، (کیوتو، ۱۹۹۵)، اشاره به یک معما کرده است و آن اینکه چرا مورخان ظاهراً هیچ ارتباطی بین شاهزاده‌ی مهاجر آن‌شی گائو و جد بزرگ خاندان معظم «آن An» پیدا نکرده‌اند. درحالی‌که منابع غیر مذهبی و بسیاری از پژوهشگران، این شاهزاده را براساس ارجاعات معتبر و داده‌های واقعی به‌خوبی معرفی کرده‌اند. آن‌شی گائو، شاهزاده‌ی پیشین، و رواج‌دهنده، پیشروی آیین بودا در چین که باید از او در منابع بودایی بهتر از این یاد شود، نادیده گرفته شده است.»

منابع تاریخی در مورد دستاوردهای قابل توجه وی به‌عنوان یک مترجم سکوت اختیار می‌کنند درحالی‌که منابع بودایی هرگز به جایگاه وی به‌عنوان یک مهاجر و یک پدر که نوادگانی از خود به‌جای گذاشت اشاره‌ای ندارند، و این تنها مشکل در ارتباط با فرد آن‌شی گائو نیست. درحالی‌که این گردهمایی پژوهشگران بیشتر تمرکز خود را بر ترجمه‌های آن‌شی گائو گذاشته بود، مسائل فردی تر و شخصی هم گهگاهی مورد اشاره قرار می‌گرفتند.

«آشنایی و تعامل فرقه‌ای آن‌شی گائو در مقالات مختلف جلوه زیادی داشت. اینکه آن‌شی گائو با مکتب قدرتمند و گسترده سرواستی وادین^۱ ارتباط داشته به‌نظر تابه‌حال مورد پذیرش بسیاری است ولی چندین نفر هم اشاره به‌دقت بیشتر در بحث در این مورد کردند. مقاله نوشته

1. Sarvastivadin

است، می پردازد و نتیجه می گیرد که این امر کاملاً محتمل است. این امر مورد توافق عموم قرار گرفت که آن‌شی گائو کاملاً می توانسته یک سروستی وادین ماهایانیست باشد ولی تحقیقات بیشتری در این حوزه نیاز است.

هایان‌هو-وون هینوبر (فرینبرگ) به بازیابی برخی مطالب مربوط به زندگی نامه آن‌شی گائو و شواهد (Prajna Paramita) پرداخت که یک انتساب تردید برانگیز است و ممکن است نکاتی را در مورد رابطه وی با ماهایانا نشان دهند. در حالی که زندگی نامه‌ها به ما چیزهای بیشتری در مورد آیین بودایی چینی به نسبت آن‌شی گائو می گویند، برخی ترجمه‌های منتسب به پارتی‌ها باید دوباره ارزیابی شوند قبل از آنکه بتوان آن‌ها را کاملاً کنار گذاشت.

با اتخاذ مسیری متفاوت، یامابه نوبیوشی (ساگا) در مقاله‌اش اشاره کرد است که آن‌شی گائو ممکن است با سنت اولیه یوگا چارا مرتبط بوده باشد. عبارت یوگا چارا در این جا نه به مکتب ماهایانا بلکه به مایسین‌های آن یعنی تمرین‌کنندگان یوگا در سارواستی وادین اشاره دارد که سعی در نظام‌مند کردن مدیتیشن بودایی کردند. تشابهات بین متون خاص ترجمه شده توسط آن‌شی گائو و کارهای مختلف و بعدی یوگا چاراه‌ها، از دیدگاه یامابه، نه تنها پیوستگی و دل‌بستگی به یک مکتب مشترک بلکه ارتباط با یک جنبش جدید در حوزه مدیتیشن را نشان می دهد.»

دستکاری‌های متنی

سخن‌گویان دیگر اشاره به وجود ترجمه‌های خاصی توسط این استاد

چنز-اوه هارتمن (برلین) در مورد تفسیر آن‌شی گائو از آرتا ویشنارا-سوترا توجهات را به این مطلب معطوف کرد که آن‌شی گائو دو متن را از بخش شش سوره‌ی دارگا آگام^۱ ترجمه کرده بود و این بخشی است که تنها در نسخه آسیای مرکزی این آگاما یافت شده است و به احتمال زیاد همان سروسوتوادین یا «مال سروسوتوادین»^۲ است. لامبرت اشمیت هاوسن (هامبورگ) هم مقاله‌اش را معطوف با آشنایی این شخص با چنین مکتبی داد و از نسخه ترجمه شده آن‌شی گائو ماهایانیدانا-سوترا به عنوان اساس کار خود استفاده کرد و به این امر اشاره کرد که همخوانی بین آن و سایر نسخه‌های شناخته شده دیگر سارواستی وادین به خودی خود نشانگر پیوستگی و وابستگی نیست تنها به این خاطر که عبارات و پاراگراف‌ها شکل اصلی متن مبدأ را حفظ کرده است. علاوه بر ارائه مثال‌های متعددی از چنین همخوانی‌ایی، وی به بحث در مورد مسائل متنی متنوعی در نسخه این سوترا تألیف شده توسط آن‌شی گائو پرداخته است. در این جا هم همانند کنفرانس‌های دیگر، توجه به علاقه و گرایش آن‌شی گائو و سایر مترجمان اولیه به تغییر تفاسیر به دلایل سبکی و دلایل دیگر داده شد.»

پائول هاریسون ادامه می دهد: «سوال دیگری که آنتونیو فورته در کتابش مطرح کرده این است که آیا آن‌شی گائو از «هینه‌یانا» یا «ماهایانا» پیروی کرده است یا خیر. وانگ بانگ وی چینی به بررسی شواهد التزام وی به ماهایانا اولین منابع بودایی به زبان چینی که در آن به شخص آن‌شی گائو به عنوان یک بودهیساتوا بالا مقام، جهت‌گیری اصول وی و محتوای برخی کارهای جنجال برانگیز وی اشاره شده

1. Dargah Agama Sutra

2. Mul-Sevastivadin

پارتی کرده‌اند. مقاله پائول هاریسون تلاشی در جهت بزرگ کردن دایره آثار آن‌شی گائو با پیشنهاد گنجاندن سامیوکتاگام (Samyuktāgam) یعنی مجموعه‌ای که در حال حاضر به دوره وو-وی (Wu-Wei) نسبت داده می‌شود در آثار وی (۲۶۵-۲۲۰ بعد از میلاد) بود. اگر این امر پذیرفته شود، این یک الحاق مهم به مجموعه آثار وی است ولی چندین مشکل در ارتباط با این مجموعه در وضعیت فعلی آن وجود دارند که برخی را، همان‌طور که هاریسون نشان داده، می‌توان با اعمال یک تکنیک باز چینش جدید به نسخه موجود تایشو رفع کرد.

حتی در کارهایی که درستی و اعتبار آن‌ها به‌طور کلی مورد پذیرش است، مشکلاتی از نظر متن وجود دارند که این توسط تالمن وتر (لیدن) در مقاله‌اش در باب نسخه‌ی آن‌شی گائویی (Stipattana Sutra) مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به اینکه این اثر در دو نسخه حفظ شده است، امکان بازنگری و ویرایش دوباره این متن را در اختیار محققان قرار می‌دهد. این فرایندی تواند یک متن غنی‌تر نسبت به نسخه موجود را در اختیار محققان بگذارد و به‌عنوان الگویی برای تحقیقات آتی به‌کار رود. در عین حال، این امر نشان دهنده دستکاری متنی است که همه کارهای آن‌شی گائو ممکن است دچار آن شده باشند و نیاز به دیدگاهی سازمان‌یافته‌تر به آن‌هاست.

چنین دیدگاهی باید در مورد هر نوع اظهار نظر باقی مانده‌ای در مورد ترجمه‌های آن‌شی گائو هم مد نظر قرار گیرد که در مقاله استفانو زاجتی (شهر ونیز) در مورد (Yin chi ru jing) و نقد آن در قرن سوم نشان داده شد. این «چکیده مطالعاتی» نوشته این استاد پارتی، مانند چندین کار دیگر این چینی، دارای نقاط گنگ زیادی است ولی دارای مطالب بسیار ارزشمندی است. درحالی‌که این اثر توضیحات کلامی

ارائه شده توسط آن‌شی گائو را شامل می‌شود ولی در عین حال، یک منبع دست اول از پیشرفت و گسترش آیین بودای چینی در دهه‌های بعد از مرگ وی هم به شمار می‌رود. به‌طور مشابهی، مقاله‌ای در باب Tao Te Ching، ترجمه‌ای ناقص از سوره‌ای مربوط به یوگا چارا بهومی^۱ که توسط فلورین دلینو (هیراکاتا-شهراساکا) ارائه شد اشاره به نقش آن‌شی گائو به‌عنوان مروج آموزه‌های موجود در مدیتیشن به بودایی‌های چینی کرد و همچنین اشاره به الزام در نظر گرفتن کارهای وی که در آن‌ها جنبه‌های مختلف راه مدیتیشن مورد بررسی قرار گرفته‌اند در کلیت آن‌ها کرد.

یکی از نکات برجسته این سمینار توجه خاص ریچارد سولومون (از سیاتل) به تمام دست‌نوشته‌های باستانی بودایی بود که اخیراً به دست کتابخانه بریتانیا رسیده بود. این امر با مطالعات آثار آن‌شی گائو مرتبط است چرا که دست‌نوشته‌ها تقریباً به همان دوره زندگی وی بر می‌گردند و شامل آثار اصلی سارواستی وادین می‌شوند. پروفیسور سولومون توانست به مقایسه متنی با معادل آن در آثار آن‌شی گائوپیردازد و دریافت که این دو کاملاً همخوان نیستند. با این حال چون که همه متون گنجانده شده در این مجموعه کاملاً شناسایی نشده‌اند، فرد باید به یاد داشته باشد که مجموعه آثار اصلی سرواستی وادین در قرون اول و دوم بعد از میلاد بسیار با یک مجموعه واحد و استاندارد شده فاصله داشتند.

این سمینار به تصویری پیچیده از آن‌شی گائو، اولاً به‌عنوان یک مترجم برجسته که شکل جدیدی از زبان چینی و واژگان جدیدی را بنا نهاد که از آن‌ها مؤلفه‌های متعددی توسط سنت‌های بعدی بودایی

1. Yogacara-Bhumi

تفسیر من از سمینار

لازم است که ابتدا شخصیت هایی که بحث های این جلسه را برگزار و جمع بندی کرده اند معرفی کنیم و در عین حال تلاش شان را در بازشناسی این فرزانه ایرانی به جهانیان ستود. و همچنین لازم است که از فعالیت های فرهنگی آنها بیشتر بدانیم.

پل هاریسون، پروفیسور مطالعات مذهبی جورج ادوین برنل است. در زادگاهش زلاندنو و نیز کشور استرالیا تحصیل کرد. او متخصص ادبیات بودایی و تاریخ به ویژه آشنا به مکتب ماهایانا است و استاد در مطالعات دست نوشته های بودایی به سانسکریت، چینی، تبتی است. وی در بسیاری از پروژه ها برای احیاء، ویرایش، و ترجمه دست نویس های کشف شده در افغانستان و پاکستان نقش داشته است. او نویسنده کتاب سمادهی «رویارویی مستقیم با بوداهای کنونی» است و مقالات متعدد در روزنامه ها درباره متون مقدس و دست نوشته ها است. او همچنین ویرایشگر یک رشته دست نویس های مجموعه شوین^۱ می باشد. طرح های اخیر پائول هاریسون شامل ویراستاری و ترجمه شماری از سوره ها و ساستراهای دست نوشته متون بودایی ماهایانا از جمله واجراچدیکا (سوره الماس) و ویمالا کیرتی نیز هست و همچنین مطالعه عمومی موضوعات معتبر انتقال متنی و نوآوری در بودیسم ماهایانا است. پائول هاریسون نائب رییس مرکز مطالعات بودایی «هو» از مطالعات بودایی استانفورد است.^۲ پائول هاریسون با راهبان ارشد بودایی به مدت دوازده سال زندگی کرد و بر بسیاری از فلسفه ها و زبان های آسیایی آشنا

۱. مجموعه شوین (Schoyen Collection) یک سری دست نویس از سراسر جهان با پنج هزار سال قدمت از فرهنگ و تمدن انسانی است که در آن ثبت می شود.

2. Ho Center for Buddhist Studies at Stanford.

در چین باقی مانده اند، بعد به عنوان یک استاد آبهی دارما^۱ و متخصص مدیتیشن که جامعه تازه شکل گرفته بوداییان چینی را با رمز و رازهای یوگای بودایی آشنا می کرد رسید. این امر مورد توافق همه قرار گرفت که آن شی گائو احتمالاً از نظر پیروی فرقه ای یک سارواستی وادین بود است و از نظر جهت گیری روحی یک ماهایانیست بوده است. با این حال، معماهای زیادی باقی مانده اند که باید حل شوند. علاوه بر این، در خلاصه پایان این کارگاه، آنموتو فومیو (از شهراوزاکا) به این امر اشاره کرد که بسیاری از مسائل اساسی مرتبط با ادبیات پایه بودایی و انتشار آن در چین نیازمند طبقه بندی است قبل از آنکه بتوان نقش آن شی گائو را به طور کامل درک کرد. هیچ شکی نیست که این سوالات و میراث غنی ترجمه های آن شی گائو همچنان برای مدت ها ذهن پژوهشگران بودایی را به خود معطوف خواهند کرد.^۲

این خلاصه ای از گفتمان بود که توسط پائول هاریسون به صورت «خبر نامه» منتشر شد و نگارنده این دفتر خوش اقبال بوده که توانسته است به طور اتفاقی این خبر نامه را دریافت کند. حال به بررسی و شرح بیشتر این سمینار مهم می پردازیم.

1. Abhidharma

– پروفیسور جنز هووه هارتمان Prof, Dr. Jens Hwe Hartmann هندشناس و ایران شناس آلمانی.
– سوره ای در بودیسم ماهایانا که داستان بودا را بازگو می کند تا موعظه او در پارک آهوان نزدیک بنارس.
– دیرگا ما آگاما Dirghama Agama یعنی مجموعه ای از سوره های مقدس بودا، مجموعه سوره های بلند، شامل سی و دو سوره یکی از کهن ترین متون بودایی مربوط به سرواستی وادا. آموزشی که می گوید، «همه چیز هست». مدرسه هینه یانا از این مدرسه بیرون آمده است.
– اصطلاح آگاما به مجموعه ای از گفتارهای بودا اشاره دارد که ترجمه چینی آن نیز موجود است. جوهر اصلی آن به سانسکریت بوده که بعد از ترجمه آن به چینی هنوز بخش قابل توجهی از آن به تبتی و قندهاری برگردانده شده است.

2. The «Work of An Shigao», by Paul Harrison- Leiden, the Netherland, December 19-20, 1996-(IIAS Newsletter No 12)

بود. اهمیت دادن او به شاهزاده پارسی به واسطه همخوانی مطالعات وی در زمینه سمداهی با یکی از آثار و آموزه ای آن‌شی گائو است که تحت تاثیر این متن قرار گرفت و کنجکاوی وی را برای تحقیق بیشتر برانگیخت.^۱ او هم کنون در این زمینه به تدریس مشغول است.

شخصیت دیگری که سمینار را مدیریت کرد تیلمان ارنست وتر بود.^۲ تیلمان وتر در دوم ماه مارس ۱۹۷۳ در شهر فورتزهایم در ایالت بادن- و ورتمبرگ^۳ در کشور آلمان متولد شد. او در دانشگاه لیدن در هلند تدریس می‌کرد و به سه زبان سانسکریت، چینی و تبتی مسلط بود و از سال ۱۹۷۴ تا دوهزار پروفیسور دانشگاه لیدن در بخش زبان‌ها و فرهنگ آسیای میانه و جنوبی بود. او همچنین متونی را به چینی، پالی و تبتی ترجمه کرده است. هدفش این بود که آموزش بودا را تا آن‌جایی که ممکن است احیاء کند. در حین مطالعه، به مقوله اسکاند^۴ در رابطه با آثار آن‌شی گائو برخورد کرد و باتوجه به سایر آثار او، تیلمان تلاش کرد این شاهزاده پارتی را به دور از هر جبهه‌گیری معرفی کند و ناگفته‌های او را در رابطه با دو مدرسه هینه‌یانا و ماهایانا، در جلسه به بحث بکشاند. به این منظور از کسانی که از آن‌شی گائو و آثارش می‌دانستند و نوشته بودند، دعوت کرد که به دانشگاه بیایند و اندوخته‌های خود را در این باب ارائه دهند. این گردهمایی فرهنگی در تاریخ بیستم

۱. یکی از آموزه‌های آن‌شی گائو که مورد توجه است تکنیک دایانا است. تمرین دایانا در آموزش آن‌شی گائو به سمداهی منجر می‌شود.

2. Prof. Tilmann .E. Vetter (1937-2012)

3. Pforzheim, Vurtemberg- Baden

۴. Skanda(S), Khandha(P) = پنج عنصر

هستی ساز (پنج بخش هستی) یا پنج وابستگی.

و بیست و یکم سپتامبر ۱۹۹۶ به سرپرستی او انجام شد و محور این گردهمایی، آن‌شی گائو بود. اینکه آیا جلسات یا گردهمایی‌های دیگری بعد از آن انجام گرفته باید آن را پیگیری کرد.^۱

پروفیسور ریچارد.ج. سالومون Richrad.G.Salomon که در سال ۲۰۱۴ از طرف دانشگاه وین در اتریش به رئیس انجمن بین‌المللی مطالعات بودایی منصوب شد. بعد از انتصاب به سوئیس، لوئیزانا و سایر شهرهای دیگر سفر کرد و در سمینارهای مختلف شرکت کرد. او اطلاعات ویژه‌ای از آثار آن‌شی گائو داشت که در سمینار فرهنگی دانشگاه لیدن در هلند مطرح نمود. پروفیسور سالومون دست‌نوشته‌های کهن بودایی را بخش مهمی از پژوهش و تحقیقات خود به شمار می‌آورد به ویژه آثاری که با ترجمه‌های آن‌شی گائو همخوانی داشت. یکی از این تحقیقات متن اصلی سرواستیوادین منتسب به آن‌شی گائو بود. از آن‌جایی که تحقیقات پروفیسور در این زمینه روشن بود نظرات ارزشمند او مورد استقبال حاضرین در جلسه‌ی قرار گرفت.

پروفیسور وانگ بانگ وی Wang Bangwei مرید و شاگرد جی شیانلین^۲ پیشکسوت مطالعات هندی در چین بود. جی شیانلین، چینی‌شناس، متخصص زبان‌شناسی، خط‌شناس، مورخ، و نویسنده که مورد احترام و قبول دو دولت چین و هند بود. وانگ بانگ وی زیر نظر این استاد درس خواند. مطالعات هند و چین را با الهام از استادش فرا گرفت و هم اکنون یکی از بهترین پژوهشگران در مطالعات بودایی و هند است. وانگ بانگ‌وی دکترای خود را در سال ۱۹۸۷ از دانشگاه پکن

۱. از مقاله چنین استنباط می‌شود که جلسات دیگری هم بوده که نگارنده این دفتر از آن بی‌خبر است و به محض دریافت اطلاعاتی آن را بازتاب خواهد ساخت.

2. Ji Xianlin

قدرتمندترین گروه‌های صومعه‌ای بود که در سرتاسر شمال غربی هند و آسیای میانه شکوفا شد. به نقل از ادبیات بودایی سارواستی وادینها در شورایی در پاتالی پورا^۱ یا پاتنا^۲ ی کنونی منشعب شدند. سارواستی وادا برگرفته از واژه سانسکریتی ساروام آستی^۳ است که معنی آن در اصل یعنی «همه هست» یا همه چیز وجود دارد و حقیقی هستند. این مدرسه که این نام را بر خود گذاشته است می‌پرسد:

آیا ذات یا نهادهای مجزای دارما^۴ (عناصر یا سازنده‌های سرشت یک چیز) فقط در زمان حال وجود دارد؟ سارواستی وادینها خود پاسخ می‌دهند که، گذشته در زمان حال تجلی می‌یابد و آینده از زمان حال تبعیت می‌کند. بنابراین هر سه زمان، و یا عناصر هر سه زمان موجودند اما فناپذیرند، ناپایدارند. پدیدار می‌شوند و محو می‌گردند و در نتیجه آنچه که «من» یا «برای من» نامیده می‌شوند ذات ندارند^۵. هیچ «نفس» یا «خود» یا «ذاتی» که آن را بتوان ثابت و پایدار نامید وجود ندارد. این تمرکز و توجه بر تفسیرها و مناظره‌های فلسفی می‌گوید که چرا

1. Patalipura
2. Pathna
3. Sarvamasti
4. Dharma

۵. آناتمان (سانسکریت)، آنااتا Anatta (پالی). ناخودی یکی از سه نشانه وجود در آئین بودا است. دو نشانه دیگر «دوکا» به معنای رنج و آنی «چا» به معنای ناپایداری، است. ناخودی یکی از تعالیم اصلی بودیسم است. اعتقاد به یک عنصر پایدار، ابدی، ازلی و غیر قابل تغییر در بودیسم مورد تأیید نیست از این رو آگو (خود یا «من») پایه ثابتی ندارد و همواره در حال تغییر است. در مدرسه هینه‌یانا، ناخودی فقط محدود و مربوط به شخصیت یا هویت است درحالی که در مدرسه ماها‌یانا به تمام چیزهای مشروط و عناصر (دارما) گفته می‌شود. رهائی از ذات خویشین (ساو بهاوا Savbhava) همان موضوعی است که مدرسه ماها‌یانا به آن پوچی (تهیت) می‌گوید و آن‌شی گائو به ساو بهاوا گرایش داشت.

دریافت کرد. او رئیس مرکز تحقیقات و مطالعات هندی و بودایی است و از او بیش از شصت مقاله تحقیقاتی منتشر شده است که بیشتر به چینی و تعدادی هم به آلمانی، فرانسه، هندی، سوئدی و ژاپنی است. حضور او در سمینار از این جهت بود که او دو خط فکری متفاوت از آن‌شی گائو را در سمینار پشتیبانی کرد و مطرح نمود. بانگ وی، به منابع چینی در این رابطه آگاهی داشت و آن‌شی گائو را براساس نگرشش به بودیسم ماها‌یانا او را یک بودهیساتوا معرفی می‌کند گرچه این شاهزاده پارسی در عین حال مطالعات عمیقی در مدرسه هینه‌یانا نیز داشت. آتونینو فورته در کتابش «خانواده ایرانی در چین»، وانگ بانگ‌وی را همراه با دو نویسنده مشهور دیگر یعنی مایونگ^۱ و کویکه‌ایچیرو^۲ را از کسانی می‌شناسد که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن‌شی گائو داشته‌اند و از او نوشته‌اند. مقالات پراکنده پژوهشگران حاضر در جلسه نشان می‌دهد که آن‌شی گائو به موضوعات اساسی بودا دسترسی کامل داشت و حرکتش از خانه به بی‌خانمانی، تحقق آرمانش در گسترش بودیسم بود. پژوهشگران او را با مدرسه قدرتمند و صاحب نفوذ سارواستی وادین^۳ مرتبط می‌دانند که ابتدا توسط وی در چین به میان کشیده شد^۴.

لازم است شرح بسیار کوتاهی و در چند جمله از این مدرسه پرآوازه داده شود و ارتباط این مدرسه فکری را با شاهزاده پارسی بدانیم. ظهور و پیدایش مدرسه بودایی سارواستی وادا به عنوان یک مدرسه فکری متفاوت به قرن اول و دوم بعد از میلاد برمی‌گردد و یکی از پرنفوذترین و

1. Ma Yong
2. Koike Ichiro, 1987
3. Sarvastivadin

۴. برای شرح کامل به کتاب «راه پالایش درون» بودا گوش، The Path of Purification, by Buddhaghosha, translated by Nanamoli مراجعه کنید.

سارواستی وادا به طور چشم گیر و برجسته یک مدرسه آهپی داهما (آموزش عالی بودا) به حساب می آید و به بحث های اساسی چون غیرخودی و یا به تعبیر ماهایانا به پوچی می پردازد.

همان گونه که اشاره شد، هسته و مرکز تعالیم سارواستی وادین ها دکرین «آناتا» است. آناتا به زبان عامیانه یعنی «نه خود»، «ناخود»، نداشتن خود یا «نه - منی»، «نداشتن فردیت» که نیاز به توضیح است. آناتا یکی از سه نشانه ی وجود^۱ در آیین بودا است. دو دیگر یکی دوکا (رنج) و یکی دیگر آنی چا (نا پایداری) است. بر اساس این دکرین، هیچ جا نمی توان چیزی یافت که در معنای نهایی بتوان آن را «خود» جاودان یا یک هستی ابدی و ازلی که غیر قابل تغییر است دانست حتی در سطح لاهوتی. آناتا مغز و جوهر آیین بودا در دو مدرسه بزرگ بودایی است. بدون فهم آناتا، چه در مدرسه ماهایانا چه هینه یانا شناخت واقعی به آیین بودا ناممکن است. ساختار آیین بودا به فهم و درک عمیق این نظریه بستگی دارد. بعضی اندیشه های بودایی را می توان کم و بیش در مدارس و مذاهب دیگر یافت اما این نظریه فقط به تعالیم بودا اختصاص دارد و در مدارس بودایی خود نمایی می کند. بودا این آموزش را آناتا-وادی^۲ یعنی آموزش نداشتن «خود» می داند. کسی که نداند این «خود» یا «من» ناپایدار است، نخواهد توانست به آیین بودا پی برد و در نتیجه چهار حقیقت شریف و هشت راه با شکوه را نخواهد فهمید. به غلط فکر می کند که «من» یا «خود» او، وجود

1. Three Marks of Existence (Tilakkhāna)

2. Anatta-vadi

دارد و رنج می برد. به غلط می اندیشد که «من» او است که دست به کردارهای خوب یا بد می زند و او است که بر اساس همین کردارهای خوب و بد دوباره زاییده خواهد شد.

آنچه ما در «خود» چیزی ابدی و پایدار می پنداریم فقط ترکیبی است از انبوهی از نیروهای «فیزیکی-روحی» که به آن پانچا کانداه^۱ یا پنج بخش هستی ساز می گویند و عبارتند از بخش احساس (ودنا- کانداه^۲)، بخش ادراک (سانا کانداه^۳)، بخش حالات روحی (سانکارا- کانداه^۴) بخش کالبد (روپا- کانداه^۵) و یا شعور «دانستگی» (وینانا- کانداه^۶). این پنج نیرو باهم و در یک جریان تغییر دائمی کار می کنند و در دو لحظه متوالی شبیه به هم نیستند. آن ها نیروهای سازنده زندگی پسیکو- فیزیولوژیکی هستند. در این نیروها هیچ نشانی از روح ابدی یافت نشده است اما شوربختانه هنوز عده ای هستند که به اشتباه پنداری از روح دارند. بودا به صراحت اعلام کرد که شعور به ماده وابسته است و همچنین احساس، قوه درک، و تشکلهای روح نیز به ماده وابسته اند بنابراین نمی توانند بدون آن ها وجود داشته باشند.

همین دکرین آناتا از آموزش بودا است که به مدرسه بودایی ماهایانا تحت عنوان پوچی^۷ (تهیت) یا «بی ذاتی» اعتبار داده است، اگر

1. Pancha Khandha

2. Vedana Khandha

3. Sanna khandha

4. samkhara Khandha

5. Rupa-khandha

6. Vinnana Khandha

7. Suunyata (Voidness)

چه این مفهوم توسط عالم بزرگ ماهایانا یعنی ناگارجونا^۱ با استادی تمام شرح داده شده و تفسیرهای گوناگونی داشته است اما هیچ مفهوم شگفت‌آوری در فلسفه بوچی ماهایانا وجود ندارد که با دکتترین آئاتا در تضاد باشد^۲.

در مدرسه هینه‌یانا این پنج اسکاندا محدود به شخصیت یا «من» می‌شود درحالی‌که در مدرسه ماهایانا در تمام آنچه به‌طور مشروط پدیدار می‌شوند کار برد دارد. یعنی تمام دارما‌ها. این نوع‌رهایی از ذات «خود» در ماهایانا، سونیاتا (بوچی) نامیده می‌شود^۳. بنا بر توضیحات فوق، اهمیت مدرسه سرواستی وادین که مورد توجه پژوهشگران و ارتباط آن با آن‌شی گائو است در این بود که این مدرسه در بودیسم سارواکایانا^۴ (مدرسه هینه‌یانا) و همچنین به خاستگاه ماهایانا نقش اساسی داشته است چرا که جوهر و عناصر موجود در آموزش این مدرسه، الهام‌بخش ماهایانا بود. سرواستی وادا همچنین باعث پیدایش هشت تانه مدرسه بودایی دیگر شد.

همان‌گونه که جاده معروف ابریشم از میان آسیای میانه عبور می‌کرد، ایده‌های فلسفی سرواستی وادینها و فلسفه آبهی‌داهما در چین پر قدرت و پرنفوذ گردید^۵. در حقیقت مدرسه سرواستی وادا یک مرحله انتقالی

از مدرسه چرخ کوچک (هینه‌یانا) به چرخ بزرگ (ماهایانا) را انجام داد. سرواستی وادینها شرعیات خاص خود را دارا بودند که به سانسکریت نوشته شده است که بخشی از آن نیز به چینی برگردانده شده است. گفته شده که مهم‌ترین آثار این مدرسه فکری، آبهی‌دارما کوسا^۱ که به‌وسیله‌ی واسو باندو تفسیر شده است^۲. آبهی دارما کوسا یا گنجینه آبهی دارما یک متن کلیدی است که توسط واسو باندو در قرن چهارم یا پنجم بعد از میلاد به‌صورت شعر و جمعا ششصد شعر نوشته شد. سرواستی وادا به‌طور دقیق هفت مجموعه آبهی دارما (هفت کتاب) را به وجود آورده‌اند از جمله رساله‌ای در باب خواستگاه خرد. بیشتر تفسیرها بعدها در مورد همین هفت کتاب انجام شد. مشهورترین آن‌ها تفسیر بزرگ بر آبهی‌دارما است که شرحی است جامع از افکار و اندیشه سرواستی وادا است.

لامبرت اشمیت هاوسن^۳ در مقاله‌اش که به سمینار ارائه کرد توجه‌اش را معطوف به آن‌شی گائو و آشنایی با آثار او کرد و مبنای کار و تحقیق خود را بر اساس نسخه ترجمه شده آن‌شی گائو با عنوان ماهایانیدانا سوترا^۴ قرار داد. این ترجمه از نظر اشمیت از این نظر اهمیت دارد که یکی از مهم‌ترین گفتارهای بودا به زبان پالی کانون (کانون پالی)

1. Abhidharma-Kosa

۲. شوریخانه باز هم تاریخ از بعضی واقعیات چشم‌پوشی کرده است به این معنی که واسوباندو (۴۲۰-۵۰۰ A.D) فیلسوف هندی را به‌عنوان مفسر آبهی داهما که به قرن چهارم تا پنجم بعد از میلاد بر می‌گردد معرفی کرده است؛ درحالی‌که منابع معتبر اظهار می‌دارند که آبهی داهما پیشتر توسط آن‌شی گائو (۱۴۸-۱۶۸ بعد از میلاد) ترجمه شده و آموزش داده شده است.

۳. لامبرت اشمیت هاوسن Lambert Schmithausen پروفیسور مطالعات بودایی و مدرس در دانشگاه مونستر و دانشگاه هامبورگ، آلمان.

۴. ماهانیدا ناسوترا Maha Nidana Sutta یا زنجیر علت و معلول Paticca Samuppada یا (اصل وابسته).

1. Nagarjuna

2. What Buddhist Believe, by Dr. K.Sri Dhammananada- P, 119- 1993

3. The Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion « Buddhism, Taoism, Hinduism, Zen», Shamhala Boston 1994» Buddhism

4. Sarvakayana

۵. در کتابشناسی آکسفورد از شخص آن‌شی گائو به‌عنوان ترویج‌کننده سرواستی وادا نام برده است. به‌علاوه در دانشنامه بودایی چینی هم به آن اشاره داشته‌اند. از این‌روی، کسی جز شخص آن‌شی گائو نمی‌توانسته این مکتب را در قرن دوم و آن هم در چین، دریافت، ترویج، متحول کند.

است. اشمیت باور دارد که همخوانی بین این نسخه ترجمه شده و سایر نسخه‌های سارواستی وادین به دلیل این نیست که آن‌ها به طریقی به هم پیوسته و وابسته‌اند بلکه به این علت که در هر نسخه ترجمه شده اصول آیین حفظ شده و متون دستکاری نشده‌اند. اشمیت این همخوانی‌ها را با مثال‌هایی ارائه کرده و به بحث درباره مسائل متنی گوناگون که در نسخه این سوترا که توسط آن‌شی گائو تفسیر شده است پرداخته است و همچنین تفسیر و تفاوت ترجمه‌های آن‌شی گائو و مترجمین بعد از وی را مد نظر داشته است.

در این سمینار بار دیگر به مسأله‌ای که آیا آن‌شی گائو متعلق به مدرسه چرخ کوچک (هینه‌یانا) یا چرخ بزرگ (ماهایانا) پرداخته شد.^۱ در این گردهمایی به تاکید وانگ بانگ وی^۲ اهل پکن اشاره شد که آن‌شی گائو را به عنوان یک ماهایانیست معرفی می‌کند. وانگ بانگ تعهد آن‌شی گائو را به مدرسه ماهایانا مورد بررسی قرار می‌دهد و بنا به نشانه‌هایی تایید شده، او را یک بودهیساتوا میداند. او بعد از بررسی همه‌جانبه به این نتیجه می‌رسد که عناصر بودهیساتوا و گرایش به ماهایانا در او به خوبی هست.

دیدگاه وانگ مورد تایید عموم حاضران در گردهمایی قرار گرفت: آن‌شی گائو می‌توانسته یک سارواتی وادین ماهایانی باشد. دانشوران

شرکت کننده در جلسه از پیش پذیرفته بودند که پیدایش ماهایانا در اصل از درون مدرسه سارواستی وادین بوده است، عناصری که آن‌شی گائو به طور دقیق با آن‌ها آشنا بود اما در راستای این حقیقت، گردانندگان فرهنگی تصمیم گرفتند که کارها و تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت بگیرد. از طرف دیگر به نظرات دکتر هایپوآن - هو - وون هینوبر^۱ نیز اشاره شد که صحبت از متنی می‌کرد با عنوان پراتیوت پانا سمداهی سوترا^۲ که منتسب به آن‌شی گائو است. بعضی منابع ترجمه سوره ی پراتیوت پانا سمداهی را به لوکا سما نسبت می‌دهند و این در حالی است که تاریخ چیز دیگری می‌گوید و بنا به تاریخ تولد لوکا سما ۱۴۷ بعد از میلاد است و این درست زمانی است که آن‌شی گائو در زمان دودمان «هان» در لئویانگ ترجمه‌های خود را همراه باهم وطن خویش آن - شوآن و نیز یان فوتیائو آغاز کرد. بنا بر این نظرات دکتر «های یوآن هینوبر» به حقیقت نزدیک تر است و ترجمه سوره پراتیوت پانا سمداهی به آن‌شی گائو برمی‌گردد.

پراتیوت پانا سمداهی سوترا یک متن مقدس اولیه مدرسه ماهایانا است که احتمالاً به قرن اول و دوم بعد از میلاد و با زمان حضور شاهزاده پارسی همخوانی دارد. عنوان این متن هست: پراتیوت پانا بودا ساموکاواستی^۳ که برگردان آن هست: «سوره سمداهی در پیشگاه همه بوداها هست».

۱. دکتر هایپوآن - وون هینوبر، دانشور آلمانی در تاریخ بودایی و تاریخ تطبیقی وازه‌شناسی سانسکریتی، دکتر در هندشناسی، چین‌شناسی و تبت‌شناسی از دانشگاه کولتبرگ و آموزش و تحقیق مطالعات بودایی و تبتی در دانشگاه وین. به پیشنهاد ایشان نگارنده ی این کتاب توانست به بسیاری از منابع مربوط به آن‌شی گائو دسترسی پیدا کند.

2. Pratyutpanna Samadhi Sutra

3. Pratyutpanna Buddha Sammukhavasthita Samadhi Sutra

۱. آنتونینو فورته نیز در کتابش «خانواده ایرانی در چین» به آن اشاره کرده است. (متن اصلی کتاب، صفحه ۷۴-۷۰)

۲. وانگ بانگ وی Wang Bang Wei: پروفیسور وانگ دکترای خود را در سال ۱۹۸۷ از دانشگاه پکن دریافت کرد. او هم‌اکنون مدیر مطالعات آسیای خاوری و مرکز پژوهش ادبیات شرقی در دانشگاه پکن است. او همچنین سرپرست مرکز تحقیقات هندی در دانشگاه پکن است. از سال ۱۹۸۴ پروفیسور وانگ آثار تحقیقاتی و فرهنگی متنوع و وسیعی در چین و سایر کشورها چون فرانسه، سوئد، ژاپن و جمهوری استونی داشته و منتشر کرده است. او بیش از شصت مقاله پژوهشی دارد و یکی از مقالات وی درباره آن‌شی گائو در سمینار پل هاریسون مطرح شده است.

تلاش دارد که کار و آثار آن‌شی‌گائو را با به میان کشیدن این مجموعه برجسته ترکند.

سامیوتانیکا یا که نام آن‌شی‌گائو در رابطه با آن به میان کشیده شده است، مجموعه‌ای از گفتارهای جمع‌آوری شده بودا ساکیامونی یا گفتارهای مرتبط به هم که از شخص اوست. سومین مجموعه از پنج مجموعه در سوتاپیتاکا است که بخشی از سه زنبیل خرد (تری پیتاکا) را تشکیل می‌دهد. این مجموعه با یک نظم ویژه مرتبط با اصل موضوع مرتب شده است. هر دسته از این مجموعه به «آیین» یا شخصیت‌های ویژه می‌پردازد. بودا در مجموعه نیکا یا به جزییات مراقبه، حصول به موفقیت نهایی معنوی در تمرین جهانی (حالت خلسه کامل)^۱ می‌پردازد. همچنین به داهما پادا^۲ «راه حق» و با جزییات بیشتر وارد می‌شود. سامیوتا نیکا یا مشتمل بر ۲۸۸۹ گفتار است که در شصت و پنج سامیوتا «مجموعه» تقسیم‌بندی می‌شود. این اثر، آن گونه که اعضای شرکت کننده می‌گویند چنانچه مورد تأیید باشد می‌توان آن را به نسخه تایشو^۳ پیوند داد.

نکته‌ای که توجه پژوهشگران در سمینار به آن معطوف شد، این بود که ممکن است در آثار ترجمه‌های آن‌شی‌گائو دستکاری‌هایی انجام گرفته باشد که با متون اصلی او مغایرت داشته باشد و از این رو همگان

۱. جهاننا Jahnna یا دایانا Dhyana اشاره به چهار تمرکز عمیق دارد که به یکدلی کامل منتهی می‌گردد. دایانا یا جهاننا همان چان چینی و ذن ژاپنی است.

2. Dhammapada

۳. نسخه تایشو یا تایشوتری پیتاکا Taisho Tri Pitaka نام یک نسخه چاپی نهایی از آیین بودایی چینی و تفسیر ژاپنی آن است که توسط دانشوران در قرن بیستم مورد استفاده قرار گرفته است. تایشوتری پیتاکا توسط تاکاکوشو جونجیرو Takakusu Junjiro آماده چاپ شد. این آیین شامل ۸۵ جلد است که به موضوعات گوناگون آیین بودا که تقریباً تمامی آموزه‌های نظری و عملی او است می‌پردازد.

هایوان هینویر رابطه آن‌شی‌گائو را با ماهایانا در این سوره مشخص می‌کند.^۱ از دیگر پژوهشگران در این زمینه یامابه نوبوشی^۲ بود. نوبوشی مقاله‌ای در این زمینه دارد که مورد توجه حاضرین در گردهمایی قرار گرفت. او در مقاله‌اش اظهار می‌دارد که آن‌شی‌گائو با سنت اولیه یوگاچارا ارتباط داشته است. منظور یامابه از یوگاچارا، نوع مراقب‌های است که در آن انجام می‌شده است. یوگاچارا یک مدرسه پرنفوذ فلسفه و روانشناسی بودایی است که تأکید بر پدیده‌شناسی و هستی‌شناسی و از طریق ذره‌بین‌های درونی، تمرینات تفکری «مراقبه» و تمرینات یوگایی دارد. موعظه «یوگاچارا»، توضیح می‌دهد که چگونه تجربه ما توسط ذهن بنا نهاده می‌شود. یامابه به تمرین‌کنندگان یوگا در سارواستی وادین اشاره دارد که این مدرسه توانست مدیتیشن (مراقبه) بودایی را در مجموع نظام‌مند کند. تشابه‌هایی بین متون ترجمه شده آن‌شی‌گائو و آثار دیگری که به‌صورت یوگاچارا آمدند از دیدگاه یامابه هم یک جنبش جدید در چهارچوب مراقبه را نشان می‌دهد و هم اینکه یک همخوانی در یک مدرسه مشترک را دارا است.

سخنرانان دیگر به ترجمه‌های ویژه این استاد پارسی اشاره داشتند. مقاله شخص پائول هاریسون به بخش دیگری از ترجمه‌های آن‌شی‌گائو اشاره می‌کند با عنوان سامیوگاگامایا^۳ سامیوتا نیکا یا^۴، مجموعه‌ای که به دوره وویی (۲۲۰-۲۶۵ بعد از میلاد) نسبت می‌دهند و هاریسون

1. Analysis of the Bhikkhu Patimokkha by BhikkhuNantusita (Buddhist Publication Society, Kandy-Sri-Lanka)

۲. یامابه نوبوشی YamabeNobu Yoshi دکترا در فلسفه از دانشگاه واسداد، توکیو-ژاپن و دستیار پروفیسور در بخش مطالعات بودایی

3. Samyukagamaya

4. Samyutta Nikaya

نیاز را بر آن دیدند که دیدگاهی سازمان یافته‌تر به موضوعات مورد بحث انجام شود.

در این نشست به مقاله استفانو زاجتی نیز اشاره شده بود. زاجنی از فاضلانی است که آثار آن‌شی‌گائو را به‌مانند هم‌وطنش آنتونینو فورته با دقت و جزئیات بیشتری مورد تحلیل قرار داده است.^۱ «ین چی رو جینگ» چکیده‌ای است از مطالعات مدرسه‌ای آن‌شی‌گائو که مانند سایر آثارش مطالب ارزشمندی در آن‌ها نهفته است. گسترش آیین بودای چینی هنوز سده‌ها سال بعد از مرگش به چشم می‌خورد. در سمینار بر این موضوع تاکید نهاده شد که مقاله‌ای در باب تائوته‌چینگ^۲ با ترجمه‌ای ناقص از سا (چک) گاراک امگا^۳ که توسط فلورین دلینو^۴ ارائه شد به نقش آن‌شی‌گائو در تعلیم مراقبه در یوگا چارا در بودیسم اشاره دارد.

یکی دیگر از ارائه‌کنندگان مقاله درباره آن‌شی‌گائو پروفیسور ریچارد سالومون^۵ بود. سالومون در بخش زبان آسیایی و ادبیات آسیایی در دانشگاه واشنگتن بود. او لیسانس مطالعات آسیای خاوری را در سال ۱۹۷۰ از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد و در سال ۱۹۷۵ دکترا

۱. برای مطالعه بیشتر، به آثار استفانو زاجتی درباره آن‌شی‌گائو مراجعه شود. «ین چی رو جینگ» Yin chi rujing و «آنبان شویی جینگ» Anban Shuyijing که متمرکز بر آن‌شی‌گائو است.

۲. تائوته‌چینگ به ادبیات چینی یعنی «طریقت» و نیروی آن. اثری است دارای پنج‌هزار خط تصویری یا کاراکتر است که گفته می‌شود بانی آن لائوتسه قرن ششم قبل از میلاد باشد. تائوته‌چینگ بنیاد و اساس فلسفی و مذهبی تائوئیسم است. تائوئیسم در قرن دوم بعد از میلاد با اندیشه بودا تحول یافت.

3. Sa(chek) gharak (omega)a»s- Yogacara-bumi

4. Preliminary Study on Meditation and the beginning of Mahayana Buddhesm, By Florin Deleanu.

5. Richard Salomon

در سانسکریت را از دانشگاه پنسلوانیا دریافت نمود. تخصص او در مطالعات دست‌نوشته‌های سانسکریتی، پاراکریت^۱ و قندهاری^۲ است. او مقالات متعددی در این زمینه نوشته است. او هم‌اکنون به‌عنوان معاون پروژه دست‌نوشته‌های بودیسم اولیه به فعالیت مشغول است. به میان کشیدن نام سالومون به این جهت است که توجه خاص به نوشته‌های کهن بودایی داشت که اخیراً همین دست‌نوشته‌ها به طریقی وارد کتابخانه بریتانیا^۳ شده بود. این دست‌نوشته‌های موجود با مطالعات و آثار آن‌شی‌گائو مرتبط است و دلیل آن این است که این دست‌نوشته‌ها به‌طور دقیق به همان زمان آن‌شی‌گائو برمی‌گردد و شامل آثار اصلی سارواستی وادین است. پروفیسور سالومون متون کهن و آثار آن‌شی‌گائو را باهم مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که باید به یک پژوهش گسترده در همخوانی این متون متصل به هم پرداخت.

این سمینار در جمع‌بندی از دو زاویه به آن‌شی‌گائو نگریسته است: (۱) به‌عنوان اولین مترجم که شکل جدیدی از زبان چینی، طرز تفکر چینی و واژگان جدیدی که او بنا نهاد و آثار و آموزه‌هایی که سنت بودایی را در چین ماندگار کرده است. (۲) به‌عنوان یک استاد آبهی داهما و متخصص آموزش مراقبه در ساختار یوگا چارا بهومی شاسترا^۴

1. Parakrit

۲. گندهارا یا گندهارا Gandhara نام استانی از استان‌های شاهنشاهی ایران در زمان هخامنشیان بود. این نام اولین بار در سنگ‌نبشته بیستون داریوش بزرگ و به‌عنوان یکی از استان‌های شاهنشاهی ایران آمده است.

3. British Library

4.- Yogacara bhumi Shastra

که چینی‌ها را با ابزاری نو و نگرشی متفاوت آشنا ساخت.^۱

کار آن‌شی گائو در مجموع مورد تأیید بسیار قرار گرفت. اگرچه او از نظر فرقه‌ای و در راستای آیین مکتبی‌اش در آغاز در مدرسه سارواستی وادین تحصیل کرد اما گرایش او به مدرسه ماهایانا بود و بسیاری در این مورد هم‌رأی و هم‌نظرند و شواهد و اسنادی ارائه داده اند. در پایان سمینار انو موتو فومیو^۲ (از شهر اوساکا) خاطر نشان کرد که مسائل اساسی در رابطه با ادبیات شرعی بودایی و انتشار اولیه این آثار در چین باید کاملاً شفاف بررسی شود تا نقش آن‌شی گائو در آن کاملاً مشخص شود. انو موتو اضافه کرد که جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که این سوالات و میراث غنی ترجمه‌های آن‌شی گائو همچنان برای مدت‌ها ذهن پژوهشگران بودایی را به خود معطوف خواهد کرد. این شرح بسیار کوتاهی بود از آنچه در کنفرانس لیدن - هلند درباره شاهزاده پارتی به بحث گذاشته شد. نتیجه‌ای که ما می‌توانیم از تلاش و اشتیاق آن‌ها در این زمینه بگیریم این است که یک کنجکاوی دقیق و یک بررسی گسترده نسبت به اولین مترجم متون بودایی به چینی هست که به‌نظر می‌رسد به لحاظ تحلیل و نگرش باید به گذشته و حال نظر داشت. این بررسی نه تنها در سطح ادیبان غربی بلکه در محافل فرهنگی چین و ژاپن هم دیده می‌شود اما آن‌شی گائو برای یک معرفی قاطع و جهان‌شمول هنوز نیاز به زمان دارد و به‌طور قطع منابع دیگری نیز خواهند بود که حقایق را باز هم روشن‌تر سازد.

۱. شوربختانه تا کنون ترجمه‌ی فارسی از آبهی داهما که بخش مهم و آموزش عمیق‌تر بودا است هنوز بیرون نیامده است.

۲. پروفیسور انو موتو فونیو Enomoto Fumio فارغ‌التحصیل مطالعات ادبی از دانشگاه کیوتو، پژوهشگر چینی - هندی و مطالعات بودایی. مطالعه عقاید بنیادی جینیسم و بودیسم اولیه، مطالعه متون سانسکریت مربوط به سامیوتا گامای چینی یا (سامیوتا - نیکا یا).

حال به بررسی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر در مورد منابع کهن بودایی و منابع غنی دیگر می‌پردازیم که هم شخص آن‌شی گائو را در بر دارد و هم اینکه تاریخچه اولیه بودا در چین و نوشتارهای ترجمه شده‌ای که توسط او انجام پذیرفته را پوشش می‌دهد. پیش از این توضیح دادیم که لین‌بائو در اثرش به نام یوآنه‌شینگ‌زوان اظهار می‌دارد که در لوشانجی تأکید و تأیید شده که آن‌شی گائو یک مهاجر از سرزمین پارس بوده که به دربار چین وارد شد و مورد استقبال قرار گرفت. اگر این درست باشد (که با شواهد یافت شده کاملاً درست است)، می‌توان پذیرفت که آن‌شی گائوی بودایی همان مهاجر است که متون و سوره‌های بودایی را ترجمه کرد و بودیسم را به راه و روش خاص خود اشاعه داد^۱ و این بسیاری از تردیدها و توهّمات را درباره او مردود می‌کند. از طرف دیگر منابع بودایی دیگری نیز به این امر اشاره دارند که آن‌شی گائو خودش نوادگانی داشته که در منابع غیربودایی نیز برای شخص مترجم مورد تأکید قرار گرفته است. افزون بر این، دائوکسوآن^۲ (۵۹۶-۶۶۷) مورخ بودایی پیشوای مدرسه وینایا^۳ یا (انضباط خانقاهی یا سانگها) و نیز نویسنده زندگی‌نامه راهبان برجسته، اظهار می‌دارد که جیزانگ^۴

۱. به این روش خاص می‌گویند اوپایا که واژه ای است پالی و به ژاپنی Hoben است و به معنای ابزار مهارتی، روش‌های خلاق یا وسیله‌ای برای شتاب بخشیدن به حالت عالی روحی است. اوپایا، راه میان‌بر جهت رسیدن به هدف است، با ابزار و ترفندهای خاص، جهت فریب ضمیر ناهوشیار که ما را به هدف، نزدیک کند. ذن برای این‌کار، ابزارهای ویژه‌ای دارد که شتاب بیشتری به بیداری می‌دهد. در راه بودی یا بیداری، استادانی در این زمینه را «مردان مهارت» می‌نامند.

2. Daoxuan

3. Vinaya School

۴. جیزانگ، به چینی Jizang و به ژاپنی کیجیزو kichizo، راهب بودایی چین و بنیان‌گذار مذهب میکا از مدرسه ماهایانا در ژاپن است. اما حقیقت جیزانگ به روشنی به عموم تفهیم نشده است و به‌طور روشن نامی از اصل او برده نشده است.

(۶۲۳-۶۹۴) استاد شهیر و بنیان‌گذار مدرسه سانلون یا (سانرون)^۱ دارای نام‌خانوادگی «آن» است که خانواده‌اش در اصل اهل آن‌شی (سرزمین اشکانیان) بوده است. در توضیح بیشتر، جیزانگ راهب بودایی چینی و دانشور که اغلب به‌عنوان بنیان‌گذار مادهیا میکا^۲ به حساب می‌آید و همچنین به شیاشیانگ^۳ یا «استاد جیاشیانگ» شهرت داشته است. اینکه به او استاد شیاشیانگ می‌گفتند این بود که شهرتش را از معبد شیاشیانگ کسب نمود.

جیزانگ در جین لینگ^۴ (نانجینگ کنونی)^۵ متولد شد. گرچه پدرش از پارس به چین مهاجرت کرد اما جیزانگ به روش و آداب چینی تحصیل کرد و فرهیخته شد. در زمینه معنوی، او هوشی سرشار داشت و در سن هفت سالگی راهب شد. در نوجوانی او با فالانگ^۶ و در معبد شیانگ هوانگ^۷ در نانجینگ به تحصیل پرداخت. او سه رساله مادهیا میکا را تحت عنوان «رساله دوازده دروازه» که به چینی ترجمه شده بود خواند. با آشنایی با این متون، اعتبار و هویت او بیشتر شناخته شد. بعد از مرگ فالانگ در سال ۵۸۱ بعد از میلاد، جیزانگ راهب ارشد معبد شیانگ هوانگ شد. او در سن چهل و دو سالگی به سرتاسر چین سفر می‌کرد و سخنرانی می‌نمود و سرانجام در معبد شیاشیانگ معتکف شد. در سال

۵۹۷ امپراتور دوم یانگ، فرزند دوم امپراتور «ون»^۱ از سلسله سویی^۲ دستور داد که چهار معبد در پایتخت «چنگآن»^۳ بسازند و از جیزانگ دعوت کرد مسئولیت یکی از آن‌ها را به نام معبد هوئی ری^۴ را به عهده بگیرد. جیزانگ تصدی آن را پذیرفت. از طرفی دیگر ژیی^۵ شخصیت برجسته مدرسه تیانتای^۶ ترجیح داد در یکی دیگر از معابد راهب شود و جیزانگ نیز در صدد بود که این راهب را ملاقات کند اما متأسفانه قبل از اینکه جیزانگ او را ببیند درگذشت اما پیش ترجیزانگ توانست در رابطه با سوره نیلوفر^۷ با او ارتباط برقرار کند. مدتی بعد جیزانگ به معبد جدید یعنی معبد رییان^۸ نقل مکان کرد. وقتی که سلسله سویی در سال ۶۱۷ توسط سلسله تانگ موقعیت خود را تثبیت کرد، جیزانگ از امپراتور جدید گائوزونگ^۹ هم احترام و هم پشتیبانی دریافت کرد و راهب ارشد معبد گردید و انضباط خانقاهی را به اجرا در آورد.

بین سنین پنجاه‌وهفت، و شصت‌وهشت او در پی انتشار نسخه‌های بیشتری از سوره نیلوفر بود که از آن طریق افراد بیشتری را به او نزدیک کند. او نزدیک به دو هزار نسخه از سوره را ارائه داد. او همچنین از تفسیرهای خودش هم نسخه برداشت. جیزانگ نویسنده پرستعداد و شگفتی‌آوری بود و نزدیک به پنجاه اثر در طول زندگی‌اش ارائه

1. Emperor Wen

2. Sui Dynasty

3. Cheng'an

4. Huiji

5. Zhiyi

6. Tiantai

7. Lotus Sutra

8. Rian

9. Emperor Gaozong

۱. سان لون San lun به چینی و سان رون به ژاپنی: مدرسه ی سه رساله مربوط به ناگار جونا و آریادوا در ژاپن است.

۲. مادهیا میکا Madhyamika یا مدرسه راه میانه از شاخه ماها یانا-بودیسم که توسط فرزانه هندی «ناگار جونا» در قرن دوم بعد از میلاد مسیح پایه گذاری شد.

3. Xiaxiang

4. Jinling

5. Nanjing

6. Falang

7. Xinghuang Temple

نشانه‌های از جوهر بودهیساتوا (بودای بالقوه) در شاهزاده پارسی بود که همکارش بر آن تاکید داشت به‌ویژه اینکه وی را با «زی»^۱ اش یعنی لقبش پیوند داده بود.^۲

شروع زندگی راهبی و شروع به‌کار او توسط هیچ پیشگفتاری دقیقاً بیان نشده ولی به‌طور مسلم او به تعلیم و آموزش به‌صورت گسترده ادامه می‌داد. اما پیشگفتاری که کانگ سنگهویی^۳ در مورد شخص آن‌شی‌گائو و تعلیم‌اش داشت متفاوت بود. کانگ سنگهویی یکی از بزرگترین مترجمان بعد از آن‌شی‌گائو و رونق‌دهنده بودیسم اولیه چین است.^۴ سه نویسنده بزرگ به‌طور مفصل درباره زندگی و آثار کانگ سنگهویی نوشته‌اند: (۱) سوکاموتو زنیو^۵ (تاریخ بودیسم اولیه چین: از معرفی تا مرگ هویی یوان). (۲) اریک زورچر^۶ (فتح بودایی چین). (۳) تیک - نات - هان^۷: نویسنده کتاب استاد تانگ هویی (اولین پیشوای ذن در ویتنام و چین).

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، در نیمه‌های قرن دوم یعنی در سال ۱۴۸ بعد از میلاد. آن‌شی‌گائو اولین مترجم متون سانسکریتی وارد لئویانگ شد و متون اولیه بودیسم هینه‌یانا (تراوادا) را که شامل سه زنبیل خرد^۸،

۱. آن‌شی‌گائو یک لقب یا عنوان افتخاری است که درباریان چین به شاهزاده پارسی که مهاجرت کرده بود دادند.

2. Kang Senghui

۳. کانگ سنگهویی Kang Seng Hui وفات ۲۸۰ بعد از میلاد از مترجمان متون بودایی بعد از آن‌شی‌گائو. او در اقصای بودایی‌های ویتنام به کوانگ تانگ هوئی Khuong Tang Hoi شناخته می‌شود. او اولین معلم در تاریخ بودیسم ویتنامی است و در بودیسم ویتنامی تأثیر گذار بود.

4. Tsukamoto Zenryu: A history of Early Chinese Buddhism; from its introduction to the Death of Hui Yuan.

5. Eric Zurcher: The Buddhist Conquest of China

6. Master Tang Hoi: First Zen Teacher of China and Vietnam, by Thich Nhat Hanh, 2002.

7. Tripitaka

داد. تخصص او در تفسیرهایی بر سه رساله ناگارجونا و همچنین متون دیگر بودایی چون سوره نیروان بود. شاگردانش به‌ویژه اکوان^۱ (با ملیت کره‌ای) که مکتب سانلون/سانرون (سه رساله) را که زیر نظر خودش آموزش دیده بود به ژاپن آورد و این رهرو، مدرسه سانلون را با الهام از جیزانگ برپا نمود. با این حال محقق و پژوهشگر ژاپنی (۷۶۳-۸۱۴) به نام آنچو^۲ که اثری تحت عنوان چورون شوکی^۳ نوشته بود و نقدی بر شرح جیزانگ در مورد مادهیا میکا داشته است، به جیزانگ از دوزاویه نگاه می‌کند: (۱) منشأ و اصالت آن‌شی (اشکانی) بودن جیزانگ مورد تأیید است. (۲) شواهد کتبی‌ای دلالت بر آن دارد که جیزانگ از نواده شاهزاده پارسی آن‌شی‌گائو از سرزمین اشکانیان است.

اولین منابع بودایی در مورد آن‌شی‌گائو از هر لحاظ بسیار قدیمی‌تر از زمانی هستند که آنچو یا هوئی‌یوان^۴ مؤلف لوشانجی زندگی می‌کرد. اولین شواهد در این زمینه به دویست سال بعد از میلاد برمی‌گردد یعنی یکی از همکاران و یاوران آن‌شی‌گائو به نام یان فوتیائو^۵ که یک شخص غیرروحانی چینی بود. یان فوتیائو تأکید می‌کند که: «بودهیساتوایی از آن‌شی وجود داشته (وجود دارد) که «زی» یا لقب‌اش «شی‌گائو» بوده است.»^۶

در تایید یان فوتیائو از یاران ترجمه آن‌شی‌گائومی بپذیریم که

1. Ekwan

2. Ancho

۳. چورون شوکی churon shoki یا تفسیری درباره سه رساله

4. Huiyuan

5. Yan Fotiao

۶. ترجمه دست‌نویس ماهایانا، سوره اوگراپاریرچا Ugrapariprccha Sutra توسط یان فاتیائو - همکار آن‌شی‌گائو.

ذهن آگاهی^۱، آبی داهما^۲ و بعضی متون دیگر بود ترجمه کرد و اشاعه داد. حدود بیست سال بعد شخصی به نام لوکاک سما^۳ نیز به لئونینگ آمد و متون ماهایانا را ارائه داد.

کانگ سنگهویی در نوجوانی والدینش را از دست داد. پس از مرگ آن‌ها به سانگها^۴ یا (جماعت مذهبی و آیین) ملحق شد، حقیقتی که موجودیت تشکیل سازمان یافته را در جیانوژی^۵ و در آغاز قرن سوم و روند تکاملی بودیسم توسط او و دیگران را ثابت می‌کند.

کانگ سنگهویی به طور قطع سانسکریت می‌دانست و گفته می‌شد دانش عظیمی از تربیتاکای «سه زنبیل خرد» ترجمه شده آن‌شی گائو را دریافت کرد. اما در عین حال او به طور گسترده شش اثر سنتی کنفسیونی را خواند. این ثابت می‌کند که در دورترین نقطه جنوب چین یک شکل از پیوند بودیسم به طور قدرتمند بر عقاید چینی‌ها که داشتند بودیسم را می‌شناختند در حال متحول شدن بود و به موازات آن تلفیقی از بودیسم و عقاید پیشین چینی شکل گرفت^۶. رساله تبلیغاتی مشهور که معرف آن لی هولون^۷ بود توسط مائوژی^۸ ارائه شد که حاصل آن «بودیسم چینی شده» بود که در قرن چهارم بعد از میلاد رو به تحول رفت. فعالیت‌های بودایی کانگ سنگهویی تقریباً محدود به قوانین شرعی بودایی شامل دو مجموعه: (۱) آوا دانا^۹ یعنی مرحله انتقال اندیشه هینه‌یانا به ماهایانا که

1. Mindfulness
2. Abhidhamma

۳. لوکاک سما Lokaksema مترجم بعد از آن‌شی گائو.

4. Sangha
5. Jiaozhi
6. این خود گویای این حقیقت است که در نیمه‌های قرن دوم بعد از میلاد بودیسم بر تائوئیسم تأثیر گذاشت و شکل‌گیری چان چینی از آن نقطه آغاز گشت.
7. Li huo lun
8. Mouzi
9. Avadana

در آن عنصر بودهیساتوا نهفته بود (۲) لیو دو جی جینگ^۱ یعنی سوره‌ی مجموعه شش پارامیتا^۲ است.

بودیسم کانگ سنگهویی به شکل‌گیری و تداوم مدرسه شمالی آن‌شی گائو و دیگر یاران هم‌تیمی‌اش یعنی یان فوتیانو و آنشوان در تأکید بر «دایانا»^۳ شتاب بیشتری بخشید. کانگ سنگهویی همراه با چن هوئی^۴ تفسیری بر آن‌بان‌شویی جینگ^۵ نوشت که پیشتر توسط آن‌شی گائو ترجمه شده بود و بر جای مانده بود.

اطلاعات بیشتری که از جیانز^۶ (روزنامه انجمن بین‌المللی مطالعات بودایی) به نقل از پروفیسور استفانو زاجتی ما می‌رسد به قرار زیر است:

در سال ۱۹۹۹ شرح جدیدی از آن‌بان‌شویی جینگ^۷ یافت می‌شود که بعدها آن را به اثری از آن‌شی گائو نسبت دادند و آن شرحی متفاوت از تایشو پیتاکا که در معبد کوهستانی کونگو آمانو^۸ پیدا شد. این نوشته چندین رابطه کلیدی میان متون مختلف تکنیکی و سایر متون و دکترین آبی داهما را نشان می‌دهد که می‌تواند به ما در تفسیر محتوای آن‌بان شویی جینگ کمک کند^۹.

1. Liudu Jijing
2. Six Paramitas
3. Dhyana
4. Chen Hui

۵. آن‌بان شویی جینگ Anban shouyi jing: به نقل از دستیار پروفیسور «شی گو هوئی» از دانشکده دارما دروم: By the assistant Professor Shi Guo Huei (Dharma Drum College)

6. The nature of "Da anban Shouyi jing, by Stefano Zacchetti published by: Journal of International Association of Buddhist Studies (JIABS)

7. Anban Shouyi Jing
8. Kongamano Temple

۹. در مورد کانگ سنگهویی منابع زیر را مشاهده کنید: اریک زورچر (فتح بودایی چین - متن اصلی ۱۹۵۹، صفحات ۵۵-۵۱) و سوکاموتو زنیو تاریخ اولیه بودیسم چینی - متن اصلی - ژانویه ۱۹۸۶، صفحات ۲۰ - ۳۱.

کانگ سنگهویی که تماس‌هایی با سه شاگرد چینی از شاگردان آن‌شی‌گائو داشت پیشگفتاری بر ترجمه‌های آن‌شی‌گائو شامل تمرینات ذهن‌آگاهی «مایند فولنس»^۱، تمرینات تنفسی «آناپانا ساتی»^۲، و دیگر آثار داشت که شامل دقیق‌ترین بحث‌ها در مورد آن‌شی‌گائو در منابع اولیه بودیسم وجود دارد.

کانگ سنگهویی که شرح بسیار مختصری از او داده شد در پیشگفتارش در مورد آن‌شی‌گائو چنین می‌گوید: «یک بودهیساتوا»^۳ «آن کینگ»^۴ بود «زی»^۵ (لقبش)، «شی‌گائو»^۶ بود. او پسر پادشاه آن‌شی و ملکه بود. کشورش را به عمویش واگذار کرد و ترک وطن را انتخاب نمود. به اطراف گریخت و در نهایت در «لئویانگ» پایتخت، ساکن شد.^۷ کانگ سنگهویی در ادامه تفسیرش این‌گونه ادامه می‌دهد:

او (آن‌شی‌گائو) مردی با تجربه و دانشمند بود و سروده‌های فراگیرش با الگوهای مافوق طبیعی همراه بود. هنرهای او در ارتباط با صعود و افول هفت تعدیل‌کننده [از زمان و فصول]، در مورد کیفیت‌های خجسته و نامیمون هواها و رایحه‌ها، بهمن‌ها و زلزله‌ها و روش‌های طب‌سوزنی و بررسی نبض بیماران بودند. با نگاه کردن به رنگ و ظاهر بیمار می‌توانست بیماری‌شان را تشخیص دهد. هیچ صدایی از پرندگان و حیوانات نبود که آن‌ها را نفهمد. او

1. Mindfulness
2. Anapana Sati
3. Bodhisattva
4. An-Qing
5. Shigao

۶. منابع معتبر از این پیشگفتار را می‌توانید در متن اصلی کتاب آنتونینو فورته با ارجاعات کامل داده شده پیدا کنید: کتاب خانواده ایرانی در چین.

با گرامیداشت بی‌انتهای دو شکل اصلی بهشت و زمین، به جهل و کند فهمی افراد مو سیاه (چینی‌ها) دلسوزی می‌کرد. ابتدا او گوش‌هایشان را آزاد می‌کرد و سپس چشم‌هایشان را می‌گشود به این امید که آن‌ها نور را ببینند و به گوش دل بپذیرند. او به تدریج به تفسیر شش کمال حقیقی (حقیقت) که راه را برای بی‌نهایت «پارامیتا» باز می‌کرد پرورش می‌داد و از داخل ترجمه‌ها اسرار نهان «آناپانا» را منتقل می‌کرد. تعداد افراد آموزش یافته در اطرافش افزایش یافت، مانند ذرات گرد و غبار در تعدادشان، و همه‌ی آن‌ها خودشان را از روش‌های ناخالص و ناپاک رها کردند و تقریباً به یک انسان کاملاً خالص و پاک ترقی یافتند.^۸

در متن بالا کانگ سنگهویی اولین نویسنده‌ای است که دلایلی معتبر و حقیقی در مورد آن‌شی‌گائو ارائه می‌دهد؛ سوال‌هایی مانند اینکه چرا او به چین رفت، و چگونه توانست تعالیم‌اش را در چین اشاعه دهد و معابد بودایی را بنیان گذاشت. کانگ سنگهویی نزدیک‌ترین فرد به آن‌شی‌گائو و هم تیمی‌های این شاهزاده پارسی بود. تفسیرهای گوناگونی که منتسب به آن‌شی‌گائو است حاکی از آن است که او به‌عنوان یک مهاجر به شرق رفت. شاید دلیل اصلی مهاجرت وی چندان روشن نباشد اما بسیاری بر این باورند که آن‌شی‌گائو احساس می‌کرد دیر یا زود در معرض خطر قرار می‌گیرد و یا اینکه موانعی بر

۱. تمام مقدمه کانگ سنگهویی در مورد آن‌شی‌گائو و مقدمه‌ای از سوره کبیر آن‌شی‌گائو و تکنیکهای او درباره «ذهن‌آگاهی»، تمرینات تنفسی، و دایانا (از قرن دوم تا قرن چهارم) تحت عنوان «بودیسم دوره هان» توسط A. Link ترجمه و تفسیر شده که در کتاب خانواده ایرانی - آنتونینو فورته با ارجاعات به آن‌ها اشاره شده است.

ماهایانا نیز همواره به چشم می‌خورد و کاربرد دارد. بدون شک ماهایانا شکل تکامل یافته‌تری از تعالیم بودا است.

آن‌شی‌گائو هیچ‌گاه خودش اظهار نکرده که آیا متعلق به گردونه بزرگ است یا کوچک اما مستندات کانگ سنگهویی در نامیدن و تأکید وی بر بودهیساتوا بودن آن‌شی‌گائو به ما می‌فهماند که او را متعلق به مدرسه ماهایانا بنامیم. حدود قرن دوم بعد از میلاد یان فوتیائو^۱ از شاگران آن‌شی‌گائو و از همکاران «گروه ترجمه»^۲ی او در پیشگفتارش در تفسیری بر «ده نوع ادراک»^۳ یا ده خرد باور مداران جدید می‌گوید: «بودهیساتوا اهل آن‌شی‌که (لقب یا عنوانش) «شی‌گائو» بوده است»^۴. از طرف دیگر یویی هاگوچو ۱۸۸۲-۱۹۶۳ در کتاب معروفش «مطالعه درباره آن‌شی‌گائو اولین مترجم بودیسم چینی»^۵ این موضوع را تأکید می‌کند که عناصر ماهایانا در آن‌شی‌گائو وجود دارد.^۶

این درست است که وی ابتدا آموزه‌های هیینه‌یانا را در چین ثبت کرد اما باید دانست که دکتربین «نه - روح»، یا «نه - خود» در تهر اوادا پایه و اساس آموزش بوچی «سونیتا» در ماهایانائ^۷ است. چندصد سال بعد از درگذشت بودا هیجده مدرسه و فرقه‌های مختلف که هر یک

سر راهش قرار می‌گیرد که قادر نخواهد بود رؤیاهایش را به‌منصه‌ظهور برساند و ایده‌ی آگاهی رساندن به مردم در نطفه خفه خواهد شد. با توجه به درک‌اش از موفقیت حساس‌اش و بار علمی که او داشت و همچنین با توجه به علائق فرهنگی و مذهبی، کشور بزرگ و پهناور چین را برای خروج از این بُن‌بست انتخاب نمود. مکانی امن که بتواند آنچه در ذهن دارد بیرون بریزد. بنابراین آنچه کانگ سنگهویی درباره‌ی او می‌گوید در تناقض با آنچه از منابع غیربودایی در مورد مهاجرت او و ترجمه‌هایش گفته شده است، نیست و این خود بهترین گواه بر موجودیت او و ارائه اندیشه‌ای نو به چین است. اریک زورچر، سوکاموتو با الهام از لینک^۱ و همچنین آراماکي نوریتوشی^۲ و کومینامی^۳ و دیگر مفسران این زمینه، این درک را دارند که خاطر نشان کنند که پژوهش‌هایشان چندان از حقیقت دور نیست. حال ما هویت آن‌شی‌گائو و حضور او را در چین برای مدتی کنار می‌گذاریم و به نمونه‌هایی از تعلق و آموزه‌های وی در چین می‌اندازیم^۴ که بارزترین تأثیر فرهنگی را در چین و سایر نقاط جهان داشته است.

در رابطه با ترجمه‌های او و آموزه‌هایش، گرچه با تعالیم مدرسه سارواستی وادا آغاز شده اما به گفته پژوهشگران و کسانی که از نزدیک او را می‌شناختند در هیچ تفسیری مطلقاً عنوان نشده که آن‌شی‌گائو فقط متعلق به مدرسه هیینه‌یانا بوده است. تعالیم او در شکل مقدماتیاش بر اساس آنا پانا^۵ و ذهن‌آگاهی^۶ (مایندفولنس) بوده که در واقع در مدارس

1. A. Link
2. Amraki Noritoshi
3. Kuminami
4. پیش‌تر شرح بسیار مختصری درباره برخی آموزه‌های وی شده است.
5. Anapana
6. Mindfulness

1. Yan Fotiao

۲. ده نوع ادراک Shami Shihut Zanggun Xu که یان فوتیائو پیشگفتاری بر آن تفسیر نوشته است.

۳. این برگرفته از مجموعه یادداشت‌هایی مربوط به تری پیتاکا (سه زنبیل خرد). عنوان چینی آن «چوسان زانگ جیچی Chu SanZung Jiji» است که توسط راهب بودایی سنگیو Senghyou (۵۱۸-۴۴۵) نگارش شد. این اثر شامل ۱۵ جوان (طومار) از بودیسم اولیه که به چینی برگردانده شده و شامل شرح حال مترجمان بودایی در چین و افراد برجسته هندی است.

4. A Study of An Shigao, the first Translator and propagator of Chinese Buddhism "Shina Bukkyo Saisho no Yakkyo gudensha An Seiko no kenkyu".

5. Ui Hakuju: A Study on the History of Sutra Translations, 1971, p.22.

6. Mahayana

ادعا می‌کردند تعالیم اصلی بودا را ارائه می‌دهند به وجود آمد. تفاوت بین مدرسه‌ها اساساً به واسطه تعبیر و تفسیرهای مختلفی از آموزه‌های بودا بود. به مرور این مدارس کوچک به دو مدرسه بزرگ تهرادا و ماهایانا تبدیل شد. اساساً ماهایانا از دل تعالیم اساسی بودا به وجود آمد و اینکه هر فرد اعم از راهب یا فرد غیر مذهبی پتانسیل بودا شدن را دارد. تراودیان می‌گفتند که این پتانسیل از طریق کوشش فردی انجام می‌شود. از طرف دیگر ماهایانیها باور داشتند که راه‌هایی با دخالت موجودات برتر به نام بودهیساتواها «نجات دهنده» امکان‌پذیر است. بر این اساس، «بودهیساتواها» بوداهای بالقوه آینده هستند. بودهیساتواها مظهر مهر و شفقت به همه موجودات زنده و نجات آن‌ها همت می‌گمارند. شواهد نشان می‌دهد که او یک منجی و یک بودهیساتوا بوده که ویژگی‌های آن را داشته و به چرخه بزرگ نزدیک‌تر بوده. یویی هاکوجو باور دارد که متون ترجمه شده توسط آن‌شی گائو محدود به مدرسه هینه‌یانا نیست و متونی که به مرور زمان کامل شد الهام گرفته از متون ماهایانا است که توسط آن‌شی گائو ارائه داده شده است. اگر منابع عنوان بودهیساتوا را به او داده‌اند به این منظور بوده که تمام تلاشش بر بیداری و نجات مردم رنج‌دیده و مهر بی‌حد و حصرش به انسان‌ها و اشاعه بودیسم به شیوه‌های آموزش خاص خودش بوده است.

گفته شده که ترجمه‌های بسیاری از آن‌شی گائو باقی مانده‌اند که حکایت از تفکر ماهایانی او دارد. یان فوتیائو یکی از نزدیک‌ترین همکاران «گروه ترجمه» او می‌گوید که چندین ترجمه متون ماهایانا از او (آن‌شی گائو) به جا مانده است.^۱ بنابراین نباید ترجمه‌های آن‌شی گائو

۱. برگرفته از نویسنده و راهب بودایی سنگیو Sengyou در مجموعه یادداشت‌ها (چوسان زانگ جیجی. (Chu sanzang ji ji)

را مطلقاً به هینه‌یانا محدود کنیم و ناگفته‌هایی از او را که توسط متفکران و فاضلان بررسی شده نادیده بگیریم. «دائوآن» نیز در کتاب فهرست ۳۷۴-۳۶۴ می‌نویسد: «آن‌شی گائو از زمان امپراتور هوآن^۱ تا امپراتور لینگ^۲ از سلسله‌هان به مدت بیش از بیست سال متجاوز از سیصد متن بودایی را ترجمه کرد.^۳»

نویسنده بودایی «هوجیائو»^۴ می‌گوید که فعالیت آن‌شی گائو به عنوان مترجم در پایتخت لئویانگ و در پایان سلطنت لینگ (۱۶۸-۱۸۹) خاتمه یافت که ترجمه‌هایش جمعاً بیست سال طول کشید.

اریک زورچر یک کشف شگفت‌آوری را نمایان می‌سازد و آن اینکه این نویسنده بودایی سوره‌ای را به میان می‌کشد تحت عنوان «سوره‌ای از دوره زندگی بودهیساتوا». و تمام گرایشش به ماهایانا (فاجینگ جینگ - اوگاداتا - پارپرچا^۵) یا راه بودهیساتوا که توسط آنشوان^۶ و یان فوتیائو، دو شاگرد آن‌شی گائو ترجمه شده است. به هر حال بدون تردید او (آن‌شی گائو) استاد ماهایانا بوده و با توجه به مهر بی‌حد و حصر ماهایانی که در دل داشته دور از انتظار نیست که شاگردانش به چنین

1. Emperor Huan

2. Emperor King

۳. دائوآن Daoan راهب بودایی سلسله چین شرقی و مترجم کتاب‌های مقدس بودایی. او سال‌های آخر عمر خود را به تفسیر و ترجمه متون مقدس و تالیف فهرست متون مقدس گذراند. ترجمه‌های دائوآن بعدها بر کومارا جیوای هندی قرن چهارم تأثیر عظیم داشت و کومارا جیوای با الهام از او متون دیگری را به چینی ترجمه کرد. دائوآن بنیان‌گذار کد انضباطی معابد و خانقاه‌های چینی بود. او به یکپارچگی بودیسم در چین کمک بزرگی کرد.

۴. هویی جیائو Huijiao: ۴۹۷-۵۵۴ راهب بودایی که آثارش بر اساس ترجمه‌های آن‌شی گائو بنا نهاده شده. آثارش عبارتند از تفسیری بر سوره نیروان - تفسیری بر سوره (ماهایانا) - و برجسته ترین اثرش «زندگی راهبان مشهور» که در آن از آن‌شی گائو نام برده است.

5. Fajing Jing (Urgadatta - Pariprecheeha - Budhisattra Path).

6. An Xuan

نوشته‌هایی، علاقمند باشند^۱.

باتوجه به تعبیر و تفسیرهای بیان شده و همچنین در مقدمه کانگ سنگهویی به طور مسلم واژه بوده‌یسا تا به شخص آن‌شی گائو برمی‌گردد. افزون بر این سو کاموتو زنیو اظهار می‌دارد:

به عبارتی دیگر «پیشگفتار» چنان در مورد او نوشته شده که باور بر این است که او بودهیساتوا بوده است. کسی که به بودیسم ماهایانا احترام می‌گذارد. با این حال حقیقت این است که آن‌شی‌گائو در واقع یک مترجم مورد قبول مرسوم از کتاب مقدس هینه‌یانا بوده است زیرا خودش به شخصه به هینه‌یانا هم باور داشت.^۲

سوکاموتو زنی بود که این دو مدرسه را به عنوان آموزگار خود تلقی می کردند. هیچ تنشی بین چرخ بزرگ و کوچک وجود نداشت چرا که چنین تنشی در شخص آن‌شی گائو مشاهده نشد. این اصل باید مورد قبول واقع شود که آن‌شی گائو در عملگرایی اش و نیت اش به بیداری دیگران، پیرو چرخ بزرگ بود و بیداری بودا را منتقل می کرد. به نقل از سوکاموتو او بودهیساتوایی بود که دکترینش را بر خلاف آنچه در بودیسم هندی^۲ و آسیای مرکزی بود رواج می داد. او در عین حال بعضی متون تاثیرگذار

۱. اریک زورچر فتح بودایی چین

۲. سوکاموتو زنیو: تاریخ بودیسم اولیه در چین از معرفی تا مرگ یوئی هوآن چاپ ۱۹۸۱. ص ۸۱

۳. جدا کردن دکترین آن‌شی‌گائو از بودیسم هندی به معنای آن است که او بودیسم هندی را به شکلی متفاوت و متحول‌تر ارائه می‌داد.

یعنی متون مراقبه^۱ را هم به صورت نظری و هم عملی ارائه می‌داد^۲ کانگ سنگهویی به درستی مشخص می‌کند که آن‌شی گائو شش کمال واقعی^۳ را آموزش می‌داد تا افراد به خرد نهایی و بیداری دست یابند. اریک زورچر به این موضوع اشاره کرده است که تفسیرهای کانگ سنگهویی در اغلب موارد به متن‌ها و نوشته‌های ماهایانا اشاراتی دارد که وی (کانگ سنگویی) متن‌ها را از ترجمه آن‌شی گائو و از آن‌بان شویی جینگ برداشت کرده است^۴ و همچنین سه نقل قول «تا مینگ تو چینگ»^۵ و یک نقل قول از ویمالاکرتی^۶ (سوره ماهایانا) که توسط چیچیی^۷ ترجمه شده است. این‌طور به نظر می‌رسد که کانگ سنگهویی تحت تاثیر آموزش هینه‌یانای آن‌شی گائو قرار نگرفته بلکه از جوهر ماهایانای وی الهام گرفته و آنرا تفسیر نموده است. این به درستی نشان می‌دهد که کانگ سنگویی از آموزش‌های کلی آن‌شی گائو به‌سوی ماهایانای او گرایش داشته و راه و روش ماهایانای او را دنبال کرده است. افزون بر این، فاجینگ جی (همان‌طور که قبلاً اشاره شد) توسط شاگردان

۱. چکیده‌های از تفسیر مراقبه بودایی از آن‌شی گائو در کتابی تحت عنوان مراقبه بودایی در فرضیه
و عمل توسط راهب محترم، پارا وا هرا ویجی رانانا ماها تنرا Buddhist Meditation in theory
Co.,Ltd. and praetice by the Ven, Paravahera Vijiranana Mahathera M.D.Gunasena
۱۹۶۲ First publish

۲. شرح کامل این آموزش در کتاب «راه پالایش درون» در تفسیری از بودا گوشا ترجمه نانا مولی:
The Path of Purification, Translated from Pali to English, By: Bhikkhu Nanamoli

۳. پراجنا پارامیتا Prajnaparamita که به مادر مکتب ذن - بودا مشهور است برای شرح بیشتر رک. به کتاب ۶. باشائی «فراسوی فرزاندگی» (پراگیا پارامیتا).

۴. اریک زورچر (۱۹۸۹ صفحه ۵۴).

۵. تامینگ توچینگ (آستاساها سریکا پراجنا پارامیتا) (Astasaha Srika) (Prajnaparamita)

۶. سوره ماهایانا از ویمالاکریتی، Mahayana Sutra by Vimalakirti،

7. Chih-ch»ien

حضور وی در چین شتاب بیشتری پیدا کرد و آنچه از وی ثابت شده تمام داستان نیست و به‌طور یقین در آینده نزدیک شاهد اسناد و شواهد تاریخی معتبرتری از او در این زمینه خواهیم بود.

یک نکته اساسی لازم به اشاره است و آن ابعاد تاثیر گذار اندیشه بودای پارسی است که هم اکنون مورد توجه همگان بوده و پژوهشگران، وی را هم‌طراز با دیگر پیشوایان بودایی دیگر توصیف کرده‌اند، شخصیتی که می‌تواند به‌مانند بسیاری از پیشوایان بودایی و ذن بودایی همچون هاگوین ذنجی^۱، هویی ننگ^۲، دوگن ذنجی^۳، واسو باندو^۴، بودا گوشا^۵، آشا گوشا^۶، بودید هارما^۷، شاری پوترا^۸، ناگارجونا^۹، کاساپا^{۱۰}، لین‌چی‌یشوآن^{۱۱} و غیره در تاریخ فرهنگ بوداییسم به‌درخشد، چرا که او نیز مانند چهره‌های ماندگار بودایی و پیشوایان بودایی همانقدر در تحول بودیسم به شکل نظری و عملی نقش داشت که سایر پیشوایان بودایی، و بی دلیل نیست که کانگ‌سنگهویی راهب چینی و مترجم متون بودایی در سه دوره پادشاهی چین باستان او را یک

1. Hakuinzenji
2. Hui Neng
3. Dogenzenji
4. Vasubandu
5. Buddhaghosa
6. Asvaghosa
7. Bodhidharma
8. Shariputra
9. Nagarjuna
10. Kassapa
11. Linji Yixuan

آن‌شی‌گائو یعنی یان فوتیائو و آن شوآن ترجمه شده است، اثری که دقیقاً راه و روش و سنت ماهایانا را نشان می‌دهد. زورچر می‌گوید: در رابطه با اولین مستندات بودیسم در چین به صراحت نمی‌توانم بگویم که استفاده از واژه بودهیساتوا که هم به راهبان داده می‌شود و هم به افراد عام (افراد غیر مذهبی) تصدیق کننده یک فلسفه خوش‌بینی موثر و یک جهل عمیق در قالب معنای واقعی این نامگذاری است^۱.

با توجه به مستندات فوق غیرممکن است که یان فوتیائو، کانگ سنگهویی و همچنین تفسیر چنهویی^۲ در باب ینجیجو چینگ^۳ از عنصر بودهیساتوا در آثار مختلف و در ارتباط با آن‌شی‌گائو بی‌اطلاع بوده باشند.

در ستایش از جدم آن‌شی‌گائو

آیین بودا در نیمه‌های قرن دوم بعد از میلاد (۱۴۸ بعد از میلاد) در دوره اشکانیان و توسط شاهزاده اشکانی در ایران به‌نحوی برجسته نمایان شد. همان‌گونه که پژوهشگران در دهه‌های اخیر حقیقت این شاهزاده پارسی را آشکار ساختند دور از حقیقت نیست که حقایق دیگری در مورد او هست که هنوز افشا نشده و چه بسا به‌صورت دست‌نویس‌های چینی در معابد بودایی محافظت شود. از زمان برجسته شدن حقیقت این فرزانه پارسی شواهد بیشتری و تحقیقات بیشتری توسط نویسندگان و استادان فن درباره او می‌شود و اگر توجه کنیم موتور چرخ دارما با

1. Erik Zurcher: The Buddhist Conquest of China. The Spread and Adaptation of Buddhism in Early Medieval China, 2 vols. 1959, p. 32

2. Chen Hui

۳. ین‌چی‌جو چینگ (درجیابز JIABS) شرح داده شده است.

بوده‌یساتوا (کای‌شی)^۱ نامیده است. بدون تردید و به باور پژوهندگان در این زمینه، کار و آثار آن‌شی گائو، نقطه عطفی است نه تنها در تاریخ و فرهنگ چین و نواحی اطراف آن، بلکه یک جهش در فرهنگ آیین بودا در تمامی ابعادش است و شاخه‌های آنکه به مرور تحول یافت.

در معرفی آیین بودا و کاربرد این آیین به نحوی موثر همان‌قدر دارای اعتبار و ارزش است که کار و اعتبار پیشوایان و استادان یاد شده در بالا و تنها تفاوت در این است که نام این شاهزاده پارسی تا کنون به دلایلی مبهم در تاریخ گم شده بود. بدون تردید، تمام کسانی که کم‌وبیش با آیین بودا به طور عام و ذنبودیسم به طور خاص آشنایی دارند و یا آن را مطالعه و تجربه کرده‌اند به اهمیت این حرکت تاریخ‌ساز فرزانه پارسی پی خواهند برد و آن را در راستای نیاز معنوی مردم تایید خواهند کرد و در عین حال خواهند کوشید که حقیقت این استاد فن^۲ را در نظر جهانیان آشکار کنند. برجسته‌کردن نام آن‌شی گائو، نه فردیت پرستی است و نه بزرگ‌نمایی کاذب یک شخص یا شخصیت و یا حمایت از یک سمبل ملی‌گرایانه است (گرچه باید به آن نیز افتخار نمود)، بلکه نقش سرنوشت‌سازی است که بعضی راهبان در تاریخ بودیسم دارند که پرچمدار یک فرهنگ والا و نیز شتابی است که به این آیین داده شده است که در هر بزنگاه تاریخی شخصیتی ظهور می‌کند و در پرتو آن تغییراتی ایجاد می‌شود. آنچه او انجام داد پیشوایان قبل از او و بعد از او نیز انجام دادند. هدف همگی این بود که چراغ روشنگری را به آیندگان منتقل کنند و راه بیداری را بیاموزند. آنانی که آیین بودا نه به شکل اصول مذهبی خشک بلکه به عنوان

درمان در رفع درد و رنج مردم یافته‌اند در تلاشند مردم را به این داروی شفا بخش آشنا کنند و در تداوم این فرآیند، آنان را در حصول به خرد و خرد عالی‌ه رهنمون سازند. هرگاه صحبت از درمان، روشنگری، و بیداری به میان می‌آید نام بوده‌یساتواهایی که تلاش‌شان در بیداری مردم بوده است می‌درخشد. روشنگری نقطه مقابل جهل، خرافات، و اوهام است و هرچه بیشتر در آن همت گمارده شود تیشه به ریشه جهل، نفرت، وهم و خرافات زده خواهد شد. این خرد و بیداری باید در همین زمان، اکنون و حال اتفاق بیفتد و نه در دنیایی دیگر. و چه بسا بینش ژرف شاهزاده پارسی در نیمه‌های قرن دوم بعد از میلاد و در سرزمین پارس می‌توانست جایگزین ایدئولوژی خرافی باشد که تا به امروز هزینه آن را می‌پردازیم و از آن جایی که بعضی‌ها هنوز این پوسته ضخیم جهل را ناآگاهانه به دور خود تنیده این احتمال نیز می‌رود که آینده مبهم و تاریک تری داشته باشیم چرا که به قول حضرت فردوسی، سرانجام بد ما یا (به عبارت دیگر کارمای بد ما) به واسطه بی‌خردی ما بوده است اینکه بین خوب و بد را به درستی تشخیص ندادیم و چیزها را کورکورانه پذیرفتیم.

اما باز هم اندیشه پارسی راه خود را می‌جوید و می‌پیماید و امید و تغیر در همه‌ی ما ایرانیان زنده بوده و تاریخ نشان داده که فرهنگ اصیل ایرانی مانند کاتالیزور عمل می‌کند، ایده‌ها را غربال می‌کند و آنچه به فرهنگ اصیل او می‌خورد همان را نگه می‌دارد حتی اگر یک ایدئولوژی ناخواسته بر آن‌ها قرن‌ها سیطره داشته باشد.

در هر صورت وزنه بسیار وزین اما بی‌نهایت ارزشمند تحقیق در این زمینه بر دوش من است که مشتاقانه و تنها، جست‌وجوگر این «راه» هستم و جا دارد که دیگران نیز با دستان مهر پرور خود مرایاری دهند که

۱. کانگ سنگهویی (Kang Senghui) از مترجمان چینی قرن سوم بعد از میلاد که شناخت خوبی از آن‌شی گائو داشت و به او لقب بیدار کننده (Kaishi) یا بوده‌یساتوا داده بود.

۲. آنانی که به او نزدیک بودند و همچنین سایر محققان، آن‌شی گائو را استاد مراقبه می‌نامیدند.

هم به اصالت خود افتخار کنیم و هم دنیا را به نیت‌های فرهنگی پارسیان آشنا سازیم. آیندگان ما به طبع از گذشتگان ما خواهند آموخت حتی اگر تحریف تاریخ باشد و در تلاش خواهند بود از دستاوردهای اجدادمان پرت‌های با همان اندیشه عظیم خلق کنند اندیشه‌ای که برگرفته علم است و با علوم کنونی همخوانی دارد و در حرکت است و جایی که علم متوقف می‌شود این آیین همچنان به حرکت خود ادامه می‌دهد.

برخلاف این ضرب المثل فارسی که «آب رفته به جوی باز نمی‌گردد»، باید کمر همت بست به اینکه آب رفته را به جوی این دشت پهناور برگرداند و چه آسان خواهد بود اگر همه‌ی ما مسیر آن را به جهت اصلی به گردش در آوریم و پیام صلح و یگانگی را در مفهوم واقعی آن، که قرن‌ها پیش توسط شاهزاده‌ای از دیارمان به جهانیان ارائه شد زنده نگه داریم و آن را نهادینه نماییم.

فرزانه‌ای که بودیسم را به طرز شایسته‌ای متحول ساخت و با اعتباری که نزد جهانیان و روشنفکران داشته و دارد به سرزمین اصلی شاهزاده پارسی برگردد و پرچم صلح و بیداری که وی در شرایط دشوار بر افراشت بار دیگر در سرزمین خودش برافراشته گردد. همان‌گونه که پروفیسور د.ت. سوزوکی تحول کشورش «ژاپن» را در کتاب خود^۱ بر اساس الهام از بودیسم دانسته است (در فصل دوم از آن صحبت شد) و بر این اندیشه ارج می‌گذارد و مباحثات می‌کند، ما نیز می‌توانیم با زمینه فرهنگی غنی خودمان بودیسم را در کشور خودمان بپذیریم و میزبان آموزش آن به تمام جهانیان و به شیوه‌ای که جد ما آن‌شی گائو برقرار کرده است باشیم.

این برداشت پروفیسور سوزوکی از بودیسم و انطباق آن بر پیکر نیمه جان فرهنگ ژاپنی بود که آنان را به این درجه از جلال و شوکت رسانده است و بی‌مورد نیست که آن را با داستان یکی از حکمرانان مسلمان خود در رابطه با توسعه فرهنگی کشورمان مقایسه کنیم و تفاوت دو دیدگاه مختلف را مشاهده کنیم. این داستان با این عنوان آغاز می‌شود: «سه چیز فرنگ که دل ناصرالدین شاه را برد.» داستان از این قرار است که ناصرالدین شاه ما و امپراتور می‌جی^۱ از کشور ژاپن در یک زمان به اروپا رفتند؛ اروپای پیشرفته و صنعتی. قرار بود این سفر، نگرشی تازه برای زمامداران دو کشور به وجود بیاورد. می‌جی از سفر که بازگشت، سه هیات با سه ماموریت ویژه به اروپا فرستاد. یک گروه مسئول بررسی و کنکاش در نظام آموزش و پرورش چند کشور مثل بلژیک، هلند، آلمان، فرانسه شد. گروه دوم مسئول بررسی قانون اساسی این کشورها و نحوه‌ی اجرایی شدن آن شد و گروه سوم هم ماموریت یافت تا صنایع جدیدی که در اروپا متداول شده بود را فرا گیرند. امپراتور می‌جی با تکیه بر گزارش‌های سه هیات، در اولین قدم ژاپن را به هشت قسمت تقسیم کرد، در هر قسمت دویست مدرسه، سی دبیرستان و یک دانشگاه تاسیس کرد.

به هر سه گروه البته ماموریت ویژه «بررسی نظام حکومت‌داری کشورها» نیز محول شد. در نتیجه کشور به‌طور چشمگیری متحول شد و می‌جی توانست کشور را در مدت کوتاهی به یک قدرت سلطنتی جهانی و با فرهنگی متمدنانه تبدیل کند. او نقش رهبری را در مدرن ساختن ژاپن به عهده داشت و انقلاب صنعتی از او است. اما ره آورد ناصرالدین شاه از سفر به اروپا، سه دستور عجیب بود. او

۱. ذن و فرهنگ ژاپنی، نوشته پروفیسور د.ت. سوزوکی، ترجمه ع. باشایی صفحات ۲۵۵-۲۵۶ نشر میترا ۱۳۷۸

سالن نمایش «آلبرت هال» را در لندن دید و دستور داد تا با الگوبرداری از آن، «تکیه دولت»^۱ را در تهران احداث کنند. دستور دومش این بود که به رسم رقصنده‌های اروپایی، زنان حرمسرا، دامن‌های چین‌دار بپوشند. و سومین دستور اینکه «سرسره» وارد کشور کنند تا او از بالا به آغوش زنان حرمسرا بیفتد! همینطور که مشاهده می‌شود تفاوت‌ها در نوع نگرش به آینده است و نه به قهقرا.

همسفران مهربان. شما که مرا، راهب معبد پارس را، در جست‌وجوی سیمرخ یاری دادید! سفر ما را پایانی نیست. زندگی سفری است همیشگی. بال بگشایید ای کبوتران بلند پرواز. بال بگشایید چونان عقابی بر صخره‌های زندگی. با این آرزو که این نوشته‌ها، چراغی باشد در تاریکی.

من بر آنم که اگر در گردنه‌های پرسنگلاخ این سفر گم شویم و یا تاریکی و خطر راه بر ما ببندد، در آن ظلمت ظالم فریاد برکشیم: آهای! آن‌شی گائو! شاهزاده‌ی پارسی! بودهیساتوا بودای پارسی! او جوابمان خواهد داد. راه نشانمان خواهد داد و چراغ مهر و خرد بر سر راهمان بر خواهد افروخت.

بدرود ❀

من، راهب پارسی، اولاد آن‌شی گائو با شما بدرود می‌گویم. اینک در پایان یک سفر و بر دروازه‌های گشوده‌ی سفری دیگر. زندگی راه است و جست‌وجوست و سفر است. سفری را باهم آغاز کردیم به‌سوی هفت شهر عشق. و اینک: بدرودی دیگر با آرزوی درودی دیگر، زیرا که:

کرانی ندارد بیابان ما
قراری ندارد دل و جان ما
جهان در جهان نقش و صورت گرفت
کدامست از این نقش‌ها آن ما
چو در ره ببینی بُریده سَری
که غلطان رود سوی میدان ما
از او پرس از او پرس اسرار ما
کز او بشنوی سر پنهان ما

۱. «تکیه دولت» بنایی است که در عهد ناصرالدین شاه قاجار و به منظور مراسم تعزیه و برگزاری آئین عزاداری، سینه زنی، و روضه‌خوانی در ایام عاشورا در تهران برگزار می‌شد.

چه بودی که یک گوش پیدا شدی
حریف زبان‌های مرغان ما
چه کبکان و بازان ستان می‌پرند
میان هوای کهستان ما
میان هوایی که هفتم هواست
که بر اوج آنست ایوان ما

اینک باهم بدرود می‌گوییم با مرواریدهایی در دست. مروارید رخشان
کلمات. بیایید گل‌بندی ببافیم از نور کلمه. از سپیدی مروارید کلمه و آن
را به گردن هر عاشقی بیاویزیم. انسان‌ها، عاشق نورند. عاشق کلمه‌اند.
عاشق همدیگرند. بیایید باهم و باز هم سفر کنیم. دروازه اینجاست. کوه
اینجاست. قاف اینجاست. آینه اینجاست. آینه‌بندان است این جهان.
بنگرید! بیایید! بیایید برویم تماشا! جشن مهربانی است. رقص
شادی هاست. آواز عشق است. مبارک باد بر شما این جامه که از این
بازار خریدید. مبارک باد بر شما بال‌های پروازتان:

عاشق شده‌ای ای دل سودات مبارک باد
از جا و مکان رستی آن جات مبارک باد
کفرت همگی این شد تلخت همه شیرین شد
حلوا شده کلی حلوات مبارک باد
در خانقه سینه غوغاست فقیران را
ای سینه بی‌کینه غوغات مبارک باد
این دیده دل دیده اشکی بد و دریا شد
دریاش همی‌گوید دریات مبارک باد
ای عاشق پنهانی آن یار قربنت باد
ای طالب بالایی بالات مبارک باد

ای جان پسندیده جوییده و کوشیده
پرهات بروییده پرهات مبارک باد

این دفتر را با شعری پرمعنا از زنده‌یاد سهراب سپهری و اشاره او به
مدرسه بودیسم ماها یانا به پایان می‌برم. اشاره‌ای که هر بودهیساتوانی
یک بودا یا، بیدار شده‌ایی بالقوه است.^۱

آنی بود، درها وا شده بود.
برگی نه، شاخی نه، باغ فنا پیدا شده بود.
مرغان مکان خاموش، آن خاموش، این خاموش. خاموشی
گویا شده بود.
آن پهنه چه بود: با میشی، گرگی همپا شده بود.
نقش صدا کم‌رنگ، نقش ندا کم‌رنگ، پرده مگر تا
شده بود؟
من رفته، او رفته، ما بی‌ما شده بود.
زیبایی تنها شده بود.
هر رودی، دریا،
هر بودی بودا شده بود.^۲

تا درودی دیگر، بدرود.

۱. در هشت‌کتاب و شرق اندوه قطعه‌ای به نام Bodhi یا «بیداری» وجود دارد که در انتهای آن،
سپهری از یکی شدن و تبدیل شدن هر چیزی به بودا که در مدرسه ماها یانا مرسوم است می‌گوید. یعنی
هر باشنده‌ای، هر بودهیساتوانی، بودا می‌شود.

۲. سهراب سپهری و بودا: تالیف دکتر حجت عماد ص. ۱۱۲. انتشارات فرهنگستان یادواره

❁ کتابشناسی

این فهرست یا کتابشناسی برگرفته از کتاب پروفیسور آنتونینو فورته «خانواده ایرانی در چین» است که در پایان کتاب ایشان گنجانده شده که لازم دیدم جهت اعتبار بخشیدن به واقعیت آن‌شی گائو و هم «فکر» با این نویسنده آن را نیز در کتاب خود جهت آگاهی‌رسانی بیشتر قرار دهم. این فهرست یا کتابشناسی به تعبیری جهت عینیت بخشیدن به واقعیت تاریخی شاهزاده پارسی «آن‌شی گائو» است و فعالیت مذهبی و فرهنگی او در چین است که مورد توجه آنتونینو فورته و سایر نویسندگان قبل و بعد از او قرار گرفته است. معرفی آن‌شی گائو منحصر به یک، دو کتاب، یک منبع و یا دو منبع خاص نیست بلکه بسیار گسترده‌تر از آن است که آن را محدود به یک مقاله و یا یک کتاب از یک یا دو نویسنده نمود. کتاب‌های زیر جنبش فرهنگی و مذهبی آن‌شی گائو را در ابعاد گوناگون با تفسیرهای مختلف، نام افراد شهیر مرتبط با بودای پارسی، نام مکان‌ها،

لی داشی Li Dashi (d, ۶۲۸) تألیف شده و توسط پسر وی یعنی لی یانشا تو Li Yanshou در سال ۶۵۹ تکمیل شده است، Zhonghua shuju، پکن، ۱۹۷۴.

بیشان لو Beishan Lu (تاریخچه ای از کوه های شمالی) در (در ۱۰ خوان Juan) توسط شنکینگ Shengqing (تاریخ. در طول دوره ی یوانه Yuanhe [۸۲۰-۸۰۶]) تألیف گردیده و توسط هوئیائو Huibao (تاریخ نا مشخص) تفسیر شده است. T. جلد ۵۲، شماره ۲۱۱۳.

بیانژنگ یون Bianzheng Iun (رساله برای درک و اصلاح)، در ۸ Juan، تألیف شده توسط فالین Falin (۶۴۰-۵۷۲). T. جلد ۵۲، شماره ی ۲۱۱۰.

سیفو یوانگوی Cefu yuangui (لاک پشت اصیل، گنج گران بهای مخزن اسناد)، ۱۰۰۰ Juan، بین سال های ۱۰۰۵ و ۱۰۱۳ توسط وانگ کینرو Wang Qinruo و دیگران گردآوری شده است. باز تولید فوتولیتوگرافی ویرایش ۱۶۴۲، Zhonghua shuju، پکن، ۱۹۶۰.

چانگان ژی Chang'an zhi (توصیفی از چانگان Chang'an)، در ۲۰ Juan، تألیف شده توسط سونگ مینکیو Song Miniqiu (۱۰۷۹-۱۰۱۹). مقدمه ی این کتاب توسط ژائو یانرو Zhao Yanruo در سال ۱۰۷۶ نوشته شده است (شهر شینینگ ۹)، جینگ شون تانگ کونگشو Jing xun tang congshu ویرایش سال ۱۷۸۴ (۱۷۳۰-۱۷۹۷) Bi Yuan می باشد که توسط بی یوان (۱۷۳۰-۱۷۹۷) انجام شده است. این ویرایش در کتاب سونگ یوان دیفانگژی کونگشو Song yuān difāngzhī congshu (کتابشناسی B) جلد ۱، شماره ی ۱ و صفحات ۱ تا ۱۳۲ مجددا چاپ شده است. فقط Juan شماره ی ۶ تا ۱۰ در مجموعه های مرجع تمدن T'ang civilization reference series (کتابشناسی B)، شماره ی ۶، صفحات ۸۹ تا ۱۲۱ چاپ مجدد شده اند. به چانگان ژی تو Chang'an zhi tu نیز نگاهی بیندازید.

چانگان ژی تو Chang'an zhi tu (نقشه های Chang'an zhi)، ۳ Juan توسط لی هاوون Li Haowen (تاریخ نامشخص) از خاندان یونا Yuna تألیف شده است، جینگ شون تانگ کونگشو Jing xun tang congshu ویرایش سال ۱۷۸۴ (۱۷۳۰-۱۷۹۷) Bi Yuan می باشد که توسط بی یوان (۱۷۳۰-۱۷۹۷) انجام شده است. این ویرایش در کتاب سونگ یوان دیفانگژی کونگشو Song yuān difāngzhī congshu

و واقعیاتی که فراتر از یک تحقیق یک بعدی یا دو کتاب درباره او است، بازگو می کند. کسانی که مایلند با این شخصیت پارسی و آثار ترجمه او بیشتر آشنا شوند، می توانند به کتاب های زیر که به زبان های مختلف، توسط اندیشمندان، محققان و به صورت علمی و تحقیقاتی ارائه شده دسترسی داشته باشند. کتاب آنتونینو فورته در حقیقت فریادی از اعماق وجود این نویسنده ایتالیایی است که در صدد است یک واقعیت نهفته را در ذهن جهانیان روشن سازد یا به عبارت دیگر مشتی از خرواری از دانش از او را نشان دهد.

آثار و مجموعه های پیش از سال ۱۸۵۰

Ahan koujie (توضیحات شفاهی از Agama)، که به صورت Ahan koujie و koujie Shier yinyuan jing خوانده می شود (توضیحات شفاهی از عالیجناب «آن» Marquis An)، بعنوان یک ترجمه که بصورت مشترک توسط آن شوان An Xuan و یان فوتیائو Yan Fotiao انجام گرفته است در نظر گرفته شده است (اما احتمالاً اثری از آنشی گائو An Shigao است). T. جلد ۲۵، شماره ۱۵۰۸.

آن لوشان شیجی An Lushan shiji (نشانه های واقعی از آن لوشان) نوشته شده توسط یائوروونگ Yao Runeng در [۳ خوان Juan]، توسط Yao Runeng (وفات نا مشخص) بین سال های ۸۰۵ و ۸۲۰ گردآوری شده است (من برای تاریخ تألیف آن، p.VIII، ۱۹۶۲، des Rotours، را دنبال کرده ام)، Shanghai guji، chubanhse، شانگهای، ۱۹۸۳. این اثر در دس روتورز des Rotours ترجمه شده است و در مورد آن نظر داده شده است، ۱۹۶۲ (کتابشناسی B).

بایلون شو Bailun shu (تفسیری برای Sata[ka]sastra shjh)، [۲ Juan]، توسط جیزانگ Jizang (۶۲۳-۵۴۹) در سال ۶۰۸ (۴ Daye) گردآوری شده است. T. جلد ۴۲، شماره ۱۸۲۷.

بی شی Bei shi (تاریخ سلسله های های شمالی، ۵۸۱-۳۸۶)، [۱۰ Juan] توسط

yuan difangzhi congshu (کتایشناسی B) جلد ۱، شماره ۲ و صفحات ۱۳۳ تا ۱۶۴ مجددا چاپ شده است. نگاهی به Chang'an zhi نیز بیندازید.

چو سانزانگ جی جی Chu sanzang jiji (مجموعه‌ای از تاریخچه‌ی ترجمه‌ی ۳ مخزن) (Collection of Records Concerning the Translation of Three Storehouses)، ۱۵juan. توسط سنگیو Sengyou (۵۱۸-۴۴۵) نوشته شده است. این نویسنده در سال ۵۱۵ و قبل از مرگ خود آن را تکمیل و اصلاح کرده است. T. جلد ۵۵، شماره ۲۱۴۵.

چورون شوکی Churon sho ki (سوابق تفسیر ماده‌ها ماکا شاسترا (Madhyamakasastra)، ۸kan. توسط آنچو Ancho نوشته شده است (۸۱۴-۷۶۳). T. جلد ۶۵، شماره ۲۲۵۵.

داسونگ چونگژیو یون Da Song chongxiu Guang yun. برای اطلاعات بیشتر نگاهی به Guang yun بیندازید.

داتانگ دینگیان آن جانگ جونگ آن جون ژی Da Tang Dingyuan jiangjun Tang gu you weiwei jiangjun shangzhuguo An fujun muzhiming (کتیبه‌ی تانگ Tang کبیر از عالیجناب An، ژنرالی که مناطق دور دست را سر و سامان بخشید). کتیبه‌ی با مراسم تشییع جنازه‌ی آن پو An Pu (zi Sa) (۶۶۴-۶۰۱) و همسر وی (۷۰۴-۶۶۲) از خاندان هی He. تاریخ Jinglong متعلق به ۲۶، ۱۰، ۳ (۱ دسامبر ۷۰۹) می‌باشد و در اواخر آوریل ۱۸۸۱ حفاری شده است. سایش این کتیبه ضعیف بود و در Anon مجددا چاپ گردید. ۱۹۸۲b (کتایشناسی B)، صفحات ۲۵ و ۲۶. این کتیبه ابتدا (همراه با یک تفسیر) در Zhao Zhenhua و Zhu Liang، سال ۱۹۸۲، (کتایشناسی B)، صفحات ۲۷ff چاپ گردید. اخیرا نیز در ژو شاولیانگ Zhou Shaoliang، سال ۱۹۹۲، (کتایشناسی B)، جلد ۱، صفحات ۱۱۰۴ تا ۱۱۰۵ بر اساس انتشارات سال ۱۹۸۲ که در بالا نیز به آن اشاره کردیم، چاپ شده است. این کتیبه‌ی ساییده شده از آنون Anon در سال ۱۹۸۲ مجددا چاپ گردید و نسخه‌ی نشانه‌گذاری شده‌ی آن در مائو هانگوان Mao Hanguang جلد ۱۵ (۱۹۹۳)، کتیبه‌ی شماره ۱۴۶۳، صفحات ۳۴۱ تا ۳۵۱ موجود می‌باشد.

دا تانگ گو گونگشی آن-جون موژینگمینگ بینگ شو Da Tang gu gongshi An-jun muzhiming bing xu (کتیبه‌ی تانگ کبیر همراه با مقدمه‌ای برای وفاتنامه

ی مرحوم گونگشی gongshi عالیجناب «آن» An). کتیبه‌ی یادبود درمورد آن لینگ جی An Lingji (۷۰۴-۶۴۵). متن آن توسط ژنگ کیون Zheng Xiuwen (وفات نا مشخص) ایجاد شده و توسط شی بائوبی shi baobi (تاریخ نا مشخص) با خط منظم نوشته شده است. در چندین جلد به چاپ رسیده است، چاپ مجدد جلد rubbing and punctuated در Mao Hanguang، جلد ۱۴ (۱۹۹۳)، شماره ثبت ۱۳۸۳، صفحات ۴۴۷-۴۴۱.

دا تانگ گو وی وی جیانگجون شانگژوگو آن فوجون موژیمینگ بینگ شو Da Tang gu you weiwei jiangjun shangzhuguo An fujun muzhiming (大唐武有微微将军山站住国安并君墓志铭并序) bing xu کتیبه بزرگ تانگ با مقدمه‌ای برای سنگ قبر مرحوم عالیجناب «آن» Gentleman An، ژنرال نگهبان با صلابت شایسته (Right Awesome Guard)، رکن عالی دولت، کتیبه ستون سنگی یادبود مربوط به آن یوان شو (An) 安元狩، Yuanshou (۶۰۷-۶۸۳). متن توسط گائو ژنگی Guo Zhengyi (郭正一) (۶۸۹d) نوشته شده، با شخصیت‌های ساده شده در آنون Anon به چاپ رسیده است، ۱۹۸۸، صفحات ۴۷-۴۴. چاپ مجدد ضعیفی از رایینگ rubbing در صفحه ۴۶ است، درحالیکه جلد خوب آن را می‌توان در سوی تانگ وودی موژی هوئییان Sui Tang Wudai muzhi huibian (隋唐五代墓誌匯編) یافت، «Shaanxi»، جلد ۳، صفحه ۹۸.

دنکه جی کائو Denke ji kao (登料纪考) مقاله‌ای در مورد سوابق کسانی که امتحانات را گذرانده اند «Those Who Have Passed the Examinations» در ۳۰ Juan نوشته شو سونگ Xu Song (徐松) (۱۷۷۱-۱۸۴۸)، پیشگفتار مورخ ۱۸۳۸، (Daoguang، ۱۸)، ژونگهوا شو جو Zhonghua shuju (中華書局)، Peking، ۱۹۸۴. چاپ شده در ۳ جلد، توسط ژائو شیوآن 趙守儼، Shouyan، جلد ۳، شامل اصلاحات و ضمیمه‌ها، دینگبو dingbu (蒲)، نوشته شن ژونگمیان Cen Zhongmian 岑仲勉، در اصل در سال ۱۹۴۱ در Zhongyang yanjiuyuan lishi yuyan yanjiusuo jikan 中央研究院历史语言研究所集刊 ۱۱ (۱۹۴۱) چاپ شد، جلد ۳، همچنین شامل شاخص اسامی گردآوری شده توسط چنشی ژانگ Zhang Chenshi 張忱石، که همچنین به اسامی شخصی که در «اصلاحات و ضمیمه» های Cen Zhongmian ظاهر شده اند نیز اشاره می‌کند.

فاجینگ جینگ Fajing jing - سوره اورگا داتا پارپرچا (法鏡經)
 ۱، Juan (Ugra(datta)pariprccha) (安玄) An Xuan و یان
 فوتیائو (佛佻) Yan Fotiao، در اواخر قرن دوم قبل از میلاد، جلد ۱۲، شماره
 ۳۲۲.

فاجو جینگ [Faju jing] (法句經) راه حق [Dhammapada]، Juan ۲،
 ترجمه شده توسط ویکینان Weiqinan (維祇難) ۲۲۴ Vighna, arr. China
 A.D. و دیگران در اوایل قرن سوم بعد از میلاد، T، جلد ۴، شماره ۲۱۰.

فایوان ژولین Fayuan zhulin جنگل مرواریدو باغ قانون 法苑珠林، در ۱۰۰
 Juan، نوشته دائوشی (道士) Daoshi (وفات بعد از ۶۸۸)، تکمیل شده ۶۸۸،
 جلد ۵۳، شماره ۲۱۲۲.

فنگ شی ونجیان جی (Fengshi wenjian ji) (封氏聞見記) (پیشینه ای از
 چیزهایی که آقای فنگ شنیده و دیده اند)، Juan ۱۰، توسط فنگ یان
 ۸۰۰.ca -Yan Zhao مراجعه مربوط میشود به نسخه ای حیاتی از ژائو ژنگشیان
 Zhenxin. نگاه کنید به چائو چن سین Chao Chen-hsin، ۱۹۳۳ (کتابخناسی
 B).

فنگسو تونگیی Fongsu tongyi (معنای کلی آداب و رسوم)، در Juan ۱۰،
 حدود ۱۷۵ توسط ین شائو Ying Shao (وفات نامشخص) نوشته شده است.
 مراجعه مربوط به نسخه Centre Franco-Chinois d'Etudes Sinologiques
 کتابخناسی Anon, B (۱۹۴۵) را ببینید و نسخه مربوط به وانگ لیکین
 Wang Liqin، ۱۹۸۱، (کتابخناسی B) هستند.

فوزو لیدای تونگزای Fozu lidai tongzai (佛祖歷代通載) (ثبت جامع
 تاریخ بودا و پیشوایان در طول قرون)، Juan ۲۲ نوشته نیانچانگ
 Nianchang 念常 (۱۲۸۲-۱۳۴۴)، تکمیل شده در ۱۳۴۱، جلد ۴۹، شماره ۲۰۳۶.

فوزو تونگجی Fozu tongji (佛祖統紀) (تاریخچه ی کلی درمورد بودا و
 پیشوایان) [۵۴خوان]، تکمیل شده توسط ژیان Zhipan (志磐)، ۱۲۶۹-۱۲۸۵،
 جلد ۴۹، شماره ۲۰۳۵.

گائوسنگ ژوان Gaoseng zhuan (高僧傳) (زندگی راهبان برجسته) ۱۴

Juan، تکمیل شده توسط هوئی جیائو Hui Jiao (慧教) (۴۹۷-۵۵۴)،
 ۵۳۰.ca، جلد ۵۰، شماره ۲۰۵۹.

گوآنگ یون Guang yun (廣韻) (قافیه های گسترش یافته Enlarged
 Rhymes) عنوان کامل: Da Song chongxiu Guangyun (大宋重修
 廣韻) Enlarged Rhymes اصلاح قافیه های گسترش یافته در طی سونگ
 کبیر (Revised During the Great Song) Juan ۵، نوشته چن پنگنیان
 Pengnian (陳彭年) (۹۶۱-۱۰۱۷) و دیگران، تکمیل شده ۱۰۸۰، مراجع
 برای نشر سونگ Song که در گوی کونگشو Guyi congshu (古逸叢書)
 (کتابخناسی B) مجدا تکثیر شده، هستند.

گوچینگ توشو جیچنگ Gujin Tushu Jicheng (古今圖書集成)
 مجموعه ای از تصاویر و کتابهای گذشته و حال)، Juan ۱۰۰۰، تکمیل شده
 توسط چنگ منگلی (陳夢雷) Chen Menglei، جیانگ تینگشی (江廷錫)
 (Yongzheng۳)، در ۱۷۲۵ به امپراتور ارائه شده است،
 نشر کاخ (Yongzheng۴ ۱۷۲۶)، چاپ مجدد ژونگهوا شوچو
 Zhonghua shuju (中華書局)، و باشو شوشه Bashu shushe (巴蜀書社)، چنگدو
 Chengdu (成都)، ۱۹۸۵، جلد ۸۲، از جلد ۸۱ به منزله کائو ژنگ
 Kaozheng (考證) و جلد ۸۲ سوین، (索引) Suoyin (بسیار کمک کننده (فهرست)).

گوچین شینگشی شو بیانژنگ Gujin xingshi shu bianzheng (古今姓氏書
 辯證) (توضیح کتابهای اسامی خانوایی حال و گذشته)، Juan 40، گردآوری
 شده توسط دنگ مینگشی (鄧名世) Deng Mingshi (تاریخ نام مشخص) و در
 سال ۱۱۳۴ به امپراتور ارائه شده است. تکثیر مجدد جلد Siku quanshu توسط
 شانگهای گوجی چوبانشی Shanghai guji chubanshe (上海古籍出版社)،
 شانگهای ۱۹۹۴.

هان شو Han shu (漢書) (کتاب "هان" سابق) دوره سلسله هان سابق
 (۸۲۰۶BD, AD) و سلسله وانگ منگ ژین (۲۳-۹) را پوشش میدهد. Juan ۲۰
 گردآوری شده ۵۸-۷۶ توسط بان گو Ban Gu (班固) (۲۲-۹۲)، ژونگهوا
 شوچو Zhonghua shuju (中華書局)، Peking، ۱۹۶۲.

هنان ژئی Henan zhi (河南志) (توصیف هنان [به عنوان مثال لنویانگ])

جیو تانگ شو (舊唐書) Jiu Tang shu (کتاب قدیمی تانگ، ۹۰۷-۶۱۸) در Juan ۲۰۰، نوشته لیو شو (劉昫) Liu Xu (۸۸۷-۹۴۶)، در ۹۴۵ تکمیل شده ژونگهوا شو جو (中華書局) Zhonghua shuju، Peking، ۱۹۷۵.

جیو وو دای شی (舊五代史) Jiu Wu Dai Shi (تاریخچه قدیمی ۵ سلسله، ۹۶۰-۹۰۷)، نوشته شو جوژنگ (Xu Juzheng) (張居正) (۹۱۲-۹۸۱)، کامل شده در ۹۷۳، Zhonghua shuju، پکن ۱۹۷۶.

کانمیو بوکه کیهیون (刊謬補缺切韻) Kanmiu buque Qieyun (اصلاح و بزرگ شده) Juan ۵، نوشته وانگ رنکسو (王仁昫) Wang Renxu، گردآوری شده ۷۰۶. ca. مقدمه و متن از دانهوانگ (P. ۲۰۱۱، ۲۱۲۹)، و متن از کاخ سلطنتی، Peking، در ژوزومو (Zhou Zumو) ۱۹۸۳، جلد ۱، صفحات ۵۳۲-۲۴۱ گنجانیده شده اند.

کاوی (考疑) Kaoyi (زیزی تونگجیان (資治通鑑) Zizhi tongjian) را ببینید.

لییان چانگان ژی (類編長安志) Leibian Chang'an zhi (توصیف طبقه بندی شده ی از چانگ آن)، Juan ۱۰، نوشته لئو تیانشیان (羅天) Luo Tianxiang (祥)، (متولد ca. ۱۲۲۳، مرگ بعد از ۱۳۰۰ در سن حدودا ۸۰ سالگی) در ۱۲۶۱ (Yuanzhen۳)، ژونگهوا شو جو (中華書局) Zhonghua shuju، Peking، ۱۹۹۲. چاپ نشانه گذاری و جمع آوری شده توسط هوآنگ یونگنیان (Huang Yongnian) (黃永年) بر اساس کپی مینگ که در کتابخانه نانجینگ (Nanjing) و کتابخانه پکن-بیجینگ (Beijing) نگهداری می شود و از طریق مقایسه با جلد کامل Song Minqiu (長安志) Chang an zhi (宋敏求) مورد استفاده (Luo Tianxiang) (黃壽成) Huang Shou Cheng (فهرست اصلاح و تکمیل شده است. توسط (Huang Shou Cheng) (黃壽成) فهرست بندی شده است.

لیدای سانباو جی (歷代三寶紀) Lidai sanbao ji (سوابق سه جواهر) یعنی آئین بودا [طی قرن ها)، Juan ۱۵، نوشته فای ژانگفانگ (費) Fei Zhangfang (長房)، تکمیل شده ۵۷۹، جلد ۴۹، شماره ۲۰۴۳.

لون یو (論語) Lunyu (منابع برای لگ (Legge) ۱۸۹۳) یا کوورور (Couvreur) (۱۸۹۵) هستند.

در Juan ۴، در طول سلسله یوان (از این پس یوان هنان ژی Yuan Henan zhi) (元 河南志) نیز نامیده می شود) تکمیل شده، اما اساسا مبتنی بر سونگ مینکیو (Song Minqiu) (宋 旻秋) (۱۰۱۸-۱۰۹۷)، هنان ژی (Henan zhi) (河南志) در ۲۰۱۸ است، Xu Song (徐松) (۱۷۸۱-۱۸۴۸) در ۱۸۰۹ (Jiaqing) [Jisi] ۱۴ از ۹۵۷۸ مین (خوآن) یونگل دادیان (Yongle dadian) (永樂大典) کپی شده است. کپی ژو سونگ Xu Song در سال ۱۸۷۲ (Tongzhi) (11) توسط میائو کوانگسون (Miao Quansun) (繆荃孫) پیدا شده و برای اولین بار در سال ۱۹۰۴ توسط او چاپ شده است (Guangxu، ۳۰) و در ۱۹۰۸ (Guangxu، ۳۴) همراه با ۵ نقش باستانی در مجموعه اوشیانگ لینگشی (Ouxiang lingshi) (藕香零拾) گنجانیده شده که توسط همان Miao QuanSun ویرایش شده است و مجددا در سری های مرجع تمدن (کتابشناسی B) شماره ۶ صفحات ۱۲۷-۱۲۳ و سونگ یواندیفانگ ژی کونگشو (Song Yuan difang zhi congshu) (کتابشناسی B) جلد ۱ شماره ۴ صفحات ۳۲۴-۲۹۵ منتشر و گنجانیده شده است.

هو هان شو (後漢書) Hou Han shu (کتاب آخرین «هان» ۲۲۰-۲۵)، Juan ۱۲۰، گراوری شده توسط فان یه (範曄) Fan Ye (۳۹۸-۴۴۵) ژونگهوا شو جو (中華書局) Zhonghua shuju، Peking، ۱۹۶۵.

جی شنژوئو سانباو گانتونگ لو (集神州) Ji shenzhou sanbao gantong lu (三寶感通錄)، Juan ۳، نوشته دائوشوآن (道宣) Daoxuan (۵۹۶-۶۶۷)، جلد ۵۲، شماره ۲۱۰۶.

جینشی کوئیپیان (金石萃編) Jinshi cuibian (مجموعه ای از مطالب گوناگون کتیبه های انتخابی بر روی سنگ و فلز)، Juan ۱۶۰، نوشته وانگ چانگ (Wang Chang) (王昶) (۱۷۲۵-۱۸۰۶) جلد چاپی ۱۰ (Jiaqing) (۱۸۰۵)، توسط شیکه شیلیائو شینیان (Shike shiliao xinbian) (石刻史料新編) (کتابشناسی B)، سری اول، جلد های ۴-۱، صفحات ۲۹۸۸-۱ مجددا چاپ شده است.

جین شو (晉書) Jin shu (کتاب Jin ۴۱۹-۲۶۵)، Juan ۱۳۰، مقرر ۶۴۴، در ۶۶۸-۶۴۶ توسط فانگ شوآنلینگ (Fang Xuanling) (房玄齡) (۵۷۸-۶۴۸) و دیگران، ژونگهوا شو جو (中華書局) Zhonghua shuju، Peking، ۱۹۷۴، گردآوری شده است.

لوشان جی (廬山紀) Lushan ji (یادداشت هائی بر کوه لو Mount Lu)، ۵۰، Juan
نوشته چن شون یو (陳舜俞) Chen Shunyu (وفات ۱۰۷۴)، تکمیل
شده ۱۰۷۴، جلد ۵۱، شماره ۲۰۹۵.

لئویانگ کیلان جی (洛陽伽藍記) Luoyang qielan ji (یادداشت هائی بر [
سام] گاراما ی لئویانگ در Juan۵ نوشته یانگ شوآنژی (Yang Xuanzhi 楊
衡之) (در لئویانگ زندگی می کرد ۵۳۲-۴۹۳)، تکمیل شده ۵۴۷.Ca، جلد ۵۱،
شماره ۲۰۲۹.

مینگ شی (明史) Ming shi (تاریخ مینگ، ۱۶۴۴-۱۳۶۸)، Juan۲۳۲، نوشته
Zhang Tingyu (張廷玉) (۱۶۷۲-۱۷۵۵) و دیگران، تکمیل شده در ۱۷۳۵،
چاپ اول در ۱۷۳۹، (中華書局) Zhonghua shuju، ۱۹۷۴، Peking.

نیانر شی ژاجی (廿二史劄記) Nianer shi zhaji (نکاتی در مور ۲۲ تاریخ،
Juan۲۶، نوشته ژائو یی (趙毅) Zhao Yi (۱۷۲۷-۱۸۱۴)، تکمیل شده ۱۷۲۶،
اولین چاپ ۱۷۹۹، وانگ شومین Wang Shumin را ببینید (کتابشناسی B).

پای ون یون فو (佩文韻府) Peiwen yunfu، Juan۱۱۶، گردآوری شده
توسط ژانگ یوشو (張玉書) Zhang Yushu (۱۸۴۲-۱۷۱۱) و دیگران، در
۱۷۱۱ چاپ شده، ضمیمه: Yunfu Shiyi (韻府拾遺)، Juan ۱۱۶، در ۱۷۲۰
چاپ شده، مطبوعات تجاری، تاییه، ۱۹۶۶ (جلد به اضافه جلد فهرست) فتوکپی
جلد اصلی چاپ بلوک کاخ ۱۷۱۱ و ۱۷۲۰.

کایون (切韻) Qieyun (تمامی قافیه ها)، Juan۵، نوشته لو فایان Lu Fayan
(陸法言)، تکمیل شده در ۶۰۱، بخش های جلدی خطی که در ۱۹۸۳ مجددا
چاپ شده اند، جلد ۱، صفحات ۳۵-۷۱.

کوآن تانگ ون (全唐文) Quan Tang wen (آثار نثر کامل سلسله تانگ)
Juan۱۰۰۰، کامل شده در ۱۸۱۴ تحت هدایت دونگ گائو (董誥) Dong Gao
(۱۷۴۰-۱۸۱۸) و دیگران، نشر «کاخ» با مقدمه در تاریخ ۱۸۱۴.

انبائو گانینگ یائولو (三寶感應要略錄) Sanbao Ganying Yaolue Lu
Juan ۳، جمع آوری شده توسط فایزو (非濁) Feizhuo (۱۰۶۳.d)، جلد ۵۱،
شماره ۲۰۴۸.

شنسنگ ژوآن (神僧傳) Shenseng zhuan، Juan۹، مترادف ها، مطابق
با سیکو کوآنشو زونگمو تیائو (四庫全書) Siku quanshu zongmu tiyao
(總目提要). این اثر در طول سلسله یوآن (۱۳۶۷-۱۲۸۰) پس از سلطنت
امپراتور زونگ (Renzong ۱۳۱۲-۱۳۲۰) نوشته شده است. سرآغاز ۲۳ ژانویه
۱۴۱۷ (Yongle ۱۵، ۱۶)، جلد ۵۰، شماره ۲۰۴۶.

شی جی (史記) Shi ji (خاطرات مورخ تا ۹۹ قبل از میلاد) Juan130،
نوشته سیمایان (司馬遷) Sima Qian (۱۴۵-۸۶bc) و پدرش سیمایان (司馬談) Tan
(中華書局) Zhonghua shuju، ۹۰BC.ca، تکمیل شده (局)، ۱۹۵۹، Peking.

شیمین زیجینگ لو (釋門自鏡錄) Shimen zijing lu، نوشته
هوایشیان (懷信) huaixin (وفات نامشخص)، ۸۴۳ ca، جلد ۵۱، شماره ۲۰۸۳.

شیشی جیگو لئو (釋氏稽古略) Shishi jigu lue، نوشته شوآن
Juan (覺岸) (۱۲۸۶-۱۳۵۵)، چاپ شده در ۱۳۵۵، جلد ۴۹، شماره ۲۰۳۷.

شوی جینگ ژو (水經註) Shui jing zhu (حاشیه نویسی برای کتاب
Waterways)، Juan۴۰، نوشته لی دائویان (酈道元) Li Daoyuan در حدود
۵۲۵-۵۱۵، شیبجی شوگو (世界書局) Shijie shuju، شماره ۲۹، تاییه، ۱۹۸۳
(ششمین چاپ مجدد)، همچنین یانگ شو جینگ (Yang Shoujing و ۱۹۸۹
Xiong Huizhen (کتابشناسی B) را ببینید.

سونگ شی (宋史) Song shi (تاریخ سلسله سونگ ۱۲۷۹-۹۶۰) ۴۹۶
Juan، نوشته تئو تئو (脫脫) Tuo Tuo (۱۳۱۳-۱۳۵۵) و دیگران، تکمیل شده
۱۳۴۵، (中華書局) Zhonghua shuju، ۱۹۷۷، Peking.

سونگ شو (宋曙) Song shu، (کتاب سونگ ۴۷۹-۴۲۰)،
Juan100 نوشته شن یوئه (沈約) Shen Yue (۴۴۱-۵۱۳)،
(中華書局) Zhonghua shuju، پکن ۱۹۷۴.

سویی شو (隋書) Sui shu (کتاب سوی ۶۱۷-۵۸۱) Juan ۸۵، گردآوری
شده توسط وای ژنگ (魏徵) Wei Zheng (۵۸۰-۶۴۳) و دیگران در ۶۳۶ و
۶۵۶ (中華書局) Zhonghua shuju، پکن ۱۹۷۳.

تونگ دیان (通典) Tong dian (تاریخچه جامعی از مقررات) Juan ۲۰۰،
نوشته دیو (杜佑) Dù Yòu (۷۳۵-۸۱۲) شونگوا شوگو،
Zhonghua shuju (中華書局)، Peking، ۱۹۶۱، نسخه ۵.

تونگ ژی (道志) Tóng zhì (توصیف جامعی از نهادها)، Juan ۲۰۰، نوشته
ژنگ کیائو (鄭樵) Zheng Qiao (۱۱۰۴-۱۱۶۲)، تکمیل شده ۱۱۶۰، نسخه
چاپ سیاه و سفید ۱۷۴۷ Palace (Qianlong ۱۲)، شامل تفاسیری نوشته یادئو
کوان (姚寬) Yao Kuan (۱۱۰۴-۱۱۶۱)، چاپ مجدد Xinxing shuju (新
縣查據)، تاییه ۱۹۶۳.

وای جیانگ شیانگ داجن نیانیائو (韋江相大臣年表) Wei jiang xiang dachen nianbiao
(جدول زمانی از ژنرال ها، نخست وزیران و وزرای کبیر
وی شمالی) وان سیتونگ (萬斯同) Wan Sitong (۱۶۳۸-۱۷۰۲)، در اصل،
بخشی از اثر فاخر "لیدای وان سیتونگ" (歷代史表) Lidai shibiao Wan Sitong
(جدول تاریخی طی قرون) (پیشگفتار مورخ ۱۶۷۶)، در ارشیووشی
بویان (二十五史補編) Ershiwu shi bubian (کتابشناسی B را ببینید) جلد
۴، صفحات ۴۵۱۹-۴۴۸۹.

وای شو (魏書) Wei shu (کتاب شمال و شرق) (۵۵۰-۳۸۶)، Juan ۱۱۴،
گردآوری شده ۵۵۴-۵۵۱، تحت کی شمالی Northern Qi توسط وای شو
Shou (魏收) (۵۰۶-۵۷۲)، Zhonghua shuju (中華書局)، پکن ۱۹۷۴.

ون یوان ینهوآ (文苑英華) Wen yuan yinhua (۱۰۰۰)، Juan ۱۰۰۰، گردآوری شده
شده توسط لی فانگ (李放) Li Fang (۹۸۲-۹۸۷)، Zhonghua
shuju (中華書局)، Peking، ۱۹۶۱، بخش های تکثیر مجدد نسخه باستانی
سونگ و مینگ Song and Ming.

شین تانگ شو (新唐書) Xin Tang shu (کتاب جید تانگ، ۹۱۷-۶۱۸)،
Juan ۲۲۵، گردآوری شده توسط اویانگ شیو (歐陽修) Ouyang Xiu
(۱۰۰۷-۱۰۷۲)، Song Qi (宋祁) (۹۹۸-۱۰۶۱)، و دیگران در ۱۰۶۰-۱۰۴۳،
Zhonghua shuju (中華書局)، پکن ۱۹۷۵.

شین وو دای شی (新五代史) Xin Wu dai shi (تاریخچه جدید پنج سلسله،

تایپینگ گوانگجی (太平廣記) Taiping guangji (گردآوری
شده توسط لی فانگ (李放) Li Fang و دیگران ۹۷۸-۹۷۷،
Zhonghua shuju (中華書局)، Peking، ۱۹۶۱، تکثیر مجدد Guxin shuju، تاییه، ۱۹۷۶.

تانگ دا ژائولینگ جی (唐大詔令集) Tang da zhaoling ji (مجموعه‌ی
عظیمی از فرمان‌ها و اساسنامه‌های تانگ)، Juan ۱۳۰، (۱۰۷ باقیمانده، خوان
۲۴-۴، ۸۷ تا ۹۸ گم شده اند)، توسط سونگ مینکیو (宋 旻秋) Song Minqiu
(۱۰۷۹-۱۰۱۹) ویرایش شده، در ۱۰۷۰ تکمیل شده،
Shangwu yinshuguan (商務印書館)، شانگهای ۱۹۵۹.

تانگ هوی یائو (唐會要) Tang huiyao (مقررات ضروری تانگ)،
Juan ۱۰۰، نوشته وانگ پو (汪堡) Wang Pu (۹۲۲-۹۸۲)، تکمیل شده
در ۹۶۱، اثر وانگ پو Wang pu دنباله کارسو میان (蘇冕) Su Mian، هوی
یائو (會要) Huiyao، در ۴۰۰، Juan ۴۰۰، (در ۸۰۴ تکمیل شده) شو هوی یائو
Xu Huiyao (續會要) (فانگ شائوفو (楊紹復) و دیگران
Guoxue jiben congshu (國學基本叢書)، (تکمیل شده ۸۵۳)،
Shangwu yinshuguan (商務印書館)، شانگهای ۱۹۳۵، تکثیر مجدد
Shijie shuju، شماره ۲۱۸، تاییه، ۱۹۷۴،
Zhongliua sh\liu، Peking، ۱۹۵۵،
همچنین برای فهرست اسامی به ژانگ چن شی (張忱石) Zhang Chen shi
(۱۹۹۱)، (کتابشناسی B) رجوع کنید.

تانگ لیانگ جینگ چنگ فانگ کائو (唐兩京城坊考) Tang liang jing cheng fang kao
(یک چهارم شهر محصور دو پایتخت تانگ) Juan ۵، شو سونگ
Song (徐松) (۱۷۸۱-۱۸۴۸)، گردآوری و تکمیل شده توسط ژانگ مو
Mu (張穆) (۱۸۰۵-۱۸۴۹)، همکار علمی شو سونگ Xu Song از ۱۸۴۰، در
Daoguang (۲۸) Lianyun yi congshu (連筠) در لیانیون بی کونگشو
Zhang Mu (穆叢書) منتشر شده، و توسط Zhang Mu ویرایش شده است، در سری های
منابع متمدن سازی تانگ مجددا تولید شده، شماره ۶، صفحات ۷۴-۱.

تانگ یون (唐韻) Tang yun (قافیه های تانگ) (Tang Rhymes)، Juan 5،
نوشته سون میان (孫沔) Sun Mian (۷۵۱)، تکمیل شده در ۷۵۱، بخش هایی از جلد
خطی که درژئو زومو Zhou Zumo مجددا تکثیر شده، ۱۹۸۳، جلد ۲، صفحات
۶۲۵ff.

۹۶۰-۹۰۷) Juan۷۷۴ نوشته اویانگ شیو (Ouyang Xiu (欧阳修) (۱۰۰۷-۱۰۷۲)، تکمیل شده ۹۶۰، Zhonghua shuju (中華書局)، Peking، ۱۹۷۴.

شینگ جیه (Xing jie) (性捷) توضیحاتی در مورد اسامی خانوادگی)، Juan۲، نوشته شائو سی (Shao Si) [邵思] تاریخ نامشخص، مقدمه نویسنده مورخ ۱۰۳۵، Jingyu (۲). شینگ جیه Xing jie شامل ۲۵۶۸ نام خانوادگی که تحت ۱۷۹ طبقه بند مرتب شده اند (men 們) نسخه سونگ شمالی Northern Song در گویی کونگشو (Guyi congshu (古逸叢書) (کتابشناسی B) مجدداً تکثیر شده است.

شینگشی جیجیو پیان (Xingshi Jijiu pian) (姓氏急就篇) (مقاله های انجام شده توسط «هاس» Haste در مورد نام های خانوادگی)، Juan۲، نوشته وانگ ینگلین (Wang Yinglin) (王應麟) (۱۲۲۳-۱۲۶۹)، در چاپ و ویرایش یو های Yu hai جلد ۸. آورده شده است (نگاهی به پایین بیندازید).

شو گائوسنگ شوان (Xu Gaoseng zhuan) (زندگی راهبان برجسته و والا مقام، ادامه دارد)، Juan۳۰، توسط دائو شوان (T. Daoxuan)، جلد ۵۰، شماره ۲۰۶۰.

ین چی رو جینگ (Yin chi ru jing) (سوره های اسکانداز Skandhas، داتوز Dhatus، و آیاتانا Ayatanas)، Juan۲، ترجمه ی آنشی گائو (An Shigao) (قرن دوم)، T. جلد ۱۵، شماره ۶۰۳. همچنین نگاهی به ین چی رو ژو رو جینگ شو (Yin chi ru jingzhu zhu) (یادداشتی در مورد Yin chi ru jing)، Juan۲، به چن هوئی (Chen Hui) یعنی، یک مرید غیر روحانی از آنشی گائو (An Shigao) نسبت داد. T. جلد ۳۳، شماره ۱۶۹۴. همچنین Yin chi ru jing را ببینید.

یو های (Yu hai) (دریای جده)، Juan۲۰۰، توسط وانگ ینگلین (Wang Yinglin) (۱۲۲۳-۱۲۹۶)، تکمیل شده در ۱۲۶۷، داهوا شو جو (Dahua shuju)، ۸ جلد، Taipei، ۱۹۷۷. این ویرایش عمدتاً بر اساس ویرایش یوان Yuan از ۱۳۵۲ (Zhizheng ۱۲) می باشد، که در Ryosoku-in در Kenin-ji در Kyoto نگهداری می شده است. جلد ۸ شامل ۱۳ عدد از دیگر آثار و مقالات وان ینگلین Wang

Yinglin می باشد.

Yuan Henan Zhi به مقاله ی Henan Zhi نگاهی بیندازید.

یوانه شینگزوآن (Yuanhe Xingzuan) (خلاصه ایی در مورد نام های خانوادگی از زمان یوانه Yuanhe (۸۰۶-۸۲۰)، Juan۱۰، نوشته لین باو (Lin Bao) (تاریخ نا مشخص) [کامل شده در ۸۱۲ Yuanhe (۷)، Zhonghua shuju، جلد ۳، شهر پکن، ۱۹۹۴، جلد های ۱ و ۲ نسخه های شماره گذاری شده نوشته ی سون وانگ Sun Wang، یو شیانهائو Yu Xianhou و تائو مین Tao Min در مورد مقاله ی لین باو Lin Bao همراه با سن ژونگمیان (Cen Zhongmian) سی جیائو جی (Si jiaoji) از سال ۱۹۴۸ می باشد (کتابشناسی B) که اضافه شده در نظرات در در مورد جلد ۳ و یک فهرست نام می باشد.

ژانگ یان-گونگ جی (Zhang Yan-gong ji) (مجموعه آثار Zhan، دوک یان The Duke of Yan)، Juan۲۵، به علاوه ی (Juan۱) "ضمیمه" [bu].. [آثار گردآوری شده ی ژان یوئه Zhan Yue (۶۶۷-۷۳۰). نسخه ی چاپ شده ی Ming از سال ۱۵۳۷ (Jiajing [۱۶] dingyu) در مقاله ی "ji Bu" در مورد Sibugongkan (کتابشناسی B) مجدد چاپ شد.

زیژی تونگجیان (Zizhi tongjian) (بازتاب و انعکاسی جامع برای کمک در دولت)، Juan۲۴۹، نوشته ی سیما گوانگ (Sima Guang) (۱۰۱۹-۱۰۸۶)، و دیگران در سال ۱۰۸۴، به تاج و تخت ارائه شد. Guji chubanshe، شهر پکن، ۱۹۵۶. این نسخه شامل تفسیر Sima Guang در مورد Zizhi tongjian kaoyi و تفسیری نوشته ی هو سانشینگ (Hu Sanxing) (۱۲۳۰-۱۳۰۲) می باشد.

B. کتاب ها، مجموعه ها و مقالات جورنالی از ۱۸۵۰

کمی قبل از ۱۹۴۵: فنگسو تونگی فو تونگجیان

Fengsu tongyi fu tongjian (Fengsu tongyi با فهرست)، ژونگ فا هانزوئه (Zhong-Fa hanxue yanjiusuo tongjian) (انجیوسو تونجیان کونگکان زی سان Franco-Chinois d'Etudes Sinologiques) (مرکز مطالعات)، congkan zhi san (شماره فهرست ۳). شهر پکن، ۱۹۴۵. Repr. نوشته ی کمپانی انتشارچن ون (Ch'en wen، تایپه، ۱۹۶۸. این نسخه ی انتقادی و مهمی (همراه با فهرست مواد) در مورد

Kominami Ichiro آراماکی نوریتوشی و کومی نامی ایچیرو (کتبشناسی) ۱۹۹۳
 Shutsu sanzō Ki shu, Hoon Jurin ، در مجموعه دایجو بوتن Daijo butten.
 Chokogu Nihon hen . شماره ۳، Chuō koronsha، توکیو، ۱۹۹۳. ترجمه‌ی
 ناتمام و جزئی در مورد Chu sanzang jī jī (کتبشناسی) A و در مورد Feyuan
 zhulin (کتبشناسی) A نوشته شده است.

بیجینگ تسو هو گوان کانگ چونگ گنگو لیدیا شیکه تاین هو بییان
 Beijing tushuguan cang Chongguo Lidia shike taben huibian
 (مجموعه‌ای از چاپ نقش‌های چینی در طول اعصار که در کتابخانه‌ی شهر پکن
 نگهداری می‌شوند)، ۱۰۰ جلد، ویرایش و چاپ شده توسط Beijing tushuguan
 jinshi zu (گروهی برای کتبیبه‌های کتابخانه‌ی شهر پکن)، که Zhongzhou guhi
 Zhengzhou chubanshe، ۱۹۸۹ منتشر نمود. رونوشت‌ها به ترتیب تاریخ و
 زمان از ۴۷۵ قبل از میلاد تا سال ۱۹۴۹، مرتب شده‌اند. یک فهرست در جلد ۱،
 در سال ۱۹۹۱ منتشر شده و اضافه شده است.

۱۹۴۸ سن ژونگمیان Cen Zhongmian (۱۸۸۵-۱۹۶۱)
 یوانه شینگزوآن سی جیائو جی Yuanhe Xingzuan si jiaozhi (تطبیق دست خط
 ها و نوشته‌ها در چهار نسخه در مورد خلاصه‌ای از نام خانوادگی از زمان
 یوانه Yuanhe Era) Lishi yanjusuo، Zhongyang yanjiuyuan . نشر ویژه
 Tialian guofeng chubanshe، شماره ۲۹، تایپه، ۱۹۴۸. Rper.
 ، تایپه، ۱۹۷۵. آثار Cen نوشته و متنی را در مورد اختصارات شامل نمیشود. این
 مورد اکنون در نسخه‌ی اختصارات شهر پکن سال ۱۹۹۴ به ثبت رسیده است.
 نگاهی به یوانه شینگزوآن Yuanhe xingzuan (کتبشناسی) A بیندازید.

۱۹۵۸ شی توجو شیلیائو بوجو جی کائوژنگ Xi tujue shiliao bujue ji kaozheng
 ، Zhonghua shuju، شهر پکن، ۱۹۵۸. Rper. Chubun shuppansha، کیوتو
 ۱۹۷۲، Kyoto.

چائوچن-سین (ژائو ژنگشین) Zhao Zhenxin (Chao Chen-hsin) (ویراستار)
 ۱۹۳۳ فنگسو ونجیان جی جیائوژنگ فوینده Fengshi wenjian jī jiaozheng fuyind
 (نوشته‌های گوناگون در مورد فنگ یین Feng Yen)، جلد ۲، مجموعه فهرست‌های
 چین شناسی موسسه هاروارد-ینچینگ Harvard-Yenching (تکمیلی، شماره ۷)،

فنگسو تونگی Fengsu tongyi (کتبشناسی) A می‌باشد که بر اساس مقاله‌ی
 واژه‌شناسی نوشته‌ی لو ونچائو Lu Wenchao (۱۷۹۶-۱۷۱۷)، سون دایرانگ
 Sun Dairang (۱۸۴۸-۱۹۰۸)، و دیگر محققان می‌باشد. همچنین وانگ لیکی
 Wang Liqi ۱۹۸۱ را ببینید.

۱۹۷۷- ژائولینگ پایزانگ مو تیاوچا جی "Zhaoling peizang mu tiaocha"
 "ji"، (مسئول شناسایی مقبره‌ی چائو لینگ Mausoleum Chao Ling (مقبره
 امپراتور تایزونگ (لی شیمین) T'ai Tsung) از سلسله‌ی T'ang) نوشته‌ی ژائولینگ
 ون ووگوانلیسو Zhaoling wenwu guanlisuo (آرامگاه لینگ CPAM, Chao Ling
 Mausoleum)، wenwu (آثار مقدس فرهنگی)، ۱۹۷۷، شماره ۱۰، pp. ۳۳-۴۰، ۴۹.

۱۹۸۲، ۱۹۸۳ ژونگگو کونگشو زونگلو Zhongguo congshu zonglu (کاتالوگ
 جامع در مورد مجموعه و منتخبات چینی)، جلد ۳، ویرایش و چاپ شده توسط
 شانگهای تشو هو گوان Shanghai tushuguan، Shanghai guji chubanshe،
 Shanghai، ۱۹۸۲ (جلدهای ۱ و ۲)، ۱۹۸۳ (جلد ۳).

۱۹۸۲b لئویانگ لانگمن تانگ آن پو فوفو مو "Luoyang Longmen Tang An"
 "Pu fufu mu" (مقبره‌ی Pu An و همسرش از سلسله‌ی Tang در Longmen
 در "Luoyang"، نوشته‌ی لئویانگ شی ونوو گونگرو دوی Luoyang Shi wenwu
 gongzuo dui (تیم باستان‌شناسی شهر لئویانگ Luoyang)، Zhongyuan wenwu
 (آثار مقدس فرهنگی از دشت‌های مرکزی)، pp. ۲۱-۲۶، ۱۴.

۱۹۸۸ تانگ آن یوانشو فوفو مو فاجو "Tang An Yuanshou fufu"
 "mu fajue jianbao" (حفاری و کاوش مقبره‌ی سلسله‌ی
 Tang از دوران آن یوانشو An Yuanshou و همسرش)،
 توسط ژائولینگ بوگوان Zhaoling bowuguan (مقبره ژائولین Zhaoling
 Mausoleum)، Wenwu (آثار مقدس فرهنگی)، ۱۹۸۸، شماره ۱۲، pp. ۲۷-۴۹.

۱۹۷۱ آراماکی نوریتوشی Aramaki Noritoshi
 "Indo bukkyo kara Chugoku bukkyo e. Anpan Shui kyo to Ko Soe"
 بودای هندی تا بودای چینی... Doan, Sha Fu jo nado...
 (Anapanasmrti) آن پانا سمرتی درهند و در بودیسم اولیه چین، Bukkyo
 Shigako (نشریه تاریخچه‌ی بودیسم)، ۱۵، ۲ (۱۹۷۱)، pp. ۱۶۵-۱۲۱.

چن یوآن ch'en Yüan. چن یوآن Chen Yuan را ببینید.

کونگشو جیچنگ Congshu jicheng (مجموعه‌ای از منتخبات). شامل ۱۰۰ کونگشو Congshu (منتخبات) می‌باشد. ۶۰۰۰ اثر و مقاله در بیش از ۲۷۰۰۰ Juan مطبوعات تجاری، شانگهای، ۱۹۳۷-۱۹۳۵ می‌باشد.

کونگشو جیچنگ جیان‌بیان Congshu jicheng jianbian (نسخه‌ی ساده شده‌ی کونگشو جیچنگ Congshu jicheng). شامل ۱۰۳۲ اثر و مقاله از میان ۶۰۰۰ ca. است که در Congshu jicheng، مطبوعات تجاری تایوان، تایپه، ۱۹۶۳-۱۹۵۶ آورده شده است.

Couvreur, Seraphin (۱۸۳۵-۱۹۱۹) (ترجمه)

۱۸۹۵ فلورین دیلینو Deleanu, Florin

۱۹۹۲ (در روند تالیف متن حاضر در مورد «آن بان شوئی جینگ» Anban shouyi jing ترجمه ی An Shigao). تویونو شیسو شوکیو Toyo no shiso shukyo (اندیشه و مذهب آسیا)، ۹ (۱۹۹۲)، ۴۸-۶۳ pp.

۱۹۵۴ پائول دمی ویله Demieville, Paul

۱۹۸۶ «فلسفه و مذهب از «هان» Han به «سویی» sui»، در Twitchett و Loewe، ۱۹۸۶، ۸۰۸-۸۷۸ pp.

۱۹۶۲. Dien, Albert E. «مساله‌ی sa-pao مجدد مورد ارزیابی قرار گرفت». جورنال جامعه امریکای شرقی، ۳، ۸۲ (جولای-سپتامبر ۱۹۶۲)، ۳۳۵-۳۴۶ pp.

۱۹۰۹ دوآن فانگ Duanfang (۱۸۶۱-۱۹۱۱)، Tao-zhai cangshi ji (سوابق و نوشته‌ها در مورد سنگ‌های ذخیره شده در Tao [آتلیه نام خانوادگی دوآن فانگ]، ۴۴ Juan، ۱۹۰۹. در Shike shiliao xinbian، اولین سری و مجموعه، جلد ۱۱.

۱۹۷۸ Ebrey, Patricia Buckley خانواده‌های اشرافی اوایل شاهنشاهی چین. مطالعه‌ی موردی در مورد خانواده‌ی Po-ling Ts'ui، انتشارات دانشگاه کمبریج، ۱۹۷۸.

مقدمه نوشته‌ی چائو چن-سین Chao Chen-hsin به تاریخ ۱۹۳۳. چاپ مجدد. نوشته‌ی چنگ-ون Ch'eng-wen شرکت انتشاراتی، تایپه، ۱۹۶۶. این نسخه‌ای مهم و انتقادی با فهرست در مورد Fengshi wenjian ji (کتابشناسی A) می‌باشد.

۱۸۹۸-۱۹۰۵-۱۸۹۵-۱۹۰۱-۱۹۶۹ ادوارد چاوانز، Chavannes, Edouard. Les Memories historiques de se-ma Ts'ien، جلد ۵، ۱۹۰۱، Leroux. I (۱۸۹۵)، II (۱۸۹۷)، III. جلد ۱ و ۲ (۱۸۹۸)، IV

۱۹۰۵، ۱۹۶۹، (۱۹۰۱)، V (۱۹۰۵). Repr. Maisonneuve، پاریس، ۱۹۶۷، جلد VI، شامل ترجمه‌ی فصل‌های ۴۸ تا ۵۰ توسط Chavannes و ترجمه‌ی فصل‌های ۵۱ و ۵۲ توسط Max Kaltenmark، در سال ۱۹۶۹ در پاریس توسط Maisonneuve چاپ شده است.

۱۹۰۳ اسناد Sci. Acad. sur les Tou-Kiue (Turcs) Occidentaux، Imp، خیابان پترزبورگ ۱۹۰۳. مجدد توسط Maisonneuve در پاریس در سال ۱۹۴۱ به چاپ رسید (شامل Chavannes ۱۹۰۴).

۱۹۰۴ علاوه بر نوشته‌های T'oung، "sur les Tou-Kiue (Turcs) Occidentaux، Pao، سری II، (۱۹۰۴)، ۱۱۰-۱۱۱ pp.

۱۹۰۹ "T'oung Pao X"، p. C Seng-houei، (۱۹۰۹)، ۱۹۹-۲۱۲ pp. چن شینهویی Chen Xinhui. چن یوآن Chen Yuan را ببینید.

چن یوآن (ch'en Yüan) Chen Yuan (۱۸۸۰-۱۹۷۱)

۱۹۶۲ شی هوئی جولی Shihui juli (مثال‌هایی در مورد نام‌های تابو در تاریخ)، Zhonghua shuju، شهر پکن، ۱۹۶۲. نسخه‌ی ویرایش شده با همان عنوان که در اصل در مقاله و اثر یانجینگ شوه بائو Yanjing xuebao پدیدار شد. (جورنال ینچینگ Yenching در مورد مطالعات چینی)، ۴ (دسامبر ۱۹۲۸)، ۵۳۷-۶۵۱ pp. سن ژونگان Tan Liangyi، Chen Zhong'an، و Zhao ziaoming

۱۹۸۸ بایچائو سیشی رنمین سوئین Beichao sishi renmin suoyin، جلد ۲، Zhonghua shuju، شهر پکن، ۱۹۸۸.

Ershiwu shi bubian (ضمیمه‌هایی برای بیست و پنج تاریخچه). جلد ششم، ویرایش شده توسط Ershiwu shi kanxing weiyuanhui (کمیته ایی برای چاپ و انتشار این بیست و پنج تاریخچه). Kiaming shudian، شانگهای، ۱۹۳۷-۱۹۳۶. چاپ مجدد Zhoanghua shuju، پکن، ۱۹۵۵ (اولین چاپ مجدد)، ۱۹۸۶ (چهارمین چاپ مجدد).

آنتونینو فورته ۱۹۶۸ Forte, Antonino

۱۹۸۴ فعالیت‌های انجام‌شده در چین در مورد Pao-) Tantric Master Manicintana (۷۲۱-؟. ssu-wei از کشمیر و همکاران هند شمالی وی، شرق و غرب، ۱. N.S. ۳-۳۴۰ (سپتامبر ۱۹۸۴) ۳۰۱-۳۴۵. pp. ۱۹۸۶a

۱۹۸۷b «بودیسم و دیگر مذاهب خارجی»، در چین در ونیز. از سلسله‌ی Han تا Marco Polo، Electa، Milano، ۱۹۸۶. ۵۸-۷۱. pp. ترجمه‌ی انگلیسی غیر مجاز از ۱۹۸۶a.

Mingtang مینگتانگ و مدینه فاضله بودیزم و در تاریخ ساعت نجومی. برج، مجسمه، ذات الحق توسط ملکه Wu. ایجاد شدند، ترکیب انتشار

۱۹۹۰ نسبت مفهوم ارتدوکسی در بودیسم چینی: ادعای نامی Chih-sheng از shih-li و محکومیت Dharma Mirror sutra در (Robert E. Buswell, Jr. (ed. ۲۴۹-۲۳۹. pp. ۱۹۹۰، هونولولو ۱۹۹۰.

۱۹۹۱ اولین دیدار من در Natatsu-dera یادداشت‌های خودانگیخته و برداشت ها در Ochiai Toshinori، نسخ خطی Natatsu-dera شد. یک گنج خانه که به تازگی در مرکز شهر Nagoya کشف شده است، توسط Silvia Vitra ویرایش شده، مکتب ایتالیایی از مطالعات آسیایی شرقی (مقاله‌های ضمنی ۳)، Kyoto، ۱۹۹۱. ۷۷-۵۵. pp.

۱۹۹۲ «آن‌شی گائو An shigao و نوادگانش» (Bukkyu Shigaku Kenkyu). (جورنال تاریخچه بودیسم)، XXXV، ۱ (جولای ۱۹۹۲)، ۱. pp. ۳۵-۱.

۱. Forthcom حکم ۶۳۸ اجازه‌ی انتشار و پخش دین مسیحیت در چین را تصویب نمود. در کتیبه‌ی A. Forte (ed.) I nestorienne de si-ngan-fou

(اثری که پس از مرگ نویسنده توسط پائول پلیو Paul Pelliot منتشر شد). مکتب ایتالیایی در مورد مطالعات آسیای شرقی و College de فرانسه، Kyoto در پاریس (آماده ارائه دادن).
Forthcom ۲. نظریه‌ی گمراه‌کننده‌ی کوآبارا Kuwabara در مورد بخارا و نام خانوادگی An. (آماده ارائه دادن)

The Nine Tripods of “نه سه رکنی ملکه وو” ۱۹۸۸, Fracasso, Riccardo Empress Wu “در تانگ چین و دورتر. مطالعات در شرق آسیا از قرن هفتم تا قرن دهم، ویرایش شده توسط آنتونینو فورته Antonino Forte، مدرسه ایتالیایی مطالعات شرق آسیا، کیوتو، سال ۱۹۸۸، ص. ۸۵-۹۶.

۱۹۸۲ فو شوانگونگ Fu Xuancong (傅璇琮) و ژانگ چنشی Zhang Tang Wudai renwu, (許逸民) Xu Yimin (张忱石) Chenshi (唐五代人物传记资料综合索引) zhuanji ziliao zonghe suoyin (فهرست عمومی به مواد زندگینامه‌ی تانگ و پنج سلسله افراد)، شونگوا شوگو ۱۹۸۲, Peking. (中華書局) Zhonghua shuju

(藤田豊八) Fujita Toyohachi

西域 件気 () “Sappô ni tsukite. ۴ : Saiiki kenkyu -dai nikai ۱۹۲۵ (第二階): (西) 拳 魔 につ. きて (تحقیقات در مناطق غربی) [بخش دوم. ۴] با توجه به سابائو (sabao). 史学雑誌 (Shigaku zasshi) ۳۶, ۳ (۱۹۲۵) ۲۱۵-۱۹۵، تکثیر مجدد در Fujita's Tôzai kôshô-shi no kenkyû، Saiiki hen 東西交減 史め研究, 西減無 Ikeuchi) Hiroshi (池内宏، توکیو 星文館 Seibunkan، ۱۹۳۳، ص. ۳۰۷-۲۷۹.

(福井文雅) Fukui Fumimasa

Ryô kôsôden kan ichi kara kan san furansugo yakuchu” (梁高) ۱۹۸۲ ۳ to juan ۱ juan (ترجمه فرانسوی (僧根] 感 I~III フランス語訳注 Liang Gaoseng zhuan)، ۷۰ (۱۹۸۲) ۲۱۰-۲۹۸، (sic)، بررسی شی Shih، ۱۹۶۸.

گوی کونگشو Guyi congshu 古逸叢書، منتخبانی از متن Long Hidden،

Unko, (Nagahiro Toshio (長廣敏雄 و Mizuno Seiichi (美濃精一) Seireki go-seiki ni okeru Chilgoku hokubu Bukku kutsu-in . sekkutsu Tōhō Bunka Kenkyujō chōsa Shōwa .no kokotralroteki chosa Mkoku jusan-nen Shōwa nijū-nen (雲岡石窟：西曆五世紀における中國北部佛教窟院の考古學的調査報告. 東方文化研究所 二十 昭和- 調査昭和十三). یون کانگ، غار معبد های بودایی در قرن پنجم میلادی در شمال چین، گزارش مفصل از بررسی باستان شناسی انجام شده توسط هیات اعزامی Tōhō Bunka Kenkyujō (۴۵-۱۹۳۸) Jinbunkagaku .kenkviisho. دانشگاه کیوتو، کیوتو، نسخه شانزدهم، ضمیمه (۱۹۵۶) ص. ۲۵-۱۰۳.

۱۹۷۶ جیانگ لیانگفو (姜亮夫) Jiang Liangfu Lidai renwu nianli beizhuan zongbiao (裡代人物年里被縱表) (جدول جامعی از تاریخ ها و مکان های مبدا افراد از طریق قرون با توجه به زندگی نامه آن ها). در اصل توسط مطبوعات تجاری، شانگهای، سال ۱۹۳۷ با عنوان Lidai mingren nianli beizhuan zongbiao (裡代人物年里被縱表) (منتشر شده است. نسخه 中華書局 Peking (Zhonghua shuju), ۱۹۵۹ با همکاری (陶秋英 Tao Qiuying). چاپ مجدد Zhonghua shuju, هنگ کنگ ۱۹۷۶.

۱۹۸۷ کویکه ایچیرو (小池一郎) Koike Ichiro An Shih Kao (安世高) Shoki yakkyo so noyushu (آن شی کائو) Doshisha [sic] (安世高) اولین مترجم کتاب مقدس بودایی و سودازدگی او (Doshisha 同志社外国文学研究 (مطالعات دوشیسا) در ادبیات خارجی).

۱۹۲۶ کووابارا جیتسوزو (桑原隲藏) Kuwahara Jitsuzo Zui-To-jidai ni Shina ni raiju shita saikijin ni tsuite (陸賈時代に支那に雷獸排した聖機人に妮について) (در مورد افرادی که از مناطق غربی برای زندگی در طول دوره سوئی و تانگ به چین آمدند) در Naitō Hakushi (内藤博士還暦祝賀支那學論) (متنوع در چین شناسی در روز تولد ۶۰ سالگی دکتر Kobundo Naitik

۲۰۰۰ Juan, گردآوری و انتشار توسط (黎庶書 Li Shuchang) در توکیو، مقدمه مورخ ۱۸۸۴ (Guangxu, ۱۰). این حاوی ۲۶ متن است که ۲۵ مورد آن کلمات چینی یا نسخه هایی است که در چین ناپدید شده اند، اما در ژاپن موجودند. تنها یک کار (日本見在書目 (the Nihon genzai shomoku) ژاپنی است، اما آن کلمات ژاپنی موجود در ژاپن در اواخر قرن ۹ را لیست کرده است. مراجع برای پرینت مجدد در ۳ نسخه توسط Yangzhou guji shudian (揚州古籍書店) هستند. Yangzhou, ۱۹۹۰، در این نسخه ۲۶ کلمه به ترتیبی متفاوت از نسخه اصلی ۱۸۸۴ مرتب شده اند.

هربرت پنه لوب آن Herbert, Penelope Ann ۱۹۸۸ بررسی صاقت، ارزیابی توانایی، ارزیابی معاصر انتخاب خدمات ملکی در اوایل سلسله تنگ چین، دانشکده مطالعات رساله های آسیایی، سری جدید، شماره ۱۰، دانشکده مطالعات آسیایی دانشگاه ملی استرالیا، کامبرا، ۱۹۸۸. Hong Ye هونگ یه (洪業) Hung, William را نیز ببینید.

چارلزهاکر، Hucker, Charles O, ۱۹۸۵ دیکشنری عناوین رسمی در امپراتوری چین، انتشارات دانشگاه استنفورد، دانشگاه استنفورد، CA, ۱۹۸۵.

آرتور هومل، Hummel, Arthur W. ed, ۱۹۴۳ چینی برجسته دوره چی یینگ Ch'ing (۱۶۴۴-۱۹۱۲) دفتر چاپ دولتی، واشنگتن، ۱۹۴۳، چاپ مجد انتشارات Ch'eng Wen تایپه، ۱۹۷۵.

ویلیام هونگ (Hong Ye 洪業), ۱۹۳۴, Xin Tang shu zaixiang shixi biao yinde (新唐書宰相世系表印的)، (فهرست جداول شجره نامه خانواده های وزیران) رشته هائی از فهرست چین شناسی موسسه هاروارد -ینچینگ Harvard-Yenching (شماره ۱۶)، مقدمه (I-XX) نوشته، ژو ییلیانگ (周 乙良) (一) مورخ مارس ۱۹۳۴، چاپ مجد توسط چانگ ون Ch'eng-wen، تایپه، ۱۹۶۶.

Hurvitz, Leon, ۱۹۵۶، رساله هایی در مورد بودیسم و تائوئیسم، ترجمه انگلیسی از متن چینی اصلی وای شو Weishu CXIV و حاشیه نویسی ژاپنی تسوکا موتو زنیو Tsukamoto Zenryii. "در Mizuno Seiichi

مجموعه انشتارهایی به افتخار ۷۵ سال تولد او، ویرایش توسط. جیمز B. -
”پارسونز، مرکز مواد چینی، سان فرانسیسکو“، ۱۹۷۶، ص. ۵۵-۱۲۶

Lu Xinyuan 陸心源 (۱۸۳۴-۱۸۹۴)

۱۸۸۸ Tang wen shiyi (唐文拾遺) (حذفیات جمع آوری شده نثر تانگ)
۸۰ خوان، (۸ خوان شاخص بعلاوه ۷۲ خوان متن). نسخه چاپی ۱۸۸۸
(Guangxu ۱۴) در 潛園總集 (Lu Xinyuan's Qianyuan zongji) (مجموعه
اصلی Qianyuan گنجاییده شده. Qianyuan یکی از نام گذاری های لو شین
هوان Lu Xinyuan، تجدید چاپ Wenhai chubanshe (文海出版社). جلد
۲، تاییه، ۱۹۶۲

۱۸۹۵ تانگ ون شو شیی Tang wen xu shiyi (唐文題拾遺) ادامه نثر تانگ از
حذفیات جمع آوری شده. ۱۶ خوان، نسخه چاپ شده ۱۸۹۵. (Guangxu ۲۱) در Lu
Xinyuan's Qianyuan zongji (潛園總集) (مجموعه اصلی Qianyuan گنجاییده
شده. تجدید چاپ Wenhai chubanshe (文海出版社). جلد ۲، تاییه، ۱۹۶۲

Lu Zengxiang 陸曾祥 (۱۸۸۲-۱۸۱۶)

۱۹۲۵ Baqiong-shi jinshi buzheng (八瓊室金石補正) (اضافات و
اصلاحات جین شی Jinshi (cuibian)، ۱۳۰ خوان، Shixie shiliao xinbian.
سری اول، جلد های ۸-۶، ص. ۶۱۳۰-۳۹۴۷.

Lu Ch'eng 盧 ۱۹۶۵

”آن شی کائو An Shih-kao“ در دانشنامه بودیسم، ویرایش شده توسط
مالالاسکارا (G.P. Malalasekera)، منتشر شده توسط دولت سیلان، کلمبو، سال
۱۹۶۵، جزوه ۴، ص ۷۲۵-۷۲۹.

Luo Zhufeng 羅竹風 (۱۹۹۴؛ ۱۹۹۳-۱۹۸۶)

Shanghai cishu chubanshe (上海辭書出版社) و Hanyu dacidian 漢語大詞典
(书出版社) (نسخه ۱)، Hanyu dacidian chubanshe (از نسخه ۲) شانگهای
۱۹۹۳-۱۹۸۶. نسخه ۱۲ بعلاوه نسخه شاخص (۱۹۹۴)

Ma Yong 馬勇

”Dong Han houji Zhong Ya ren lai hua kao“ (مقاله ای در مورد مردم آسیای

shobo 弘文堂の書房)، کیوتو، ۱۹۲۶، ص ۶۶۰-۵۶۵. مقاله مشابهی نیز در
کتاب کوو ابارا Kuwabara قرار داده شده است. (東 Toyo bunmeishi ronso
(洋文明史論叢) (مجموعه ای از مقالات در مورد تاریخ تمدن شرقی) توکیو
۱۹۳۱، (چهارمین چاپ مجد، ۱۹۴۴) و در نسخه ۲ کتاب کامل او، Kuwahara
Jitsuzo Zenshu 桑原隲藏全集، توکیو ۱۹۶۸ (برای آن مقاله صفحات ۳۶۰-
۲۷۹ را ببینید).

Lamotte, Etienne ۱۹۵۸

Histoire du bouddhisme indien, des origines a l'ere Saka. Bibliotheque
Repr. Publications de l'Institut. ۱۹۵۸, Louvain, du Museon, no ۳۲
Universite de Louvain, Insritut Orientaliste, ۱۴. Orientaliste de Louvain, no
۱۹۷۶, Louvain-la-Neuve

Legge, James ۱۸۱۵-۱۸۹۷ (tr) ۱۸۹۳ آثار هنری ماندگار چینی، جلد I.

مکتب کنفوسیوس قطعات ادبی، آموزش بزرگ، و مکتب اعتدال. نسخه دوم، تجدید
نظر، کلارندون پرس، آکسفورد، تکثیر مجدد ۱۸۹۳ شرکت انتشارات SMC، تاییه،
سال ۱۹۹۱، جلد I.

Levi, Sylvain ۱۹۱۲ L'Apramada-varga. Étude sur les récensions

septembreocobre) ۲۰ des Dharmapalas, journal Asiatique, Tome
pp ۲۰۳, ۲۹۴ (۱۹۱۲)

Levy, Howard S. ۱۹۶۰ بیوگرافی «آن-لو-شان»، مطالعات شرق آسیا، موسسه
مطالعات بین المللی، دانشگاه کالیفرنیا، ترجمه های تاریخ سلسله چینی، شماره.
۸، انتشارات دانشگاه کالیفرنیا، برکلی و لس آنجلس، ۱۹۶۰

Hou Han shu renming suoyin (許逸民) Li Yimin ۱۹۷۹ 後漢書人名

Peking, (中華書局) Zhonghua shuju, ۱۹۷۹، پکن.

آرتور لینک Link, Arthur E ۱۹۷۶ مدارک و شواهد برای تداوم آموزه ای بودیسم
سلسله ”هان“ از قرن دوم تا قرن چهارم. مقدمات معرفی آن شی کائو سوره کبیر
تمرین تنفسی (Respiration) و ذهن آگاهی (Mindfulness) و مقدمه کانگ
سنگهویی به کمال «دایانا» در مقالاتی به افتخار پروفیسور «وود بریج بینگهام».

تائوئیسیم“ مقالاتی در دین چینی، ویرایش شده توسط هولمز ولش و آنا سیدل، انتشارات دانشگاه ییل، نیوهایون و لندن، ۱۹۷۹، ص. ۸۳-۱۰۱.

۱۹۸۳ Chugoku shakyushi kenkyo - مطالعات انجام شده در تاریخ مذهبی چین، ج. ۱. Dohosha - 同朋舎، کیوتو، ۱۹۸۳

Mochizuki Shinko ۱۹۵۸-۱۹۶۳ 望月信亨 Bukkyo daijiten (فرهنگ لغت بزرگ از بودیزم، ۱۰ جلد،، نسخه ۳؛ گسترش یافته و تجدید نظر شده زیر نظر تسوکا موتو زنیرو Tsukamoto Zenryu (善隆). توکیو، ۱۹۶۳-۱۹۵۸. نسخه اول در ۷ جلد. در ۱۹۳۶-۱۹۳۲ وارد بازار شد، نسخه دوم در ۸ جلد در سال ۱۹۵۸-۱۹۵۴ وارد بازار شد. جلد های ۱-۵ چاپ های دوم و سوم انتشار مجدد نسخه های ۵-۱ چاپ اول هستند. نسخه ۶ مویچیروکی شینکو است و نسخه های ۱۰-۸ نسخه های تکمیلی هستند.

Modi, Jivanji Jamshedji ۱۹۳۷ شاهزاده ایرانی از سلسله اشکانیان به عنوان اولین مبلغ بودیزم در چین، ”در نسخه آئین بزرگداشت Jha، ۱۹۳۷، ص. ۲۴۹-۲۵۸

۱۹۶۰-۱۹۵۵، مورو هاشی تتسوجی (Morohashi Tetsuji) 諸橋 徹次 Dai kanwa jiten (فرهنگ لغت بزرگ سبک سنتی چینی توضیح داده شده به ژاپنی) ۱۳ نسخه، Taishukan shoten (大修館書店)، توکیو، ۱۹۶۰-۱۹۵۵، انتشار مجدد ۱۹۶۸-۱۹۶۶،

۱۹۹۴ ناگاتا هیدهماسا (Nagata Hidemasa) 永田 英正 Kandai sekkoku shusei مجموعه آثاری از کتیبه های سنگی در سلسله «هان». یک نسخه از زوهان شاکوبون هن Zuhan shakubun hen (صفحات و آوانویسی ها) یک نسخه از هان بون هن (Hanbon hen) (اشاره و حاشیه نویسی های عمومی)، دوهوشا، کیوتو ۱۹۹۴.

۱۹۷۵ هاجیمه ناکامورا (Hajime Nakamura) 中村 元 Bukkyo go daijiten (فرهنگ لغت بزرگ اصطلاحات بودیزم)، ۲ جلد، بعلاوه نسخه جداگانه (Tokyo) bekkann (別館)، توکیو، ۱۹۷۵ (shoseki) (東京書籍)

مرکزی که در بخش دوم هان غربی به چین آمدند) Xiyu shi di wenwu congkao (域柿蒂文武 陰余考) (مقاله جمع آوری شده در مورد تاریخ آسیای مرکزی (آثار جغرافیایی و فرهنگی) Wenwu chubanshe (文物出版社) پکن ۱۹۹۰ ص. ۴۶-۵۹.

۱۹۰۱ مائو فنگژی (茅凤岐) Mao Fengzhi (مائو زیلین 夏子) Mao Zilin (林) (۱۸۹۵-۱۸۳۵)

Guangzhong jinshi wenzi cunyi kao (关中金石文字存進考) (بررسی سنگ نوشته های موجود در گوانژونگ (Guangzhong) (۱۲ خوان) شروع ۱۸۸۹، پایان ۱۹۰۱، (TV Guangxu)، تکثیر در Shike shiliao xinbian، سری دوم، جلد. ۱۴، ص. ۱۰۳۴۹-۱۰۶۵۹.

۱۹۳۴ **Guangzhong shike wenzi xinbian** (關中石刻文字新編) تالیف جدید سنگ نبشته در ”وانگژو (Guangzhong)، ۴ خوان، پایان ۱۹۳۴، تکثیر در Shike shiliao xinbian، سری اول، نسخه ۲۲، صفحات ۱۷۱۱۵، ۱۶۸۴۷

۱۹۸۴ مائو هانگوان (毛漢光) Mao Hanguan با کمک گنگ هولینگ (耿慧玲) Huiling (郭長城) Guo Changcheng و گئو چانگچنگ

۱۹۸۴ Tangdai muzhiming huibian Fu kao (唐代墓志铭汇编附考) (مجموعه کتیبه های آرامگاه تانگ همراه با یادداشت های انتقادی) نسخه ۱۷، به روز، (中央研究 Zhongyang yajiuyuan Lishi yuyan yanjiusuo) (院歷史語言研究所) نشریه ویژه (专刊) zhuankan، شماره ۸۱، تاییه، نسخه ۱، (۱۹۸۴-۶) جلد. ۲ (۱۹۸۵)، ج. ۳ (۱۹۸۵)، ج. ۴ (۱۹۸۶)، ج. ۵ (۱۹۸۶)، ج. ۶ (۱۹۸۸)، ج. ۷ (۱۹۸۷)، ج. ۸ (۱۹۸۹)، ج. ۹ (۱۹۸۷، ۱۲)، ج. ۱۰ (۱۹۸۹، ۹)، ج. ۱۱ (۱۹۹۱، ۱۰)، ج. ۱۲ (۱۹۹۲، ۲)، ج. ۱۳ (۱۹۹۳، ۲)، ج. ۱۴ (۱۹۹۳، ۲)، ج. ۱۵ (۱۹۹۳، ۱۲)، ج. ۱۶ (۱۹۹۴، ۲)، ج. ۱۷ (۱۹۹۴، ۷).

۱۹۷۹ مائو زیلین (夏子林) Mao Zilin (夏子) Mao (Fengzhi) 聂凤 子) (茅凤岐) Fengzhi (宮川尚志) Miyakawa Hisayuki - فرقه محلی در اطراف کوه لو Mount Lu در زمان شورش سون هنس Sun Hens ”در وجوه

۱۹۵۴ Bukkyo daijiten (望月佛教大辞典)، (فرهنگ لغت بزرگ بودیزم)، (Daizo shuppan (大蔵出版)، توکیو، ۱۹۵۴، (چاپ مجدد ۱۹۶۶))
نسخه بزرگ و تجدید نظر شده ی نسخه ۱۹۱۷ اصلی)

Otani Shoshin (大谷勝真)

۱۹۲۱ toyo gakuho, Shina ni okeru butsuji zoryu no kigen ni tsuite
۱۱، ۱ (۱۹۲۱)، ص. ۶۹-۱۰۱.

اوکشیان لینکشی Ouxiang lingshi 藕香零拾. یک مجموعه کونگشو
congshu (منتخبات چینی) ویرایش شده توسط میائو کوآنشو Miao Quansun
繆荃孫 (۱۸۴۴-۱۹۱۹) می باشد. این مجموعه حاوی کارهایی نادر از سلسله
تانگ و سونگ Song تا سلسله کینگ Qing می باشد. در طول دوران
امپراتوری گوانگشو 'Guangxu (۱۸۷۵ - ۱۹۰۸) و شوآن تونگ Xuanton
(۱۹۱۱-۱۹۰۹) منتشر شده است.

Pelliot, Paul پائول پلیو

۱۹۰۳ "Le sa-pao"، Bulletin de l'Ecole Francaise d'Extreme-Orient، ۲ (۱۹۰۳)،
ص. ۶۶۵-۶۷۱.

۱۹۱۲ نفوذ ایرانیان در خاور دور و آسیای مرکزی ص: ۱۰۶ "Les influences"
Revue d'Hostoire et de "iranienues en Asie central et en Extreme-Orient
۳، ۲، n.s.، Litteraturereligieuses، (مارچ-آوریل ۱۹۱۲)، ص. ۹۷-۱۱۹

۱۹۵۹، ۱۹۷۳، ۱۹۶۳ نکاتی در خصوص مارکوپولو^۲، چاپخانه ملی، پاریس،
۱۹۵۹ (جلد اول)، ۱۹۶۳ (جلد دوم)، ۱۹۷۳ (جلد سوم).
Peterson, C.A.^{۱۹۷۹} پیترسون، کالیفرنیا، "دربار و استان در اواسط و اواخر
دوران تانگ "T'ang"، در اتردنیس توییچه Denis.C. Twitchett، ۱۹۷۹، الف،
ص. ۴۶۴-۵۶۰.

۱۹۵۲ ادوین.ج. پولی بلانک Pulleyblank, Edwin G

پیش زمینه شورش آن لوشان An Lu-shan، انتشارات دانشگاه آکسفورد^۱، لندن،
نیویورک، تورنتو، ۱۹۵۵، چاپ مجدد، ۱۹۶۶.

۱۹۸۵ آن شی کائو "An Shih-kao"، در دانشنامه ایرانیکا^۲، ویرایش شده توسط
احسان یارشاطر، جلد اول، جزوه ۹ (۱۹۸۵)، ص. ۱۰۰۱ الف-۱۰۰۰ ب.

۱۹۶۲ روتورز.روبرت (ترجمه) desRotours, Robert (tr)، تاریخ آن لوشان،
Presses (NganLou-chanchetsi) Hostorie de Ngan Lou-chan،
Universitaires de France، پاریس، ۱۹۶۲. ترجمه و تفسیر بر آن لوشان جی
An Lushanshiji 安祿山事跡 (کتابشناسی A)

Traite des founctionnaires et Traite de l'armee traduits de la Nouvelle
۱۹۷۴ Histoire des T'ang (فصل ۴۶-۵۰)، ۲ جلد، Leiden, Brill، ۱۹۴۸-۱۹۴۷. چاپ
دوم (چاپ مجدد همراه با عبارات تجدیدنظر شده)، مرکز مطالعات چین، سان
فرانسیسکو، ۱۹۷۴.

۱۹۶۸ روبرت شی (ترجمه) Shih, Robert (tr)

شرح حال کائو سنگ چوآن Kao) Biographies des moines emiments
Institut Orientaliste, Universite de Louvain, de Houei-kiao sengtchouan
Louvain، ۱۹۶۸. تصحیح در فوکو جی Fukui، ۱۹۸۲.

شیک شیلیائو شینیان Shike shiliao xinbian (نسخه جدید مواد
تاریخی کتیبه‌ای^۳)، 新文豐 Xinwenfeng، تاییه، ۱۹۷۷ (مجموعه اول در ۳۰
جلد)، ۱۹۷۰ (مجموعه دوم در ۲۰ جلد)، ۱۹۸۶ (مجموعه سوم در ۴۰ جلد).

سیبو کونگکان Sib ucongan 四部叢刊 (مجموعه‌ای از چهار بخش)،
سه مجموعه، 商务印书馆 Shangwuyinshuguan (انتشارات تجاری)،
شانگهای، ۱۹۲۲-۱۹۱۲ (مجموعه اول)، ۱۹۳۴ (مجموعه دوم)، ۱۹۳۵ (مجموعه
سوم).

1. Oxford University Press

2. Encyclopaedia Iranica

3. Epigraphical Historical Material

1. Eras

2. Marco Polo

3. California

سونگ یوآن دیفانژی کونگشو Song yuan difangshu congshu (منتخبات روزنامه نویسی محلی سلسله های سونگ و یانگ (Yang و Song)، جلد ۱۲،

داهوآ شوگو، تاییه ۱۹۸۰ .

۱۹۶۷ سو کینگین Su Qingbin

(مطالعه ایی در مورد خانواده های بیگانگان و خارجی هایی که سلسله ی خودشان را در چین از دو دوره ی سلسله ی "هان" Han تا پنج دودمان تاسیس نمودند. (فهرستی از نام های خانوادگی خارجی از دو سلسله ی Han تا پنج سلسله). شین یا یانجیوسو، هنگ کنگ ۱۹۶۷. سوی تانگ وودای موژی هوی بیان Sui tang Wudi muzhi huibian (مجموعه ایی از کتیبه نوشته های مقبره ی سوی تانگ پنج سلسله)، ۳۰ جلد. (بر اساس "بخش ها" چندین نویسنده آن را ویرایش نمودند). از جمله یک جلد فهرست، تیانجین ۱۹۹۱-۱۹۹۲.

تایشو شین شو دایزوکیو Taisho Shinshu Daizokyo (شریعت بودا، تالیف جدید، عصر امپراتوری-تایشو ۱۹۱۲-۱۹۲۵). تحت نظارت و رهبری تاکاکوسو جونجیرو ۱۸۶۶-۱۸۴۵ و واتانابه کایکیو گرد آوری شد. ، Watnabe Kaikyoku ۱۸۷۲-۱۹۳۲ جلد ۱-۸۵؛ ایسایکیو کانکوکای، توکیو ۱۹۲۴-۱۹۳۲.

Taisho Shinshu Daizokyo, Sakuin (فهرستی بر تری پیتاکا "سه زنبیل خرد"، ویرایش شده توسط دایزوکیو گاکو جوتسو یوگونکیوکای (انجمن تحقیقات برای اصطلاح شناسی تایشو تری پیتاکا). ابتدا توسط دایزو شوپان و سپس توسط تایشو شینشو منتشر شد، توکیو، ۱۹۴۰.

۱۹۹۱ تاکاتا توکی یو

گوسای توکو تونکیو شیریو (در مورد نوشته های دون هوآنگ موضوع تئوری پنج نام خانوادگی) در تکه موراتاکوچی به رین سستو شوزوگو . چینی "هان" و همسایگان شان. مقالاتی در مطالعات تطبیقی در مورد هویت قومی. شماره ویژه، شماره ۱۴، از کوکوریستو مینزو کوگاکو هاگو بوتسوکان (پژوهش نامه ی موزه ی ملی قوم شناسی)، اوساکا، ۱۹۹۱، صفحه ۲۴۹-۲۶۸.

تان جیادینگ . تان ژنگی رابینید.

تان کیشیانگ (سردیر)

۱۹۸۷، ۱۹۸۲ ژونگتو لیشی دیتوچی (اطلس تاریخی چین)، جلد ۸، دیتو چوبانشه (چاپخانه و نشر وابسته به نقشه کشی، شانگهای ۱۹۸۲) (جلد ۱-۷)، ۱۹۸۷، (جلد ۸)

۱۹۳۴ تان ژنگی

ژونگگوتو ونشیجیا دا سیدیان / گوانگمینگ شوگو. چاپ دوبار هف شانگهای، ۱۹۳۴. شیجیه شوگو شماره ۵۹۹ و ۶۰۰، تایبای ۱۹۷۴ که نام مؤلف به عنوان تان جیادین ذکر شده است. یک سری منابع تمدن تانگ. ببینید، تودای کنکیو نو شیوری را ببینید.

۱۹۷۱ تنگ سو یو بیگراستاف نایت (پروفسور).

کتابشناسی تفسیر شده از منابع آثار و نوشته های منتخب چینی، انتشارات دانشگاه هاروارد، کمبریج ماه مه ۱۹۷۱ چاپ سوم.

تودای کنکیو نو شیوری (مجموعه منابع تمدن Tang). جلد ۱۲. نوشته ی هیرائوکا تاکتو و دیگران. کیوتو دایگاکو جینبون کاکاکو کنکیوشو. کیوتو، ۱۹۵۴-۱۹۶۵.

تسوکا موتو زنیو (۱۸۹۸-۱۹۸۰)

۱۹۳۷ Hoku Taibu-tei no haibutsu kaishaku (تعقیب و آزار بودائیان توسط امپراتورتای وو Tai-wu از وای شمالی Northern Wei . Shina bukkyo . shigaku (نشریه تاریخیچه ی بودیزم چین). ۱، ۴، (دسامبر ۱۹۳۷ صفحات ۱۰۴-۱۲۲) همچنین شامل، تسوکا موتو ۱۹۴۲ صفحات ۱۳-۹۷ و سال ۱۹۷۴ صفحات ۳۷-۶۶ می شود.

۱۹۳۹ هو کو-گی نو بوکیو-هی (شورش های بودایی در وای شمالی). Shina bukkyo shigaku (ژورنال تاریخیچه بودیزم چینی) ۳، ۲ (جولای ۱۹۳۹) صفحات ۱-۳۸ همچنین شامل تسوکا موتو ۱۹۴۲ صفحات ۲۴۱-۲۹۱ و تسوکا موتو b ۱۹۴۲-۹۷۴ جلد دوم صفحات ۱۴۱-۱۸۵.

۱۹۴۲ - Shina bukkyo-shi kenkyu. Hoku-Gi hen (مطالعاتی در مورد تاریخیچه ی بودیزم چینی وای شمالی) Kobundo- Tokyo ۱۹۴۲ سومین چاپ جدید ۱۹۶۹، بیشتر شامل تسوکا موتو b ۱۹۷۴ جلد ۲.

۱۹۴۹ Hoku- Shu no shukyo haiki seisaku no hokai (فروپاشی سیاست سلسله ژو شمالی در رابطه با اذیت و آزارهای مذهبی)، بوکیو شیگاکو (۱۹۴۹)

صفحات ۳-۳۱ و همچنین، در اثر تسوکا موتو، b-۱۹۷۴، جلد دو، صفحات ۶۴۱-۶۷۱. شامل.

۱۹۶۱، ۱۹۷۴a، ۱۹۹۰ گیشو شاکو-رو-شی نو کنکیو (مطالعاتی در مورد رساله ایی پیرامون بودا و آیین تائو در وای شو). شامل تسوکا موتو b-۱۹۷۴ جلد ۱. چاپ جدید در مجموعه های دانشگاه توکیو شماره مجموعه ۵۱۵ با عنوان گیشو شاکو-رو-شی. Heibonsha- Tokyo ۱۹۹۰ براساس چاپ مجدد سال ۱۹۷۴. و شامل اصلاحات و نوشته های اضافی توسط چیکوسا ماساکیمی باشد.

۱۹۶۸ تاریخچه ی کلی و عمومی بودیزم چینی، Chugaku bukkyo tsushi, by Suzuki gakuju, ۱۹۶۸. جلد اول، سوزوکی گاکوجوتسو، توکیو-زایدان، ۱۹۶۸. بقیه ی جلد ها چاپ و منتشر نشدند. جلد کنونی توسط لئون هورویتز Leon Hurwitz به انگلیسی ترجمه شد. تسوکا موتو سال ۱۹۸۵ را ببینید.

b ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۱۹۷۶ تسوکا موتو زرنیو Tsukamoto Zenryu chosaku shu. (مجموعه آثار تسوکا موتو). جلد ۷. دایتو شوپانشا توکیو ۱۹۷۴ جلد های ۱ (۲)، (۳)، (۴) (۱۹۷۵ جلد های ۳، ۵، ۷، ۱۹۷۶ (جلد ۴))

۱۹۸۵ تاریخچه ی بودیزم اولیه چینی از مقدمه اش تا مرگ هوئی یوان در دو جلد، ترجمه شده از تسوکا موتو ۱۹۶۸، توسط لئون هورویتز، انتشارات بین المللی، توکیو.

۱۹۷۹a دنیس تویچر، تاریخچه کمبریج چین. جلد ۳. سلسله تانگ و سوی چین ۵۸۹-۹۰۶ قسمت اول، انتشارات دانشگاه کمبریج، کمبریج، ۱۹۷۹.

b ۷۹۷۹ هسوان تسونگ (سلطنت ۷۱۲-۷۵۶) در تویچر، ۱۹۷۹a، صفحات ۳۳۳-۴۶۳.

۱۹۸۴ اودا تادایشی (پژوهشی در فرهنگ های لغت هم قافیه ی گمشده)، کیوکو شوئین، توکیو-۱۹۸۴

۱۹۷۱ هوئی هاکوچو (۱۹۶۳-۱۸۸۲) Ui Hakuju. (پژوهشی در مورد آن شیگائو، اولین مترجم و اولین انتشار دهنده بودای چین). نسخه ی یاکو-ششی کنکیو پس از مرگش منتشر شد. (مطالعه ایی در مورد تاریخچه ترجمه های سوره ها - ایوانامی شوتن، توکیو ۱۹۷۱ صفحات ۱-۴۶۷). نکات تکمیلی توسط ویراستار در صفحات

۵۴۳-۵۴۶ کتاب پیدا می شوند.

۱۹۹۳ وانگ بانگ وایان شی سنگ یوزاتوکی ژونگیو فوجیائو (آن شیگائو و هم میهنانش، بودایی های اهل پارت در بودیزم اولیه چین سهم و نقش داشتند). در یا یلیانگ. یلانگشو زای ژونگگئو لونونجی (مجموعه مقالاتی در مورد مطالعات درباره ایرانی ها در چین). انتشارات دانشگاه پکن ۱۹۹۳، صفحات ۸۳-۹۲ ((خلاصه ایی در نسخه ی انگلیسی صفحات ۹۲-۹۳)).

۱۹۸۱ وانگ لیکینگسو تونگی جیاوژو، (معنی کلی آداب و رسوم. تلفیق داده شده و تفسیر شده). جلد ۲. ژونگهوا شوچو پکن ۱۹۸۱ را ببینید. (کتابشناسی A). همچنین "آنون" ۱۹۴۵ را ببینید.

۱۹۸۴ وانگ شومین Wang Shumin. shi zhaji) nianer shi zhaji jiaozheng گردآوری و تالیف شده. جلد ۲. (کتابشناسی A) را ببینید.

۱۹۳۳ جیمز وارهای شو در مورد بودیسم. تئونگ پائو xxx (۱۹۷۳)، صفحات ۱۰۰-۱۸۱.

۱۹۷۳ چارلز ویلمن. مقدمه ایی به کتاب دارما پادا (راه حق) اثر فا-چو چینگ و چئو-یائو چینگ، تئونگ پائو، LIX (۱۹۷۳) صفحات ۲۰۳-۲۱۹.

۱۹۳۳ شیان دا. (چانگان و تمدن مناطق غربی در دوره ی تانگ). چاپ ویژه، شماره ۲. ۱۹۳۳. باز انتشار از یانجینگ شوبائو (با تغییرات سرمقاله ایی و برخی ضمائم) در کتابی با همین نام، با مقالات دیگر، پکن ۱۹۵۷، چاپ مجدد ۱۹۷۹.

۱۹۷۹ تانگدای چانگان یو ژیبوونینگ (چانگان و تمدن مناطق غربی در دوره تانگ)، پکن ۱۹۵۷، چاپ مجدد ۱۹۷۹. شامل شیانگدا ۱۹۳۳ و دیگر مقالات با تغییرات سرمقاله ای و برخی ضمائم.

۱۹۷۸ شییه هایپینگ، موضوعاتی در مورد زندگی بیگانگان که در دوره ی تانگ ساکن چین شدند. (انتشارات تجاری) تاییه ۱۹۷۸.

۱۹۵۶ یان گنگوانگ، (جدولها و فهرست وزرای و نخست وزیران دوره تانگ) در ۴ جلد، انتشار ویژه (ژوانکان) شماره ۳۶، تاییه ۱۹۵۶.

۱۹۶۱ یانگ لین-سنگ، پناهندگان در تاریخ چین، نشریه هاروارد در مورد مطالعات آسیای، ۱۵ (۱۹۵۲)، صفحات ۵۰۷-۵۲۱، منابع و مراجع در چاپ مجدد مطالعات یانگ لیان-سنگ در تاریخ سازمانی چین آورده شده اند. انتشارات دانشگاه هاروارد، کمبریج، ۱۹۶۱ صفحات ۴۳-۵۷.

یان شوچینگ (۱۸۳۹-۱۹۱۵) و شیونگ هویتون (تاریخ ۱۹۳۶). ۱۹۸۹ شوئی جینگ ژو شو در ۳ جلد. تفسیری در مورد نوشته هایی برای کتاب واتروی (راه آبی) (نگاهی به رساله ی شوچینگ شو بیندازید) بررسی و نقطه گذاری شده توسط دوآن شیژونگ، بررسی دوباره توسط چنکیائوی.

۱۹۶۲ یائو وای یوآن

بای-چائو هو شینگ کائو (مقاله ایی در مورد نام های خانوادگی خارجی در طول سلسله پادشاهی شمالی). ژونگ هوا، پکن ۱۹۶۲.

۱۹۸۶ یو، یینگ-شی، روابط خارجی سلسله "هان" در فوئیچت و لوئه وی در سال ۱۹۸۶، صفحات ۳۷۷-۴۶۲.

۱۹۸۴ ژانگ چنشی، دنکی جی کائو رنمین سئوین، نگاهی به دنکی جی کائو (کتابشناسی A) بیندازید.

۱۹۹۱ تانگ هوئی یائو شوئین فهرست نام تانگ هوئی یائو (کتابشناسی A)، انتشارات ژونگهوا شوگو، پکن ۱۹۹۱.

۱۹۷۳ ژانگ کی یون (سردبیر)، ژونگ ون دا سیدیان (حاوی دیکشنری دانشنامه زبان چینی) در ۱۰ جلد. تاییه ۱۹۷۳ هفتمین چاپ مجدد ۱۹۸۵

۱۹۸۶ ژانگ وان کی، سه جلد-نشر: شانگهای گوجی چوبانشی-شانگهای، ۱۹۸۶.

۱۹۴۳ ژانگ وای (۱۸۹۱-؟)، (کاتالوگی در مورد علم سنگ نبشته خوانی "لونگیو"، در ۱۰ خوان)، ضمائم، جیائو بو در یک خوان مقدمه ۱۹۳۸، چاپ ۱۹۴۳ تولید دوباره در "شیکه شیلیائو شین بیان"، اولین مجموعه، جلد ۲۱ صفحات ۱۵۹۲۳-۱۶۳۴۱.

۱۹۸۶ ژائو لی سنگ، ون یوچنگ (وفات نامه ای که جدیداً از یک مقبره حفر شده

بدست آمده است و مربوط به تاریخ سلسله تانگ و آسیای مرکزی است). [شی بای شیدی] [بررسی تاریخ و جغرافیای شمالی-غربی چین، ۳، ۱۹۸۶ صفحات ۱۹-۲۰].

۱۹۸۲ ژائو ژنهوآ، "آن-پو" موژی چو تان (یادداشت هایی در مورد وفات نامه مقبره ی "آن-پو". Zhongyuan wenwu (آثار مقدس فرهنگی از دشت های مرکزی)، صفحات ۳۷-۴۰. ژائو ژنگشین Zhao Zhengxin pp ۳۷-۴۰ نگاهی به چائو چن-سین بیندازید.

۱۹۹۲ ژوشائو لیانگ (ویرایش به کمک ژائو چائو). تانگدای موژی هوئیپیان (مجموعه کتبه های مراسم تشییع جنازه تانگ)، در ۲ جلد، شانگهای گوجی، شانگهای، ۱۹۹۲.

۱۹۸۳ ژو زومو Zhou Zumo (دانشنامه)، (Tang تانگ و پنج کتاب قافیه ی سلسه ها)، در ۲ جلد، انتشاراتی ژونگهوا شوگو، پکن ۱۹۸۳.

۱۹۵۹ اریک زورچر Erik Zurcher، فتح بودائی چین. انتشار و پذیرش آئین بودا در اوایل قرون وسطا چین در ۲ جلد، نشریریل-لیدن (هلند) ۱۹۵۹.

۱۹۹۲ نگاهی جدید به متون اولیه ی بودای چینی. در ویرایش کویچی شینوهارا و گرگوری شوین از بنارس تا بیجینگ. مقالاتی در مورد بودیزم و مذهب چین، انتشارات موزاییک، اوک ویله، نیویورک-لندن ۱۹۹۲، صفحات ۲۷۷-۳۰۴.

معرفی نویسنده

از منظر معبد سوگن جی-ژاپن

خسرو دهدشت حیدری، که نام منصبی وی «دوتسو ذنجی Dotetsuzenji» است، از اندک ایرانی‌هایی است که مکتب ذن بودیسم را در فرقه‌ی «رینزایی-ذن Rinzai-Zen» در سال ۱۹۸۵ و در معبد سوگن جی در آکایاما ژاپن (وابسته به معبد بزرگ میوشین جی) و زیر نظر استاد مشهور ذن «هارادا شودو روشی Harada Shodo Roshi» به مدت سه سال فرا گرفت و موفق به دریافت درجه‌ی استادی ذن از معبد سوگن - جی شد.

وی در سال ۱۹۷۸ در رشته فلسفه از دانشگاه «عثمانیا» فارغ‌التحصیل شد و به مدت بیست و یک سال به کار آموزش در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های آزاد اشتغال داشت. هنگام تحصیل در کشور هندوستان با بعضی از مکاتب و مدارس روحی آشنا شد و تکنیک‌های آنها را آموخت از جمله، مراقبه‌ی اشراقی (T.M) زیر نظر شاگردان ماها ریشی. سه تکنیک مهم اشو راجنیش (کندالینی - دینامیک - راز گل سرخ) را زیر نظر مستقیم این استاد آموخت و در فعالیت‌های یوگا زیر نظر شاگردان ساتیا ناند ساراسوامی نیز شرکت کرد. سپس به کشورهای تایلند، نپال و سری‌لانکا سفر کرد. در آن‌جا با استادان مکتب تراوادا Theravada در خلوت‌گزینی‌های طولانی شرکت نمود. او پس از این سفرها و دوره‌های طولانی، بار دیگر به ژاپن بازگشت و آموزه‌های پیش‌تری را در معبد سوگن جی دریافت کرد. او اکنون از محققین و استادان مجمع رینزایی ذن ژاپن است. فعالیت‌های وی به شکل عمده در خصوص «ذن‌درمانی» است که با آموزه‌ای نوین و خلاق، با نام «آموزه‌ی اراقامی» برگرفته از آموزه‌های آنشی گائو فرزانه پارسی برای رسیدن به بیداری اراده شده‌است و مورد تایید و تحسین همگان است.

Sogenji Zen Monastery
Maruyama- Okayama, Japan 1069



از راست به چپ: دوتسو ذنجی (راهب ایرانی ذن)، استاد هارادا شودو روشی (استاد ذن)، بودیدهارما ذنجی (راهب هندی ذن) در معبد سوگن جی (دسامبر ۲۰۱۷)



نشر مهـری

منتشر کرده است:

مجموعه داستان کوتاه

مردگان سرزمین یخزده • بهار بهروز گهر
در من زنی زندگی می‌کند • مژده شبان
الفبای گورکن‌ها • هادی کیکاووسی
روزی که مادر سگ شدم • نوشابه امیری
هلنا گذاشت و رفت • سانانیک یوس
مردی آن‌ور خیابان زیر درخت • بهرام مرادی
خنده در خانه‌ی تنهایی • بهرام مرادی
آن زن بی‌آنکه بخواهد گفت خدا حافظ و دختری بنام بی‌بی بوتول دزفولی
• عزت گوشه‌گیر
روزی روزگاری رشت • مه‌کامه رحیم‌زاده
داستانی برای مردگان • رضا نجفی
گرد بیشه • رضا مکوندی
کلاغ‌های پایتخت • لیلا اورند
ریچارد براتیگان در تهران • حامد احمدی
پشت چشمان یخزده • نگار غلامعلی‌پور
اما من حرفامو تو دلم می‌گفتم • فرامرز سیدآقایی
دو زن در میانه‌ی پل • نیلوفر شیدمهر
کافه در خاورمیانه • سعید منافی
اشک‌های نازی • رضا اغنمی
سیندرلا بعد از نیمه شب • فرزانه گلچین
سوت • فریبا منتظر ظهور

داستان - ترجمه

رمان

سرای شایندر • محمد حیاوی، ترجمه‌ی غسان حمدان
پرنده شب • اینگه بورک بایر، ترجمه‌ی گلناز غبرایی
حرامزاده‌ی استانبولی • الیف شافاک، ترجمه‌ی گلناز غبرایی
گوآپا • سلیم حداد، ترجمه‌ی فرزاد کوهسار
سودایی • جی ام. کوتسی، ترجمه‌ی محسن مینوخرد
مجازات غزه • گیدئون لوی، ترجمه‌ی فرهاد مهدوی

داستان بلند

آلتس لند • دورته هانس، ترجمه‌ی گلناز غبرایی
زن تخم مرغی • لیندا. دی. کرینو، ترجمه‌ی میم. دمام
گنگستر • کلایو کاسلر و جاستین اسکات، ترجمه‌ی فریده چاجی

تاریخ - پژوهش - نقد و نظر

واگرایی عمیق در خاورمیانه • نویسنده: تیمور کوران، مترجم: سیدمهدی

میرحسینی

نگاهی به تاریخ و تمدن آریایی • امامعلی رحمان
بررسی تاریخی، هرمنوتیک و جامعه‌شناختی قرآن • جلال ایجاد
داستان شهر ممنوعه (پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران) • کامیل
احمدی

نواندیشان دینی، روشنگری یا تاریک اندیشی • جلال ایجاد
من و کوزه (شکل و ساخت داستانی ترانه‌های خیام) • حسین آتش‌پرور
رادی‌کال دهه ۷۰ • مهدی یوسفی (میم. نازا)
دگرباشان جنسی در ادبیات تبعید ایران • اسد سیف
افسون‌زدایی از افسانه‌ها؛ نقد و متن‌شناسی رمان‌های معاصر ایران • جواد
پویان

مروری بر حملات اسکندر، اعراب و مغول به ایران و سقوط سلسله‌های
هخامنشی، ساسانی و خوارزمشاهی • گردآورنده: فریدون قاسمی
واکاوی نقد ادبی فمینیستی در ادبیات زنان ایران (مجموعه‌ی مقالات) •
آزاده دواچی



MEHRI PUBLICATION

Research * 5

An Shigao; The Parthian Buddha

By: Khosrow Dehdasht Heidari
(Dotetsuzenji-Iranian Zen monk)

ISBN: 978-1-64255-835-7
Printed in United Kingdom, 2018

| Cover Designer: Reza Zavvari |
| Page Layout: Christian Rezaie |

Copyright© Khosrow Dehdasht Heidari, 2018
© 2018 by Mehri Publication Ltd. Registered
number: 10972087 \ England.
All rights reserved.

No part of this book may be reproduced or
transmitted in any form or by any means,
electronic or mechanical, including
photography and recording, or
in any information storage or
retrieval system without the
prior written permission of
Mehri Publication.



www.mehripublication.com
info@mehripublication.com

رساله یک کلمه (میرزا یوسف مستشارالدوله) • به کوشش باقر مؤمنی
در همسایگی مترجم (گفت و گو با سروش حبیبی) • نیلوفر دهنی
سایه های سوشیانت (منجی گرای در فرهنگ خودی) • س. سیفی
ادبیات و حقیقت (درباره آثار سینمایی و ادبی عتیق رحیمی، برنده افغان
جایزه گنکور) • نیلوفر دهنی
کتابی برای کتاب ها • اسد سیف
آیین های روسپیگری و روسپیگری آیینی • س. سیفی
ایران و اقوامش: جنبش ملی بلوچ • محمدحسن حسین پور
چهره ای از شاه (زندگانی، ویژگی های اخلاقی و کشورداری محمدرضا شاه
پهلوی) • هوشنگ عامری
غرور و مبارزه ی زنان (تاریخ انجمن زنان فمینیست در نروژ از ۱۹۱۳)
الیزابت لونو، ترجمه ی مهدی اورند، متین باقرپور
زنان مبارز ایران، از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی • بنفشه حجازی
آن شی گائو، بودای پارسی • خسرو دهدشت حیدری (دوتتسو ذنجی)
کتاب سنج چهارم • رضا اغنمی (نقد و بررسی کتاب)
جستارها در زبان و تاریخ فرهنگ پارسی • مسعود میرشاهی (نقد ادبی)
خرافات به مثابه ایدئولوژی در سیاست ایرانیان از مجلسی تا احمدی نژاد
علی رهنما
تاریخ غریب، خاطرات شاه نادر کیانی • به کوشش مسعود میرشاهی
بانگ نوروزی در پرده واژه ها • مسعود میرشاهی
نور مایل و سایه ها • نسرين ترابی (مجموعه مقالات)
سرگذشت شعر پارسی از سنگ تا چاپ سنگی • محمود کویر

Research - History

The Right to Primary Education for Children with Disabilities in Iran

• Parastoo Fatemi

The Forgotten Conquerors (Tales From The Castle Of The Moat) •

George Sfougaras

Kings, Whores And Children: Passing Notes On Ancient Iran And The
World That We Live In • Touraj Dary

An Shigao; The Parthian Buddha

Khosrow Dehdasht Heidari

(Dotetsuzenji-Iranian Zen monk)



An Shigao; The Parthian Buddha

Khosrow Dehdasht Heidari

(Dotetsuzenji-Iranian Zen monk)



ISBN 978-1-64255-835-7



9 781642 558357

این اثر در پی آگاهی‌رسانی تاریخی- فرهنگی با رویکردی تاریخی به دستاوردهای شاهزاده‌ای اشکانی آن‌شی‌گائو از سرزمین پارس است. آن‌شی‌گائو تحولاتی ست‌رگ در بودیسم چینی ایجاد کرد که به سایر نقاط خاور دور گسترش یافتند. در این نوشتار سعی کرده‌ام تا معلومات موجود درباره آن‌شی‌گائو در متون کهن و معاصر را یک‌جا جمع‌آوری کنم. بنابراین، کتاب حاضر مجموعه‌ای است از منابع، اشارات، شواهد ادبی، سنگ‌نبشته‌ها، نام‌ها و شخصیت‌ها و ارتباط بین آن‌ها در رابطه با این شاهزاده‌ی پارسی. در تدوین این مجموعه تلاش کرده‌ام تا با تکیه بر ارجاعات و اسناد معتبر حقایق پنهان شده در زیر غبار تاریخ را در مقابل دیدگان جهان قرار دهم....



Mezgar Press Zarnen



mehripublication@gmail.com